



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



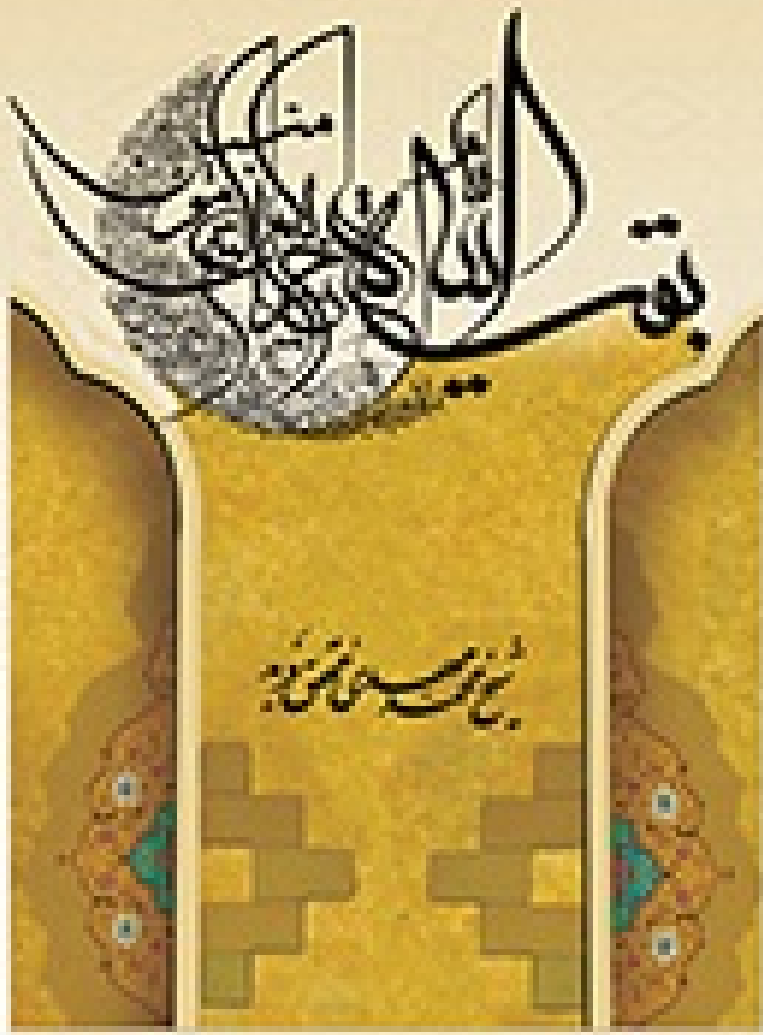
عزیزان
علیهم الصلوات
والتسلیمات

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

تَقَطُّرٌ

مجله آگاهی مردمی

اما زمان من در زندگی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نقش امام زمان (عج) در زندگی من

نویسنده:

محمد مهدی محقق فرید محقق

ناشر چاپی:

استوار

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	نقش امام زمان (عج) در زندگی من
۷	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۱۱	فهرست کتاب
۱۴	مقدمه‌ی مؤلف
۱۸	مقدمه
۱۸	اشاره
۲۲	شناختی اجمالی
۲۲	اشاره
۲۵	غیبت امام زمان عجل الله فرجه الشريف
۳۰	ظهور امام زمان عجل الله فرجه الشريف
۳۳	قیام امام زمان عجل الله فرجه الشريف
۳۷	نقش امام زمان عجل الله فرجه الشريف در عالم
۴۴	بخش اول: گذشته‌ی من
۴۴	اشاره
۴۶	مقدمه
۴۷	هدف از خلقت من
۵۰	فصل اول: خلقت روح من
۵۲	فصل دوم: امتحانات من در عوالم گذشته
۵۶	فصل سوم: ولادت من
۶۰	فصل چهارم: دوران کودکی من
۶۲	بخش دوم: حال من
۶۲	اشاره

۶۴	فصل اول: رزق و روزی من
۷۰	فصل دوم: مقدرات من
۷۶	فصل سوم: اعمال من
۸۰	فصل چهارم: معاصی و گناها ن من
۸۴	فصل پنجم: دعاها، حوائج و نیاز های من
۹۸	فصل ششم: ابلیس و هوای نفس من
۱۰۴	فصل هفتم: حادثه ها، گرفتاری ها، بلاها و بیماری های من
۱۰۶	فصل هشتم: هدایت من
۱۲۲	فصل نهم: آرامش و طمأنینه ء من
۱۲۶	فصل دهم: دین من
۱۴۹	فصل یازدهم: قرآن من
۱۵۵	فصل دوازدهم: علم و دانش من
۱۶۱	بخش سوم: آینده‌ی من
۱۶۱	اشاره
۱۶۳	فصل اول: قبر، برزخ و قیامت من
۱۷۷	گفتار آخر
۱۷۷	اشاره
۱۷۹	فصل اول: انتظار
۱۸۳	فصل دوم: لحظه شماری تا ظهور
۱۸۶	اشعار
۱۹۷	متن های عربی
۲۵۴	فهرست آیات
۲۵۵	فهرست منابع
۲۶۲	لیست بعضی از کتابهای مرجع و مفید تألیف شده
۲۶۸	درباره مرکز

نقش امام زمان (عج) در زندگی من

مشخصات کتاب

سرشناسه : محقق فرید، محمد مهدی

عنوان و نام پدید آور : نقش امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در زندگی من / محمد مهدی محقق فرید.

مشخصات نشر : مشهد: استوار، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری : ۲۴۶ص.

شابک : ۲۶۰۰۰ ریال ۹۷۸-۶۰۰-۵۴۹۱-۲۲-۷

یادداشت : بخشی از کتاب به زبان عربی است.

موضوع : محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق -

موضوع : محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. - - کرامت ها

موضوع : احادیث شیعه -- قرن ۱۴

رده بندی کنگره : ۵۱BP/م۳۱۸ن۸ ۱۳۸۸

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۵۹

شماره کتابشناسی ملی : ۲۰۱۲۱۲۸

ص: ۱

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

نقش امام زمان در زندگی من

شیخ محمد مهدی محقق فرید

فهرست کتاب

مقدمه‌ی مؤلف ۷

مقدمه ۱۱

شناخت اجمالی ۱۵

غیبت ۱۸

ظهور ۲۳

قیام ۲۶

نقش امام زمان (علیه السلام) در عالم ۳۰

نقش امام زمان علیه السلام در زندگی من

بخش اول: گذشته‌ی من

مقدمه: ۳۹

هدف از خلقت من ۴۰

فصل اول: خلقت روح من ۴۳

فصل دوم: امتحانات من در عوالم گذشته ۴۵

فصل سوم: ولادت من ۴۹

فصل چهارم: دوران کودکی من ۵۳

ص: ۶

بخش دوّم: حال من

فصل اوّل: رزق و روزی من ۵۷

فصل دوّم: مقدرات من ۶۳

فصل سوّم: اعمال من ۶۹

فصل چهارم: معاصی و گناهان من ۷۳

فصل پنجم: دعاها، حوائج و نیازهای من ۷۷

فصل ششم: ابلیس و هوای نفس من ۹۱

فصل هفتم: حادثه ها، گرفتاری ها، بلاها و بیماری های من ۹۷

فصل هشتم: هدایت من ۹۹

فصل نهم: آرامش و طمأنینه‌ی من ۱۱۵

فصل دهم: دین من ۱۱۹

فصل یازدهم: قرآن من ۱۳۷

فصل دوازدهم: علم و دانش من ۱۴۳

بخش سوّم: آینده‌ی من:

فصل اوّل: قبر، برزخ و قیامت ۱۵۱

گفتار آخر:

فصل اوّل: انتظار ۱۶۷

فصل دوّم: لحظه شماری تا ظهور ۱۷۱

اشعار ۱۷۵

متن های عربی ۱۸۱

فهرست آیات ۲۲۲

فهرست منابع ۲۲۳

لیست کتابهای تألیف شده پیرامون امام زمان (علیه السلام) ۲۳۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه‌ی مؤلف

بعد از حمد و ثنای الهی و درود و رحمت بر رسول خدا و اهل بیت گرامیش بخصوص امام زمان حضرت مهدی روحی له الفداء می گویم:

بسیار دوست می داشتم کتابی در جهت کمک به برقراری ارتباط بیشتر بین دوستداران حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با ایشان داشته باشم که این توفیق نصیبم گشته و با استعانت از خدای متعال و اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) به این مهم پرداختم و در این راستا تمام سعی و تلاش خود را به کار گرفتم تا آنچه را به رشته‌ی تحریر در می آورم همگی برگرفته از روایات و احادیث معتبر بوده و از پیش خود چیزی ننویسم، فلذا زمان زیادی را به این موضوع اختصاص داده و ترجمه‌ی روایات را در پاورقی و متن عربی آن را در انتهای کتاب آوردم که جای هیچ شک و شبه ای برای جاهلان عالم نما در مُستند بودن آنچه می گویم باقی نماند.

و قابل ذکر است که مسلماً صفاتی که در پاورقی ها برای یک امام خاص یا همه‌ی ائمه (علیهم السلام) ذکر شده است امام زمان (علیه السلام) نیز در آن مشترک می باشند؛ چرا که همه‌ی ایشان نور واحد هستند و در صفات و فضائل با هم یکسانند.

در اینجا از استاد گرانقدر جناب آقای افغانی حفظه الله تعالی که مشوق اصلی من در تألیف این رساله بوده اند صمیمانه تشکر و قدر دانی می نمایم و از خداوند متعال می خواهم که من و ایشان و شما خواننده‌ی منتظر و خدمتگزار به صاحبان امام زمان (علیه السلام) را جزء اصحاب خاص ایشان قرار دهد.

شیخ محمد مهدی محقق فرید

ص: ۹

مقدمه

شناخت اجمالی: غیبت ، ظهور و قیام

نقش امام زمان علیه السلام در عالم

از آنجا که دشمنان اهل بیت و عترت پاک پیامبر عظیم الشان اسلام، حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) که بنای مخالفت با آل محمد (علیهم السلام) را در محلی به نام سقیفه (۱) بنیان نهاده و خلافت را از اهلش غصب نمودند، تلاش داشته و دارند که فهم خود از امام و امامت را، به پیروان ایشان - که حاضر به دست برداشتن از امام خود نشدند - تعلیم نمایند و امامی را به آنان معرفی کنند، که تنها راه دسترسی به او حضور و ملاقات جسمی و اصطلاحاً فیزیکی است.

و چنین القا نمایند که ارتباط با امام عصر (علیه السلام) در زمان غیبت، جز برای

۱- سقیفه بنی ساعده جایگاهی بوده است به صورت سایه بان در مدینه منوره که ابوبکر و عمر و سعید بن عباده و عُبَیْدَه بنِ جَرَّاح و عدّه ای دیگر از دشمنان و منافقین بعد از رحلت رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) در آنجا گرد هم آمدند تا نقشه هائی را که برای غصب خلافت ریخته بودند، اجرا نمایند. و این در حالی بود که امیر المؤمنین علی (علیه السلام) بارها و بارها خصوصاً در غدیر خم به طور رسمی به عنوان خلیفه و جانشین پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) معرفی شده بودند و در آن زمان مشغول خاک سپاری و دفن آن وجود مقدّس بودند، و آنها پس از مدّتی بحث و جدل ابوبکر را به عنوان خلیفه، برگزیده و با او بیعت نمودند! (کتاب سلیم: ص: ۱۴۰، احتجاج: ج: ۱ ص: ۹۱، مرصد الاطلاّع: ج: ۲ ص: ۷۲۱) و قابل ذکر است: اوّلین کسیکه پس از انتخاب ابوبکر، در مسجد با او بیعت نمود ابلیس لعین بود که به صورت پیرمرد عابدی در حالیکه گریه می کرد رو به ابوبکر نموده و گفت: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يُمِثْنِي مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى رَأَيْتُكَ فِي هَذَا الْمَكَانِ» یعنی خدا را شکر که قبل از اینکه مرگم فرا برسد تو را در این مکان دیدم، آنگاه دست به دست او داده و با او بیعت نمود!!! (کافی: ج: ۸ ص: ۳۴۳ ح: ۵۴۱)

عده ای که موفق به دیدن آن حضرت شده اند، میسر نیست، و در نهایت ارتباط با آن حضرت را خلاصه کنند در رؤیت جسم آن حضرت، که نتیجه‌ی آن قطع ارتباط دوستان و شیعیان، با آن حضرت است که موجب گردیده است تا عده ای دنیا طلب نیز از این فرصت استفاده نموده و خود را به عنوان واسطه، بین مردم و آن حضرت معرفی نمایند و - اصطلاحاً - از آب گل آلود ماهی بگیرند.

فلذا بر آن شدیم - تا به عنایت و مَدَد خود آن حضرت - در این مجموعه، به شما که - در دوره‌ی غیبت امام عصر (علیه السلام) زندگی می کنید، و تحت تأثیر تبلیغات هزار و چند صد ساله‌ی دشمنان قسم خورده‌ی اهل بیت (علیهم السلام) و مدّعیان علم و دانش و کسانی که به سوی خود دعوت کرده و می نمایند (۱) - از امام خویش غافل شده و راهی برای ارتباط با آن وجود مقدّس نمی بینید، امام زنده ای را معرفی کنیم که برای ارتباط با او، به هیچ واسطه ای نیاز نبوده و نیست، (۲) و همیشه در دسترس و همراه شماست.

۱- حدیث ۱: امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: از هر علم و دانشی مغز و روح آن را بگیرید، و پوسته و ظرفش را رها کنید؛ چرا که عُمر کوتاه بوده و علوم جهت یادگیری فراوانند. (نزهه الناظر و تنبیه الخاطر: ص: ۹) حدیث ۲: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: علم و دانش را از معدن آن بجوئید و از کسانی که در حاشیه هستند پرهیز نمائید؛ چرا که آنان شما را از خدا باز می دارند. (أصول سنّه عشر: ص: ۱۲۴ ح: ۱۱) حدیث ۳: پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: همانا ریاست جز برای اهلش صلاحیت ندارد، پس هر کس مردم را به سوی خود بخواند در حالیکه در میان مردم از او عالم تر و با صلاحیت تر باشد خداوند در روز قیامت نظر رحمت به او نمی کند. (اختصاص: ص: ۲۵۱)

۲- حدیث ۱: بُرَیْدِ عَجَلِی می گوید: از امام باقر (علیه السلام) سؤال نمودم در مورد گفتار خدای تعالی: «ای کسانی که ایمان آورده اید! تقوای الهی پیشه کنید و ملازم و همراه صادقین باشید»؟ ایشان در جواب فرمودند: مراد از «صادقین» در این آیه، ما اهل بیت هستیم (دَقّت کنید! فقط به همراهی و ملازمت با ائمه‌ی اطهار (علیهم السلام) امر شده است نه غیر ایشان). (بصائر الدّرجات: ص: ۵۱ ح: ۱) حدیث ۲: در زیارت جامعه‌ی کبیره آمده است: کسیکه با شما اهل بیت همراه باشد به شما پیوسته است، و هر کس از شما جدا شود گمراه می گردد و نیز هر کس به شما متمسک شود به رستگاری می رسد. (من لا یحضره الفقیه: ج: ۲ ص: ۶۱۲) حدیث ۳: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: راه نجات، فقط در همراهی و ملازمت با ما است. (مشارق انوار الیقین: ص: ۵۷)

آری! امامی که مصدر و مخرج همه‌ی فیوضات! (۱)

سرچشمه و منبع همه‌ی ارزشها و نعمتها! (۲)

۱- حدیث ۱: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: زمانی که خداوند اراده‌ی تحقیق و اجرای امری را داشته باشد ابتدا آن را بر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) سپس به امیر المؤمنین و سائر ائمه (علیهم السلام)، یکی پس از دیگری تا امام زمان (علیه السلام) عرضه می نماید، و پس از آن (توسط ملائکه‌ی الهی) به اهل دنیا عطا می شود. و نیز زمانی که ملائکه قصد بالا بردن عملی را به سوی پروردگار داشته باشند آن را به امام زمان (علیه السلام) عرضه داشته و آن حضرت نیز آن را به امام قبل از خود - همینطور تا رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) - عرضه می دارند، و آن حضرت نیز واسطه‌ی مستقیم به پروردگار می باشند، در نتیجه آنچه که از جانب خدای متعال به سوی خلق پائین می آید و از سوی خلق به سمت او بالا می رود به دست اهل بیت جاری شده و ایشان واسطه در نقل و انتقال آنند. (غیبت طوسی: ص: ۳۸۷، ح: ۳۵۱) حدیث ۲: در دعای ندبه آمده است: کجاست! آن سبب و وسیله‌ی متصل کننده‌ی بین آسمان و زمین. (مزار مشهدی: ص: ۵۷۹)

۲- حدیث ۱: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: ما چشمه های نعمت پروردگار هستیم. (مشارق انوار الیقین: ص: ۵۸) حدیث ۲: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: هر آنچه که به سوی اهل آسمانها و زمین خارج می شود از دریای رحمت ما اهل بیت سرچشمه گرفته و به واسطه‌ی ما به ایشان عطا می گردد. (مشارق انوار الیقین: ص: ۶۷)

خزینه دار همه‌ی علوم و معارف! (۱)

وارث همه‌ی پیامبران و اوصیای ایشان! (۲)

علت خلق همه‌ی مخلوقات! (۳)

ریشه و معدن همه‌ی خوبیها و خیرات! (۴)

و آشیانه‌ی اراده‌ی حق تعالی است. (۵)

۱- حدیث: در زیارت امام زمان (در سرداب مقدّسه می خوانیم: به درستی که تو گنجینه‌ی هر علم و دانشی می باشی. (مزار مشهدی: ص: ۵۸۷)

۲- حدیث: در زیارت جامعه‌ی کبیره می خوانیم: سلام بر وارثان پیامبران ... ، میراث نبوت در نزد شما است، و آنچه که بر پیامبران الهی نازل شده نیز پیش شما است. (من لا یحضره الفقیه: ج: ۲ ص: ۶۱۰)

۳- حدیث ۱: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: ما اهل بیت، علت به وجود آمدن همه‌ی مخلوقات هستیم. (بحار الأنوار: ج: ۲۶ ص: ۲۵۹ ح: ۳۶) حدیث ۲: امام باقر (علیه السلام) فرمودند: خداوند متعال فرموده است: به خاطر شما اهل بیت آغاز نمودم خلقت آنچه را که خلق نمودم. (بحار الأنوار: ج: ۲۵ ص: ۱۹ ح: ۳۱) حدیث ۳: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: خداوند متعال فرموده است: من دنیا و آخرت را به خاطر ائمه‌ی معصومین خلق نمودم. (مشارق انوار الیقین: ص: ۲۳۶)

۴- حدیث ۱: در زیارت جامعه‌ی کبیره آمده است: اگر از خیر، اسمی به میان آید شما اهل بیت، اول آن، و ریشه‌ی آن، و شاخه‌ی آن، و معدن آن، و جایگاه آن، و آخر آن می باشید. (من لا یحضره الفقیه: ج: ۲ ص: ۶۱۶) حدیث ۲: امام حسن مجتبی (علیه السلام) فرمودند: ما اهل بیت رحمت و معدن کرامت و جایگاه خیرات و خوبیها هستیم. (احتجاج: ج: ۱ ص: ۴۱۶)

۵- حدیث: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: به درستی که امام، آشیانه‌ی اراده‌ی خداوند است. (محتضر: ص: ۲۲۷ ح: ۲۹۶)

و اما شناختی اجمالی نسبت به این غریب همیشه آشنا!

«و ای کاش هرگز به این لقب خوانده نمی شدند!». (۱)

ایشان دوازدهمین وصی پیامبر بزرگوار اسلام، (۲) و خلیفه‌ی خدا بر تمامی مخلوقات می باشند (۳) که در سنّ پنج سالگی - پس از شهادت پدر بزرگوارشان امام حسن عسکری (علیه السلام) (۴) - امام ناطق گردیدند، بعد از اینکه امامی صامت بودند.

۱- حدیث: داود بن کثیر رقی می گوید: از امام موسی بن جعفر (علیهما السلام) درباره‌ی صاحب این امر (یعنی امام زمان (علیه السلام)) پرسیدم؟ حضرت فرمودند: او رانده شده از میان مردم! بی کس! تنها! غریب! و غایب از خاندان خود! و خونخواه پدرش می باشد. (کمال الدین: ص: ۳۶۱: ح: ۴)

۲- حدیث: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: امامان بعد از من دوازده نفر هستند که اولین ایشان علی بن ابی طالب و آخرین ایشان قائم می باشد. (من لا یحضره الفقیه: ج: ۴ ص: ۱۷۹: ح: ۵۴۰۶)

۳- حدیث ۱: در زیارت امام عصر (می خوانیم: سلام بر تو ای حجت خدا بر زمینیان و آسمانیان، شهادت می دهم که حقیقتاً تو حجت خدا بر گذشتگان و آیندگان هستی. (مزار مشهدی: ص: ۵۸۷) حدیث ۲: در زیارت جامعه‌ی کبیره می خوانیم: سلام بر حجت های خدا بر اهل دنیا و آخرت، شهادت می دهم که شما حقیقتاً حجت های خداوند بر مخلوقاتش می باشید. (من لا یحضره الفقیه: ج: ۲ ص: ۶۰۹)

۴- زمان ولادت امام زمان (علیه السلام) در نیمه‌ی شعبان سال دویست و پنجاه و پنج هجری قمری می باشد، و مادر ایشان کنیزی به نام نرجس بوده اند، و عمر آن حضرت در زمان شهادت پدر بزرگوارش پنج سال بوده است. (ارشاد: ج ۲ ص: ۳۳۹) حدیث: ابو حمزه‌ی ثمالی می گوید: به امام باقر (علیه السلام) گفتم: حضرت مهدی در چه سنّی بالغ شده و به امامت می رسند، حضرت فرمودند: همانا خدای متعال عیسی بن مریم را در حالیکه دو سال بیشتر نداشت به نبوت و رسالت مبعوث کرده و کتاب و شریعت به وی عطا نمود، پس کم بودن سنّ امام ضرری برای او نداشته و نقص و ایرادی محسوب نمی شود. (هدایت کبری: ص: ۳۶۰)

بله، درست خواندید! امام ناطق!

چرا که ایشان - بر خلاف تصوّر بعضی ها که گمان می کنند آن حضرت تا قبل از رسیدن به امامت رسمی، فردی هستند مثل دیگران و تفاوتی با بقیه مردم ندارند - همه‌ی خصوصیات یک امام را به عنوان خلیفه‌ی تامّ الاختیار بر خلافت، مانند علم غیب، عصمت مطلقه، ولایت مطلقه، قدرت، شجاعت و سایر صفات، دارا هستند؛ و تنها چیزی را که بالفعل ندارند، عبارتست از: اذن در اجرا و شروع خلافت و حاکمیت بر مردم. (۱)

و این درست مانند آن است که عدّه ای گمان می کنند پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در سنّ چهل سالگی به پیامبری رسیدند، در حالیکه هرگز چنین نبوده! و کسانی که اینگونه در مورد پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) سخن می گویند و مطلب می نویسند، اطلاع درستی در این رابطه ندارند و واقع و حقیقت امر چیز دیگری است؛ چرا که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) قبل از آفرینش این جهان خلق شده و خود شاهد آفرینش هستی بوده اند و فرموده اند: «أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ نُورِي» (۲). یعنی: اولین چیزی که خداوند خلق نمود، نور من بود. و نیز فرموده اند: «كُنْتُ نَبِيًّا وَآدَمَ بَيْنَ الْمَاءِ

- ۱- حدیث ۱: هشام بن سالم می گوید: به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم: آیا ممکن است در یک زمان دو امام باشند؟ آن حضرت فرمودند: خیر، مگر آنکه یکی از آن دو خاموش بوده و از دیگری پیروی نماید و دیگری ناطق و پیشوای وی باشد، اما در یک زمان دو امام ناطق نخواهد بود. (کمال الدین: ص: ۴۱۶: ح: ۹) حدیث ۲: امام کاظم (علیه السلام) فرمودند: اگر به ما برای سخن گفتن اذن داده می شد دیگر شکی باقی نمی ماند. (کمال الدین: ص: ۴۳۰: ح: ۵)
- ۲- (بحار الأنوار: ج: ۲۵ ص: ۲۲).

وَالطِّينِ» (۱) یعنی: من پیامبر بودم، در حالیکه آدم (علیه السلام)، بین آب و گل بود.

آری! آنچه صحیح و جزء اعتقادات قطعی شیعه می باشد آن است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) - که اشرف مخلوقات و سید مرسلین و خاتم پیامبرانند - تا قبل از سنّ چهل سالگی نیز پیامبر و حجّت خدا بر همه‌ی مخلوقات بوده اند و تفاوتی از این جهت برای ایشان نیست، و خداوند متعال به علم خویش عمل نموده و ایشان را قبل از خلقت مخلوقات برگزیده و مقرب درگاه خویش گردانید؛ چرا که به علم بی پایان خویش می دانست اوّل کسیکه به اختیار خود در همه‌ی امتحانات به وی ایمان می آورد کسی جز آنحضرت نیست، فلذا از ابتدای خلقت همه‌ی صفات عالیّه را به ایشان عطا نمود، پس آنچه که در سنّ چهل سالگی اتفاق افتاد چیزی جز بعثت و مبعوث شدن ایشان و آغاز مأموریت در اجرای اوامر حق تعالی در روی زمین نبوده است. (۲)

بنابراین همان علم، همان قدرت، همان عصمت و ولایتی را که بعد از بعثت در ایشان مشاهده می شود قبل از بعثت نیز وجود داشته است و هیچ فرقی از این ناحیه بین دوران قبل از بعثت با بعد از آن نیست.

۱- (مناقب آل اُبی طالب: ج: ۱ ص: ۱۸۳).

۲- (مصباح المتهجد: ص: ۷۵۳)، (علل الشرایع: ج: ۱ ص: ۱۶۲)، (مناقب آل اُبی طالب: ج: ۱ ص: ۱۸۳ و ۱۸۴)، (عوالی اللئالی: ج: ۴ ص: ۱۲۴ ح: ۲۰۸).

غیبت امام زمان عجل الله فرجه الشريف

پس حضرت مهدی - که پدر و مادرم فدای او باد - در سن پنج سالگی امام ناطق گردیدند و مدت بسیار کمی در بین مردم حضور داشتند و در همان مدت بسیار اندک نیز فقط اصحابی خاص از جایگاه ایشان با خبر بوده و از نظر سائر مردم مخفی بودند و کسی اطلاعی از محل آن حضرت نداشت، (۱) تا اینکه مسأله‌ی غیبت صغری و کبری (۲) برای ایشان در سرداب مقدس به وقوع پیوست (۳)، و ایشان مأمور شدند تا زمانی که اراده‌ی حق تعالی بر ظهور آن

- ۱- حدیث: عمرو اهوازی می گوید: امام حسن عسکری (علیه السلام) فرزندشان حضرت مهدی (علیه السلام) را به من نشان داده و فرمودند: این صاحب شما بعد از من است. (ارشاد: ج ۲ ص: ۳۴۸)
- ۲- حدیث: امام سجاد (علیه السلام) فرمودند: به درستی که برای قیام کننده‌ی از ما دو غیبت است که یکی از آن دو، طولانی تر از دیگری است. (کمال الدین: ص: ۳۲۳ ح: ۸)
- ۳- حدیث: هنگامی که اصحاب کهف به سوی خداوند گریخته و از نزد «دقیانوس» خارج و به غاری پناهنده شدند، پادشاه همراه با عده‌ای سوار بر اسب شده و به دنبال آنان به راه افتادند. هنگامی که به در غار رسیدند و آنان را در خواب دیدند، حیران مانده و نتوانستند متعرض آنان شوند و وحشت زده برگشتند. همین طور صاحب امر (علیه السلام) بعد از اینکه بر پدر بزرگوارش نماز خوانده و ایشان را دفن نمودند، جعفر کذاب نزد بنی عباس رفت و خبر او را به آنان داد و آنان سپاهی را به سامرا فرستادند تا بر خانه‌ی آن حضرت هجوم برند و هر کس را در آن یافتند بکشند و سیر امام (علیه السلام) را بیاورند! هنگامی که آنان وارد خانه‌ی آن حضرت شدند، ایشان را در آخر سرداب بر حصیری که روی آب قرار داشت، در حال نماز دیدند و آب سرداب مانند دریایی می ماند، وقتی که اینگونه دیدند، از دستیابی به آنحضرت مأیوس شدند و وحشت زده نزد خلیفه برگشتند و او به آنان دستور داد که این قضیه را مخفی نمایند. دوباره سپاهی بیشتر از بار اول فرستاد، آنان هم وقتی که وارد خانه شدند، از سرداب صدای قرائت قرآن شنیدند، پس در سرداب را گرفتند تا وقتی که آن حضرت خارج می شود او را بگیرند! ولی آن حضرت از جایی که اکنون شبکه است خارج شده و فرماندهی آنان ایستاده بود، وقتی که آن حضرت رفت و ناپدید شد، فرمانده گفت: پائین بروید و او را بگیرید. گفتند: او از جلوی تو گذشت و تو به ما نگفتی تا او را بگیریم! فرمانده گفت: من او را ندیدم، پس هراسان مراجعت کردند. بار سوم سپاهی به سوی آن حضرت رفته و ایشان را در آخر سرداب یافتند و امام دستشان را بر دیوار گذاشته و دیوار شکافته شد و حضرت بیرون رفتند و هنوز هم اثر آن شکافتگی در آن دیوار پیداست. (خراج و جرائح: ج ۲ ص: ۹۴۳)

حضرت تعلق نگرفته است در پس پرده‌ی غیبت (۱) - که تمام حکمت‌های آن بر ما معلوم نیست (۲) - به سر بُرده و از نظر مردمان مخفی باشند.

۱- حدیث ۱: امام رضا (علیه السلام) فرمودند: زمانیکه عالم شما بالا رفته و از میان شما غایب شد پس منتظر فرَجِ بزرگ از زیر پاهایتان باشید (کنایه از اینکه مسأله‌ی فرج را همیشه نزدیک بشمارید). (هدایت کبری: ص: ۳۶۴) حدیث ۲: در دعای زمان غیبت امام زمان (علیه السلام) می‌خوانیم: خدایا! قدم مرا بر اطاعت از ولّی امرت که او را از دیدگان مخلوقات مخفی نموده ای و به اذن تو غایب گردیده است ثابت بدار. (مصباح المتهجد: ص: ۴۱۱ ح: ۱۴۶)

۲- حدیث: عبد الله بن فضل هاشمی می‌گوید: از حضرت صادق (علیه السلام) شنیدم که فرمودند: صاحب این امر غیبتی دارد که چاره‌ای از آن نیست، عرض کردم: حکمت در غیبت آن حضرت چیست؟ فرمودند: حکمت در غیبت آن جناب، همان حکمت در غیبت حجّت‌های گذشته‌ی حقّ تعالی می‌باشد که بعد از ظهور آشکار خواهد شد، چنانچه حکمت افعالی را که حضرت خضر (علیه السلام) مرتکب شد که عبارت بودند از شکستن و شکافتن کشتی و کشتن جوان و پیا داشتن دیوار، بعد از جدا شدن موسی (علیه السلام) از خضر ظاهر گشت. ای پسر فضل! این امر، امری است از اُمور خدا و سرّی است از اسرار الهی و غیبی است از غیب‌های ربوبی و وقتی خدای (عزوجل) را حکیم دانستیم باید تمام افعالش را تصدیق نموده و معتقد باشیم که از روی حکمت صورت می‌گیرند، اگرچه ما دلیل و وجه آنها را ندانیم. (علل الشرائع: ج: ۱ ص: ۲۴۵ ح: ۸)

و معنای غیبت این نیست که حضرت در مکانی دور زندگی کرده و مخفی گردیده اند؛ و یا اینکه از میان مردم به جای دیگری سفر نموده، تا کسی به ایشان دسترسی نداشته باشد، بلکه آن حضرت در میان ما و همراه ما هستند، (۱) در بازارهای ما رفت و آمد کرده و بر فرش های ما می نشینند، و ما ایشان را می بینیم و صدایشان را می شنویم؛ ولی آن حضرت را نمی شناسیم. (۲)

و اینکه در دعای ندبه می گوئیم: «مَتَى تَرَانَا وَنَرَاكَ»، یعنی: «کی باشد که تو ما را بینی و ما تو را بینیم» منظور این نیست که در زمان غیبت، ایشان ما را نمی بینند و ما نیز ایشان را نمی بینیم؛ بلکه مراد، دیدن همراه شناخت است که آن حضرت ما را بینند و ما ایشان را؛ بدین معنا که ما می خواهیم آن حضرت در حالی ما را بینند که ما ایشان را می بینیم و می شناسیم و اگر نه آن

۱- حدیث ۱: در دعای ندبه می خوانیم: جانم بفدایت که با وجود اینکه غایب هستی، همراه ما و در میان مائی. (مزار مشهدی: ص: ۵۸۱) حدیث ۲: امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: زمانیکه یکی از ما از دیده ها پنهان شده و غایب شود در واقع، فقط از دیده ها پنهان است؛ زیرا غایب و حاضر ما یکی است. (مشارق انوار الیقین: ص: ۲۵۵)

۲- حدیث: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: چرا این اُمَّت منکر هستند که خدای (عزوجل) با حُجَّت خود همان کند که با یوسف کرد، امام غایب، میان مردم گردش می کند و در بازارهای آنها راه می رود و پا روی فرش آنها می نهد و آنها او را نمی شناسند! تا آنکه خدای (عزوجل) به او اجازه دهد که خود را به آنها معرفی نماید همچنانکه به یوسف اجازه داد. (کمال الدین: ص: ۱۴۴ ح: ۱۱)

حضرت همه‌ی ما را می‌بینند و بهتر از خودمان، ما را می‌شناسند. (۱)

پس آنچه عده‌ای گمان می‌کنند - که چون آن حضرت از چشمانشان مخفی است و آنان از او بی‌خبرند، در مقابل، آنان نیز از چشم حضرت مخفی بوده و حضرت نیز از حال ایشان بی‌خبر است - خیال باطلی بیش نبوده و واقعیتی ندارد، و البته منشأ این گمان، عواملی همچون قیاس حضرت به خویشتن، و اطلاعات غلط و مسموم معاندین و کج فهمان از خدا بی‌خبر و مدعیان علم و دانش است که چنین القا نموده و می‌نمایند که او نیز بشری است مانند ما، پس همانطور که ما از او بی‌خبریم او نیز از ما بی‌خبر است، و چون ما نادان و جاهل هستیم او نیز - نعوذ بالله - جاهل و بی‌اطلاع است، و چون ما تنها به فکر خویش هستیم او نیز تنها به فکر خویشتن است، و سایر چیزهایی که پس از قیاس و یا با استشهاد به آیه‌ی: **رُقُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ** { (۲) آن را از امام و پیشوای ما نفی می‌کنند، و یا حداقل در مورد آن حضرت بعید

۱- حدیث ۱: امام رضا (علیه السلام) همیشه جهت دعا برای امام زمان (علیه السلام) چنین دستور می‌دادند: خدایا! شرّ مخلوقات را از ولایت، و چشم بینایت که به اذن تو می‌بیند، و شاهد تو بر بندگانت است دور نما. (مصباح المتهدّج: ص: ۴۰۹ ح: ۱۴۵) حدیث ۲: امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: امام بر همه‌ی غیب‌ها مطلع است، و آسمانها و زمین نزد او همچون کف دستی می‌باشد که ظاهر آن را از باطن، و نیک آن را از ید، و تر آن را از خشک باز می‌شناسد. (مشارق انوار الیقین: ص: ۱۷۴) حدیث ۳: امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: امام، زمین و مخلوقاتی که بر روی آن هستند را می‌بیند، و چیزی از اعمال آنها بر او مخفی نیست. (هدایت کبری: ص: ۱۷۰) حدیث ۴: امام کاظم (علیه السلام) فرمودند: به درستی که جایگاه امام در زمین همانند جایگاه ماه در آسمان است، پس امام همچون ماه در محلّ خود بر آنچه که بر روی زمین قرار دارد احاطه داشته و از آن آگاه است. (بصائر الدرّجات: ص: ۴۶۳ ح: ۸)

۲- سوره‌ی کهف: آیه: ۱۱۰.

می شمارند! و حال اینکه قیاس به خویشتن، مانع رسیدن به حقیقت و عامل فرو رفتن در باتلاق جهل و نادانی است، (۱) و ائمه‌ی اطهار (علیهم السلام) نیز مکرراً به ما گوشزد فرموده اند که ایشان را با احدى قیاس ننموده و با خود نسنجیم. (۲)

و نیز تذکر داده اند که از قید «يُوحَى إِلَيَّ» در آیه‌ی شریفه‌ی: {قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَى إِلَيَّ} (۳) فراموش نکنیم، که همه‌ی تفاوت در همان قید است (۴) و روشن است که وحی از جایگاه بسیار مهمی برخوردار است که نمی شود به سادگی از کنار آن گذشت آن هم وحی به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) با آن خصوصیات!

در نتیجه امام زمان (علیه السلام) با اینکه از دیده ها غایبند

ولی بر دیده ها ناظرند.

۱- حدیث: امام سجّاد (علیه السلام) فرمودند: هرکس از روی قیاس و رأی خود عمل کند هلاک می شود. (کمال الدین: ص: ۳۲۴ ح: ۹)

۲- حدیث: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: ما اهل بیتی هستیم که به هیچکس قیاس نمی شویم، و کسی نیز با ما قابل قیاس نیست. (درّ نظیم: ص: ۷۷۰)

۳- سوره‌ی کهف: آیه: ۱۱۰.

۴- حدیث: امام حسن عسکری (علیه السلام) در مورد این آیه: «بگو همانا من انسانی همانند شما هستم» فرمودند: یعنی برای آنها بگو: من از لحاظ شکل و شمایل و هیكل بشری مانند شما می باشم ولی خداوند مرا به نبوت مخصوص نموده است. (احتجاج: ج: ۱ ص: ۲۹)

ظهور امام زمان عجل الله فرجه الشريف

و امّا ظهور ایشان - که مسأله ای روشن و واضح است و جزء قطعیات به شمار می رود - امری است الهی، و بر خلاف پندار بعضی که می گویند ظهور آن خورشید پُشت ابر، بستگی به شرایط زمان و مکان، پُر شدن جهان از ظلم و جور و غیره دارد، کاملاً اشتباه بوده و هیچگونه ارتباطی به این مسائل ندارد.

بلکه ظهور آن حضرت تنها به موجب امری است که وابسته به اراده‌ی حق تعالی بوده، و تنها یک مجری دارد که آن هم وجود نازنین امام عصر (علیه السلام) می باشد؛ و به عبارت دیگر، امام زمان (علیه السلام) مأمور اجرای اوامر پروردگار عالم هستند، و بدون اذن و اراده‌ی او چیزی نگفته و به کاری دست نمی زنند، (۱) بنابراین شرایط زمان و مکان تأثیری در اراده‌ی حق تعالی و مأموریت آن حضرت ندارد.

و البته این مطلب منافاتی با تحقق شرایطی خاص همچون حضور ۳۱۳ نفر از اصحاب در شب و روز ظهور، (۲) و ایجاد یک سری زمینه ها در خارج

۱- حدیث ۱: در یکی از زیارات امام زمان (می خوانیم: اوست دعوت کننده به راه تو و منتظر اذن تو برای خروج). (بحار الأنوار: ج: ۹۹ ص: ۱۰۱) حدیث ۲: در زیارت جامعه‌ی کبیره می خوانیم: سلام بر دعوت کنندگان به سوی خداوند و راهنمایان به سوی رضای او، و ظاهر کنندگان امر و نهی، سلام بر بندگان بزرگوار او که در گفتار از او سبقت نگرفته و به امر او عمل می نمایند، آنها مطیع پروردگار، قیام کننده‌ی به امر او، عمل کننده‌ی به اراده و امر او، هدایت کننده‌ی به راه او، و حکم کننده بر اساس گفتار او می باشند. (من لا یحضره الفقیه: ج: ۲ ص: ۶۰۹) حدیث ۳: امام باقر (علیه السلام) فرمودند: ما اهل بیت به اذن خداوند آنچه را که بخواهیم انجام می دهیم، و غیر از آنچه که خدا بخواهد نمی خواهیم. (هدایت کبری: ص: ۲۳۰)

۲- حدیث: امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمودند: هنگامی که به امام اذن داده شد خدا را به نام عبرانی اش می خواند، پس سیصد و سیزده نفر از یاران او همچون تکه های ابر در ماه پائیز به دور او جمع شده و مهیای یاری او می شوند. و آنان پرچمدارانی هستند که بعضی از آنان شبانگاه بستر خود را رها نموده و بامداد در مکه حاضر می شوند، و بعضی از آنان نیز در بین روز سوار بر ابر گشته و به ایشان ملحق می گردند. (غیبت نعمانی: ص: ۳۲۶ ح: ۳)

ندارد، و همانطور که غیبت ایشان، امری الهی بوده است، ظهورشان نیز چنین خواهد بود؛ پس صحیح آن است که بگوئیم: هر زمان خدای متعال به حجت خویش امر کند، آن حضرت ظهور خواهد نمود، (۱) گرچه این ظهور با تحقق شرایطی خاص همراه است.

و اما اینکه خدای حکیم از روی چه حکمت‌ها و مصالحی به حجت خویش امر و نهی می‌کند، امری است که برای ما روشن نبوده، و تنها چیزی که می‌دانیم این است که خداوند متعال حکیم بوده و تمامی اوامر وی از روی حکمت می‌باشد.

اکنون - پس از اینکه معلوم شد ظهور امام زمان (علیه السلام) به امر الهی بوده، و حضرتش اراده نمی‌کند مگر آنچه را که خداوند اراده نموده باشد - می‌گوئیم که امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ظهور و قیام می‌نمایند تا اراده‌ی حق تعالی را پس از ظهورشان - که آن نیز به امر الهی می‌باشد -، در روی زمین اجرا نموده و حکومت جهانی خویش را آغاز نمایند. (۲)

- ۱- حدیث: در دعای زمان غیبت امام زمان (علیه السلام) می‌خوانیم: او منتظر امر پروردگار است و...، خداوندا! همانا ما از تو می‌خواهیم که برای ظاهر شدن عدل و داد در میان بندگان به ولیّ خویش اذن دهی. (مصباح المتهجد: ص: ۴۱۱ و ۴۱۴)
- ۲- حدیث: امام باقر (علیه السلام) فرمودند: حکومت و سلطنت امام زمان (علیه السلام) شرق و غرب عالم را فرا می‌گیرد. (کمال الدین: ص: ۳۳۰ ح: ۱۶)

و نیز قابل ذکر است که اندکی بعد از ظهور امام عصر (علیه السلام) و ملاقات مردم با آن حضرت، عدّه ای می گویند که ما ایشان را قبلاً مشاهده نموده و ملاقات نموده ایم، (۱) که این موضوع خود حاکی از آن است که ایشان در کنار ما، با ما و همراه ما هستند، و هیچگاه از یاد و توجّه به ما غافل نبوده و نمی باشند، همچنانکه در توقیعی به شیخ مفید (رحمه الله) فرمودند:

«إِنَّا غَيْرُ مُهْمَلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَلَا نَاسِينَ لَذِكْرِكُمْ» (۲)

یعنی: «ما از مراعات حال شما غفلت نکرده و یاد و توجّه به شما را فراموش نمی کنیم».

خداوندا! به ما نیز این توفیق را عطا فرما که از یاد آن حضرت غافل نبوده و بیشتر از گذشته با ایشان انس و ارتباط داشته باشیم.

غیبت نکرده ای که شوم طالب حضور

پنهان نگشته ای که هویدا کنم تو را

تو در میان جمعی و من در تفکرم

کاندر کجا بر آیم و پیدا کنم تو را

۱- حدیث: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: چرا این اُمت منکر هستند که خدای (عزوجل) با حجت خود همان کند که با یوسف کرد، امام غایب، میان مردم گردش می کند و در بازارهای آنها راه می رود و پا روی فرش آنها می نهد و آنها او را نمی شناسند تا آنکه خدای (عزوجل) به او اجازه دهد که خود را به آنها معرفی کند همچنانکه به یوسف اجازه داد. (کمال

الدین: ص: ۱۴۴ ح: ۱۱)

۲- احتجاج: ج: ۲ ص: ۳۲۲.

قیام امام زمان عجل الله فرجه الشريف

و اما قیام آن حضرت که مدتی پس از ظهور ایشان و به امر الهی واقع می شود، (۱) در کنار یارانی است که مهم ترین ویژگی آنها، روحیهی تَعَبُد و اطاعت محض و بی چون و چرای دستورات و اوامر امام و مولای خویش می باشد، (۲) که امید داریم ما نیز با تمرین بیشتر این روحیه، و ملکه نمودن

۱- حدیث: در دعای امام زمان (می خوانیم: خدایا! درود و رحمت خویش را بر ولایت که زنده کننده‌ی سنت تو و قیام کننده‌ی به امر توست بفرست. (دلایل الامامه: ص: ۵۵۰)

۲- حدیث ۱: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: اصحاب امام زمان (علیه السلام) مردانی هستند که قلبهایشان همچون پاره های آهن محکم است و آنان از کنیز نسبت به مولای خویش مطیع ترند. (بحار الأنوار: ج: ۵۲: ص: ۳۰۷: ح: ۸۲) حدیث ۲: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: خدای متعال اصحاب امام زمان (علیه السلام) را که تعداد آنها به عدد اصحاب بدر - یعنی سیصد و سیزده نفر - می باشد را از اطراف و اکناف شهرها برای او جمع آوری می کند، و از خصوصیات آنان این است که: بسیار حمله کننده و کوشا در طاعت پروردگار می باشند. (کمال الدین: ص: ۲۶۴: ح: ۱۱) حدیث ۳: مأمون رقی می گوید: خدمت حضرت صادق (علیه السلام) بودم که سهل بن حسن خراسانی وارد شده سلام کرده و نشست و عرض کرد: ای پسر رسول خدا! چقدر شما رؤوف و مهربان هستید، شما امام بر ما می باشید؛ چرا دفاع از حق خود نمی کنید با اینکه بیش از صد هزار شیعه‌ی شمشیر زن دارید؟ آن حضرت فرمودند: ای خراسانی! بنشین، خداوند به تو رحم نموده و مراعات حال تو را بنماید. سپس به کنیزی بنام حنیفه فرمودند: تنور را روشن کن، تنور پس از مدتی افروخته شد به طوری که یک پارچه آتش گردید و قسمت بالای آن سفید شد. بعد رو به مرد خراسانی نموده و فرمودند: برو بنشین داخل تنور، مرد خراسانی شروع به التماس نموده و گفت: ای پسر رسول خدا! مرا به آتش مسوزان، از جرم من در گذر، خدا از تو بگذرد. حضرت فرمودند: تو را بخشیدم. در همین موقع هارون مکی وارد شد و در حالیکه یک کفش خود را به انگشت گرفته بود عرض کرد: سلام بر تو ای پسر رسول خدا! امام فرمودند: کفشهایت را از دست بیانداز و برو داخل تنور بنشین، پس او کفشها را انداخته و داخل تنور نشست. امام (علیه السلام) شروع کردند با مرد خراسانی صحبت کردن در مورد جریانهای خراسان به طوریکه گویا سابقاً در خراسان بوده اند، بعد فرمودند: ای خراسانی! برو بین در تنور چه خبر است! پس او به جانب تنور رفت و دید که او چهار زانو در تنور نشسته، پس از تنور خارج شده و به ما سلام کرد، امام (علیه السلام) به خراسانی فرمودند: از اینها در خراسان چند نفر پیدا می شود؟! عرض کرد: به خدا قسم یک نفر هم پیدا نمی شود، نه به خدا یک نفر پیدا نمی شود. حضرت فرمودند: ما تا زمانی که پنج نفر یاور نداشته باشیم قیام نخواهیم کرد، ما خودمان موقعیت مناسب را بهتر می دانیم. (مناقب آل ابی طالب: ج: ۳ ص: ۳۶۲)

آن در اعمال و رفتار خویش، جزء یاران ایشان - که همچون پروانه به دور شمع وجود نازنینش می گردند (۱) - باشیم؛ (إن شاء الله تعالی).

پس از سرکوب طاغیان، ظالمان و مخالفانی که حاضر به پذیرش حقّ، و اطاعت از فرامین حضرتش نگردیده اند، آن جناب در کنار دوستان و موالیان خویش، و کسانی که به وی ایمان آورده اند حکومت جهانی خویش را آغاز نموده، (۲) و تا زمانی که خداوند (عزوجل) اراده نماید به آن حکومت ادامه خواهند

۱- حدیث: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: از خصوصیات اصحاب او (امام زمان (علیه السلام)) آن است که آنان مردانی هستند که بدن خود را برای تبرّک به زین اسب امام می ساینند، آنها در جنگها امام را در میان گرفته و با جان خود از وی دفاع می کنند، و هر کاری داشته باشد برایش انجام می دهند، و ایشان از کنیز به مولای خویش مطیع ترند. (بحار الأنوار: ج: ۵۲ ص: ۳۰۷: ح: ۸۲)

۲- حدیث: امام باقر (علیه السلام) فرمودند: حکومت و سلطنت او (امام زمان (علیه السلام)) شرق و غرب عالم را فرا می گیرد. (کمال الدین: ص: ۳۳۰: ح: ۱۶)

داد، (۱) و خوشا به حال کسانی که آن زمان را درک نموده و جزء دوستان آن حضرت باشند. (۲)

آنچه گفتیم خلاصه ای بود پیرامون آن امام - عزیزتر از جان - از ابتدا تا انتها، و چون جزئیات تاریخی و غیر آن در مورد مسائلی همچون علائم ظهور، کیفیت حکومت، جنگهای حضرت، علائم آخر الزمان و غیره، در سایر کتبی که در مورد آن حضرت تألیف شده، به طور مفصل ذکر گردیده است، در این مجموعه که هدف ما از تألیف آن اشاره به ارتباط مستقیم من و شما با امام زمان (علیه السلام) در همهی زمانها و مکانها، و ارتباط آن حضرت با همهی امور و اشیاء و موجودات عالم است، به اینگونه مسائل پرداخته ایم.

و در پایان متذکر می شویم که امام زمان (علیه السلام) بنده و مخلوق (۳) برگزیدهی

۱- حدیث ۱: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: برای حضرت مهدی (علیه السلام) در همهی اوقات و مکانها چنین دعا کنید: خداوندا! برای حجت بن الحسن «که صلوات تو بر او و پدرانش باد» در همین وقت و همهی اوقات، سرپرست، نگهدار، پیشوا، یاور، راهنما و نگهبان باش تا اینکه سرانجام او را با میل و رغبت در زمین حاکم نموده و برای مدّت طولانی از آنچه که در زمین است بهره مند نمایی. (تهذیب الأحکام: ۳/۱۰۲ ح ۳۷) حدیث ۲: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: خدای متعال فرمود: سلطنت و حکومت او (امام زمان (علیه السلام)) را طولانی می کنم و این سلطنت و حکومت را تا روز قیامت در بین دوستان و اولیای خویش ادامه می دهم (مراد رجعت اهل بیت (علیهم السلام) پس از حکومت امام زمان (علیه السلام) می باشد). (کمال الدین: ص: ۲۵۴)

۲- حدیث: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: خوشا به حال کسی که قائم اهل بیت را درک کند و تا قبل از قیام وی به امامتش معتقد باشد، و با دوستانش دوست و با دشمنانش دشمن باشد. (کمال الدین: ص: ۲۸۶ ح: ۲)

۳- حدیث: در یکی از دعاهای روزهای ماه رجب می خوانیم: خداوندا! فرقی (در برخورداری از صفات عالیه) میان تو و حجت های تو نیست جز اینکه آنها بندگان و مخلوق تو هستند که امورشان به دست توست، و از جانب تو آمده اند و به سوی تو بر می گردند. (مصباح المتهدّج: ص: ۸۰۳)

خدای تعالی می باشند، (۱) و آنچه دارند از ناحیه‌ی خداوند متعال به ایشان عطا گردیده است، (۲) و آن حضرت بدون اذن پروردگار خویش قدم از قدم برداشته و کاری انجام نمی دهند. (۳)

بنابراین انکار صفات، خصوصیات و معجزات آنحضرت چیزی جز انکار قدرت الهی نیست. (۴)

۱- حدیث ۱: در دعای ندبه آمده است: خدایا! اهل بیت (علیهم السلام) آن کسانی هستند که آنها را برای خود و دینت خالص نموده و برگزیده ای. (مزار مشهدی: ص: ۵۷۴) حدیث ۲: امام باقر (علیه السلام) فرمودند: ما برگزیدگان و خوبان خداوند هستیم. (بصائر الدرجات: ص: ۸۲: ح: ۱۰)

۲- حدیث ۱: در زیارت جامعه‌ی کبیره آمده است: خداوند متعال آنچه به ائمه‌ی اطهار (علیهم السلام) از حقائق، علوم، معارف و فضائل عطا نموده، به هیچکس دیگری نداده است. (من لا یحضره الفقیه: ج: ۲ ص: ۶۱۵) حدیث ۲: امام باقر (علیه السلام) فرمودند: اهل بیت (علیهم السلام) برگزیدگان سِرِّ پروردگارتند، خداوند ایشان را اختیار نموده و برتری داده و مخصوص نموده و برگزیده و فضیلت داده و به آنها راضی شده و آنها را انتخاب کرده است. (یقین: ص: ۳۱۸)

۳- حدیث: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: به خدا قسم ما اهل بیت از روی هوای نفس خود چیزی نمی گوئیم و به رأی و نظر خود عمل نمی کنیم و نمی گوئیم مگر آنچه را که پروردگار به ما گفته است. (امالی مفید: ص: ۵۹: ح: ۴)

۴- حدیث: امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: وِئَل و تمام وِئَل (وِئَل کلمه‌ی انذار و تحذیر می باشد و به چاهی در جهنم که آکنده از آتش است نیز اطلاق می گردد) بر کسی که فضائل و خصوصیات ما اهل بیت و آنچه را که خداوند به ما عطا نموده است را انکار نماید؛ چرا که هرکس چیزی از آنچه را که خداوند به ما عطا کرده است انکار نماید به درستی که قدرت خدا و اراده‌ی او در حق ما را انکار نموده است. (بحار الأنوار: ج: ۲۶ ص: ۷)

نقش امام زمان عجل الله فرجه الشريف در عالم

قبل از اینکه به این موضوع پردازیم متذکر می شویم که:

أولاً: ائمه‌ی اطهار (علیهم السلام) در حدّ ظرفیت و عقل ما، خود را به ما معرفی نموده اند و الاً مطلب خیلی بالاتر از آن است که ما می فهمیم و می اندیشیم. (۱)

ثانیاً: تمام آنچه را که در مورد نقش خود در عالم هستی بیان فرموده اند، به دست ما نرسیده است؛ بنابراین آنچه می گوئیم در حدّ اطلاعاتی می باشد که به ما رسیده، نه آنچه که آنان بیان فرموده اند.

ثالثاً: ما در حدّ فهم خود از روایات سخن می گوئیم، و ادّعا نداریم که همه‌ی آنچه در روایات برای ما بیان شده است را دانسته و آن را فهمیده ایم.

۱- حدیث ۱: امام رضا (علیه السلام) فرمودند: امام همچون خورشید فروزانی است که نورش عالم را فرا گرفته و کسی را توان دسترسی و دیدن حقایق آن نیست، کیست که امام را بحق بشناسد؟! یا توان انتخاب او را داشته باشد؟ هیئات هیئات، خردها در باره اش گمراهند و خاطرها در تحیر، عقلها سرگردان و چشمها بی بصیرت، بزرگان در اینجا کوچکنند، و حکیمان در حیرت، و بردباران کوتاه نظر، و هوشمندان گیج و نادان، و شعراء لال و گنگ، و ادباء درمانده، و سخندانان بی زبان، شرح یک مقامش نتوانند و وصف یکی از فضائلش ندانند، همه به عجز معترفند. چگونه می توان کنهش را وصف کرد و اسرارش را فهمید؟! چطور کسی به جای او ایستاده و حاجت مربوط به او را برآورد؟ نه، چطور؟ از کجا؟ او در مقام خود اختری است بر فروخته و از دسترس دست یازان و وصف واصفان فراتر است، کجا انتخاب بشر به این پایه رسد! عقل کجا و مقام امام کجا! کجا چنین شخصیتی یافت شود! آیان گمان می برند که در غیر خاندان رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) امامی یافت شود؟! (کافی: ج: ۱ ص: ۱۹۸ ح: ۱) حدیث ۲: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) هرگز با همه‌ی ظرفیت عقل خود با مردم سخن نگفتند. (کافی: ج: ۸ ص: ۲۶۸ ح: ۳۹۴)

رابعاً: ما به گوشه ای از آنچه فهمیده ایم اشاره می کنیم، بنابراین آنچه در ذیل به طور خلاصه در رابطه با نقش آن حضرت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) برای شما بیان می کنیم، قطره ای است از دریای بیکران!

اکنون می گوئیم: اساسی ترین نقش را خداوند (عزوجل) در عالم هستی، به نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) عطا نموده، و ایشان را همه کاره و جانشین خود قرار داده است، (۱) و بعد از امام حسن عسکری (علیه السلام) و انتقال امامت ظاهریه به امام عصر (علیه السلام)، امور عالم و اداره‌ی آن به ایشان واگذار گردید، و هم اکنون نیز حضرتش مدیر و مجری اراده‌ی حق تعالی در عالم هستی می باشند. (۲)

و همانطور که روشن است، این به آن معنی نیست که خداوند متعال خود

۱- حدیث: امام کاظم (علیه السلام) فرمودند: خداوند اهل بیت (علیهم السلام) را جانشین خویش قرار داده است؛ چرا که او از چشمها پنهان بوده و درک نمی شود و کمیت و کیفیت او قابل شناخت نیست، امّا اهل بیت (علیهم السلام) چنین نبوده و سخنگویان پروردگار می باشند و ایشان تصرّف کنندگان در امر و نهی الهی هستند، پس خداوند به وسیله‌ی ایشان قدرت خویش را بر مردم ظاهر می سازد. (تأویل الآیات: ج: ۱ ص: ۳۹۷ ح: ۲۷)

۲- حدیث ۱: در زیارتی می خوانیم: سلام بر تو ای حافظ سرّ پروردگار، و اجرا کننده‌ی حکم او، و آشکار کننده‌ی اراده اش، و جایگاه مشیت و خواست او. (مزار مشهدی: ص: ۳۰۴) حدیث ۲: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: به درستی که امام آشیانه‌ی اراده‌ی خداوند است و نمی خواهد مگر آنچه را که او بخواهد. (محتضر: ص: ۲۲۷ ح: ۲۹۶) حدیث ۳: امام باقر (علیه السلام) فرمودند: ما اهل بیت به اذن خداوند آنچه را که بخواهیم انجام می دهیم، و غیر از آنچه که خداوند بخواهد نمی خواهیم، و زمانی که ما اراده کنیم خدای متعال نیز اراده می کند. (هدایت کبری: ص: ۲۲۶)

به کناری رفته و همه‌ی اُمور را به حجت خویش واگذار نموده است؛ بلکه او همیشه «فَعَالَ لَمَّا يَشَاءُ» است و دائماً اراده و خواست جدید دارد و امر و نهی می کند؛ ولکن آنچه معلوم می باشد این است که خداوند خود مستقیماً کارها را انجام نمی دهد، (۱) بلکه همانطور که گفتیم محلّ اراده و مجری اوامر و نواهی حق تعالی، امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می باشند.

بنابراین آن حضرت هیچ کاری را بدون اذن پروردگار عالم انجام نداده و هر آنچه می کنند بدون هیچ کم و کاستی عین خواسته‌ی خداوند متعال است.

و علاوه بر این، امام زمان (علیه السلام) که از طرف خداوند (عزوجل) مشغول اداره‌ی این عالم هستند و هدایت همه‌ی موجودات به ایشان واگذار شده است (۲) اگر حتی هیچ کاری هم در این عالم انجام ندهند، وجود شریفشان موجب بقای این عالم می باشد، همچنانکه موجب ایجاد آن بوده است؛ چرا که خداوند متعال، عالم را به خاطر وجود چهارده معصوم (علیهم السلام) خلق نموده است. (۳)

۱- حدیث ۱: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: آنچه نزد خداست جز از طریق اسباب و وسائل آن قابل دسترسی نیست. (کافی: ج: ۱ ص: ۲۰۳ ح: ۲) حدیث ۲: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: خداوند ابا نموده است از اینکه اُمور عالم را بدون اسباب و وسائل جاری نماید، و آن اسباب، رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و ما اهل بیت می باشیم. (بصائر الدرّجات: ص: ۲۶ ح: ۲)

۲- حدیث ۱: در زیارت اهل بیت (علیهم السلام) می خوانیم: شهادت می دهم که شما پرچم هائی هستید که خداوند برای هدایت مخلوقات خلق نموده است. (بحار الأنوار: ج: ۹۷ ص: ۲۰۷ ح: ۸) حدیث ۲: امام باقر (علیه السلام) فرمودند: هیچ هدایت شونده ای بدون هدایت ما هدایت نمی شود، و هیچ گمراهی بدون کوتاهی در شناخت و معرفت به حقّ ما گمراه نمی گردد. (کافی: ج: ۱ ص: ۱۹۷ ح: ۳)

۳- حدیث ۱: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: ما اهل بیت، علّت به وجود آمدن همه‌ی موجودات هستیم. (بحار الأنوار: ج: ۲۶ ص: ۲۵۹ ح: ۳۶) حدیث ۲: امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: خداوند به خاطر ما آسمان و زمین و عرش و کرسی و بهشت و جهنّم را خلق نموده است. (محتضر: ص: ۱۳۶)

آری! اگر لحظه ای امام عصر (علیه السلام) در این عالم نباشند و از محدوده‌ی آن خارج شده و عالم بدون حجت و امام بماند، هستی از هم متلاشی شده و همه چیز از هم می پاشد؛ در نتیجه اینکه، بقای عالم نیز وابسته به وجود شریف و نازنین امام عصر (علیه السلام) است.

فکر می کنم این جمله: «امام زمان (علیه السلام) همه کاره‌ی عالم است» مفید معنای لازم بوده باشد؛ ولکن برای توضیح بیشتر می گویم: همه‌ی موجودات هستی اعم از انسانها، اجنه، حیوانات، نباتات، جمادات، (۱) و خصوصاً ملائکه - که تعدادشان از همه‌ی مخلوقات دیگر بیشتر است (۲) -، همه و همه تحت سیطره‌ی

۱- حدیث: امام سجّاد (علیه السلام) فرمودند: سپاس خدائی را که ما را بر سائر خلق به سلطنت و ولایت بر آنان برتری داد، پس همه‌ی مخلوقات به قدرت الهی تحت فرمان و اراده‌ی ما هستند و به عزّت او به سوی طاعت ما روی می نهند. (صحیفه‌ی سجّادیه: ص: ۲۶)

۲- حدیث ۱: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: خداوند هیچ خلقی را بیشتر از ملائکه نیافریده است. (ثواب الاعمال: ص: ۹۶)
 حدیث ۲: امام باقر (علیه السلام) فرمودند: بخدا قسم در آسمان، هفتاد صنف از ملائکه هستند که اگر تمام اهل زمین جمع شده و بخواهند یک صنف از آنها را شمارش نمایند نمی توانند، و همه‌ی این ملائکه به وسیله‌ی ولایت ما اهل بیت به خدای متعال تقرب می جویند. (بصائر الدّرجات: ص: ۸۷ ح: ۴) حدیث ۳: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: بخدائی که جانم در دست اوست ملائکه‌ی خدا در آسمانها بیشتر از تعداد خاک زمین ها هستند، و در آسمان محلّ قدمی نیست مگر اینکه ملک‌ی تسبیح و تقدیس پروردگار را می کند، و در زمین درخت و گل و لایی نیست مگر اینکه در آنجا فرشته‌ی ای مأموریت دارد که هر روز گزارش خود را به خدا برساند با اینکه خداوند از او داناتر است، و تمام آنها هر روز تقرب می جویند به سوی خدا به ولایت ما اهل بیت، و استغفار برای محبّین ما می کنند و دشمنان ما را لعن می نمایند و از خدا درخواست می کنند که بر آنها عذابی دردناک نازل کند. (بصائر الدّرجات: ص: ۸۸ ح: ۹)

ولایت، و قدرت مطلقه‌ی امام عصر (علیه السلام) می باشند و هیچ قدمی از قدم برنداشته و حرکتی نمی کنند مگر بعد از خواست و اذن آن حضرت. (۱)

آری! این را باید دانست که، میکائیل که ملک مأمور رزق است، با اجازه و امر حضرتش به مأموریت خویش ادامه می دهد.

و جبرائیل که امین و وحی الهی است، خادم شیعیان آن امام بوده، و از ایشان دستور می گیرد. (۲)

و اسرافیل که مأمور دمیدن در صور است، به اذن و امر ایشان در صور خود می دمَد.

و عزرائیل که مأمور قبض ارواح است، بدون اذن آنحضرت کسی را قبض روح نمی نماید. (۳)

۱- (حدیث ۱: امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: من حجت خدا بر اهل آسمانها و زمین هستم، و هیچ ملکی در آسمان بدون اذن من قدمی از قدم بر نمی دارد. (مشارق انوار الیقین: ص: ۳۴۳) حدیث ۲: امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: قسم به آن خدائی که آسمان را بدون پایه و ستون بالا برده است، اگر ملکی از ملائکه، قصد جا بجائی - به اندازه‌ی نفسی - از مکانی به مکان دیگر را داشته باشد هرگز بدون اذن من نمی تواند چنین کند، و این امر برای فرزندانم حسن و حسین و فرزندان از نسل او که نهمین ایشان قیام کننده آنها است نیز می باشد. (بحار الأنوار: ج ۲۷ ص: ۳۶)

۲- حدیث: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: به درستی که ملائکه‌ی الهی خادمان ما و خادمان دوستان ما هستند. (علل الشرائع: ج: ۱ ص: ۵: ح: ۱)

۳- حدیث: امام صادق (علیه السلام) عزرائیل را صدا نمودند، و او در جواب آن حضرت گفت: آماده ام ای امام! سپس ایشان فرمودند: آیا تو به حرف شنوی و اطاعت از ما امر نشده‌ای؟ گفت: بله امر شده ام. (خرائج و جرائح: ج: ۱ ص: ۲۹۵: ح: ۲)

و واقع امر آن است که سخن گفتن از نقش کسی که:

همه چیز به خاطر او! (۱)

و برای او خلق شده! (۲)

و هدایت همه‌ی اشیاء به او واگذار شده! (۳)

و به برکت و یمن وجود او به خلائق روزی داده می شود! (۴)

۱- حدیث ۱: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: خداوند متعال فرموده است: من دنیا و آخرت را به خاطر ائمه‌ی معصومین خلق نمودم. (مشارق انوار الیقین: ص: ۲۳۶) حدیث ۲: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: اگر ما نبودیم خداوند بهشت و جهنم و انبیا و ملائکه را خلق نمی نمود. (بحار الأنوار: ج: ۲۶ ص: ۳۴۹ ح: ۲۳) حدیث ۳: امام باقر (علیه السلام) فرمودند: اگر ما نبودیم خداوند آسمان و زمین و بهشت و جهنم و خورشید و ماه و جنّ و انس را خلق نمی کرد. (عیون المعجزات: ص: ۶۹)

۲- حدیث: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: دنیا و آنچه در آن است از آن خدای تعالی و رسول او و ما اهل بیت می باشد. (کافی: ج: ۱ ص: ۴۰۸ ح: ۲)

۳- حدیث ۱: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: ما اهل بیت آن کسانی هستیم که خداوند مردم را به خاطر ما از گمراهی نجات می دهد. (تأویل الآیات: ج: ۲ ص: ۸۵۲ ح: ۸) حدیث ۲: امام رضا (علیه السلام) فرمودند: سلام بر شما ای راهنمایان هدایت. (بحار الأنوار: ج: ۹۹ ص: ۱۸۷) حدیث ۳: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: هیچ هدایت شونده ای از ضلالت و گمراهی نجات نیافته است مگر به سبب ایشان (اهل بیت (علیهم السلام)). (بصائر الدرجات: ص: ۲۲۰ ح: ۲)

۴- حدیث ۱: امام باقر (علیه السلام) فرمودند: خداوند به خاطر اهل بیت (علیهم السلام) به بندگانش روزی می دهد، و به خاطر ایشان سرزمین ها را آباد می کند، و به خاطر ایشان باران را نازل می کند، و به خاطر ایشان برکات زمین از آن خارج می شود. (کمال الدین: ص: ۲۶۰ ح: ۵) حدیث ۲: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: اگر ما نبودیم رودخانه ها جاری نمی گشتند و درختان میوه نداده و سبز نمی گشتند. (مدینه المعجز: ج: ۶ ص: ۴۷ ح: ۲۶۶)

و آسمان و زمین به وجود پر رمز و رازش استوار است (۱) امری است بسیار بسیار دشوار که در ضمن این چند سطر نمی توان به قطره ای از آنها نیز اشاره نمود؛ ولیکن بار دیگر همان جمله ای را که در ابتدا گفتم تکرار می کنم که:

«امام زمان (علیه السلام) همه کاره‌ی عالم خلقت می باشند».

و تو خود حدیث مفصل بخوان از این مُجمل!

مُشرق شمس اَبَد، مَطَّلَع انوار ازل

صاحب العصر ابوالوقت امام زَمَن است

مُظهر قائم بالقسط حجاب ازلی

مُعَلَن سرّ خفی ، مُظهر ما قد بَطَن است

مرکز دائره ء هستی و قطب الاقطاب

آنکه با عالم امکان بمثل روح و تن است

مالک کُن فیکون و ملک کون و مکان

مُظهر سلطنت قاهره ء ذی المَن است

ای سلیمان زمان، پادشه عرش و مکان

خاتم مُلک تو تا کی به کف اهر من است

۱- حدیث: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: خداوند به سبب اهل بیت (علیهم السلام) آسمان را بر زمین برافراشته و نگاه داشته است. (اختصاص: ص: ۲۲۳)

بخش اوّل: گذشته‌ی من

اشاره

مقدمه

هدف از خلقت من

فصل اوّل: خلقت روح من

فصل دوّم: امتحانات من در عوالم گذشته

فصل سوّم: ولادت من

فصل چهارم: دوران کودکی من

در ابتدا متذکر می شویم که ما آنچه را در اینجا برای شما بازگو می کنیم، در حدّ فهم، و مقدار اطلاعات بسیار اندک ما از روایات اهل بیت (علیهم السلام) است، و الاّ حقیقت مطلب بسیار بسیار، وسیع تر و عمیق تر از این است و مسلماً خود شما هر چه بیشتر بیاندیشید به نقش کلیدی و همه جانبه بودن امام عصر خویش، بیشتر پی برده و حضور آن حضرت را در زندگی خودتان بیشتر حسّ می کنید.

اینک به عنوان مقدمه می گوئیم:

گرچه همه‌ی اهل بیت (علیهم السلام) در زندگانی ما نقش داشته و دارند و خواهند داشت؛ ولیکن در حال حاضر سر و کار ما با امام عصر خودمان می باشد، همچنانکه مردم عصر امیر المؤمنین علی (علیه السلام)، سر و کارشان با آن حضرت بود؛ و به تعبیر دیگر همه‌ی امور مربوط به ما به آن حضرت واگذار شده است، و ائمه‌ی دیگر نیز اگر قرار باشد که چیزی به ما بدهند، و یا عنایتی به ما نمایند و تأثیری در زندگی ما داشته باشند، باز به دست امام عصر (علیه السلام) آن را جاری نموده و امر را در نهایت به ایشان واگذار می کنند. (۱)

و خلاصه سر و کار نهایی ما با آن حضرت است و امام و پیشوا و خلیفه‌ی خدا در عصر ما ایشان هستند.

۱- حدیث: هشام بن سالم می گوید: به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم: آیا ممکن است در یک زمان دو امام باشند؟ آن حضرت فرمودند: خیر، مگر آنکه یکی از آن دو خاموش باشد و از دیگری پیروی نماید و دیگری ناطق و پیشوای وی باشد، اما در یک زمان دو امام ناطق نخواهد بود. (کمال الدین: ص: ۴۱۶: ح: ۹)

هدف از خلقت من

و نیز باید بدانم که هدف از خلقت من، شناخت امام زمان و اطاعت از ایشان (۱) - که علت غایی خلق مخلوقات (۲) و مظهر صفات حق تعالی و جامع جمیع صفات الهی هستند (۳) - می باشد و سعادت‌مندی جز در سایه‌ی عمل به دستورات ایشان بدست نمی آید. (۴)

۱- حدیث: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: حضرت حسین بن علی (علیهما السلام) از جمع یارانشان بیرون آمده و خطاب به آنها فرمودند: ای مردم! به درستی که خدای متعال بندگانش را نیافریده مگر برای آنکه او را بشناسند، و آنگاه که او را شناختند عبادتش کنند، و زمانی که او را عبادت کردند از پرستش غیر او بی نیاز گردند. مردی در بین یاران عرضه داشت: ای پسر رسول خدا! پدر و مادرم فدای تو باد، معرفت و شناخت خدا چیست؟ حضرت فرمودند: آنست که اهل هر عصر و زمانی امامی را که اطاعتش بر آنها واجب است بشناسند. (علل الشرائع: ج: ۱ ص: ۹: ح: ۱)

۲- حدیث ۱: در یکی از زیارات ائمه‌ی معصومین (علیهم السلام) می خوانیم: سلام بر علت غائی خلق موجودات. (بحار الأنوار: ج: ۹۹ ص: ۲۰۳) حدیث ۲: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: ما اهل بیت، علت به وجود آمدن همه‌ی مخلوقات هستیم. (بحار الأنوار: ج: ۲۶ ص: ۲۵۹: ح: ۳۶)

۳- حدیث ۱: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: ذات امام ملکوتی و صفات او الهی است، وائمه (علیهم السلام) مظهر صفات خداوند و برگزیدگان او می باشند. (مشارق انوار الیقین: ص: ۱۷۷) حدیث ۲: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به علی (علیه السلام) فرمودند: تو نمونه‌ی کامل صفات و کمالات پروردگار هستی. (عیون أخبار الرضا (علیه السلام): ج: ۱ ص: ۹: ح: ۱۳) حدیث ۳: امام کاظم (علیه السلام) فرمودند: خداوند اهل بیت (علیهم السلام) را جانشین خویش قرار داده است، چرا که او از چشمها پنهان بوده و درک نمی شود و کمیت و کیفیت او قابل شناخت نیست پس هرکس ایشان را بشناسد خدا را شناخته است. (تأویل الآیات: ج: ۱ ص: ۳۹۷: ح: ۲۷)

۴- حدیث: در زیارت آل یاسین خطاب به امام زمان (می گوئیم: ای مولای من هرکس با شما مخالفت کند شقی و بدبخت، و هرکس از شما اطاعت کند سعید و خوشبخت می باشد. (احتجاج: ج: ۲ ص: ۳۱۷)

امام زمان، اولین بنده ای است که خداوند را به معنای حقیقی آن عبادت کرده (۱) و می کند، و عارفی است حقیقی، که پروردگار را به معنای واقعی اش می شناسد، و چون همه ی صفات کمال پروردگار عالم در ایشان نمایان است، و به عبارت دیگر آینده ی تمام نمای صفات حق تعالی می باشند، شناخت امام عصر (علیه السلام) مساوی است با شناخت خداوند متعال، و هر کس این وجود مقدّس را بیشتر و بهتر بشناسد، خدا را بیشتر و بهتر شناخته است. (۲)

در توضیح مطلب به طور خلاصه عرض می کنیم که عقل هیچگاه به ذات اقدس الهی راه نداشته و نخواهد داشت و هرچه یک شیء برای عقل ملموس تر و راه یابی به آن آسان و امکان پذیرتر باشد در نتیجه، شناخت، کامل تر و تفصیلی تر خواهد بود.

اینک می گوئیم؛ به دلیل اینکه دسترسی به ذات و صفات ذاتی خداوند متعال امکان پذیر نمی باشد، و نیز جهت نزدیک شدن مردم و شناخت بیشتر

۱- حدیث: امام باقر (علیه السلام) فرمودند: اولین مخلوقی که خداوند متعال آن را خلق نمود وجود مقدّس پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و ما اهل بیت بود، و ما خدای متعال را تسبیح و تقدیس و تحمید، و عبادتی در خور شأن و منزلت او می نمودیم. (بحار الأنوار: ج: ۲۵ ص: ۱۷ ح: ۳۱)

۲- حدیث ۱: امام رضا (علیه السلام) فرمودند: هر کس اهل بیت را بشناسد خدا را شناخته است، و هر کس جاهل به ایشان باشد خدا را نشناخته است. (کافی: ج: ۴ ص: ۵۷۸ ح: ۲) حدیث ۲: امام کاظم (علیه السلام) فرمودند: اگر اهل بیت نمی بودند خداوند شناخته نشده، و کسی نمی دانست که چگونه او را عبادت کند. (تأویل الآیات: ج: ۱ ص: ۳۹۷ ح: ۲۷) حدیث ۳: امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: ما آن وسیله های شناخت پروردگار هستیم که بدون آن، شناخت و معرفت او امکان پذیر نیست. (بصائر الدّرجات: ص: ۵۱۶ ح: ۶)

آنان از وجود مقدّس باری تعالی، خداوند (عزوجل) افرادی را به شکل بشر؛ ولی با خصوصیات جسمی و روحی متمایز و برتر، و صفاتی که مانند صفات وی بوده (۱) - و تنها تفاوتی که دارد این است که موهوبی (عطا شده) و از جانب خداست - خلق نمود تا برای شناخت بیشتر او به سراغ ایشان رفته و از طریق آشنائی و معرفت به صفات و خصوصیات آنان او را بشناسند.

به عنوان مثال وقتی سخن از صفت عالم بودن امام (علیه السلام) به میان آمده و پیرامون علم ایشان سخن می گوئیم و در نهایت پس از ساعتها بلکه روزها مطالعه، تحقیق و تفکر در دریای بیکران عجایب این صفت متحیر و سرگردان می مانیم (۲) کاملاً به عظمت و بی نهایت بودن علم عطا کننده‌ی آن علام الغیوبی که چنین علمی را به حجت خویش عطا فرموده است، پی می بریم.

و همچنین است نسبت به سایر صفات امام (علیه السلام) که شناخت و تأمل در آنها موجب شناخت صفات حضرت باری تعالی می گردد.

مگو که ذات خداوند عین ذات مهدیست

بگو صفات خدائی همه صفات مهدیست

ز عقل، معرفتش خواستن ز بی عقلیست

ز عشق پر سش او کن که عقل، مات مهدیست

۱- مراجعه شود به پاورقی ۶۵ در صفحه ۴۰.

۲- حدیث: امام کاظم (علیه السلام) فرمودند: به درستی که امام همانند دریاست و آنچه نزد اوست تمام نمی شود، و عجائب و غرائب او از دریا بیشتر است. (قُرب الإسناد: ص: ۳۳۶: ح: ۱۲۳۸)

فصل اول: خلقت روح من

خلقت اولیّه‌ی من که جزء دوستان و موالیان - و إن شاء الله شیعیان - ایشان هستم (۱)، ارتباط مستقیم با امام زمانم دارد؛ چرا که:

۱- حدیث: امام حسن عسکری (علیه السلام) فرمودند: مردی به زنش گفت: نزد فاطمه دختر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) برو و از او بپرس آیا من از شیعیان شما هستم یا نیستم، آن زن رفت و این سؤال را از ایشان پرسید، فاطمه (علیها السلام) فرمودند: به او بگو: اگر به گفته‌های ما عمل کرده و از آنچه نهی کرده ایم دوری می‌کنی پس از شیعیان ما هستی و اگر به گفته‌های ما توجهی نداری و از آنچه نهی کرده ایم دست بر نمی‌داری از شیعیان ما به حساب نمی‌آئی. آن زن برگشت و جریان را به شوهرش اطلاع داد پس آن مرد گفت: وای بر من! پس چه کسی ما را از این گناهان خلاص می‌کند؟ و من در جهنم مخلد خواهم شد؛ زیرا هر کس شیعه نباشد در جهنم است. آن زن برگشت و جریان را به حضرت فاطمه (علیها السلام) گفت، آن حضرت فرمودند: به شوهرت بگو: اینطور نیست که خیال کرده‌ای، شیعیان ما از نیکان اهل بهشت هستند؛ همه‌ی دوستان ما، و دوستان دوستان ما، و دشمنان دشمنان ما و کسانی که با قلب و زبان، سخنان ما را قبول دارند، همه‌ی اینها از شیعیان ما نیستند مگر آن هنگامی که اوامر ما را انجام دهند و از آنچه نهی کرده ایم دست بردارند و مرتکب گناهان نشوند. البته دوستان ما هم که آلوده به گناهانند بالاخره به بهشت می‌روند، اما بعد از اینکه از گناهان پاک شوند و (در قبر و برزخ) گرفتار انواع مصیبت‌ها و مشکلات گردند و یا در قیامت به انواع بلاها و سختیها گرفتار شوند. (تفسیر امام عسکری (علیه السلام): ص: ۳۰۸ ح: ۱۵۲)

اولاً: باید بدانم که خدای تعالی روح مرا از اضافی آن گلی که جسم امام را از آن خلق نموده بوجود آورده است - و جسم امام نیز از ماده ای به نام «علیین» خلق شده است - فلذا قلب من ناخود آگاه به آن حضرت مایل است و ایشان را دوست دارد و البته این خلقت نیز اتفافی نبوده و همانطور که خواهیم گفت پس از قبولی من در امتحاناتی خاص در عوالم گذشته صورت پذیرفته است، پس در ذره ذره ای جان من حضور آن امام مشهود و ملموس است. (۱)

و ثانیاً: باید بدانم که به خاطر وجود ایشان مرا خلق نموده اند و از نیستی به هستی آمده و وجود یافته ام (۲) و حیات من از حیات آن امام سر چشمه گرفته، و به سبب حیات ایشان باقی است. (۳)

آندم که روح، ز گل سرشته شد عشق، ز خال صورتت گرفته شد

من عاشق شدم و دل به تو دادم چون عشق تو در وجودم نهاده شد

۱- حدیث: امام باقر (علیه السلام) فرمودند: به درستی که خداوند محمد و آل محمد (علیهم السلام) را از طینت علّیین و قلب های ایشان را از اعلی علّیین خلق نموده است، و طینت قلب های شیعیان ایشان را از علّیین و طینت جسم ایشان را از ماده ای پائین تر از علّیین خلق نموده است، پس قلب های شیعیان از جنس بدن های محمد و آل محمد (علیهم السلام) می باشد. (بصائر الدرّجات: ص: ۳۴: ح: ۲)

۲- حدیث ۱: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: ما اهل بیت، علّت به وجود آمدن همه ی مخلوقات هستیم. (بحار الأنوار: ج: ۲۶ ص: ۲۵۹: ح: ۳۶) حدیث ۲: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: خداوند متعال فرموده است: من دنیا و آخرت را به خاطر ائمه ی معصومین خلق نمودم. (مشارق انوار الیقین: ص: ۲۳۶)

۳- حدیث: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: خداوند اهل بیت را سبب حیات و زندگانی خلایق قرار داده است. (اثبات الوصیّه: ص: ۱۸۳)

فصل دوم: امتحانات من در عوالم گذشته

بله! درست خواندید! عوالم گذشته ای که معمولاً از آن بی اطلاعیم!

من پس از گذشتن از عوالم مختلفی همچون عالم ارواح و عالم ذر، پا به عالم دنیا گذارده ام، و در آن عوالم نیز مانند این دنیا امتحان شده ام، و در آنجا نیز به یاری و مدد و عنایت امام زمان خویش هدایت گشته ام.

و جریان بطور خلاصه از این قرار بوده است که خداوند (عزوجل) پس از خلقت ارواح، روح مرا به همراه سایر ارواح، مورد امتحان و آزمایش قرار داد و پس از اعطای اختیار و عقل و شعور به همه ی ارواح و معرفی خود، از ایشان اینگونه پرسش نمود: {أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ} (۱) یعنی: «آیا من پروردگار شما نیستم؟».

پس نخستین کسانی که به اختیار خویش و مدد الهی و حکمت بی پایان او {قَالُوا بَلَىٰ} (۲) را گفته و ایمان آوردند، وجود مقدس پیامبر و اهل بیت (علیهم السلام) بودند و بعد از آنان نیز پیامبران، اوصیا و اولیا و سایر مؤمنین و دیگران به این ندا لَبَّيْكَ گفتند و عده ی زیادی نیز قلباً ایمان نیاورده و کافر شدند.

بعد از این مرحله، خداوند (عزوجل) مسأله ی نبوت پیامبران، خصوصاً نبوت خاتم الانبیاء (صلی الله علیه و آله و سلم) را به خلائق معرفی و مطرح نمود، و بار دیگر از خلائق طلب اقرار بر نبوت ایشان را کرد، در این مرحله نیز همچون مرحله ی قبل عده ای ایمان آورده و عده ای نیز قلباً کافر شدند.

۱- سوره ی اعراف: آیه: ۱۷۲.

۲- سوره ی اعراف: آیه: ۱۷۲.

و در مرحله‌ی سوّم نیز خداوند امیر المؤمنین (علیه السلام) و اوصیای آن حضرت را تا امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به خلائق معرفی نمود و از آنان طلب اقرار و قبول ولایت ایشان را کرد، که باز عدّه‌ای کافر شدند و عدّه‌ای قلباً ایمان آوردند. (۱)

۱- حدیث ۱: امام باقر (علیه السلام) فرمودند: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: همانا اُمّت مرا در روز أخذ میثاق بر من عرضه کردند، پس اوّل کسیکه به من ایمان آورد و مرا تصدیق نمود و نیز اوّل کسیکه پس از بعثت مرا تصدیق نموده و به من ایمان آورد علی بن ابی طالب بود، پس او صدّیق اکبر است. (مختصر بصائر الدّرجات: ص: ۱۶۵) حدیث ۲: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: خدای (عزوجل) ارواح را دو هزار سال پیش از اجساد آفرید، و آنها را به عرش آویخت، و به آنان فرمان داد تا بر من سلام و درود فرستاده و از من فرمان برند، پس نخستین کسی که از مردان بر من سلام کرد و از من اطاعت نمود روح علی بن ابی طالب بود. (امالی مفید: ص: ۱۱۳ ح: ۶) حدیث ۳: امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: همانا خداوند ارواح را دو هزار سال قبل از اجساد آفریده و آنها را در هوا جا داده است، پس هر کدام در آنجا با هم آشنا شدند در دنیا نیز به هم اُلّت گیرند، و هر کدام آنجا ناشناس شدند در دنیا نیز از یکدیگر جدا شوند. (بصائر الدّرجات: ص: ۱۰۸ ح: ۷) حدیث ۴: مُفضّل بن عُمر گوید: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: پروردگار هستی آفرین ارواح را دو هزار سال قبل از اجساد خلق کرد، و عالی ترین و شریف ترین آنها را، روح محمّد، و علی و فاطمه و حسن و حسین و امامان بعد از ایشان - که درود خدا بر ایشان باد - قرار داد، آنگاه ارواح آنان را بر آسمانها و زمین و کوهها عرضه نمود، و نور آنان همه چیز را فرا گرفت، پس خداوند (تبارک و تعالی) به آسمانها و زمین و کوهها فرمود: اینان دوستان و اولیا، و حجّتهای من بر آفریدگانم می باشند و پیشوایان مخلوقات من هستند، پس کدامیک از شما می تواند بار این امانت را با سنگینی های آن به دوش کشیده و ادّعا کند که چنین مرتبه و مقامی از آن اوست نه از آن برگزیدگان من؟! پس همه‌ی آسمانها و زمین و کوهها از حمل آن سر باز زدند. (معانی الأخبار: ص: ۱۰۸ ح: ۱)

و مثل آنچه در مورد عالم ارواح گفته شد در عالم ذرّ نیز - پس از اینکه خداوند ارواح را در اجسام بسیار ریزی قرار داد - در سه مرحله امتحانات مذکور از خلایق گرفته شد (۱) و در تمامی این مراحل، من به امام عصر خویش - که به من این عنایت را نمود و این یاری را رسانید که بتوانم توحید، نبوت و ولایت را قلباً پذیرفته و بر زبان {قَالُوا بَلَىٰ} (۲) را جاری کنم و این سعادت شامل حال همچون منی قرار گرفت که جزء شیعیان عصر او قرار بگیرم - مدیون و بدهکار هستم و قطره ای از دریای این عنایات را هم نمی توانم شکرگزاری نمایم، و چگونه می شود شکر این نعمت را بجای آورد! و حال اینکه توفیق شکرگزاری - که رزقی است معنوی - نیز از جانب ایشان باید به من عطا شود.

۱- حدیث ۱: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: خداوند ذریّه ی آدم را تا روز قیامت از صلب او خارج نمود، پس به صورت ذرات ریزی خارج شدند و خداوند خود را به آنها معرفی نمود، و اگر این معرفی نمی بود هیچکس خدایش را نمی شناخت! سپس فرمود: «آیا من پروردگار شما نیستم؟» گفتند: چرا، گفت: پس این محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز بنده و رسول من، و علی - که امیر بر مؤمنین است - خلیفه و امین من می باشد. (بصائر الدّرجات: ص: ۹۱ ح: ۸) حدیث ۲: امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: من عهد گیرنده از ارواح در گذشته ی دور می باشم، من فریاد: «آیا من پروردگار شما نیستم» را از جانب خدای پایدار ازلی سیر دادم، من کلمه ی سخنگوی خدا در میان خلقت می باشم، من عهد گیرنده از همه ی مخلوقات می باشم. (مشارق انوار الیقین: ص: ۲۶۰) حدیث ۳: امام باقر (علیه السلام) فرمودند: خداوند متعال در حالی از شیعیان ما پیمان بر ولایت را گرفت، که مانند ذرات بسیار ریزی بودند، همان روزی که از ذره ها پیمان گرفت، و نیز به ربوبیت خود و نبوت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) اقرار گرفت. (کافی: ج: ۱ ص: ۴۳۶ ح: ۱)

۲- سوره ی اعراف: آیه: ۱۷۲.

خدایا! تو را شکر می کنم که من را در آن عوالم مورد عنایت مولا و امام عصر خویش حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قرار دادی، و اذن دادی که محبت خویش را در دلم بیافکند و مرا جزء شیعیان و موالیان خود بپذیرد.

خدایا! در این عالم نیز لحظه به لحظه مرا مورد عنایات خاصه‌ی ولایت قرار ده و توفیق شکر گزاری این نعمت عظمی را به من عطا فرما، و آن به آن مرا به حضرتش نزدیک نموده و ارتباطم را با ایشان بیشتر فرما تا جائیکه لحظه ای از یادشان غافل نبوده و ایشان را فراموش نکنم و همیشه و در همه حال خدمتگزار آستان مقدّسشان باشم.

یاد رُخت به روضه ء رضوان نمی دهم

خاک دَرَت به مُلک سلیمان نمی دهم

دُرّ محبتی که بر دلم نهفته ای

تابنده گوهریست من ارزان نمی دهم

آب ولایتی که گلم ز آن سرشته شد

آن آب را به چشمه ء حیوان نمی دهم

با کس مرا بغیر مهدی کار نیست

دل را به شیاطین روزگار نمی دهم

فصل سوّم: ولادت من

به عنایت خاصّ امام عصر (علیه السلام) از مادری متولّد شده ام که محبّت مولایم سرمایه‌ی زندگی‌ام بود و از ابتدا آموزگار عشق و محبّت ایشان به من بوده است؛ و همانا دلبستگی و محبّت فراوان من به اهل بیت (علیهم السلام) و بغض و کینه ام نسبت به دشمنانشان نشانه‌ی بارزی از صفا و پاک دامنی می باشد. (۱)

در حالیکه هنوز چهار ماه از استقرار من در رحم مادرم نگذشته بود، ملائکه‌ی الهی به اذن و امر امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، (۲) روحم را در کالبد جسمم نهاد

۱- حدیث ۱: امام باقر (علیه السلام) فرمودند: شخصی که شب را به بامداد رساند و نسیم محبّت ما را بر قلب خود احساس نماید، پس باید خدا را بر سر آغاز نعمتها سپاسگزاری نماید. عرض شد: سر آغاز نعمتها چیست؟ فرمودند: حلال زادگی. (علل الشرائع: ج: ۱ ص: ۱۴۱ ح: ۲) حدیث ۲: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: ای علی! هر که من و تو را و امامان از اولاد تو را دوست دارد خدا را بر حلال زادگی خویش حمد کند؛ زیرا دوست ندارد ما را مگر حلال زاده و دشمن ندارد ما را مگر حرام زاده. (علل الشرائع: ج: ۱ ص: ۱۴۱ ح: ۳) حدیث ۳: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به علی (علیه السلام) می فرمودند: دشمن نمی دارد تو و اولاد تو (ائمّه علیهم السلام) را مگر سه طائفه: زنا زادگان، منافق، و کسی که مادرش در حال حیض به او حامله شده. (علل الشرائع: ج: ۱ ص: ۱۴۲ ح: ۶)

۲- حدیث ۱: امام موسی کاظم (علیه السلام) فرمودند: هیچ مَلکی نیست که خداوند او را برای اجرای فرمانی به زمین ارسال نماید مگر اینکه ابتدا نزد امام رفته و آن امر را به ایشان عرضه می دارد. (بصائر الدّرجات: ص: ۱۱۵ ح: ۲۲) حدیث ۲: امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: من حجّت خدا بر اهل آسمانها و زمین هستم، و هیچ مَلکی در آسمان بدون اذن من قدمی از قدم بر نمی دارد. (مشارق انوار الیقین: ص: ۳۴۳)

و بین آن دو ارتباط برقرار نمودند و من، من شدم. (۱)

از زمانی که متولد شدم و به دنیا پا نهادم، ایشان را دیده و با دیدنشان مسرور می گشتم، و هر گاه از دیدگانم کنار می رفتند، گریه می کردم، (۲) و مادرم

۱- حدیث: امام باقر (علیه السلام) فرمودند: زمانی که خداوند متعال اراده نماید نطفه ای را - که از او در پشت آدم پیمان گرفته است - بیافریند و او را در رحم قرار دهد، مرد را به نزدیکی و او می دارد و به رحم الهام می کند که گشوده شو تا آفریده و فرمان و تقدیرم را در تو بنهم، پس رحم باز شده و نطفه در آن جای می گیرد، و چهل روز در آنجا باقی می ماند، و چهل روز نیز به صورت عَلَقَه بوده، و چهل روز هم به صورت مُضْغَه ای (گوشت جویده شده) می باشد، و آنگاه تبدیل به گوشتی با رگهای پیچیده می شود، و سپس خداوند دو فرشته‌ی آفریننده را می فرستد که هرچه اراده نموده است را در رحم بسازند، پس آن دو از دهان زن به سمت شکم او پائین آمده و خود را به رحمی - که در آن روح دیرین است و از پشت مردان و رحم زنان نقل شده - رسانیده، و در آن به فرمان خدای تعالی روح زندگی و ماندن را می دمند، و گوش و چشم و همهی اندام او و هرچه در شکم است را می سازند، سپس خداوند به آن دو فرشته وحی می کند که بنویسید بر او قضا و قدر و امر نافذ مرا، و شرط کنید برایم بداء و تغییر در آنچه را که می نویسید. پس آن دو فرشته می گویند: پروردگارا! چه بنویسیم؟ خداوند (عزوجل) به آنها وحی می کند که به پیشانی مادرش بنگرید، پس ناگاه لوحی بر پیشانی مادر مشاهده می نمایند که در آن صورت و عمر و پیمان، و اینکه شقی است یا سعید و همهی صفات آن مولود دیده می شود. (کافی: ج: ۶ ص: ۱۳ ح: ۴)

۲- حدیث: مُفَضَّل بن عُمَر می گوید: از امام صادق (علیه السلام) درباره‌ی طفلی که بدون تعجب از چیزی (و یا دیدن امر خنده داری) می خندد و یا بدون داشتن درد (و یا امر گریه آوری) می گرید سؤال نمودم. پس حضرت فرمودند: ای مفضل! هیچ طفلی نیست مگر اینکه امام زمان خویش را می بیند و با او مناجات می کند، پس زمانی که امام از او غایب می شود گریه، و زمانی که با اوست می خندد، و این حالت تا زمانی است که آن طفل زبان گشوده و به سخن آید، پس در این هنگام است که دیگر امام را ندیده و آنچه را هم که دیده است فراموش می کند. (علل الشرائع: ج: ۲ ص: ۵۸۴ ح: ۲۸)

با اینکه گرسنه نبودم و هیچ امر دیگری که موجب گریه کردن من شود در بین نبود، گمان می کرد که من گرسنه ام و یا به علت خاصی گریه می کنم، و سعی می کرد که به هر صورتی که ممکن است مرا ساکت کند و حال اینکه چیزی جز فراق یار باعث گریه من نبود.

ای کاش! و ای کاش! همان حالت در من ادامه پیدا می کرد و من برای همیشه چشمم در چشمان ایشان می افتاد، و چهره‌ی نازنینشان را مشاهده می کردم؛ ولی اکنون نیز ناراحت نیستم، چرا که ایشان همیشه با من و به یاد من هستند، و مرا می بینند و از حال و روز من آگاه اند، (۱) و من هر گاه بخواهم، بدون هیچ واسطه‌ای با ایشان سخن گفته و درد دل می نمایم، - همچنان که در کودکی قبل از اینکه به سخن درآیم چنین بودم -، و اُنس می گیرم و حاجاتم را برای ایشان بیان می کنم، و می خواهم که آنها را بر آورده کنند و مرا به خود وا نگذارند.

چقدر جمله‌ی مولایم، امام زمانم، هستی ام، برای من آرامش بخش است که فرمودند: «إِنَّا غَيْرُ مُهْمَلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَلَا نَاسِينَ لَذِكْرِكُمْ» (۲) یعنی: «ما از مراعات حال شما غفلت نکرده و یاد و توجه به شما را فراموش نمی کنیم».

- ۱- حدیث ۱: امام زمان (علیه السلام) در توقیعی فرمودند: ما بر اخبار و احوال شما احاطه داشته و از آنها مطلع هستیم و چیزی از اخبار شما بر ما پوشیده نیست. (مزار مفید: ص: ۷) حدیث ۲: و در توقیعی دیگر امام عصر (فرمودند: ما در مراعات و خبر گیری از حال شما کوتاهی نمی کنیم و یاد شما را فراموش نمی نمائیم. (احتجاج: ج: ۲ ص: ۳۲۲)
- ۲- () احتجاج: ۲ ص: ۳۲۲.

جانم فدای شما مولای غریبی که - هر صبح و شام، در مصیبت جدّتان ابا عبد الله الحسین (علیه السلام) گریه می کنی (۱) و - این چنین به فکر ما هستی، و اگر ما از یاد شما غافل شده فراموشتان کنیم، شما هرگز ما فراموش نکرده و از یادمان غافل نمی شوید.

صبح و شام همه گریه است ز هجرت که بیا

تو به صبح و شام خود گریه چرا چنین کنی

گریه بر عاشق دیوانه بزبید نه به معشوق

تو که معشوق شفیقی بزبید که چنین گریه کنی

۱- حدیث: در زیارت ناحیه‌ی امام زمان (علیه السلام) خطاب به امام حسین (علیه السلام) آمده است: اگر زمانه مرا به تأخیر انداخت و نتوانستم تو را یاری نمایم و با دشمنان دشمنی و جنگ نمایم، پس در ازای آن هر صبح و شام با صدای بلند گریه می کنم و گاهی به جای اشک خون می گریم! و این همه به خاطر حسرت بر تو و تأسّف و اندوه بر آن مصیبتی است که بر سر تو آمده، و این گریه و افغان تا زمانی که از سوز و شدّت مصیبت و غصّه‌ی فراوان بمیرم ادامه دارد. (مزار مشهدی: ص: ۴۸۵)

فصل چهارم: دوران کودکی من

در اوائل که حتی توان دور کردن پشه ای را از خود نداشتم، بلاهای بسیار زیاد و مختلفی که هر کدام به تنهایی برای از پای درآوردن من کافی بود از من دور شد، اما توسط چه کسی؟

ملائکه ای که من را در این دوران و بعد از آن محافظت می نمودند (۱) از چه کسی دستور می گرفتند؟

بارها و بارها تا پای مرگ پیش رفتم و اگر عنایات ایشان نبود برای همیشه از این جهان رخت بر بسته بودم. به عنایت و توجه آن حضرت بود که دل خیلی ها به من مهربان و عطف گردید تا به فکر من بوده و مرا کمک کنند تا روی پای خود بایستم.

آری! تمامی نعمت ها، رزق و روزی ها، منافع، برکات و رحمت ها، از ناحیه ای امام عصر (علیه السلام) و به خاطر ایشان به دست من رسیده و می رسد؛ (۲) و

۱- حدیث: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: هیچ بنده ای نیست مگر اینکه دو ملک او را محافظت می کنند، پس زمانی که قرار باشد مؤاخذه شده و به بلا و گرفتاری دچار شود او را ترک می کنند. (تفسیر عتاشی: ج: ۲ ص: ۲۰۵ ح: ۱۶)

۲- حدیث ۱: امام باقر (علیه السلام) فرمودند: خداوند به خاطر اهل بیت به بندگانش روزی می دهد و به خاطر ایشان سرزمین ها را آباد می کند، و به خاطر ایشان برکات را از زمین خارج می کند. (کمال الدین: ص: ۲۶۰ ح: ۵) حدیث ۲: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: خداوند به سبب ما درختان را میوه دار، و میوه ها را رسیده و قابل استفاده می نماید، و به خاطر ما باران را نازل و زمین ها را سبز می گرداند. (کافی: ج: ۱ ص: ۱۴۴ ح: ۵)

تمامی نعمت‌ها، بلاها، هلاکت‌ها، غم و غصه‌ها، مرضها و بیماری‌ها، وساوس شیطانی و نابسامانی‌های روزگار، به خاطر آن حضرت از من دور و دفع شده و می‌شوند. (۱)

ای خوشا آنروز که کودک بودیم بر مهر و تولای تو می‌آسودیم

هر زمان دیده‌ء خود بگشودیم هر طرف صورت خود بنمودیم

تو به ما روح و روان می‌دادی صورت خویش نشان می‌دادی

لیک از کثرت عصیان امروز نفس بر ما شده یکسر پیروز

حال ای عشق و محبت آموز فرض کن کودکی هستیم هنوز

۱- حدیث ۱: امام زمان (علیه السلام) فرمودند: به خاطر من خداوند بلاها را از اهل‌م و شیعیانم دفع می‌کند. (کمال الدین: ص: ۴۴۱ ح: ۱۲) حدیث ۲: امام باقر (علیه السلام) فرمودند: خداوند می‌فرماید: آنها (ائمه علیهم السلام) حقیقتاً اولیای من هستند، به خاطر ایشان هر فتنه‌ی کور ظلمانی را دفع می‌کنم و به خاطر ایشان زلزله‌ها را برطرف می‌سازم، و به خاطر ایشان گناهان و غلّ و غشّ‌ها را می‌زدایم. (امامت و تبصرت: ص: ۱۰۳ ح: ۹۲) حدیث ۳: در زیارت جامعه‌ی کبیره آمده است: به خاطر شما (اهل بیت علیهم السلام) خداوند ذلت و خواری را از ما دور نمود، و چرکهای غم و اندوه را از صورتهایمان پاک کرد، و ما را از قرار گرفتن در پرتگاههای هلاکت و آتش عذاب نجات داد. (من لا یحضره الفقیه: ج: ۲ ص: ۶۰۹)

بخش دوم: حال من

اشاره

فصل اول: رزق و روزی من

فصل دوم: مقدرات من

فصل سوم: اعمال من

فصل چهارم: معاصی و گناهان من

فصل پنجم: دعاها، حوائج و نیازهای من

فصل ششم: ابلیس و هوای نفس من

فصل هفتم: حادثه‌ها، گرفتاری‌ها، بلاها و بیماری‌های من

فصل هشتم: هدایت من

فصل نهم: آرامش و طمأنینه‌ی من

فصل دهم: دین من

فصل یازدهم: قرآن من

فصل دوازدهم: علم و دانش من

فصل اول: رزق و روزی من

برای اینکه بیشتر به نقش امام زمان (علیه السلام) در رابطه با رزق و روزی خود پی ببریم باید بدانیم که رزق، معنای عامی دارد و منحصر به غذای جسم نیست؛ بلکه شامل غذای روح نیز می شود. و نیز منحصر به غذا که عامل رشد جسم است نمی باشد؛ بلکه مراد، هر چیزی است که نعمت محسوب شده و خیر و برکت آن به ما برسد.

بنابراین ولایت امیرالمؤمنین و اولاد طاهرینش (علیهم السلام)، و خدمت و یاری ایشان و دوستارانشان، گریه کردن بر مصیبت ایشان، شرکت در مجالس شُرور و عزای آنان، توجّه و اُنس به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، دعا کردن برای وجود مقدّسشان، توفیق بر عبادت و بندگی، عافیت، فکر سالم، فرزند صالح، همسر ایده آل، پدر و مادر مهربان، استاد دلسوز، رفیق خوب، موقعیت اجتماعی، علم و دانش، آبرو و شخصیت، اخلاق نیکو، احترام به والدین، و دیگر مواردی که با کمی تأمل می شود آنها را ذکر نمود، همگی جزء رزق و روزی ما می باشند.

پس رزق منحصر به غذاهای رنگارنگ، میوه های مختلف، لباس های گوناگون، خانه، ماشین و سایر امکانات رفاهی نمی باشد؛ بنابراین وقتی سخن از رزق به میان می آید نباید گمان کنیم که منظور چیزهایی است که شکم را سیر کرده و بدن را می پوشاند.

حال می گوئیم که این رزقی که - از لحاظ کمّیت و کیفیت - برای اشخاص مختلف متفاوت است و در اعصار مختلف شکلهای مختلفی به خود می گیرد:

اولاً: همگی به خاطر وجود امام زمان (علیه السلام) خلق شده (۱) و به یمن و برکت وجود آن حضرت به موجودات عالم عطا می گردد. (۲)

ثانیاً: همه‌ی آنها ملک ایشان بوده و تحت تصرف آن حضرت می باشد؛ بنابراین صاحب اختیار آنها - در عصر ما به اذن الهی - کسی نیست جز امام زمان (علیه السلام). (۳)

ثالثاً: هدف از خلقت این ارزاق، این بوده است که اینها وسیله ای باشند در جهت شناخت، توجه، ارتباط و در نهایت اطاعت از امام عصر (علیه السلام)، که مساوی است با شناخت، توجه، ارتباط و اطاعت از پروردگار عالم. (۴)

رابعاً: مَلَك مأمور رزق؛ یعنی جناب میکائیل و سایر ملائکه ای که زیر

۱- حدیث ۱: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: خداوند متعال فرموده است: من دنیا و آخرت را به خاطر ائمه‌ی معصومین خلق نمودم. (مشارق انوار الیقین: ص: ۲۳۶) حدیث ۲: امام باقر (علیه السلام) فرمودند: اگر ما نبودیم خداوند آسمان و زمین و بهشت و جهنم و خورشید و ماه و جنّ و انس را خلق نمی کرد. (عیون المعجزات: ص: ۶۹)

۲- حدیث ۱: امام باقر (علیه السلام) فرمودند: به خاطر ما اهل بیت رحمت نازل می شود. (بصائر الدرّجات: ص: ۸۲ ح: ۱۰) حدیث ۲: امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: به خاطر شما اهل بیت خداوند به بندگانش روزی می دهد، و به خاطر شما باران از آسمان نازل می شود و به خاطر شما زمین برکاتش را خارج می کند. (اعلام الوری: ج: ۲ ص: ۱۸۴)

۳- حدیث ۱: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: دنیا و آنچه در آن است از آن خدای (تبارک و تعالی) و رسول گرامیش و ما اهل بیت می باشد. (کافی: ج: ۱ ص: ۴۰۸ ح: ۲) حدیث ۲: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: همانا زمین و هر آنچه بر روی آن است از آن خدا و رسول گرامیش و ما اهل بیت می باشد. (ثاقب: ص: ۴۱۷ ح: ۲)

۴- حدیث: امام رضا (علیه السلام) فرمودند: هر کس اهل بیت را بشناسد خدا را شناخته است، و هر کس جاهل به ایشان باشد خدا را نشناخته است. (کافی: ج: ۴ ص: ۵۷۸ ح: ۲)

نظر این فرشته‌ی عظیم الشان مشغول انجام وظیفه هستند، از امام عصر خویش دستور گرفته و طبق اوامر آن حضرت عمل می‌کنند. (۱)

خامساً: هیچ مخلوقی از ارتباط رزق و روزی خویش با آن حضرت محروم نیست، چرا که امام عصر (علیه السلام) فقط امام بر ما انسان‌ها نیستند؛ بلکه همانطور که سابقاً گفتیم همه‌ی مخلوقات عالم، امام زمان دارند.

بنابراین میوه‌ای که تناول می‌کنیم، درختی که این میوه را داده است، آبی که درخت از آن آبیاری شده است، خورشیدی که بر آن تابیده است و اکسیژنی که مصرف نموده است، بارانی که باریده است، دریا‌هایی که باران به آن ریخته است، زمینی که دریاها بر آن مستقرند، آسمان‌هایی که بر زمین محیط‌اند، کرسی‌هایی که بر آسمانها احاطه دارد و عرشی که فوق همه‌ی اینهاست، (۲) با

۱- حدیث ۱: امام موسی کاظم (علیه السلام) فرمودند: هیچ مَلْکِی نیست که خداوند او را برای اجرای فرمانی به زمین ارسال نماید مگر اینکه ابتدا نزد امام رفته و آن امر را به ایشان عرضه می‌دارد، و به درستی که محلّ رفت و آمد ملائکه‌ی الهی به سوی صاحب این امر است. (بصائر الدّرجات: ص: ۱۱۵ ح: ۲۲) حدیث ۲: امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: من حجت خدا بر اهل آسمانها و زمین هستم، و هیچ مَلْکِی در آسمان بدون اذن من قدمی از قدم بر نمی‌دارد. (مشارق انوار الیقین: ص: ۳۴۳) حدیث ۳: امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: قسم به آن خدائی که آسمان را بدون پایه و ستون بالا برده است، اگر مَلْکِی از ملائکه، قصد جا بجائی - به اندازه‌ی نَفْسِی - از مکانی به مکان دیگر را داشته باشد هرگز بدون اذن من نمی‌تواند چنین کند، و این امر برای فرزندان حسن و حسین و فرزندان از نسل او که نهمین ایشان قیام‌کننده آنهاست نیز می‌باشد. (بحار الأنوار: ج ۲۷ ص: ۳۶)

۲- حدیث: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: آسمانهای هفتگانه نسبت به کرسی همانند حلقه‌ای کوچک در بیابانی وسیع می‌باشند، و اما عظمت و بزرگی عرش نسبت به کرسی همانند عظمت و بزرگی آن بیابان نسبت به حلقه است. (معانی الأخبار: ص: ۵۲۳ ح: ۱۳)

تمامی موجوداتی که در آن زندگی می کنند، همگی امام دارند، و امام آنها کسی نیست جز حجّت بن الحسن العسکری (روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء) (۱)، و هر شیئی که در عالم، امام دارد، حرکت، وجود، خاصیت و اثر او بی اذن امام و حجّت خدا امری است غیر ممکن.

چگونه چنین نباشد و حال اینکه بر همگی آنها ملائکه ای مأمورند که بی اذن امام خویش، قدم از قدم برنداشته و کاری را انجام نمی دهند. (۲)

آری! بر تک تک قطرات باران، برگ های درختان و... ملائکه‌ی الهی مأمورند (۳) و همه‌ی آنها جز در جهت خواست و اراده‌ی امام خویش حرکتی نمی کنند.

۱- حدیث ۱: در زیارت امام عصر (می خوانیم: سلام بر تو ای حجّت خدا بر زمینیان و آسمانیان، شهادت می دهم که به حقیقت تو حجّت خدا بر گذشتگان و آیندگان هستی. (مزار شهدی: ص: ۵۸۷) حدیث ۲: امام سجّاد (علیه السلام) فرمودند: ما اهل بیت حجّت های خداوند بر عالمیان هستیم. (روضه الواعظین: ص: ۱۹۹)

۲- حدیث: امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: من حجّت خدا بر اهل آسمانها و زمین هستم، و هیچ مَلکی در آسمان بدون اذن من قدمی از قدم بر نمی دارد. (مشارق انوار الیقین: ص: ۳۴۳)

۳- حدیث ۱: امام باقر (علیه السلام) فرمودند: به درستی که برای خداوند ملائکه ای است که مأمورند بر درختان و نخلها، پس هیچ درخت و نخلی نیست مگر اینکه با او مَلکی است از جانب خدای متعال که آن درخت و نخل و آنچه از برگ ها و میوه ها در آن است را حفظ می کنند، و اگر این ملائکه نبودند حیوانات و حشرات میوه ای را باقی نمی گذاشتند، و به همین جهت است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نهی فرمودند از اینکه مسلمانی زیر درخت یا نخل میوه داری ادرار و مدفوع کند چرا که ملائکه‌ی موکّل بر آن درخت در آنجا حاضر هستند، و اینکه درخت و نخل میوه دار به عنوان انیس انسانها شمرده شده اند نیز بدین خاطر است که ملائکه‌ی موکّل بر آنها در آنجا حضور دارند. (علل الشرائع: ج: ۱ ص: ۲۷۶ ح: ۱) حدیث ۲: امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: هیچ قطره بارانی نمی بارد مگر اینکه مَلکی همراه آن است و آن قطره را در جای تعیین شده فرود می آورد. (علل الشرائع: ج: ۲ ص: ۴۶۳)

بنابراین رزق من - که احتیاج دائمی به آن دارم و شامل عمر کوتاهم نیز می شود - ارتباطی عمیق و پیوسته با امام زمان من دارد، و چقدر جای تأسّف است که من با همه‌ی نیاز و احتیاجی که به آن حضرت دارم، نتوانسته ام آنطور که شایسته است خدمتی به آن امام مهربان تر از مادر، صمیمی تر از پدر و دلسوز تر از من به خودم، بنمایم! (۱)

گرچه خود قاسم الارزاق بود میکائیل

نیست در رُتبه مگر ریزه خور خوان شما

هرچه در دفتر ملک است و کتاب ملکوت

قلمصنّع، رقم کرده بعنوان شما

۱- حدیث ۱: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: امام همچون پدری مهربان می باشد. (کافی: ج: ۱ ص: ۴۰۷ ح: ۸) حدیث ۲: امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمودند: به خدا قسم ما اهل بیت از خود شما به شما مهربان تر هستیم. (بصائر الدرجات: ص: ۲۸۵ ح: ۱۵) حدیث ۳: امام رضا (علیه السلام) فرمودند: امام مونس‌ی رفیق، پدری دلسوز، و برادری تنّی، و همچون مادری نیکوکار به فرزند کوچک خویش می باشد. (کافی: ج: ۱ ص: ۲۰۰ ح: ۱) حدیث ۴: امام رضا (علیه السلام) فرمودند: همانا امام نسبت به شیعیان خویش از پدران و مادران دلسوزتر است. (خصال: ص: ۵۲۷ ح: ۱)

جناب اوست به ذرات ممکنات مُجیر

وجود اوست به ارزاق کائنات کفیل

خود اوست مظهر الحیّ و دم به دم، ز دمّش

حیات گیرد و بر کون بخشد اسرافیل

هم اوست مُظهر القابض و به حضرت او

دهد مراجعت روح خلق، عزرائیل

ز خوان مکرمتش رزق ما سوی الله را

دهد به روز و شبان کیل کیل میکائیل

عطا و لطفش عاید به هر فقیر و غنی

سخا و جودش شامل به هر جواد و بخیل

خاک درگاهش حیات جاودان بخشد بلی

مایه ی عمر آبد، این آب حیوانست و بس

از ازل گسترده خوان نعمت او تا آبد

اولین و آخرین را رزق از این خوانست و بس

فصل دوم: مقدرات من

این موضوع چندان نیاز به توضیح ندارد؛ زیرا که دوست و دشمن (۱) همه می دانند که ملائکه و روح القدس در شب قدر بر امام زمان (علیه السلام) نازل

۱- حدیث: امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: هیچگاه تیمی و عدوی (ابو بکر و عمر) خدمت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نبودند و آن حضرت سورهی «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» را با خشوع و گریه تلاوت نمی کردند جز اینکه آن دو ملعون می گفتند: برای این سوره چه سخت دلت نازک است؟ رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرمودند: برای آن چیزی است که به چشم خود دیده و به دل خود فهمیده ام، و برای آن است که دل این مرد (یعنی علی (علیه السلام)) بعد از من خواهد دریافت، آن دو می گفتند: شما چه دیده اید و او چه خواهد دید؟ حضرت در ازای جواب، روی خاک برای آنها این آیه: «تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ» را نقش کرده و می فرمودند: پس از فرموده‌ی خداوند که می گوید: «هر امری» آیا چیز دیگری باقی می ماند؟ آن دو می گفتند: نه، پس می فرمودند: می دانید به چه کسی هر امری را نازل می کنند؟ می گفتند: ای رسول خدا! به شما، می فرمودند: آری! درست است. ولی آیا شب قدر بعد از من هست یا نه؟ آن دو می گفتند: آری! پس پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرمودند: آیا این امر در آن شب نیز نازل می شود؟ می گفتند: آری! می فرمودند: بر چه کسی؟ آن دو می گفتند: ما نمی دانیم، پس سر مرا در آغوش گرفته و می فرمودند: اگر نمی دانید، بدانید: آن کس بعد از من این مرد است. و به راستی مطلب این است که آن دو نفر این شب را بعد از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) از شدت هراسی که به دل آنها می افتاد می شناختند. (کافی: ج: ۱ ص: ۲۴۹ ح: ۵)

شده (۱) و تقدیرات یک ساله‌ی من، باید به امضای ایشان برسد؛ (۲) زیرا تنها کسی که قدرت تصرف در مقدرات و تغییر و تبدیل آنها را دارد شخص ایشان است. (۳)

ولی با این وجود دشمنان اهل بیت (علیهم السلام) حاضر به پذیرفتن و قبول چنین مطلبی نیستند، می‌دانید چرا؟

چون در این صورت تمام امامانی که تا به حال برای خود تراشیده‌اند همگی زیر سؤال رفته و از اعتبار ساقط می‌گردند. و در کلمات ائمه (علیهم السلام) نیز

۱- حدیث ۱: امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: همانا در شب قدر امور یک سال، معین می‌شود و برای اجرای این مسأله مجریانی بعد از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌باشند، پس شخصی سؤال نمود: آنان چه کسانی هستند؟ حضرت فرمودند: من و یازده نفر از فرزندانم که از صُلب من می‌باشند و آنان امامانی هستند که ملائکه با ایشان سخن می‌گویند. (کافی: ج: ۱ ص: ۲۴۷ ح: ۲) حدیث ۲: امام باقر (علیه السلام) فرمودند: شب قدر بر ما اهل بیت مخفی نیست؛ چرا که در آن شب، ملائکه به دور ما طواف می‌کنند. (تفسیر قمی: ج: ۲ ص: ۲۹۰)

۲- حدیث: امام باقر (علیه السلام) فرمودند: ملائکه‌ی الهی و روح القدس در شب قدر احکام و اموری را که قرار است در طول سال رخ دهد برای امام بازگو می‌کنند، پس شخصی سؤال کرد: مگر امام از آن احکام و اموری خبر است؟ حضرت فرمودند: خیر، بلکه از آنها مطلع است، ولی در شبهای قدر از طرف خدا به پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و اوصیای او نسبت به آنچه می‌دانند دستور می‌آید که آنچه را می‌دانند اجرا و عمل نمایند. (کافی: ج: ۱ ص: ۲۵۲ ح: ۸)

۳- حدیث ۱: امام محمد باقر (علیه السلام) فرمودند: به درستی که خداوند ما اهل بیت را بر آنچه بخواهیم توانا نموده است. (بصائر الدرجات: ص: ۳۹۵ ح: ۵) حدیث ۲: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: اهل بیت (علیهم السلام) جایگاه قدرت و مشیت خدای (عزوجل) می‌باشند. (مشارق انوار الیقین: ص: ۱۷۹)

آمده است که در مقام احتجاج با مخالفین از آنان پرسید که آیا شب قدر، بعد از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز بوده است یا خیر؟ اگر بگویند: نه، که تکذیب قرآن نموده اند که می گوید: {تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ} (۱)؛ یعنی: «پیوسته در شب قدر ملائکه به اذن پروردگارشان نازل می شوند»، و اگر بگویند: آری، - که چنین خواهند گفت - از آنان پرسید که بر چه کسی نازل می شوند؟ در این جاست که جوابی نداشته و عاجز می شوند. (۲)

به درستی که شب قدر که به گفته‌ی خداوند در قرآن کریم برتر از هزار شب است، برای من شب بسیار مهم و سرنوشت سازی است. (۳)

و چقدر من به وجود نازنین امام عصر (علیه السلام) در این شب نیازمندم و این نیاز را با همه‌ی وجودم حس می کنم. در این شب یکسره با مولایم نجوا نموده و تمام توجه ام به اوست و عاجزانه از او می خواهم که مرا هم مورد عنایت و توجه خاص خود قرار داده و سرنوشتی پُر از خیر و خوبی، همراه با عافیت جسم و روح برایم رقم بزند.

اما حالا که کمی با خود می اندیشم می بینم:

آقا و مولایم!

صاحبم!

امام زمانم!

۱- سوره‌ی قدر: آیه: ۴.

۲- کافی ج: ۱ ص: ۲۴۵ ح: ۱.

۳- حدیث: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: همانا در شب قدر ارزاق تقسیم شده و اجل ها نوشته می شوند و نیز مشخص می شود که چه کسانی باید به حج بروند، و در این شب هر عملی برتر از انجام آن عمل در هزار ماه است. (کافی: ج: ۴ ص: ۶۶ ح: ۲)

محبوب تر از جانم! (۱)

مهربان تر از مادرم! (۲)

نزدیک تر از سفیدی به سیاهی چشمم!

دار و ندارم!

روح و روانم!

تکیه گاهم! (۳)

تنها خریدارم!

خورشید زندگیم!

آسایش خاطرَم! (۴)

۱- حدیث: امام صادق (علیه السلام) در مورد گفتار خدای (عزوجل): «فقط ولیّ و سرپرست شما خدا و رسول او و کسانی که ایمان آورده اند می باشند» فرمودند: مراد از «ولایت» در این آیه آن است که امیر المؤمنین (علیه السلام) و امامان از اولاد او تا روز قیامت بر مردم و جانهایشان و مالهایشان و تمامی امورشان صاحب اختیار و اولی به تصرّف می باشند. (کافی: ج: ۱ ص: ۲۸۸ ح: ۳)

۲- حدیث ۱: امام رضا (علیه السلام) فرمودند: امام نسبت به شیعیان خویش از پدران و مادران مهربان تر و دلسوز تر است. (خصال: ص: ۵۲۷ ح: ۱) حدیث ۲: امام رضا (علیه السلام) فرمودند: همانا امام از مادرِ نیکوکار نسبت به فرزند کوچکش مهربان تر است. (کافی: ج: ۱ ص: ۲۰۰ ح: ۱) حدیث ۳: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: قلبهای ما اهل بیت نیز نسبت به شیعیانمان همانند قلبهای پدران و مادران نسبت به فرزندان خویش طالب و مایل است. (بحار الأنوار: ج: ۶۴ ص: ۱۲۶ ح: ۲۷)

۳- حدیث: امام باقر (علیه السلام) فرمودند: اهل بیت (علیهم السلام) محلّی آمن برای پناهنده شدن و تکیه کردن هستند، و هر کس به ایشان متمسک شود در آمان خواهد بود. (یقین: ص: ۳۱۸)

۴- حدیث: امام جعفر صادق (علیه السلام) در مورد این آیه: «آن کسانی که ایمان آورده اند و قلبهایشان به یاد خدا مطمئن گردید» فرمودند: منظور از ایمان آورندگان: شیعیان، و منظور از ذکر خدا: امیر المؤمنین و ائمه (علیهم السلام) می باشند. (تفسیر قمی: ج: ۱ ص: ۳۶۵)

سرمايه ام!

مهجهی قلبم!

أمیدم!

آرزویم! (۱)

و همه‌ی هستی ام! نه تنها در آن شب، بلکه در همه‌ی اوقات اداره کننده‌ی عالم است، و من دائماً به ایشان نیازمندم و لحظه‌ای نمی‌توانم بدون آن حضرت به حیات خویش ادامه دهم؛ ولی با این وجود با غفلت از آن مولا، روزگار خویش را گذرانده و زندگی را منهای ایشان معنا نموده ام! در حالی که لحظه به لحظه‌ی زندگی من مرتبط با آن حضرت بوده و داشته‌های من از جانب ایشان و به خاطر ایشان (۲) و به امر ایشان به من رسیده است. (۳)

۱- حدیث: در زیارت آل یاسین می‌خوانیم: سلام بر تو ای امامی که در همه‌ی امور مقدمی و آرزوی تو برده می‌شود. (بحار الأنوار: ج: ۹۱ ص: ۳۶ ح: ۲۳)

۲- حدیث: امام باقر (علیه السلام) فرمودند: خداوند به خاطر اهل بیت (علیهم السلام) به بندگانش روزی می‌دهد، و به خاطر ایشان سرزمین‌ها را آباد می‌کند، و به خاطر ایشان باران را نازل می‌کند، و به خاطر ایشان برکات زمین از آن خارج می‌شود. (کمال الدین: ص: ۲۶۰ ح: ۵)

۳- حدیث ۱: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: هیچ چیزی نیست مگر اینکه ملکی بر او مأمور است. (تفسیر عیاشی: ج: ۱ ص: ۱۵۳ ح: ۵۱۰) حدیث ۲: امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: من حجت خدا بر اهل آسمانها و زمین هستم، و هیچ ملکی در آسمان بدون اذن من قدمی از قدم بر نمی‌دارد. (مشارق انوار الیقین: ص: ۳۴۳)

در عزم و مشیت او، حکم ازلی مُدْغَم

فرمان قضا و قَدَر، در محکمه اش محکم

از قُلُوم جودش چه، این هر دو جهان یک نم

جز دست و جودش کو غارتگر ملک عدم؟

هر چه نبود زان بیش، در وصف جمالش کم

در نعت کمالاتش، هر ناطقه ای ابکم

ای نام دلارایت، بر خسته دلان مرهم

تا کی دل ما با شد نالان به کمند غم

فصل سوم: اعمال من

آنچه لازم است نسبت به ارتباط اعمال و رفتار خویش، با امام زمانم بدانم، به طور خلاصه آن است که:

اولاً: امام زمان (علیه السلام) از اعمال و رفتار و کردار من در گذشته، حال و آینده با خبر بوده، و هیچ چیزی از آنها بر ایشان مخفی نیست، و هیچ کدام را فراموش ننموده و بسیار بهتر و دقیق تر از من از آنها مطلع هستند، و بر همه‌ی آنها در آن واحد احاطه داشته و همه‌ی آنها را با هم می‌نگرند، (۱) و این علم و آگاهی را خداوند متعال به حجت و خلیفه‌ی خویش، که امر هدایت خلق را به عهده ایشان سپرده، عطا نموده است. (۲)

ثانیاً: علاوه بر آن، هفته‌ای دو مرتبه ملائکه‌ی الهی، اعمال مرا به طور رسمی و با تشریفات خاصی، به خدمت آن حضرت عرضه می‌نمایند، و ایشان در این مرحله برای گناهان من استغفار می‌کنند و اگر اعمال خوبی داشته باشم، از دیدن آنها مسرور گشته و شکر الهی را بجای می‌آورند.

- ۱- حدیث ۱: امام زمان (علیه السلام) در توقیعی فرمودند: ما بر اخبار و احوال شما احاطه داشته و از آنها مطلع هستیم و چیزی از اخبار شما بر ما پوشیده نیست. (مزار مفید: ص: ۷) حدیث ۲: امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: امام، زمین و مخلوقات که بر روی آن هستند را می‌بیند، و چیزی از اعمال آنها بر او مخفی نیست. (هدایت کبری: ص: ۱۷۰)
- ۲- حدیث ۱: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: ما اهل بیت، آن کسانی هستیم که خداوند مردم را به خاطر ما از گمراهی نجات می‌دهد. (تأویل الآیات: ج: ۲ ص: ۸۵۲ ح: ۸) حدیث ۲: امام رضا (علیه السلام) فرمودند: سلام بر شما ای راهنمایان بر هدایت. (بحار الأنوار: ج: ۹۹ ص: ۱۸۷)

و چقدر دردناک است آن لحظه ای که حضرت به اعمال زشت و ناپسند من نگریسته و به خاطر آن اندوهگین می شوند. (۱)

ثالثاً: شرط قبولی همه‌ی اعمال، معرفت و ولایت و موالات ایشان است، و بدون آن هیچ عملی از من مقبول و پذیرفته نخواهد شد، (۲) گرچه به اندازه ای عبادت کنم که همچون مَشکی خشکیده، رنجور و ناتوان گردم. (۳)

۱- حدیث ۱: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: اعمال در هر پنجشنبه بر رسول خدا و ائمه (علیهم السلام) عرضه می شود. (بصائر الدرجات: ص: ۴۴۶ ح: ۱۶) حدیث ۲: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: همانا اعمال شما در هر دوشنبه و پنجشنبه بر من عرضه می شود، پس من بر اعمال خوب شما شکر الهی نموده و بر اعمال بدتان از خداوند طلب بخشش می نمایم. (بصائر الدرجات: ص: ۴۶۴ ح: ۵)

۲- حدیث ۱: در زیارت امام زمان (می خوانیم: شهادت می دهم که به ولایت تو اعمال پذیرفته می شوند و افعال پاکیزه می گردند و حسنات دو چندان می شوند و سیئات محو می گردند، پس هر کس ولایت تو را بپذیرد و به امامتت اعتراف نماید اعمالش پذیرفته، گفتارش تصدیق، حسناتش مضاعف و سیئاتش محو می شوند. و هر کس ولایت تو را نپذیرد و تو را نشناسد و دیگری را به جای تو برگزیند خداوند او را به صورت در آتش افکننده و هیچ عملی را از او نمی پذیرد و در روز قیامت بدون برقراری میزان اعمال و حساب رسی، او را به آتش می اندازد. (مزار مشهدی: ص: ۵۸۶) حدیث ۲: در زیارت جامعه‌ی کبیره آمده است: خداوند به واسطه‌ی موالات و دوستی شما، امور دین را به ما می آموزد، و اعمال واجب شده بر ما را می پذیرد. (من لا یحضره الفقیه: ج: ۲ ص: ۶۱۶)

۳- حدیث: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: خدای متعال فرمود: چه بسا بنده ای از بندگان من به قدری مرا عبادت کند که هیکل او از شدت عبادت همچون مَشکی خشکیده گردد، سپس در قیامت در حالی مرا ملاقات کند که ولایت اهل بیت را نپذیرفته است، پس من او را هرگز در بهشت خویش اسکان نداده و در زیر سایه‌ی عرشم قرار نمی دهم. (کمال الدین: ص: ۲۵۲ ح: ۲)

رابعاً: همه‌ی اعمال جهت پذیرفته شدن در درگاه الهی - پس از داشتن شرط ولایت - در نهایت نیز باید به امضای امام عصر (علیه السلام) برسند. (۱)

خامساً: اعمال ناقص من، به وسیله‌ی بعضی از اعمال ایشان، کامل می‌شوند. (۲)

سادساً: فقط اعمالی از نزد خداوند دارای ارزش و اعتبار هستند که طبق دستور و فرمایشات ایشان انجام داده ام. و بطور کلی - همانطور که بعداً نیز به آن اشاره خواهیم کرد - عبادی بودن اعمال مشروط به قبول ولایت و امامت آن حضرت و اخذ از ائمه‌ی اطهار (علیهم السلام) و رضای آن حضرت بدان اعمال است، نه هیچ کس دیگر. (۳)

۱- حدیث: امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمودند: زمانی که خداوند (عزوجل) اراده‌ی تحقق و اجرای امری را داشته باشد ابتدا آن را بر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) سپس به امیر المؤمنین و سائر ائمه (علیهم السلام)، یکی پس از دیگری تا امام زمان (علیه السلام) عرضه می‌نماید، و پس از آن (توسیط ملائکه‌ی الهی) به اهل دنیا عطا می‌شود، و نیز زمانی که ملائکه قصد بالا بردن عملی را به سوی پروردگار داشته باشند آن را به امام زمان (علیه السلام) عرضه داشته و آن حضرت نیز آن را به امام قبل از خود - همینطور تا رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) - عرضه می‌دارند، و آن حضرت نیز واسطه‌ی مستقیم به پروردگار است، پس آنچه که از جانب خدای متعال به سوی خلق پائین می‌آید و از سوی خلق به سمت او بالا می‌رود به دستان اهل بیت جاری شده و ایشان واسطه در آنند. (غیبت طوسی: ص: ۳۸۷: ح: ۳۵۱)

۲- حدیث: امام باقر (علیه السلام) فرمودند: به درستی که ما اهل بیت بدین خاطر امر به نوافل شده ایم که نقصان و کمبودهای فرائض و واجبات شیعیانمان جبران شود. (کافی: ج: ۳: ص: ۳۶۳: ح: ۲)

۳- حدیث: در زیارت امام زمان (می خوانیم: هر کس ولایت تو را بپذیرد و معترف به امامت تو باشد اعمالش پذیرفته می‌گردد. (بحار الأنوار: ج: ۹۹: ص: ۹۹)

آنچه گفتیم گوشه ای از ارتباط اعمال من با امام زمانم بود، و امیدوارم که آن حضرت اعمال بد مرا نادیده گرفته، و اعمال خوبم را به بزرگواری و کرم خویش پذیرند. (۱)

وقت رحیل گشت و گر نیک بجوئی

غیر از ولای آل نبی نیست توشه ای

ارزان غیر، توشه ز اعمال صالحه

ما را به جز عنایتشان نیست توشه ای

۱- حدیث ۱: در زیارت جامعه‌ی کبیره آمده است: ای اولیای خدا! همانا بین من و خداوند گناहانی است که بدون رضایت شما بخشیده نمی شود، پس به حق آن خدائی که شما را بر اسرار خویش امین دانست، و امور خلق را به شما سپرد، و اطاعت شما را مقرون به اطاعت خود گردانید، از گناهان و لغزشهایم درگذرید و شفیعان من نزد خدای متعال باشید. (من لا یحضره الفقیه: ج: ۲ ص: ۶۰۹) حدیث ۲: در زیارت امام زمان (می خوانیم: مولای من! من در این مکان جهت زیارت تو به عنوان فردی خطا کار، پشیمان و بیمناک از عقاب خداوند عالمیان ایستاده ام و تکیه بر شفاعت تو دارم و امیدم دارم که به سبب دوستی و شفاعت تو گناهانم بخشیده شده، عیبهایم پوشیده گردیده و لغزشهایم مورد عفو واقع شود، پس ای مولای من! امید دوستدار خویش را نا امید مفرما و از خداوند طلب بخشش لغزشهایم را بنما؛ چرا که او به ریسمان تو چنگ زده و متمسک به ولایت تو است و از دشمنانت بیزاری می جوید. (مزار مشهدی: ص: ۵۸۶)

فصل چهارم: معاصی و گناهان من

در اینجا از آن گناهانی که ایمان، سعادت، عاقبت به خیری، محبت و ولایت را - در صورت ارتکاب - از من می گرفت (۱) و مرا از امام زمانم جدا می نمود و به خاطر آن حضرت - یا مقدمات آنها فراهم نشد و یا اگر هم فراهم شد ترک آنها به یاری و مدد آن حضرت بود و - توفیق انجام آنها از

۱- حدیث: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: هیچ بنده ای نیست جز آنکه چهل پرده بر او کشیده شده است تا آنکه چهل گناه کبیره انجام دهد، و هرگاه چهل گناه کبیره انجام دهد همه ی پرده ها از او برداشته شوند و خدا به آنان (یعنی فرشته ها) وحی کند که با بالهای خود بنده ی مرا ببوشانید (و آبروی او را حفظ کنید) پس فرشته ها با بالهای خود از او پرده پوشی کنند، سپس حضرت فرمودند: تا آنکه آن بنده هیچ کار زشتی را وانهد مگر در آن فرو رود و بدان آلوده گردد تا کارش بدان جا کشد که از مردم در برابر کار زشت مدح و ثنا جوید. پس فرشته ها گویند: پروردگارا! این بنده، هیچ چیز به جا نگذاشت و مرتکب همه ی بدیها شد و ما از آنچه او می کند خجالت می کشیم و حیا می کنیم، پس خدای (عزوجل) به آنها وحی کند که شما هم بالهای خود را از روی کردار زشتش بردارید و چون چنین کند و کارش بدین جا کشد آغاز دشمنی با ما خاندان کند، در این جا است که پرده ی او در آسمان دریده شود و پرده ی او در زمین پاره گردد. پس فرشته ها می گویند: پروردگارا! این بنده ات پرده دریده و بی آبرو مانده است؟ خدای (عزوجل) به آنها وحی کند: اگر من را به او نیازی بود، به شما فرمان نمی دادم که بالهای خود را از او برگیرید. (کافی: ج: ۲ ص: ۲۷۹ ح: ۹)

من سلب شد سخن نمی گویم و فقط از خداوند متعال که امام زمان (علیه السلام) را به فریادم رسانده و عنایات خاصه‌ی ایشان را شامل حالم گردانید و نیز از امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که وسیله‌ی رهائی و نجات من گردیدند، تشکر کرده و قدردانی می نمایم.

و اما خطاها، بدیها، آلودگیها و گناهان دیگری که از من سرزده و یا - نعوذ بالله - سر خواهد زد!

همین قدر بگویم که هرگز بدون استغفار و طلب مغفرت امام عصر (علیه السلام) بخشیده نشده و نخواهند شد (۱) و زمانی توبه‌ی من پذیرفته است که - پس از پشیمانی، استغفار و جبران گذشته - آن حضرت میان من و پروردگارم شفیع شده (۲) و زمانیکه نامه‌ی اعمال من خدمت ایشان می رسد برایم استغفار نمایند. (۳)

اکنون ای مولای من! با همه‌ی وجود از گناهانی که با انجام آنها، - آن هم در حضور شما به خیال اینکه مرا نمی بینید!!! - قلب نازنین شما را رنجاندم،

۱- حدیث: امام باقر (علیه السلام) فرمودند: به خاطر ما خداوند لغزشهای شما را نادیده می گیرد و گناهانتان را می آمرزد. (تفسیر فرات: ص: ۳۴۸: ح: ۴۷۴)

۲- حدیث: امام رضا (علیه السلام) فرمودند: هر کس ما اهل بیت شفیع او باشیم نجات می یابد گرچه گناهان او به اندازه‌ی گناهان جنّ و انس باشد. (امالی صدوق: ص: ۷۰۹: ح: ۹)

۳- حدیث ۱: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: زمانی که ملائکه قصد بالا بردن عمل کسی را به سوی خدای متعال داشته باشند ابتدا آن را بر امام زمان (علیه السلام) عرضه می دارند. (غیبت طوسی: ص: ۳۸۷: ح: ۳۵۱) حدیث ۲: امام رضا (علیه السلام) فرمودند: به درستی که ما گروه امامان در هر صبح و شام بر اعمال شیعیانمان که بر ما عرضه می شود می نگریم پس بر کوتاهی های ایشان، طلب عفو و بخشش از خداوند نموده و بر اعمال نیک ایشان شکر خداوند را بجای می آوریم. (مناقب آل ابی طالب: ج: ۳ ص: ۴۵۲)

توبه کرده و از شما طلب مغفرت می نمایم، و عاجزانه می خواهم که با نگاه مؤثر خویش، دلم را صفا داده و از زنگار گناهان پاک نمائید تا بدانجا که دیگر معصیتی از من سر نزنند و در آن هنگام که نامه‌ی اعمالم به حضور شما می رسد، شرمنده نبوده و مایه‌ی سرور و افتخار شما باشم - إن شاء الله تعالی - .

ای به شغل جرم بخشی گرم، دیوان شما

مغفرت را گوش بخشایش به فرمان شما

عاصیان را در تنت از مژده جانی نو که هست

دوزخ اندر حال نزع از ابر احسان شما

طبع کاه و کهر با دارند در قانون عقل

دست امید گنه کاران و دامان شما

از سپهر طبع خویش و صد سخندان دگر

از ثنا آیات نازل گشت در شأن شما

آنچه خود کرده است در انشای این نظم بلند

کس نخواهد کرد از مدحت سرایان شما

فصل پنجم: دعاها، حوائج و نیاز های من

دعا - که نوعی بندگی و ابراز نیاز، به خالق بی نیاز است - امری بسیار مهم، و اسلحه‌ی مؤمن در این دنیا می باشد. (۱)

و دعای خیری نیست که مستجاب نگردد؛ البتّه طبق فرمایشات اهل بیت (علیهم السلام) یا همان دعا مستجاب شده و همان حاجت برآورده می گردد، و یا اینکه به جای آن چیز دیگری در دنیا و آخرت به دعا کننده عطا می شود. (۲)

۱- حدیث ۱: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به اصحاب خویش فرمودند: آیا مایلید به شما سلاحی را نشان دهم که شما را از دست دشمنان نجات داده و روزیتان را زیاد کند؟ اصحاب در جواب گفتند: بله مایل هستیم، پس حضرت فرمودند: پروردگار خویش را در روز و شب بخوانید چرا که دعا اسلحه‌ی مؤمن است. (کافی: ج: ۲ ص: ۴۶۸ ح: ۳) حدیث ۲: امام رضا (علیه السلام) فرمودند: بر شما باد به اسلحه‌ی پیامبران، گفته شد: اسلحه‌ی پیامبران چیست؟ حضرت فرمودند: دعا. (کافی: ج: ۲ ص: ۴۶۸ ح: ۵)

۲- حدیث ۱: امام باقر (علیه السلام) فرمودند: مؤمن در ازای دعائی که می کند یکی از این سه چیز نصیبش می گردد: اوّل: یا اینکه آنچه از خدا خواسته در آخرت به وی عطا می گردد، دوّم: یا اینکه دعایش مستجاب شده و سریعاً در دنیا به وی عطا می شود، و سوّم: یا اینکه در ازای استجابت دعا، بلا و گرفتاری از وی دفع می گردد. (تُحْفُ الْعُقُول: ص: ۲۸۰) حدیث ۲: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: به درستی که دعا مغز و چکیده‌ی عبادتهاست و هیچ مؤمنی نیست که دعا کند مگر اینکه یا آنچه خواسته در دنیا به وی عطا می گردد و یا برای آخرتش ذخیره می شود و یا اینکه در ازای استجابت دعا، گناهان وی نادیده گرفته می شود، البتّه این در صورتی است که خواسته‌ی او غیر شرعی و حرام نباشد. (عُيُودُ الدَّاعِي: ص: ۳۴ ح: ۸)

و در احادیث ما سفارش زیادی به دعا - که بهترین روش و شیوهی گدایی در خانه‌ی خدای تعالی می باشد - شده است. (۱)

بعضی ها فکر می کنند که چون خدای متعال و حجت او - امام عصر (علیه السلام) - از حاجات و خواسته های وی با خبرند و نیازهایش را بهتر از او می دانند، دیگر نیازی به دعا نمودن و جاری نمودن آن بر زبان نیست، و حال اینکه این موضوع تنها تصویری است نشأت گرفته از القائات ابلیس که از تضرع و گدائی بندگان خدا در خانه اش بیمناک و هراسان است؛ زیرا گرچه خدا و حجت او از حاجات ما با خبرند؛ ولیکن از ما خواسته اند که آنها را به زبان آورده و با تضرع و عرض نیاز، آنها را از خداوند متعال بخواهیم؛ چرا که جاری نمودن دعا بر زبان و تضرع کردن، عبادتی است با ارزش و نشانه ای است آشکار بر بنده بودن شخص دعا کننده. (۲)

۱- حدیث ۱: امام کاظم (علیه السلام) فرمودند: بر شما باد به دعا کردن؛ چرا که دعا و درخواست از خدای متعال بلائی را که قضا و قدر الهی بر آن تعلق گرفته و فقط مرحله‌ی امضای آن باقی مانده است دفع می کند. (مکارم الاخلاق: ص: ۲۷۰)

حدیث ۲: امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمودند: بر تو باد به دعا کردن؛ چرا که در آن شفا از هر دردی است. (مکارم الاخلاق: ص: ۲۷۱)

۲- حدیث ۱: امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمودند: هیچ چیز نزد خداوند محبوب تر از گدائی و درخواست کردن از او نیست. (تخیف العقول: ص: ۲۸۲) حدیث ۲: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: همانا خداوند متعال می داند که بنده‌ی او در زمان دعا و ابراز حاجت از او چه می خواهد ولی در عین حال بسیار دوست دارد که بندگان در خانه‌ی او ابراز نیاز نموده و حاجتهای خویش را درخواست نمایند. (مکارم الاخلاق: ص: ۲۷۰) حدیث ۳: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: عاجزترین انسانها کسی است که از دعا کردن عاجز باشد. (عُدَّة الدَّاعِي: ص: ۳۵)

آیا ما از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهل بیت گرامی اش بالاتریم؟!

آنها مجری اراده‌ی حق تعالی و اوامر و دستورات او هستند یا ما؟!

آنها از اعمال مرضی رضای الهی آگاهند یا ما؟!

آنها راه بندگی و عبودیت را بهتر می دانند یا ما؟!

ما هم که ادعای شیعه بودن ایشان را داریم؛ یعنی پیروی بی چون و چرا از دستورات ایشان!

پس باید به این مسأله همچون خود آنان توجه نموده و عمل نمائیم.

بینید که چگونه و با چه حالاتی ابراز نیاز و حاجت در خانه‌ی خدا نموده و دعا می کردند، صحیفه‌ی سجّادیه را ورق بزنید تا بینید چگونه امام سجّاد (علیه السلام) در غالب دعا، بندگی حق تعالی را می نمودند و خود را در درگاه الهی بنده ای نیازمند می دیدند و با همه‌ی وجود از خداوند (عزوجل) حوائج خویش را طلب می کردند.

اکنون که مقداری به اهمّیت دعا پی بردید، می گوئیم: استجابت دعاها‌ی من - که گفتیم همه‌ی دعاها مستجاب می شوند - به خاطر امام زمان (علیه السلام) می باشد. آری! درست خواندید، طبق ادلّه و روایات معتبره، استجابت دعاها‌ی من به خاطر وجود مقدّس و آمین های آن حضرت است. (۱)

۱- حدیث ۱: امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: هیچ مؤمنی دعا نمی کند مگر اینکه ما برای او آمین می گوئیم، و ساکت نمی شود مگر اینکه برای او دعا می کنیم. (بصائر الدّرجات: ص: ۲۷۹ ح: ۱) حدیث ۲: عُمَر بن اسحاق می گوید: امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: به درستی که ما برای شما دعا می کنیم و زمانی که شما دعا می کنید ما آمین می گوئیم، پس عُمَر بن اسحاق گفت: اینکه شما برای ما دعا می کنید را فهمیدم اما چگونه زمانیکه ما دعا می کنیم شما آمین می گوئید (با اینکه بین ما و شما فاصله است)؟! حضرت در جواب فرمودند: همانا شهر و روستا (یعنی دور و نزدیک) برای ما یکسان است. (بصائر الدّرجات: ص: ۲۸۰ ح: ۲)

در هر عصری، آمین امام عصر آن زمان، علت استجاب دعاهاى مردم آن زمان است، و در عصر من این آقا و مولایم حضرت مهدى (عجل الله تعالى فرجه الشريف) است که به خاطر آمین های ایشان، استجاب دعاهاى من قطعى می گردد.

و باید بدانم که پس از استجاب نیز خواسته ها و حوائج من، از باب ایشان (۱) و با اجازه ی ایشان، توسط ملائکه ی الهی از جانب خداوند متعال به من می رسند. (۲)

آرى! دعای من نیز همچون سائر اعمال عبادی از ابتدا تا مرحله ی استجاب و رسیدن به خواسته ام کاملاً با امام عصر (علیه السلام) در ارتباط می باشد و بجاست که من نیز از دعا برای سلامتی و فرج آن حضرت، که فوائد فراوان آن شامل حال خودم می شود فراموش نکرده و حداقل روزی یک مرتبه در مقابل هزار دعای آن حضرت در طول شبانه روز در حق من (۳) به دعا برای

۱- حدیث: در دعای ندبه می خوانیم: کجاست آن درب خدائی که همه ی خیرات و خوبی ها و فضائل از آن صادر می شود؟ و کجاست آن صورت خدائی که دوستان به او نظر نمایند؟ و کجاست آن سبب متصل کننده ی بین آسمان و زمین؟ (مزار مشهدی: ص: ۵۷۳)

۲- حدیث ۱: امام موسی کاظم (علیه السلام) فرمودند: هیچ مَلْکِی نیست که خداوند او را برای اجرای فرمانی به زمین ارسال نماید مگر اینکه ابتدا نزد امام رفته و آن امر را به ایشان عرضه می دارد. (بصائر الدّرجات: ص: ۱۱۵ ح: ۲۲) حدیث ۲: امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: من حجت خدا بر اهل آسمانها و زمین هستم، و هیچ مَلْکِی در آسمان بدون اذن من قدمی از قدم بر نمی دارد. (مشارق انوار الیقین: ص: ۳۴۳)

۳- حدیث: امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمودند: همانا من در هر شبانه روز، هزار مرتبه برای گناهکاران از شیعیانم دعا می کنم. (کافی: ج: ۱ ص: ۴۷۲ ح: ۱)

۱- مکیال المکارم ج: ۱ ص: ۲۸۰: بعضی از فوائد دعا برای امام عصر (علیه السلام): ۱- فرج و گشایش در امور. ۲- زیاد شدن نعمتها. ۳- اظهار محبت قلبی. ۴- بالا رفتن روحیه انتظار. ۵- زنده شدن امر ائمه‌ی اطهار (علیهم السلام). ۶- ناراحت گردیدن ابلیس و شیاطین. ۷- نجات یافتن از فتنه‌های آخر الزمان. ۸- آدای قسمتی از حقوق آن حضرت. ۹- تعظیم خداوند و دین او. ۱۰- دعای صاحب زمان (علیه السلام) در حق دعا کننده. ۱۱- شفاعت آن حضرت در قیامت. ۱۲- شفاعت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در قیامت. ۱۳- تسریع در فرج. ۱۴- استجابت سائر دعاها. ۱۵- آدای اجر رسالت. ۱۶- دفع بلا. ۱۷- وسعت روزی. ۱۸- آمرزش گناهان. ۱۹- تشرف به دیدار آن حضرت در بیداری یا خواب. ۲۰- رجعت به دنیا در زمان ظهور آن حضرت. ۲۱- ازدیاد نور امام (علیه السلام) در دل. ۲۲- طولانی شدن عمر. ۲۳- هدایت به نور قرآن مجید. ۲۴- آمان از عقوبتهای اخروی. ۲۵- برخورد نرم به هنگام مرگ. ۲۶- در آمان بودن از تشنگی روز قیامت. ۲۷- جاودان بودن در بهشت. ۲۸- رسیدن به بالا ترین درجات شهدا در روز قیامت. ۲۹- کامل شدن ایمان. ۳۰- دور شدن غم و غصه‌ها. ۳۱- ثواب کسبیده با پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) شهید شده. ۳۲- ثواب کسبیده زیر پرچم حضرت قائم (علیه السلام) شهید شده. ۳۳- ثواب احسان به حضرت صاحب الزمان. ۳۴- بالا رفتن درجات در بهشت. ۳۵- آمان از بدی حساب در روز قیامت. ۳۶- دعا کردن فرشتگان در حق دعا کننده. ۳۷- قرار گرفتن در درجه‌ی امیر المؤمنین (علیه السلام). ۳۸- محبوبیت نزد خداوند متعال. ۳۹- عزیز و گرامی شدن نزد پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم). ۴۰- بهشتی شدن. ۴۱- مشمول دعای پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) گردیدن. ۴۲- تبدیل کردارهای بد به کردارهای نیک. ۴۳- نصرت و یاری خداوند متعال در غالب این دعا. ۴۴- دور شدن عقوبت از اهل زمین. ۴۵- ثواب کمک به مظلوم. ۴۶- ثواب احترام به بزرگتر. ۴۷- پاداش خونخواهی حضرت ابا عبد الله الحسین (علیه السلام). ۴۸- شایستگی تحمل دریافت احادیث ائمه‌ی اطهار (علیهم السلام). ۴۹- درخشان شدن نور او در روز قیامت. ۵۰- شفاعت کردن هفتاد هزار نفر از گناهکاران. ۵۱- بی حساب داخل بهشت شدن. ۵۲- طلب آمرزش فرشتگان برای او. ۵۳- آسان شدن حساب. ۵۴- مایه‌ی خرسندی خداوند (عزوجل). ۵۵- مایه‌ی خشنودی پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم). ۵۶- قرار گرفتن در سایه‌ی رحمت الهی.

وای بر من! که روز را به شب رسانده و هیچ دعائی برای امام زمانم نمی‌کنم، با اینکه دعای من بدون آمین ایشان ارزشی نداشته و همانطور که گفتیم فوائد دعا شامل حال خودم می‌شود.

و چقدر جای شرمساری است که به وظیفه‌ای به این آسانی - که برای انجام آن نه نیازی به مال و ثروت، و نه فکر و اندیشه، و نه اهل و عیال، و نه آبرو و موقعیت می‌باشد - عمل نکرده و فوائد دعا برای ظهور و سلامتی ایشان را نادیده گرفته و اگر دعایی هم بنمایم جای آن آخر همه‌ی دعاهاست!!! با اینکه وظیفه‌ی من مقدّم نمودن ایشان در همه‌ی اُمور است. (۱)

۱- حدیث: در زیارت جامعه‌ی کبیره آمده است: من شما اهل بیت را در همه‌ی حالات و اُمور، بر خواسته‌ها و حاجت‌ها و تصمیم‌های خویش مقدّم می‌دارم. (من لا یحضره الفقیه: ج: ۲ ص: ۶۰۹) سید جلیل علی بن طاوس (رحمه الله) بعد از ترغیب نمودن دعا برای برادران دینی خطاب به فرزندش می‌گوید: هرگاه این همه فضل دعاست برای برادران تو! پس چگونه خواهد بود فضل دعا کردن برای سلطان تو که سبب وجود توست و تو اعتقاد داری که اگر نبود آن جناب نمی‌آفرید خداوند تو را و نه احدی از مکلفین را در زمان او و زمان تو، و اینکه لطف وجود او صلوات الله علیه سبب است از برای هر چه که تو و غیر تو در آنند، و سبب است از برای هر خیر که می‌رسد به آن. پس حذر کن آنگاه حذر کن از اینکه مقدّم بداری نفس خود را یا احدی از خلائق را در وِلا و دعای از برای آن جناب (علیه السلام) به غایت آنچه ممکن شود، و حاضر کن قلب خود را و زبان خود را در دعای از برای این سلطان عظیم الشان. و حذر کن از اینکه اعتقاد کنی که من این کلام را گفتم برای اینکه آن جناب محتاج است به دعای تو، هیئات! که اگر این را معتقد شوی پس مریضی در اعتقاد و دوستی خود؛ بلکه این را گفتم برای آن چیزی که تو را شناساندم از حقّ عظیم آن جناب برای تو و احسان بزرگ او به سوی تو، و به جهت اینکه هرگاه دعا کردی برای او پیش از دعا کردن برای نفس خود، نزدیکتر خواهد بود آنکه باز نماید خداوند جلّ جلاله ابواب اجابت را در پیش روی تو؛ زیرا که ابواب قبول دعا را ای بنده بستی بسبب گناهان. پس هرگاه دعا کردی برای این مولای خاصّ در نزد مالکِ احیا و اموات، امید است به جهت آن وجود مقدّس خداوند ابواب اجابت را باز نماید، پس داخل شو تو در دعا کردن برای نفس خود، زیرا که چنگ زدی در دعا کردن به حبل او. و نگوئی که من ندیدم فلان و فلان را از کسانی که پیروی می‌کنی ایشان را از مشایخ خود که عمل بکنند به آنچه من می‌گویم و نیافتم ایشان را مگر غافل از مولای ما که اشاره کردم به سوی جنابش صلوات الله علیه. پس می‌گویم به تو که عمل کن به آنچه که می‌گویم به تو، که اوست حقّ واضح، و کسیکه واگذارد مولای ما را و غافل شود چنانکه ذکر نمودی پس آن غلطی است زشت و واضح. (فلاح السائل: ص: ۴۴)

آیا دعائی مهم تر از دعا برای آن حضرت سراغ دارید؟ آن هم در این دوره‌ی وانفسا که نگاه داشتن دین، از کشیدن دست بر خار، و نگاه داشتن آتش در کف دست، مشکل تر است! (۱)

۱- حدیث ۱: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در یکی از روزها در جمع اصحاب خویش نشستند پس دو مرتبه فرمودند: خدایا! برادران مرا به من نشان بده، پس بعضی از اصحاب (منظور: ابوبکر و عمر و...) گفتند: مگر ما برادران شما نیستیم؟! حضرت فرمودند: خیر، شما اصحاب من هستید و برادران من قومی هستند از مردم آخر الزمان که به من ایمان آورده و حال اینکه مرا ندیده اند، و خداوند ایشان را با نام و نشان خود و پدرانشان قبل از اینکه از صلب پدران و رحم مادرانشان خارج شوند به من شناسانیده است. هر آینه یکی از ایشان در دینش استوارتر و پایدارتر است از کسیکه دست خود را در شب تاریک بر روی خارهای تنیده روی شاخه ای بکشد و یا پاره ای از آتش را در کف دست خویش نگاه دارد، آنها چراغهای روشنائی دهنده در تاریکی هستند و خداوند آنها را از هر فتنه‌ی تاریک غبار آلود رهائی می بخشد. (بصائر الدراجات: ص: ۱۰۴ ح: ۴) حدیث ۲: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: به درستی که برای صاحب این امر غیبتی است که پایداری و مقاومت در دین از کشیدن دست، در شب تاریک بر روی خارهای تنیده بر روی شاخه ای سخت تر است، سپس فرمودند: همانا برای صاحب این امر غیبتی است، پس عباد و بنده‌ی خدا کسی است که تقوای الهی پیشه کرده و بر دین خود استوار باشد. (امامت و تبصرت: ص: ۱۲۶ ح: ۱۲۷) حدیث ۳: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: به زودی بعد از شما قومی خواهند آمد که اجر عمل آنها برابر با اجر و پاداش پنجاه نفر از شما خواهد بود، اصحاب گفتند: ای رسول خدا! ما با تو در جنگ یدر، اُحُد و حُنین همراه بودیم و قرآن در میان ما نازل گردید پس چگونه چنین چیزی ممکن است؟! حضرت فرمودند: همانا اگر آنچه بر سر ایشان خواهد آمد، بر سر شما نیز می آمد آنگاه می دانستید که هرگز تحمّل آن را نداشته و مانند آنان صبر نمی نمودید. (خرائج و جرائح: ج ۳ ص: ۱۱۴۹ ح: ۵۷)

و به راستی اگر دعا برای آن حضرت فقط همین فائده را داشته باشد که پس از دعای من برای آن حضرت متقابلاً آن حضرت نیز برای من دعا کنند (۱) - و شکی نیست در اینکه دعای حضرت مستجاب است، و در حال

۱- مکیال المکارم: ج: ۱ ص: ۳۳۳.

حاضر تنها مستجاب الدعوه ایشان هستند - (۱) برای من کافی است که تمام همت خویش را به کار گرفته تا مسأله‌ی دعا برای ایشان را احیا کنم و آن را به درون زندگی خویش بکشانم.

و اگر کمی دقت کنیم می‌یابیم که در حال دعا برای ظهور و سلامتی آن حضرت - خواهی نخواهی - باید به ایشان توجه کنیم؛ بنابراین یکی از بهترین راهها و شیوه‌های ارتباط و توجه مستقیم و انس با آن حضرت، دعا کردن برای سلامتی و ظهور آن حضرت است.

علاوه بر اینکه دعا خود عبادتی است با ارزش، که چکیده‌ی همه‌ی عبادتهاست. (۲)

ای امام زمان! ای حجت خدا! ای یگانه‌ی دوران!

ای کسی که پیوسته برای من دعا کرده و به یاد من هستی! (۳)

ای کسی که با آمین شما دعای من مستجاب می‌شود! (۴)

۱- حدیث ۱: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: ما اهل بیت آن کسانی هستیم که خداوند در مورد ما فرموده است: «بخوانید مرا تا استجابت کنم شما را». (بصائر الدرجات: ص: ۴۸۶ ح: ۸) حدیث ۲: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: بین دعای ما و خداوند حجابی نیست. (تفسیر عیاشی: ج: ۱ ص: ۱۸۴ ح: ۸۵)

۲- حدیث ۱: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: محبوبترین اعمال نزد خداوند دعا کردن است. (کافی: ج: ۲ ص: ۴۶۷ ح: ۸) حدیث ۲: امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: دعا سپر مؤمن است، و زمانی که ذری زیاد دقُّ الباب شود باز می‌گردد. (کافی: ج: ۲ ص: ۴۶۸ ح: ۱) حدیث ۳: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: دعا مغز و چکیده‌ی عبادتهاست. (عده الدعای: ص: ۲۴)

۳- حدیث: امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمودند: همانا من در هر شبانه روز، هزار مرتبه برای گناهکاران از شیعیانم دعا می‌کنم. (کافی: ج: ۱ ص: ۴۷۲ ح: ۱)

۴- حدیث: عمر بن اسحاق می‌گوید: امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: به درستی که ما برای شما دعا می‌کنیم و زمانی که شما دعا می‌کنید ما آمین می‌گوئیم، پس عمر بن اسحاق گفت: اینکه شما برای ما دعا می‌کنید را فهمیدم اما چگونه زمانی که ما دعا می‌کنیم شما آمین می‌گوئید (با اینکه بین ما و شما فاصله است)؟! حضرت فرمودند: همانا شهر و روستا (یعنی دور و نزدیک) برای ما یکسان است. (بصائر الدرجات: ص: ۲۸۰ ح: ۲)

ای کسی که از ناحیه و باب شما، حوائج به من داده می شود! (۱)

ای کسی که به خاطر شما خدا به من نظر می کند!

ای کسی که بندگی را از شما آموخته ام! (۲)

و ای کسی که چشم امید به در خانه‌ی شما دارم!

مرا پناه ده، (۳) و کوتاهی‌هایم را ببخش (۴) و از امروز مرا یاری کن تا

۱- حدیث: در دعای ندبه می خوانیم: کجاست درب خدائی که همه‌ی خیرات و خوبی‌ها و فضائل از آن صادر می شود؟ و کجاست صورت خدائی که دوستان به او نظر نمایند؟ و کجاست سبب متصل کننده‌ی بین آسمان و زمین؟ (مزار مشهدی: ص: ۵۷۳)

۲- حدیث ۱: در زیارت جامعه‌ی کبیره آمده است: به واسطه‌ی موالات و دوستی شما خدا امور دین را به ما می آموزد. (من لا یحضره الفقیه: ج: ۲ ص: ۶۰۹) حدیث ۲: امام کاظم (علیه السلام) فرمودند: اگر اهل بیت نمی بودند خداوند شناخته نشده، و کسی نمی دانست که چگونه او را عبادت کند. (تأویل الآیات: ج: ۱ ص: ۳۹۷ ح: ۲۷)

۳- حدیث ۱: در زیارت جامعه‌ی کبیره آمده است: من پناهنده و پناه برنده به قبرهای شما اهل بیت هستم و از خداوند به واسطه‌ی شما طلب شفاعت می نمایم. (من لا یحضره الفقیه: ج: ۲ ص: ۶۰۹) حدیث ۲: امام باقر (علیه السلام) فرمودند: اهل بیت (علیهم السلام) محلّ امنی برای پناهنده شدن هستند، و هر کس به ایشان متمسک شود در امان خواهد بود. (یقین: ص: ۳۱۸) حدیث ۳: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: اگر حاجت مندی به ایشان پناهنده شود او را مورد مرحمت قرار می دهند. (مشکاه الانوار: ص: ۱۲۶)

۴- حدیث ۱: در زیارت جامعه‌ی کبیره آمده است: ای اولیای خدا! همانا بین من و خداوند گناहانی است که بدون رضایت شما بخشیده نمی شود، پس به حقّ آن خدائی که شما را بر اسرار خویش امین دانست، و امور خلق را به شما سپرد، و اطاعت شما را مقرون به اطاعت خود گردانید، از گناهان و لغزشهایم درگذرید و شفیعان من نزد خدای متعال باشید. (من لا یحضره الفقیه: ج: ۲ ص: ۶۰۹) حدیث ۲: در زیارت امام زمان (می خوانیم: مولای من! من در این مکان جهت زیارت تو به عنوان فردی خطا کار، پشیمان و بیمناک از عقاب خداوند عالمیان ایستاده ام و تکیه بر شفاعت تو دارم و امیدم دارم که به سبب دوستی و شفاعت تو گناهانم بخشیده شده، عیبهایم پوشیده گردیده و لغزشهایم مورد عفو واقع شود، پس ای مولای من! امید دوستدار خویش را نا امید مفرما و از خداوند طلب بخشش لغزشهایم را بنما؛ چرا که او به ریسمان تو چنگ زده و متمسک به ولایت تو است و از دشمنانت بیزاری می جوید. (مزار مشهدی: ص: ۵۸۶)

از دعا برای شما فراموش نکنم.

و نیز مرا شفاعت نما تا توفیق الهی شامل حالم گشته (۱) و بتوانم حداقل بعد از هر نماز، بعد از هر سجده‌ی شکر، در مشاهده مشرفه و حرم ائمه (علیهم السلام)، شب و روز جمعه، ماه مبارک رمضان، ماه محرم و هر روزی که در آن ظلم و ستم به اهل بیت (علیهم السلام) شده است، بعد از ذکر مصیبت حضرت سید الشهداء (علیه السلام)

۱- حدیث ۱: امام حسن عسکری (علیه السلام) فرمودند: به خدا قسم او (امام عصر (علیه السلام)) هر آینه غیبتی خواهد نمود که از هلاکت رهائی نمی یابد مگر کسیکه خداوند (عزوجل) او را بر اعتقاد به امامتش ثابت نموده و توفیق دعا برای تعجیل در فرجش را عنایت فرماید. (کمال الدین: ص: ۳۸۴ ح: ۱) حدیث ۲: در زیارت امام هادی و عسکری (علیهمما السلام) می خوانیم: ای صاحبِ زمان! در رسیدن به تو از اهل و عیال بُریدم و از وطن دور شدم و به کسی چیزی نگفتم تا اینکه نزد پروردگار و پدران و دوستانم در رسیدن توفیقی نیکو و نعمتی فراوان و احسانی کامل شفیع من باشی. (مزار مشهدی: ص: ۶۵۵)

هنگام غم و اندوه، هنگام سرور و خوشحالی و ... قبل از دعا برای خود و اهل و عیالم، برای شما مولای عزیزتر از جان دعا
نمایم. (۱)

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ الْحُجَّةَ بْنَ الْحَسَنِ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ

فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ

وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَنَاصِرًا وَدَلِيلًا وَعَيْنًا

حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا

وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا

فصل ششم: ابلیس و هوای نفس من

و اما ابلیس ملعون که دشمن قسم خورده‌ی من است و همچون خون در وجود من جریان داشته و بر خانه‌ی قلبم مسلط است (۱) تمام همت و لشکر خود را بسیج نموده تا با کمک نفس اماره، مرا از منبع نور، حقیقت و معنویت و دریای موج علوم و معارف دور و به ظلمت جهل و نادانی نزدیک نموده و در باتلاق گناه و معصیت گرفتار نماید.

و سوسه های مُیدام او در طول شبانه روز، ایجاد شک و شبهه های فراوان نسبت به مسائل مختلف، ترسیم آرزوهای دنیوی و بزرگ نمائی آنها، غافل نمودن از یاد خداوند و اهل بیت [ع]، زیبا جلوه دادن گناهان و غفلت از معاصی گذشته و تأخیر در توبه‌ی از آنها، فراموشی از مرگ و قبر و قیامت، زیاد نمودن رجا و امید به خداوند و کم نمودن ترس و خوف از پروردگار و بی توجهی به عذابهای الهی، ریاکاری در انجام عبادات، عُجب ورزیدن به اعمال ناقصی که معلوم نیست مورد قبول خدای متعال واقع شده اند یا نه، جلوه دادن دنیا و شهوات آن، ترغیب به تبعیت از هوای نفس، روشن نمودن و روشن نگه داشتن چراغ حُب به دنیا در دل، و خلاصه هرآنچه که مرا از امام زمانم

۱- حدیث: امام سجّاد (علیه السلام) فرمودند: خدایا! دشمنی را برای ما قرار دادی که مکر و حيله اش ما را فرا گرفته و او را بر ما چنان تسلط داده ای که ما را بر او چنین تسلطی نیست، او را در سینه های ما اسکان داده و همچون خون در وجودمان جریان دادی، اگر ما از او غافل شویم او از ما غافل نمی شود، و اگر فراموشش کنیم، ما را فراموش نمی کند. (صحیفه‌ی سجّادیه: ص: ۱۲۹)

- که منبع نور، حقیقت، معنویت، علم و دانش، فضیلت و معرفت است (۱) - دور نماید وسیله ای است تا مرا از هدف خلقت که شناخت، اطاعت و نزدیکی به امام عصر (علیه السلام) است (۲) باز دارد.

اما با این وجود خدا را از صمیم قلب شکر گزارم که در کنار این دشمن قسم خورده و نفس اماره و فتنه های آخر الزمان که هر کدام برای از پا در آوردن من کافی هستند امامی مهربان، دلسوز و دوست داشتنی (۳) به من عطا

۱- حدیث ۱: در حدیثی آمده است: خدای تعالی فرمود: به درستی که آنها (اهل بیت (علیهم السلام)) معدن نور من هستند. (مقتضب الآثار: ص: ۴۱) حدیث ۲: امیر المؤمنین (علیه السلام) در خطبه‌ی رسائی در مدح رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: در تو نورها به امانت سپرده شده است. (بحار الأنوار: ج: ۷۴ ص: ۲۹۹) حدیث ۳: در زیارت جامعه‌ی غیر معروفه می خوانیم: سلام بر شما ای امامان بر مؤمنین و معادن حقایق. (مزار مشهدی: ص: ۲۹۳) حدیث ۴: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: همانا ما اهل بیت، معدن علم و دانش هستیم. (بصائر الدرجات: ص: ۷۶ ح: ۱) حدیث ۵: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در حالیکه به اشاره به امیر المؤمنین (علیه السلام) داشتند، فرمودند: همه‌ی مکارم و فضائل در این جمع شده است. (تفسیر امام عسکری (علیه السلام): ص: ۱۰۰)

۲- حدیث: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: امام حسین (علیه السلام) از جمع یارانشان بیرون آمده و خطاب به آنها فرمودند: ای مردم! به درستی که خدای متعال بندگانش را نیافریده مگر برای آنکه او را بشناسند، و هنگامی که او را شناختند عبادتش کنند، و زمانی که او را عبادت کردند از پرستش غیر او بی نیاز گردند. مردی در بین یاران عرضه داشت: ای پسر رسول خدا! پدر و مادرم فدای تو باد، معرفت و شناخت خدا چیست؟ حضرت فرمودند: آن است که اهل هر عصر و زمانی امامی را که اطاعتش بر آنها واجب است بشناسند. (علل الشرائع: ج: ۱ ص: ۹ ح: ۱)

۳- حدیث ۱: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: همانا ما اهل بیت، اهل بیت رحمت هستیم. (بصائر الدرجات: ص: ۷۶ ح: ۱) حدیث ۲: امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمودند: به خدا قسم ما اهل بیت از خود شما به شما مهربان تر هستیم. (بصائر الدرجات: ص: ۲۸۵ ح: ۱۵) حدیث ۳: امام رضا (علیه السلام) فرمودند: امام مونس‌ی رفیق، پدری دلسوز، و برادری تنی، و همچون مادری نیکوکار به فرزند کوچک خویش می باشد. (کافی: ج: ۱ ص: ۲۰۰ ح: ۱)

فرمود که با توسل، استعانت و یاری از وی در مقابل انحرافات، وسوسه ها و اغوائت ابلیس ایستادگی نموده و همچنان در مسیر بندگی خدای متعال باقی بمانم و مطمئن هستم که آن حضرت نیز علی رغم غفلت من، بارها و بارها مرا هدایت نموده و از چنگال ابلیس و دامهای او نجات داده اند و اگر چنین نبود تا کنون اثری از محبت و ولایت ایشان در قلب من باقی نمی ماند؛ چرا که کثرت گناهان، بدون توبه‌ی از آنها نور محبت و ولایت را در دل انسان مؤمن خاموش می کند. (۱)

۱- حدیث: امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمودند: امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: هیچ بنده ای نیست جز آنکه چهل پرده بر او کشیده شده است تا آنکه چهل گناه کبیره انجام دهد، و هرگاه چهل گناه کبیره انجام دهد همه‌ی پرده ها از او برداشته شوند و خدا به آنان (یعنی فرشته ها) وحی کند که با بالهای خود بنده‌ی مرا بپوشانید (و آبروی او را حفظ کنید) پس فرشته ها با بالهای خود از او پرده پوشی کنند، سپس حضرت فرمودند: تا آنکه آن بنده هیچ کار زشتی را وانهد مگر در آن فرو رود و بدان آلوده گردد تا کارش بدان جا کشد که از مردم در برابر کار زشت مدح و ثنا جوید. پس فرشته ها گویند: پروردگارا! این بنده، هیچ چیز به جا نگذاشت و مرتکب همه‌ی بدیها شد و ما از آنچه او می کند خجالت می کشیم و حیا می کنیم، پس خدای (عزوجل) به آنها وحی کند که شما هم بالهای خود را از روی کردار زشتش بردارید و چون چنین کند و کارش بدین جا کشد آغاز دشمنی با ما خاندان کند، در این جا است که پرده‌ی او در آسمان دریده شود و پرده‌ی او در زمین پاره گردد. پس فرشته ها می گویند: پروردگارا! این بنده ات پرده دریده و بی آبرو مانده است؟ خدای (عزوجل) به آنها وحی کند: اگر من را به او نیازی بود، به شما فرمان نمی دادم که بالهای خود را از او بگیرید. (کافی: ج: ۲ ص: ۲۷۹ ح: ۹)

آقای مهربان!

ای پشتیبان من در سختیها!

ای یاری کننده‌ی من در مقابل ابلیس!

من ناتوانم و بدون یاری و کمک شما نمی توانم در مسیر شناخت، اطاعت و نزدیکی به شما که هدف خلقت من است قدم بردارم.

مولا جان!

دستم را بگیر و کمکم کن، و توسل و توجه مرا به خودت بیشتر کن، توفیق گناه را از من بگیر و روحیه‌ی اطاعت را در من قوی و ریسمان آن را مستحکم نما. و مَیْدَم کن تا اعمالی که مرا از ابلیس و وسوسه هایش دور کرده و می رهاوند را انجام دهم (۱) و آنچه باعث نزدیکی من به شیطان است را انجام

۱- آنچه باعث دوری ابلیس می شود: ۱- یاد و ذکر خدای متعال. (خصال: ص: ۱۳۱ ح: ۱۳۸) ۲- یاد و ذکر اهل بیت (علیهم السلام). (کافی: ج: ۶ ص: ۲۰ ح: ۱۲، و تفسیر عیاشی: ج: ۲ ص: ۲۱۱ ح: ۴۴، و تفسیر قمی: ج: ۱ ص: ۳۶۵) ۳- نماز اول وقت. (محاسن: ج: ۱ ص: ۸۲ ح: ۱۲) ۴- روزه. (کافی: ج: ۴ ص: ۶۲ ح: ۲) ۵- رکوع و سجود را طولانی نمودن. (محاسن: ج: ۱ ص: ۱۸ ح: ۵۰) ۶- اذان گفتن. (کافی: ج: ۳ ص: ۳۰۸ ح: ۳۵) ۷- اعمال صالح. (کافی: ج: ۴ ص: ۶۲ ح: ۲) ۸- نیکی به مؤمنین. (أصول سته عشر: ص: ۱۲۱ ح: ۱) ۹- زیارت مؤمنین. (کافی: ج: ۲ ص: ۱۸۸ ح: ۷) ۱۰- یاری نمودن مؤمنین. (کافی: ج: ۲ ص: ۲۰۷ ح: ۹) ۱۱- صدقه. (کافی: ج: ۴ ص: ۳ ح: ۵) ۱۲- سکوت زیاد. (خصال: ص: ۵۲۶ سطر ۱) ۱۳- تواضع. (نهج البلاغه: ج: ۲ ص: ۱۴۱) ۱۴- همراه داشتن قرآن و تلاوت آن. (قرب الأسناد: ص: ۸۷ ح: ۲۸۷، و کافی: ج: ۲ ص: ۶۱۰ ح: ۳) ۱۵- توبه و استغفار. (کافی: ج: ۴ ص: ۶۲ ح: ۲)

۱- آنچه باعث نزدیکی ابلیس می شود: ۱- تبعیت از هوای نفس. (صحیفه‌ی سجّادیه (ابطحی): ص: ۴۰۳) ۲- تکبر و غرور. (نهج البلاغه: ج: ۲ ص: ۱۴۸، و کافی: ج: ۲ ص: ۲۸۹ ح: ۱) ۳- فخر نمودن بر دیگران. (نهج البلاغه: ج: ۲ ص: ۱۴۲) ۴- تعصب. (نهج البلاغه: ج: ۲ ص: ۱۴۱) ۵- غضب نمودن و عصبانیت. (کافی: ج: ۲ ص: ۳۰۴ ح: ۱۲، و خصال: ص: ۱۳۲ ح: ۱۴۰) ۶- آمال و آرزوها. (نهج البلاغه: ج: ۴ ص: ۷۷) ۷- سوء ظنّ. (صحیفه‌ی سجّادیه (ابطحی): ص: ۱۷۲) ۸- شک و ضعف در یقین. (کمال الدین: ص: ۵۱، و کافی: ج: ۱ ص: ۱۲) ۹- حبّ دنیا و شهوات آن. (محاسن: ج: ۲ ص: ۴۳۹ ح: ۲۹۷، و صحیفه‌ی سجّادیه (ابطحی): ص: ۴۰۳) ۱۰- آلاّت لهُو و لعب. (کافی: ج: ۶ ص: ۴۳۱ ح: ۳، و دعائم الإسلام: ج: ۲ ص: ۲۰۸، و خصال: ۶۳۱) ۱۱- یأس و ناامیدی. (کافی: ج: ۲ ص: ۴۸۸ ح: ۱) ۱۲- خلوت نمودن با نامحرم. (دعائم الإسلام: ج: ۲ ص: ۲۱۴ ح: ۷۸۸) ۱۳- حسد. (کافی: ج: ۲ ص: ۳۲۷ ح: ۲) ۱۴- فراموش نمودن معاصی. (خصال: ص: ۱۱۲ ح: ۸۶) ۱۵- عجله نمودن در کارها. (محاسن: ج: ۱ ص: ۲۱۵ ح: ۱۰۱) ۱۶- مال و ثروت زیاد. (آمالی صدوق: ص: ۲۶۹، و خصال: ص: ۱۱۳) ۱۷- عُجَب نمودن. (کافی: ج: ۲ ص: ۳۱۴ ح: ۸) ۱۸- قیاس نمودن. (کافی: ج: ۴ ص: ۱۳۵ ح: ۱، و محاسن: ج: ۱ ص: ۲۱۱ ح: ۸۱) ۱۹- بی حیائی. (کافی: ج: ۲ ص: ۲۹۱ ح: ۱۰) ۲۰- انجام گناهانی همچون: نگاه به نامحرم، بدعت گذاردن، شراب خوردن، فحش دادن، ربادادن و گرفتن، ظلم و ستم نمودن، مسخره نمودن مؤمنین و قهر با برادران ایمانی. (محاسن: ج: ۱ ص: ۱۰۰ ح: ۷۰، و ص: ۱۰۹ ح: ۱۰۱، و ص: ۲۰۷ ح: ۷۰، و کافی: ج: ۲ ص: ۲۸۵ ح: ۲۴، و ص: ۳۲۳ ح: ۱، و ص: ۳۲۷ ح: ۲، و ص: ۳۴۶ ح: ۷، و خصال: ص: ۱۱۳ ح: ۹۱)

به امید آن روزی که به چشم خود بینم که ابلیس و لشکریانش به دست شما نابود شده و به هلاکت می‌رسند. (۱)

سر کوش هوس داری هوا را پشت و پائی زن

در این اندیشه یگرو شو دو عالم را قفائی زن

بساط قرب می جوئی خرد را الوداعی کن

وصال دوست می خواهی بلا را مرحبائی زن

۱- حدیث: وَهَبُ بْنُ جُمَيْعٍ می گوید: پرسیدم از امام جعفر صادق (علیه السلام) از گفته‌ی ابلیس: «پروردگارا مهلت ده تا روزی که مبعوث شوند، خداوند فرمود: تو مهلت داری تا روز وقت معلوم» وَهَبُ گفت: قربانت شوم آن روز چه روزیست؟ حضرت فرمودند: ای وَهَبُ! فکر می‌کنی آنروز روز رستاخیز مردم است؟! چنین نیست بلکه خداوند تا روزی که قائم ما ظهور کند به ابلیس مهلت داده، و چون قائم ما ظهور کند و در مسجد کوفه باشد ابلیس نزد وی آید و برابرش زانو زند و گوید: ای وای بر من از این روز، و قائم (علیه السلام) موهای جلوی سرش را بگیرد و گردنش را بزند، و این روز همان وقت معلوم است. (تفسیر عیاشی: ج: ۲ ص: ۲۴۲ ح: ۱۴)

فصل هفتم: حادثه ها، گرفتاری ها، بلاها و بیماری های من

در طول عُمرم - از ابتدای ولادت گرفته تا به حال - قرار بود بلاها و حوادث گوناگونی به سیرم آمده و گرفتاریهای مختلفی برایم درست شود، به مرض های مختلفی دچار شده و حادثه های ناگواری برایم پیش آید، ولی چنین نشد!

آری! بارها و بارها فاصله‌ی زیادی تا فقر، اعتیاد، غذای ناپاک، تصادف، زمین گیر شدن، بیماری های صعب‌العلاج، مسمومیت، رُسوائی، نا اُمید شدن از زندگی، گرفتار رفیق ناباب شدن، در معرض حيله و کلاهبرداری واقع شدن، و ارتکاب گناهانی که همه چیز را از من می گرفت و مرا عاقبت به شرّ می نمود نداشتیم؛ ولی بلاها یکی پس از دیگری از من دفع می شدند.

و اینها همه مربوط به مواردی است که رفع بلا را حسّ می نمودم! و خدا می داند که چه بلاها و خطراتی - که قابل شمارش نبوده و من اصلاً متوجه آنها نشده ام - از من دور شده اند.

و ای کاش متوجه رفع همه‌ی بلاها می شدم و برای تک تک آنها از امام زمانم که به خاطر وجود شریفشان از من دفع گردیده است (۱) تشکر و قدردانی می نمودم.

چه امام رئوف و مهربانی، چه آقای کریم و بزرگواری، (۲) چه پدر

۱- حدیث: امام زمان (علیه السلام) فرمودند: خداوند به خاطر من بلاها را از اهلّم و شیعیانم دفع می کند. (کمال الدین: ص: ۴۴۱ ح: ۱۲)

۲- حدیث: در زیارت ائمه معصومین (علیهم السلام) می خوانیم: سلام بر امام رئوف و مهربان، سلام بر امام سخی و کریم. (بحار الأنوار: ج: ۹۹ ص: ۱۹۹)

دلسوزی، (۱) چقدر به او بدهکارم و زندگیم را مدیون او هستم.

مولا جان! با همه‌ی وجود از شما تشکر کرده و سپاسگزارم.

باز هم مراقب و محافظ من باشید، و ملائکه‌ای را که باذن الهی مأمور مراقبت و محافظت از من گماشته‌اید از من دور ننموده، و خود نیز همچنان ورای آنها از من محافظت نمائید؛ و هرگز من را فراموش نکنید که اگر روزی چنین اتّفاقی بیافتد، همه‌ی بلاها بر سرم فرود آمده و من دیگر آمیدی به ادامه‌ی زندگی نخواهم داشت.

جز صبر از هجوم بلا نیست چاره‌ای

غیر از رضا بسرّ قضا نیست چاره‌ای

خواهی اگر نجات ز امواج حادثات

جز التجاء به مهدی آل عبا نیست چاره‌ای

گر طیبیانه بیائی به سر بالینم

به دو عالم ند هم لذت بیماری را

۱- حدیث: امام رضا (علیه السلام) فرمودند: امام مونس‌ی رفیق، پدری دلسوز، و برادری تنی، و همچون مادری نیکوکار به فرزند کوچک خویش می‌باشد. (کافی: ج: ۱ ص: ۲۰۰ ح: ۷)

فصل هشتم: هدایت من

هدایت بر سه قسم است:

۱- هدایت تکوینی

۲- هدایت تشریحی

۳- هدایت خاص

۱- هدایت تکوینی: عبارت است از تداوم حیات، و بقای عالم بر همان صورت اولیّه‌ی خلقت و عدم تصرّف در امور تکوینیّه‌ی موجودات.

در این قسم از هدایت می‌گوئیم: خداوند متعال به حجّت و خلیفه‌ی خویش - حضرت بقیه الله الأعظم (أرواحنا له الفداء) - آنچه قدرتی داده است که در هرچه بخواهد و اراده نماید تصرّف کرده و آن را تغییر می‌دهد و به تعبیر دقیق‌تر معجزه می‌نماید. (۱)

همچون تغییر ماهیت مرد به زن، و زن به مرد. (۲)

۱- حدیث ۱: امام باقر (علیه السلام) فرمودند: به درستی که خداوند ما اهل بیت را بر آنچه بخواهیم توانا نموده است. (بصائر الدرّجات: ص: ۳۹۵ ح: ۵) حدیث ۲: امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمودند: امام هر آنچه را که بخواهد به امر خداوند انجام می‌دهد، پس اگر بخواهد به اذن الهی از مشرق تا مغرب را در لحظه‌ای بپیماید می‌تواند، و هر زمان بخواهد و اراده کند به آسمان رفته و بر می‌گردد. (هدایت کبری: ص: ۲۲۶)

۲- حدیث: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: بعضی‌ها به امام حسن (علیه السلام) و آن تحمّل هائی که آن حضرت در مقابل آزارهای معاویه می‌کرد اعتراض نمودند، امام مجتبی (علیه السلام) در پاسخ سخنی فرمودند که مضمون آن این بود: اگر من دعا کنم، خدای توانا عراق را به شام و شام را به عراق، زن را به مرد و مرد را به زن تبدیل می‌کند. آن مرد شامی گفت: چه کسی است که این قدرت را داشته باشد؟! امام حسن مجتبی (علیه السلام) به وی فرمودند: برخیز! حیا نمی‌کنی که در میان مردان نشسته‌ای؟ ناگاه آن مرد بخود توجّهی کرد و دید که زن شده است! آنگاه امام حسن (علیه السلام) به وی فرمودند: زن تو تبدیل به مردی شده است، او با تو نزدیکی می‌کند و تو از وی حامله می‌گرددی و فرزند می‌آوری که خشتی خواهد بود (یعنی هم علامت مردی و هم علامت زن بودن را خواهد داشت) پس همانطور شد که آن بزرگوار فرموده بودند. آنگاه پس از چندی آن دو توبه کردند و به حضور امام حسن مجتبی (علیه السلام) آمدند. پس آن حضرت دعا کردند و خدای توانا ایشان را به حالت اول برگردانید. (مناقب آل ابی طالب: ج: ۳ ص: ۱۷۵)

۱- حدیث ۱: علی بن ابی حمزه می گوید: با امام جعفر صادق (علیه السلام) به حج می رفتیم که زیر درخت خرما خشکیده ای فرود آمدیم. حضرت زیر لب دعایی را زمزمه کردند که من نفهمیدم، سپس فرمودند: ای درخت! از طعامی که خداوند در تو قرار داده است به ما بخوران. راوی می گوید: ناگهان متوجه شدم که شاخه های درخت، در حالی که خرما تازه داشتند به سوی امام (علیه السلام) متمایل شدند، پس حضرت «بسم الله» گفته و شروع به خوردن نمودند، و ما هم به دستور ایشان خوردیم که بهترین خرما بود. عربی بادیه نشین، چون این منظره را مشاهده کرد، تعجب نموده و گفت: تا به امروز، سحری به این بزرگی ندیده بودم! حضرت فرمودند: ما وارثان پیغمبرانیم و در بین ما ساحر و کاهنی پیدا نمی شود، و هر وقت از خدا هرچه را بخواهیم اجابت می کند. مرد عرب نپذیرفت و باور نکرد، حضرت فرمودند: می خواهی از خدای متعال بخواهم تا تو را به صورت سگی در آورده و نزد خانواده ات برگردی و مقابل آنها دم بجنبانی؟ مرد عرب که جاهل بود و نمی فهمید، گفت: آری، پس آن حضرت از خدا درخواست نمودند تا او را به صورت سگی مسخ کند پس چنین شد، و آن سگ به راه افتاد و رفت. راوی می گوید: امام به من دستور دادند که دنبال او بروم، من نیز رفتم و دیدم وارد منزلش شد و در مقابل عیال و اولادش، دم خود را جنبانید، آنها هم عصا برداشته و او را از خانه بیرون کردند. آنگاه من به حضور حضرت رسیدم و جریان را گزارش کردم، ناگاه متوجه شدم که آن سگ برگشت و روبروی حضرت ایستاد، در حالیکه دمش را می جنباند و اشک می ریخت. حضرت به او ترحم فرموده و دعا کردند تا خداوند او را به حالت اول برگرداند، پس در همان هنگام خداوند متعال او را به حالت اول برگرداند. پس حضرت امام صادق (علیه السلام) از او پرسیدند: اکنون ایمان آوردی؟ گفت: بلی هزار هزار بار ایمان آوردم. (خرائج و جرائح: ج ۱ ص: ۲۹۶ ح: ۳) حدیث ۲: یک نفر از اهل خوارج با مرد دیگری دعوا کرد و نزد حضرت علی (علیه السلام) آمدند و آن حضرت، میان آنان به حکم خدای متعال و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، قضاوت کردند، اما آن مرد خارجی گفت: در قضاوت، عدالت به خرج ندادی! حضرت فرمودند: دور شوای دشمن خدا! پس آن مرد به صورت سگی درآمد و لباسهایش به هوا پدید و دم خود را تکان می داد و از چشمانش اشک می ریخت. حضرت به حال او دلسوزی نموده و دعا نمودند، پس مجدداً به صورت انسان درآمد و لباسهایش از هوا به تنش برگشت. آنگاه حضرت علی (علیه السلام) فرمودند: آصف بن برخیا وصی حضرت سلیمان نیز مانند این کار را انجام داد چنانچه خداوند در کتابش از او نام برده و داستان او را به این صورت نقل کرده است که: «آن کسیکه نزد او کمی از علم کتاب بود - در جواب سؤال سلیمان وقتی که گفت چه کسی تخت بلقیس را نزد من می آورد؟ - گفت: من آن را در کمتر از چشم به هم زدن می آورم». آیا پیامبر شما نزد خداوند گرامیتر است یا سلیمان؟ گفتند: پیامبر ما. پس به حضرت گفته شد (تو با این همه معجزات و قدرتی که در اختیار داری) چه نیازی به جمع آوری سپاه برای جنگ با معاویه داری؟ حضرت در جواب فرمودند: اینها را برای جنگ دعوت می کنم تا حجت بر آنان تمام شده و امتحان الهی به پایان برسد، و اگر خداوند به من اجازه می داد که در مورد هلاکت معاویه نفرین کنم، هرگز آن را به تأخیر نمی انداختم. (خرائج و جرائح: ج ۲ ص: ۵۶۸ ح: ۲۴)

تبدیل عکس شیر (یا شیئی همچون کلید کوچک) به شیر حقیقی. (۱)

۱- حدیث ۱: از علی بن یقطین مروی است که گفت: هارون الرشید (لعنه الله علیه) مردی را طلب کرد که باطل کند امر حضرت أبو الحسن موسی بن جعفر (علیهما السلام) را و قطع کند کلام او را و آن جناب را در مجلس خجالت دهد، پس مرد افسونگری را با ایشان روبرو کرد، چون طعام حاضر ساختند آن مرد افسونگر افسونی به نان خواند و در نان صنعتی کرد که حضرت ابو الحسن (علیه السلام) هر گردهی نانی را که قصد می فرمودند که تناول کنند نان از میان دست ایشان پیران می کرد و پرواز می نمود و هارون (لعنه الله علیه) شادی می کرد و خنده می نمود و خفیف می کرد آن جناب را به سبب خنده های خود، پس طولی نکشید که حضرت أبو الحسن (علیه السلام) سر مبارک خود را بلند نموده و رو کردند به صورت شیری که بر بعضی از پرده ها نقش بسته بود و فرمودند: ای شیر بگیر دشمن خدا را. راوی گفت: آن شیر برجست مثل بزرگترین درنده ها، یعنی این شکل شیر، عظیم و بزرگ شد و مرد افسونگر را شکار کرد. هارون (لعنه الله علیه) و ندیمان او به صورت بر زمین افتاده و بیهوش شدند و عقل از سر آنها پرید به جهت ترس و هول از آنچه مشاهده کردند. پس بعد از مدتی که به حال خود آمدند هارون (لعنه الله علیه) به آن بزرگوار عرض کرد: به حقی که بر تو دارم از تو درخواست می کنم که از این صورت بخواهی که این مرد را برگرداند، حضرت فرمودند: اگر عصای موسی برگردانید آن ریسمانها و چوب دستی ها را که سحر کرده بودند! این صورت هم برمی گرداند این مرد را که بلعیده است! (عیون أخبار الرضا (علیه السلام): ج: ۲ ص: ۹۰ ح: ۱) حدیث ۲: ابو صامت می گوید: به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم: چیزی به من عطا کنید که یقینم زیاد شده و شک از قلبم خارج شود، پس حضرت به من فرمودند: آنچه همراه توست به من بده، پس من کلیدی را که در آستین داشتم به آن حضرت دادم و آن کلید در دست حضرت تبدیل به شیری شد که من از او بیمناک شدم، سپس حضرت فرمودند: رویت را از من برگردان پس چنین کردم، پس آن شیر تبدیل به کلید شد. (ثاقب: ص: ۱۵۴ ح: ۲)

تصرف در دریا، و تبدیل آن به پُلی برای عبور. (۱)

به حرکت در آوردن زمین و ایجاد زلزله. (۲)

۱- حدیث: امیر المؤمنین (علیه السلام) در مسیری با شخص یهودی همراه شدند پس از مدتی به رودخانه‌ی پُر آبی رسیدند و شخص یهودی کفشهایش را پوشید و از آب گذشت سپس امیر المؤمنین (علیه السلام) را - در حالی که ایشان را نمی شناخت - صدا زده و گفت: ای فلانی! اگر تو آنچه را که من می دانستم، می دانستی از این آب می گذشتی، پس حضرت به او فرمودند: همانجا بایست تا من به تو ملحق شوم، سپس به آب اشاره ای کرده و آب منجمد شد و از آن گذشتند. شخص یهودی وقتی این صحنه را مشاهده نمود خود را بر قدمهای آن حضرت انداخت و گفت: ای جوان! چه گفتی که آب این چنین منجمد شد؟ حضرت فرمودند: ابتدا تو بگو که چه گفتی و از آب گذشتی؟ گفت: من خدا را به اسم اعظمش خواندم حضرت فرمودند: چیست آن اسم اعظم؟ گفت: من خدا را به اسم وصیّ محمّد (صلی الله علیه و آله و سلم) خواندم. پس حضرت به او فرمودند: من همان وصیّ محمّد (صلی الله علیه و آله و سلم) که خدا را به او خواندی هستم، پس شخص یهودی حضرت را تأیید نموده و مسلمان شد. (مشارق انوار الیقین: ص: ۲۷۱)

۲- حدیث ۱: امام محمّد باقر (علیه السلام) فرمودند: همانا بین ما و هر زمینی شاغولی است همچون شاغول بنا، پس زمانیکه حاجتی به چیزی در زمین داشته باشیم آن شاغول را به سوی خود می کشیم و زمین با چاهها، بازارها و خانه هایش به سمت ما می آید پس آنچه را که از امر الهی بخواهیم در آن جاری می سازیم. (بصائر الدرّجات: ص: ۴۲۷ ح: ۱۰) حدیث ۲: تمیم بن جذیم می گوید: در مسیر بصره با علی (علیه السلام) همراه بودیم که زمین لرزید و علی (علیه السلام) بر آن دست زد و به او گفت: تو را چه شود؟ آنگاه رو به ما کرده و فرمود: اگر آن زلزله ای می بود که خدای (عزوجل) در کتابش گفته، به من پاسخ می داد ولی آن نبود. (علل الشرائع: ج: ۲ ص: ۵۵۵ ح: ۵)

بازگرداندن خورشیدی که غروب کرده. (۱)

تصرف در نباتات و جمادات. (۲)

۱- حدیث: اُمّ جعفر می گوید: با جدّه‌ی خود - اَسْمَاء بنت عُمَیْس - و عمومیم - عبد الله بن جعفر - خارج شدیم تا به «صَهْبَاء» رسیدیم، پس اَسْمَاء گفت: دخترم ما با پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در این مکان بودیم که حضرت نماز ظهر را خواندند و سپس علی (علیه السلام) را خوانده و از آن جناب نسبت به برخی از نیازمندهایش کمک خواستند، پس زمان عصر فرا رسید و آن سرور نماز عصر را خواندند، در این وقت علی (علیه السلام) آمدند و در پهلوی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نشستند، پس خدا به رسولش وحی فرستاد و نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) سر به دامان علی (علیه السلام) نهادند تا خورشید غروب کرد و از آن چیزی نه بر زمین و نه بر کوه رؤیت نمی شد، سپس رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نشستند و به علی (علیه السلام) فرمودند: آیا نماز عصر را خوانده‌ای؟ حضرت علی (علیه السلام) عرض نمودند: خیر ای رسول خدا! به من خبر دادند که شما نماز نخوانده‌اید و وقتی سر در دامن من نهادید نخواستم آن را تکان دهم لذا همچنان نشستم تا خورشید غروب کرد، پس پیامبر در مقام دعا بر آمده و به درگاه الهی عرض کردند: بار خدایا! این علی بنده تو است که خود را به خاطر پیغمبرت محبوس نمود، پس خورشید را برای او بازگردان، بلافاصله خورشید طلوع کرد و هیچ کوه و زمینی نبود مگر آنکه خورشید بر آن تابید، سپس علی (علیه السلام) ایستاده و وضو گرفتند و نماز خواندند، آنگاه خورشید تار شده و غروب نمود. (علل الشرائع: ج: ۲ ص: ۳۵۱ ح: ۳)

۲- حدیث ۱: حارث می گوید: با امیر مؤمنان به سفر رفتیم تا اینکه به وادی «عاقول» رسیدیم و در آنجا تنه‌ی درختی را دیدیم که پوستش کنده شده بود، آن حضرت با دست خویش به آن زده و فرمودند: به اذن خدا بر گرد و سبز و میوه دار شو. درخت، شاخه هایش را به حرکت در آورد و میوه دار شد و ما از آن خوردیم و برای راهمان نیز برداشتیم. (بصائر الدرّجات: ص: ۲۷۴ ح: ۳) حدیث ۲: ابو حمزه ثُمّالی می گوید: علی (علیه السلام) در مسجد کوفه نشسته و اصحاب ایشان در کنار آن حضرت بودند پس مردی عرض کرد: من تعجب می کنم که چرا دنیا در دست کسان دیگر است نه در دست شما؟ حضرت فرمودند: گمان می کنی ما دنیا را می خواهیم و به ما داده نمی شود؟ آنگاه یک قبضه از سنگریزه های مسجد را برداشته و در مشت خود فشردند، بعد دست خود را باز کردند، دیدیم جواهراتی هستند و می درخشند. حضرت پرسیدند: این چیست؟ نگاه کردیم و گفتیم: از بهترین جواهرات است. پس فرمودند: اگر ما دنیا را می خواستیم از آن ما بود، ولی ما آن را نمی خواهیم، سپس جواهرات را بر زمین انداختند و آنها مانند اول سنگریزه شدند. (بصائر الدرّجات: ص: ۳۹۵ ح: ۳)

تکلم نمودن با حیوانات و موجودات، و اطاعت آنان از امام (علیه السلام). (۱)

۱- حدیث ۱: محمّد بن مسلم گوید: روزی خدمت امام باقر (علیه السلام) بودم که یک جفت قُمّری آمدند و روی دیوار نشسته، طبق مرسوم خود بانگ می کردند و امام باقر (علیه السلام) ساعتی به آنها پاسخ می گفتند، سپس آماده‌ی پریدن گشتند، و چون روی دیوار دیگری پریدند، قُمّری نر، یک ساعت بر قمری ماده بانگ می کرد، سپس آماده‌ی پریدن شدند، من عرض کردم: قربانت گردم، داستان این پرندگان چه بود؟ حضرت فرمودند: ای پسر مسلم! هر پرنده و چارپا و جاندار را که خدا آفریده است نسبت بما شنواتر و فرمانبردارتر از انسان است، این قمری بماده‌ی خود بدگمان شده و او سوگند یاد کرده بود که خیانت نکرده است و گفته بود به داوری محمّد بن علی راضی هستی؟ پس هر دو به داوری من راضی گشته و من به قُمّری نر گفتم: که نسبت بماده‌ی خود ستم کرده ای و حق با اوست و او تصدیقش کرد. (بصائر الدّرجات: ص: ۳۶۲ ح: ۵) حدیث ۲: سلیمان بن خالد گفت: در خدمت حضرت صادق (علیه السلام) بودیم، ابو عبد الله بلخی نیز حضور داشت ناگاه یک آهو پیش آمده و با صدای مخصوص خود صدا می زد و دُم می جنبانید. امام (علیه السلام) فرمودند: انجام می دهم ان شاء الله. آنگاه روی بما نموده و فرمودند: فهمیدید آهو چه گفت؟ عرض کردم: خدا و رسول و پسر رسول او دانا ترند. فرمودند: شکایت کرد که یکی از اهل مدینه دامی نهاده و ماده‌ی او را گرفته است که دو بَره دارد و هنوز قدرت چریدن ندارند، از من درخواست کرد که ماده اش را بگیرم و آزاد کنم و ضمانت کرد که وقتی بچه هایش را شیر داد و آماده‌ی چریدن شدند او را پیش صیّاد برگرداند. من آهو را قسم دادم، گفت از ولایت شما اهل بیت پیامبر بیزار باشم اگر این کار را نکنم. من هم این کار را برای او خواهم کرد ان شاء الله، ابو عبد الله بلخی گفت: در شما سنتی همچون سنت سلیمان (علیه السلام) است (یعنی همانطور که حضرت سلیمان با حیوانات سخن گفته و امور آنان را اداره می نمود شما نیز چنین هستید). (بصائر الدّرجات: ص: ۳۶۹ ح: ۸)

۱- حدیث ۱: داود بن کثیر رقی گفت: یکی از دوستان ما برای انجام حج به مکه رفت و خدمت حضرت صادق (علیه السلام) رسید. پس گفت: آقا! پدر و مادرم فدایت شوند، همسرم فوت شده و من تنها مانده ام، حضرت فرمودند: دوستش داشتی؟ عرض کردم: بله فدایت شوم. فرمودند: وقتی برگردی به منزل خود، او مشغول غذا خوردن است. گفت: از مکه برگشتم و وارد منزل شدم دیدم همسرم نشسته و غذا می خورد. (بصائر الدرجات: ص: ۲۹۴ ح: ۵) حدیث ۲: مفضل بن عمر می گوید: در خدمت حضرت صادق (علیه السلام) بودم، گذرمان در مکه یا منی به زنی افتاد که با دخترکی بالای سر گاو مرده ای ایستاده و گریه می کردند. امام فرمودند چه شده؟ گفت: من و دخترانم از شیر این گاو زندگی می کردیم، این گاو هم مرده است، متحیرم که از کجا زندگی کنیم. حضرت فرمودند: مایلی خداوند این گاو را برایت زنده کند. زن گفت: با این گرفتاری که دارم مرا مسخره می کنی؟! حضرت فرمودند: نه، مسخره نمی کنم. آنگاه امام (علیه السلام) دعائی خواندند و با پای خود به بدن بی جان گاو زدند و فریادی به سر او کشیدند، پس گاو به سرعت صحیح و سالم از جای خود حرکت نمود. آن زن که گاو خود را زنده دید فریاد زد: به خدا این عیسی بن مریم است! امام (علیه السلام) نیز بین مردم رفتند و دیگر زن او را شناخت. (خرائج و جرائح: ج ۱ ص: ۲۹۴ ح: ۱)

شفا دادن بیماران لاعلاج. (۱)

جاری نمودن چشمه ها. (۲)

۱- حدیث ۱: أبو عَوْف می گوید: بر امام جعفر صادق (علیه السلام) داخل شدم پس حضرت به من ملاطفت نموده و فرمودند: شخصی نایبنا پیش پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آمده و گفت: ای رسول خدا! از خداوند بخواه که بینائی مرا به من بازگرداند، پس آن حضرت دعا نموده و آن شخص بینا شد، چندی بعد شخص دیگری که او نیز نایبنا بود خدمت آن حضرت آمده و همین درخواست را نمود حضرت به او فرمودند: آیا بهشت نزد تو محبوب تر است یا بینا شدن؟ گفت: آیا اگر نایبنا بمانم جزا و پاداش من بهشت است؟ حضرت فرمودند: خداوند بزرگوارتر از آن است که بنده مؤمنی را مبتلا به نایبائی نماید سپس به او جزای بهشت ندهد. (بصائر الدرجات: ص: ۲۹۲) حدیث ۲: شخصی از قبیله ی جُھینَه که مبتلا به جذام شده بود حضور پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) رسید و از آن حضرت شفا خواست آن حضرت ظرف آبی را طلبیده و از آب دهانشان در آن ریختند و به آن شخص فرمودند: «این آب را به بدنت بمال» پس آن شخص به دستور حضرت عمل کرد و از آن مرض خلاصی یافت. (احتجاج: ج: ۱ ص: ۳۳۲)

۲- حدیث: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: وقتی که علی (علیه السلام) از صفین برمی گشتند بر ساحل رود فرات ایستاده و با چوب دستی خود بر آب زدند و فرمودند: جاری شو. پس دوازده چشمه جاری شد و مردم نگاه می کردند. سپس با زبانی سخن گفتند که مردم نفهمیدند. آنگاه ماهی ها سرشان را از رودخانه بیرون آوردند و «لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» و تکبیر گفتند و بعد از آن گفتند: «سلام بر تو ای حجت خدا در زمین و ای چشم خدا در میان بندگان»، قوم تو در صفین تو را خوار کردند چنانچه قوم هارون بن عمران او را چنین نمودند. پس آن حضرت به مردم فرمودند: «آیا شنیدید؟» گفتند: بلی. پس فرمودند: «این معجزه ی من برای شماست و شما را بر آن شاهد می گیرم. (خرائج و جرائح: ج ۱ ص: ۲۳۱ ح: ۷۶)

تصرّف در اذهان و قلوب. (۱)

کامل نمودن عقلها. (۲)

و هر کار دیگری که نیاز به تصرّف در عالم و مخلوقات آن داشته باشد، همگی به معجزه و اراده‌ی نافذ امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) امکان پذیر است. و نیز باید بدانم که تمامی معجزات انبیا و اوصیا الهی به دست مبارک آن حضرت در زمان ظهور جاری خواهد شد تا اتمام حجتی باشد بر تمامی دشمنان و مخالفین. (۳)

۱- حدیث: رُمَيْلَهُ مِي كَوَيْد: علی (علیه السلام) شخصی را در حال خیطاطی و آوازخوانی دید و فرمود: «ای جوان! اگر قرآن بخوانی برای تو بهتر است». آن جوان گفت: بَلَدَ نَيْسْتَم بِخَوَانِم، ولی دوست داشتم مقداری از آن را حفظ بوده و می خواندم. حضرت فرمودند: نزدیک بیا، آن جوان نزدیک آمد و علی (علیه السلام) آهسته چیزی در گوش او گفتند که تمام قرآن در قلب او نقش بست و حافظ تمام قرآن شد. (خرائج و جرائح: ج: ۱ ص: ۱۷۴ ح: ۷)

۲- حدیث: امام باقر (علیه السلام) فرمودند: چون قائم ما قیام کند دستش را بر سر بندگان نهد و از برکت آن دست، عقل و خرد آنها کمال یابد. (کمال الدین: ص: ۶۷۵ ح: ۳۰)

۳- حدیث ۱: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: هیچ معجزه‌ای از معجزات انبیا و اوصیا نیست مگر اینکه خداوند شبیه آن را برای اتمام حجت بر دشمنان به دست قائم ما ظاهر می کند. (اثبات الهداه: ج: ۷ ص: ۳۵۷ ح: ۱۳۷) حدیث ۲: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: در زمان ظهور امام زمان (علیه السلام) شخصی از اصفهان پیش آن حضرت آمده و از او می خواهد که معجزه‌ی حضرت ابراهیم (علیه السلام) را برای او بیاورد، پس آن حضرت دستور می دهند که آتش بزرگی برافروخته شود و این آیه را تلاوت می کنند: «پس پاک و منزّه است آن خدائی که در دست او ملکوت هر چیزی است و به سوی او بر می گردید» سپس آن حضرت داخل آتش شده و در صحت و سلامت کامل از آن بیرون می آیند اما آن شخص - که لعنت خدا بر او باد - این معجزه را انکار کرده و آن را سحر و جادو می شمارد. پس آن حضرت به آتش امر کرده که او را در خود فرو برده و بسوزاند، آتش نیز چنین کرده و آن شخص را می سوزاند، آنگاه حضرت می فرمایند: این جزای کسی است که صاحب زمان و حجت خدا را انکار نماید. (مکیال المکارم: ج: ۱ ص: ۱۶۴)

پس معلوم شد که امام زمان (علیه السلام)، هر تصرّفی که در روح و جسم من بخواهند، می توانند انجام دهند و حتّی قادر می باشند که من را به طور کلی از صفحه‌ی روزگار محو نمایند، ولی اینکار را نکرده و مرا تکویناً در مسیر خودم هدایت نموده و می نمایند.

۲- هدایت تشریحی که عبارت است از مجموعه‌ی اوامر و نواهی امام (علیه السلام) - که اصطلاحاً بدان شرع یا دین گفته می شود و بزودی پیرامون آن به طور مفصّل بحث خواهیم نمود - نیز به دست امام زمان (علیه السلام) انجام می پذیرد؛ بدین معنا که حضرت با ذکر دستورات، اوامر و نواهی و ذکر مباحث مختلف در رابطه با مسائل گوناگون محدوده‌ی دینی بودن امور مختلف را برای من تعیین می کنند و من با اعتقاد و عمل کردن به آنها به وظیفه‌ی خویش عمل نموده و به اوج سعادت و خوشبختی نائل می گردم.

و آنچه در اینجا لازم است بدان اشاره کنیم، آن است که بعضی ها ممکن است با خود بگویند که ما به دستورات پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و ائمه‌ی اطهار (علیهم السلام) تا امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) عمل کرده و می کنیم و احکام و مسائلی که از آن حضرت توسط وُکلا و سُفرا و توقیعات شریف ایشان (۱) به دست ما رسیده است بسیار

۱- توقیعات عبارتند از دست نوشته های امام عصر (برای اشخاصی همچون شیخ مفید که از طریق معتمدین امام (علیه السلام) به ایشان می رسیده است.

اندک و محدودند و این مسأله با آنچه شما در رابطه با هدایت تشریحی امام عصر (علیه السلام) مطرح نمودید معارض است. در جواب می گوئیم: رجوع ما به روایات پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهل بیت گرامیشان، در حال حاضر نیز به دستور آن حضرت و امر ایشان است.

بدین معنا که عمل به دستورات امامان قبل مشروط به اذن و اجازه‌ی امام هر عصری می باشد و این مسأله تنها مربوط به عصر ما نیست؛ بلکه در هر دوره ای پس از اتمام امامت هر یک از ائمه (علیهم السلام) عمل به دستورات آن امام و امامان قبل از او مشروط به اذن امام حاضر می باشد؛ به عنوان مثال، مردم زمان امام جواد (علیه السلام) پس از شهادت آن حضرت، مأمور به مراجعه و اذن از امام هادی (علیه السلام) برای عمل نمودن به فرمایشات امام جواد (علیه السلام) و همچنین امامان قبل از ایشان بوده اند، چون همانگونه که سابقاً نیز گفتیم تنها، گفته‌ی امام ناطق حجت است و همه‌ی مردم حتی امام صامت نیز مأمور به تبعیت از امام ناطق می باشند. (۱)

۳- هدایت خاصّ: و اما هدایت خاصّ عبارتست از مجموعه‌ی عنایات، توفیقات، دستگیری ها، مراقبت ها و تأییدات امام عصر (علیه السلام) نسبت به محبّین و شیعیان خود که ملموس ترین نوع هدایت است.

و می توان گفت اکثر دعاهای من در طول شبانه روز، بازگشت به همین معنا داشته و در خواست تداوم و ازدیاد این هدایت از جانب آن حضرت

۱- حدیث: هشام بن سالم می گوید: به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم: آیا ممکن است در یک زمان دو امام باشند؟ آن حضرت فرمودند: خیر، مگر آنکه یکی از آن دو خاموش باشد و از دیگری پیروی نماید و دیگری ناطق و پیشوای وی باشد، اما در یک زمان دو امام ناطق نخواهد بود. (کمال الدین: ص: ۴۱۶: ح: ۹)

نسبت به من می باشد، و با اینکه برخورداری من از این هدایت بیشتر از سایر هدایتها است ولی در عین حال کمتر بدان توجه دارم و این به جهت بهره مندی دائم و فراوان از این نعمت بزرگ و با ارزش می باشد.

و من معمولاً مواردی را به خاطر سپرده و به یاد می آورم که از دید من با اهمیت باشند مانند شفا یافتن از درد و مرض خاصی، بدست آوردن شخص یا شیء با ارزشی، برطرف شدن مشکل و گرفتاری حادی و ...، که هرگز از یادم نرفته و آنها را مکرراً پیش خودم بلکه دیگران، به یاد می آورم و می گویم: اگر عنایت امام زمان (علیه السلام) نبود چنین و چنان می شد.

و حقیقت آن است که نباید سایر عنایت های آن حضرت را در طول زندگی ام نادیده بگیریم؛ چرا که دوران زندگی من مملو از اتفاقات و جریاناتی است که در ذیل عنایات، هدایتها و دستگیری های آن حضرت سپری گردیده است.

چقدر زمینهی انحراف و سقوط در پرتگاه معاصی فراهم شد؛ ولی موفق به انجام یا ادامهی آن نشدم. بارها و بارها پس از پشت کردن دنیا و نا امید شدن از مردم روزگار، به او توجه و توسل نمودم و او تنها کسی بود که ندای مرا لبیک گفت و مرا یاری نمود. هر زمان دستم از زمین و آسمان کوتاه می شد و کسی را نداشتم که به فریادم برسد، او را صدا می زدم و از او کمک می خواستم، و او هرگز مرا به خود وانگذاشت و از من فراموش نکرد.

ای کاش! هیچگاه از یاد او غافل نبوده و همیشه به یادش می بودم و نه تنها در گرفتاری ها، مشکلات و ناکامی ها بلکه در خوشی ها، کامیابی ها و سائر لحظات خوش زندگی نیز به یاد او بوده و او را در کنار خود می دیدم و هرگز فراموشش نمی کردم.

مگر اینطور نیست که عامل همه ی خوبی ها، خیرات و خوشی های زندگی

من ایشان بوده و هستند (۱) و هر چه داشته و دارم از آن حضرت و به خاطر ایشان بوده و هست، (۲) ولی هزاران افسوس که من از ایشان غافل بوده و دست عنایاتشان را در پس پرده‌ی زندگی ام ندیدم، و لحظات قیمتی ارتباط با آن حضرت را درک نمودم و لذت مناجات با ایشان را - آنطور که باید - نچشیدم، و خود را خرج خدمت، در آستان مقدّسشان ننموده و از معنا کردن زندگی در کنار ایشان محروم ماندم! ولی هزاران شکر و سپاس خداوندی را که هم اکنون - بیش از گذشته - مرا متوجّه خویش ساخته، و توفیق درک حضور ایشان را در زندگی، به من عطا فرموده است.

آری! من به یاری و هدایت امام زمانم توانستم در مسیر صحیح قدم برداشته و موانع زندگی را از سر راه بردارم و راه و رسم زندگی را یاد گرفته و هدفمند، به زندگی ادامه دهم.

آن حضرت بودند که مرا با خدا آشنا نموده و مرا در بندگی او یاری نمودند.

ایشان بودند که مرا با حضرت سید الشهداء (علیه السلام) آشنا نموده و پای مرا به حسینیه ها و مجالس عزای آن حضرت باز نمودند و غیر از این هم، از ایشان

- ۱- حدیث ۱: در زیارت جامعه‌ی کبیره آمده است: اگر از خیر، اسمی به میان آید شما اهل بیت اوّل آن و ریشه‌ی آن و شاخه‌ی آن و معدن آن و جایگاه آن و آخر آن می باشید. (من لا یحضره الفقیه: ج: ۲ ص: ۶۱۶) حدیث ۲: امام حسن مجتبی (علیه السلام) فرمودند: ما اهل بیت رحمت و معدن کرامت و جایگاه خیرات و خوبیها هستیم. (احتجاج: ج: ۱ ص: ۴۱۶)
- ۲- حدیث: امام باقر (علیه السلام) فرمودند: خداوند به خاطر اهل بیت به بندگانش روزی می دهد و به خاطر ایشان سرزمین ها را آباد می کند، و به خاطر ایشان برکات را از زمین خارج می کند. (کمال الدین: ص: ۲۶۰ ح: ۵)

توقع نداشته و ندارم؛ چرا که ایشان از مادر مهربان تر و دلسوزترند، (۱) و هرگز به خاطر بدیهایم مرا رها نکرده و نمی کنند.

آری ایشان امام و حجّت خدا بر من! (۲)

آگاه به اعمال، نیازها و خواسته های من! (۳)

مدافع و یاور من در همه ی سختی ها و مشکلات! (۴)

- ۱- حدیث ۱: امام رضا (علیه السلام) فرمودند: امام نسبت به شیعیان خویش از پدران و مادران مهربان تر و دلسوز تر است. (خصال: ص: ۵۲۷ ح: ۱) حدیث ۲: حضرت امام رضا (علیه السلام) فرمودند: امام از مادر نیکوکار نسبت به فرزند کوچکش مهربان تر است. (کافی: ج: ۱ ص: ۲۰۰ ح: ۱) حدیث ۳: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: قلبهای ما اهل بیت نیز نسبت به شیعیانمان همانند قلبهای پدران و مادران نسبت به فرزندان خویش طالب و مایل است. (بحار الأنوار: ج: ۶۴ ص: ۱۲۶ ح: ۲۷)
- ۲- حدیث: در زیارت امام عصر (می خوانیم: سلام بر تو ای حجّت خدا بر زمینیان و آسمانیان، شهادت می دهم که به حقیقت، تو حجّت خدا بر گذشتگان و آیندگان هستی. (مزار مشهدی: ص: ۵۸۷)
- ۳- حدیث ۱: امام باقر (علیه السلام) فرمودند: آیا گمان می کنید برای ما بر شما چشمان بینا و گوشهای شنوا نیست؟ چه گمان بیدی! به خدا سوگند! هیچ یک از اعمال شما بر ما پوشیده نیست. (خراج و جرائح: ج ۲ ص: ۵۹۵ ح: ۷) حدیث ۲: امام کاظم (علیه السلام) فرمودند: به درستی که جایگاه امام در زمین همانند جایگاه ماه در آسمان است، پس امام همچون ماه در محلّ خود بر آنچه که بر روی زمین قرار دارد احاطه داشته و از آن آگاه است. (بصائر الدرّجات: ص: ۴۶۳ ح: ۸)
- ۴- حدیث ۱: در زیارت جامعه ی کبیره می خوانیم: سلام بر حامیان مدافع. (من لا یحضره الفقیه: ج: ۲ ص: ۶۰۹) حدیث ۲: امام باقر (علیه السلام) فرمودند: اهل بیت (علیهم السلام) محلّی آمن برای پناهنده شدن هستند، و هر کس به ایشان متمسک شود در آمان خواهد بود. (یقین: ص: ۳۱۸)

حبل متین من در مقابل تله های شیطان و هواهای نفسانی! (۱)

پشتیبان من در آغاز و اتمام همه ی کارها! (۲)

کشتی نجات من! (۳)

و خلاصه، همه کاره ی من هستند.

ای ماه، پرده زر خسار بر آور

تا در سایه نورت همه با شیم

ای دست خدا دست بر آور

تا تحت ید تو همه با شیم

ای شمع هدایت بر افروز

تا پروانه شمعت همه با شیم

۱- حدیث ۱: پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: من آن ریسمان محکمی هستم که خداوند مخلوقات را به چنگ زدن به آن امر نموده است همچنانکه فرموده است: «همگی به ریسمان خدا چنگ بزنید». (فضائل ابن شاذان: ص: ۸۳)

حدیث ۲: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: ما ریسمان محکم الهی هستیم که هر کس به ما چنگ بزند به راه راست هدایت می شود. (تفسیر فرات: ص: ۲۵۸: ح: ۱۰)

۲- حدیث: امام زین العابدین (علیه السلام) فرمودند: خدایا! درود و رحمت خود را بر محمد و آل محمد (علیهم السلام) که پناهگاهی مستحکم و فریاد رس مضطربین و بیچارگان و پناه فراریان و پشتوانه ی چنگ زندگان به ایشان هستند بفرست. (مزار مشهدی: ص: ۴۰۰)

۳- حدیث: امام باقر (علیه السلام) فرمودند: ما کشتی نجات شمائیم همچنانکه کشتی برای قوم نوح بود. (تفسیر فرات: ص: ۳۴۸: ح: ۲)

فصل نهم: آرامش و طمأنینهء من

از عناصر مهمی که آدمی را به تلاش و امید رهنمون می سازد، آرامش است. پوشیده نیست که این کلمه کاربرد زیادی در محاورات روز مژهی همگان دارد و هیچکس را نمی یابی که به دنبال آن نبوده و از آن بدش بیاید؛ بنابراین آرامش و سکون نفس، شیء با ارزش و مهمی است و تلاش برای رسیدن به آن پسندیده و ممدوح است.

آیا این سؤال مطرح است که انسان با رسیدن به چه چیز و یا چه چیزهایی به آرامش رسیده و در کجا باید آن را جستجو نماید؟

عده ای آرامش را، آسایش در زندگی و برخورداری از یک زندگی مرفه می دانند! عده ای آن را در قدرت و رسیدن به مقامات عالی دنیا جستجو می کنند! عده ای در شهرت! عده ای در خوشگذرانی! عده ای در گوش دادن و نواختن موسیقی! عده ای در کشیدن دُخانیات! عده ای در داشتن شغل پُر درآمد و مناسب! عده ای در داشتن یک زن ایده آل و زیبا! عده ای در داشتن خانه ای بزرگ و ماشین آخرین سیستم! عده ای در نگاه به دریا و موج های آن! عده ای در نگاه به منظره های مختلف طبیعت! و خلاصه هر کس آن را در چیزی و جایی جستجو می کند.

اکنون می گوئیم؛ همگان در اشتباه بوده و جز به یک آرامش کاذب و موقت - که دوام نامعلومی هم داشته و یا خواهد داشت - نرسیده اند.

پس آرامش حقیقی و طمأنینهی واقعی در چیست و در کجا باید آن را جستجو نمود؟

جواب این سؤال را خداوند (عزوجل) در قرآن صریحاً بیان نموده است که: {أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ} (۱) و ما نیز بارها و بارها آن را تلاوت نموده و شنیده ایم؛ ولیکن معنای آن را نفهمیده و خیال نموده ایم، منظور از ذکر خدا که آرامش بخش است همین «سُبْحَانَ اللَّهِ»، «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»، «الْحَمْدُ لِلَّهِ» و «اللَّهُ أَكْبَرُ» و سایر اذکار وارده است. و با اینکه در طول شبانه روز تعداد زیادی از این ذکرها را گفته و می گوئیم ولی باز به آنچه دنبال آن بوده و هستیم نرسیده ایم، و اشکال عمده‌ی ما در این بوده و هست که برای فهم معنای قرآن به اهل بیت (علیهم السلام) مراجعه ننموده و خود هرچه خواسته ایم از قرآن فهمیده و تفسیر کرده ایم! و حال اینکه ما برای فهم معانی قرآن، جز مراجعه به اهل قرآن - که بعداً نیز توضیح خواهیم داد - چاره ای نداشته و نداریم.

اکنون می گوئیم که پس از مراجعه به مفسران واقعی کتاب خدا، می یابیم «ذکر الله» - که قلب ها بدان آرامش می یابد - ، همان وجود امام عصر (علیه السلام) در هر دوره ای است. (۲) و مسلماً در این دوره نیز امام زمان، حجت بن الحسن العسکری (ارواحنا له الفداء) آرامش قلبهاست، و قلب من نیز تنها با یاد آن حضرت آرامش می یابد.

آری! زمانیکه در ناآرامی های زندگی، به امام عصرم توجه کرده - و با

۱- سوره ی رعد: آیه: ۲۸.

۲- حدیث ۱: امام جعفر صادق (علیه السلام) در مورد این آیه: «آن کسانی که ایمان آورده اند و قلبهایشان به یاد خدا مطمئن گردید» فرمودند: منظور از ایمان آورندگان: شیعیان، و منظور از ذکر خدا: امیر المؤمنین و ائمه (علیهم السلام) می باشند. (تفسیر قمی: ج: ۱ ص: ۳۶۵) حدیث ۲: امام جعفر صادق (علیه السلام) در مورد گفتار خدای تعالی: «آگاه باشید که با یاد خدا قلبها آرام می شود» فرمودند: یعنی به محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) قلبها آرامش می یابد، چرا که او ذکر خدا و واسطه‌ی بین پروردگار و خلق می باشد. (تفسیر عیاشی: ج: ۲ ص: ۲۱۱ ح: ۴۴)

ایشان درد دل می‌کنم و مشکلاتم را در میان می‌گذارم و آن حضرت را پشتیبان خود می‌بینم - آرام می‌شوم؛ بلکه بالاتر بگویم که در همه‌ی اوقات زندگی، در غم و شادی‌هایم، در خلوت‌ها و جلوت‌هایم، در داشته‌ها و نداشته‌هایم، در بین دوستان و دشمنانم و همه و همه، با یاد و توجه به ایشان - که از مادر به من مهربان‌تر (۱) و از خودم به من سزاوارتر است (۲) - به آرامشی وصف‌ناپذیر دست می‌یابم.

چگونه چنین نباشد و حال اینکه لحظه لحظه‌ی زندگی‌ام را در کنار آن حضرت و با ایشان گذرانده و قبل از هر کار، و در حین انجام آن، امام‌زمانم را می‌بینم، و به چنین آقا و مولا و تکیه‌گاهی افتخار می‌کنم.

در نتیجه: {أَلَا بَدُّكَ اللَّهُ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ} (۳) یعنی: آگاه باشید که به امام عصر (علیه السلام)، قلبها آرامش می‌یابند.

دل من بی‌توجه تنهاست خدا می‌داند

دیده‌ام پهنه‌ی دریاست خدا می‌داند

بارها گفتم و صد بار دگر می‌گویم

آرامش من یوسف زهر است خدا می‌داند

۱- حدیث: امام رضا (علیه السلام) فرمودند: امام از مادر نیکوکار نسبت به فرزند کوچک خویش مهربان‌تر است. (کافی: ج:

۱ ص: ۲۰۰ ح: ۱)

۲- حدیث: امام رضا (علیه السلام) فرمودند: امام از مردم به ایشان سزاوارتر است. (من لا یحضره الفقیه: ج: ۴ ص: ۴۱۸)

۳- سوره‌ی رعد: آیه: ۲۸.

فصل دهم: دین من

برای بررسی و فهم دقیق و جامع تر از این عنوان می گوئیم:

دین را باید از دو دیدگاه مورد بررسی قرار داد، تا ارتباط آن را با امام عصر (علیه السلام) به دست آورد.

دیدگاه اول مربوط به باطن، حقیقت و اصل و اساس دین است که باید بدانم در این دیدگاه، دین همان وجود مقدس امام زمان (علیه السلام) و حجت خدا بر مخلوقات عالم است.

بنابراین صحیح است که بگوئیم: دین من، امام زمان من است؛ یعنی حقیقت دین، اصل دین، باطن دین، امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می باشند. (۱)

در نهایت، نتیجه چنین می شود که باطن، حقیقت و اصل امور دینی همچون توحید، نبوت، امامت، تولی و تبری، معاد، نماز، صوم، زکات، حج و... امام زمان (علیه السلام) می باشند، هم چنان که در روایات، از این نوع تعبیر فراوان است. (۲)

اما دیدگاه دوم مربوط است به ظاهر دین که شامل عقائد، احکام و

- ۱- حدیث ۱: امام محمد باقر (علیه السلام) فرمودند: ما اهل بیت ریشه های دین هستیم. (بصائر الدرجات: ص: ۸۲: ح: ۱۰)
- حدیث ۲: امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: ایشان (اهل بیت (علیهم السلام)) اساس دین هستند. (نهج البلاغه: ج: ۱ ص: ۳۰)
- ۲- حدیث: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: مائیم نماز در کتاب خدا، و مائیم زکات، و مائیم روزه، و مائیم حج، و مائیم ماه حرام، و مائیم سرزمین حرام، و مائیم کعبه الهی، و قبله ی پروردگار. (تأویل الآیات: ج: ۱ ص: ۱۹: ح: ۲)

مسائل دینی می شود، و در این مرحله چند مطلب حائز اهمیت است:

۱- دینی بودن یک مسأله را امام زمان (علیه السلام) تعیین می کنند، بدین معنا که هر آنچه را ایشان به عنوان یک امر دینی معرفی نموده یا تأیید نموده باشند، می توانم به عنوان دین برای خود بپذیرم.

و به عبارت دیگر میزان در دینی بودن ظواهر دین، کسی نیست جز امام عصر حجت بن حسن العسکری (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که حقیقت دین و اصل و اساس آن می باشند؛ (۱) بنابراین عبادی بودن یک عبادت، همچون نماز، زمانی است که از آن حضرت اخذ شده و مورد قبول ایشان باشد.

و اساساً معنای حقیقی «عبد» یعنی مطیع بودن بی چون و چرای مولا، و من اگر می خواهم که عبد صالحی برای خداوند متعال باشم چاره ای ندارم جز اینکه عبد مطیع امام زمانم باشم؛ بدین معنا که به دستوراتی که از ناحیه ایشان - و نه هیچ شخص دیگری - به من رسیده، بدون چون و چرا عمل کنم (۲) و در این وادی باید بدانم که حرف هیچ کس جز امام زمانم برای من

۱- حدیث: امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: ایشان (اهل بیت (علیهم السلام)) اصل، اساس و پایه‌ی دین می باشند. (نهج البلاغه: ج: ۱ ص: ۳۰)

۲- حدیث ۱: حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: به خاندان پیامبران بنگرید، و بدان سو که می روند بروید، و پی آنان را بگیرید که هرگز شما را از راه رستگاری بیرون نخواهند کرد و به هلاکت تان نخواهند کشانید. اگر ایستادند بایستید، و اگر برخاستند، برخیزید. بر آنها پیشی مگیرید که گمراه می شوید، و از آنان عقب ننماید که تباه می گردید. (نهج البلاغه: ج: ۱ ص: ۱۸۹) حدیث ۲: در زیارت جامعه‌ی کبیره آمده است: هر کس اراده‌ی شناخت و نزدیک شدن به خداوند متعال را دارد باید از شما اهل بیت آغاز نماید، و هر کس یگانگی او را می جوید باید از شما بپذیرد، و هر کس خدا را قصد نموده باید به شما روی نماید، ای والیان و سرپرستان من! من توانائی حمد و ثنای شما را ندارم، و مدح من به منتهای حقیقت شما نرسیده و تمجید و توصیف من به قله‌ی رفیع شما نمی رسد. (من لا یحضره الفقیه: ج: ۲ ص: ۶۰۹)

حجت نیست، حتی حرف عرفای زاهد مسلک و یا علمای صاحب کرامت و یا مشهورین به علم و تقوی و

و نیز باید بدانم که حقیقت و روح تقوا در این عصر فقط در کالبد جسم یک نفر است و سائرین را زمانی می شود اهل تقوا خوانند که الگوی علمی و عملیشان امام زمان (علیه السلام) باشد نه فلان عارف واصل! یا صوفی بیدار دل! یا درویش صاحب کرامت! یا فیلسوف پر ادعا! یا استاد اخلاق! یا عالم وارسته! و یا مرجع تقلید و ... (۱)

برای توضیح بیشتر می گوئیم: احکام، مسائل و امور دینی قبل از اینکه دینی شوند و اطلاق دین بر آنها صحیح باشد، هیچ فرقی با سائر امور ندارند و اگر کسی آنها را به دین نسبت دهد قطعاً بدعت در دین گذاشته و عمل او از درجه‌ی اعتبار ساقط است. (۲)

۱- حدیث ۱: در زیارت ائمه‌ی بقیع (علیهم السلام) می گوئیم: سلام بر شما ای امامان هدایت، سلام بر شما ای اهل تقوا. (کافی: ج: ۴ ص: ۵۵۹ ح: ۵) حدیث ۲: امام باقر (علیه السلام) فرمودند: ایشان (اهل بیت (علیهم السلام)) امامان هدایت و دعوت کنندگان به سوی تقوا هستند. (تفسیر فرات: ص: ۳۹۶ ح: ۱۱)

۲- حدیث ۱: امام صادق (علیه السلام) در مورد گفتار خدای متعال: «چه کسی گمراه تر است از آنکه تبعیت از هوای نفس خویش می نماید و توجهی به هدایتگر الهی ندارد» فرمودند: مُراد از این آیه کسی است که دین خود را بدون هدایت از یکی از امامان هدایتگر، از رأی و نظر خود بگیرد. (بصائر الدّرجات: ص: ۳۳ ح: ۱) حدیث ۲: امام سجّاد (علیه السلام) فرمودند: به درستی که دین خدا با عقول ناقص و آراء باطل و قیاسهای فاسد به دست نیامده و آن جز با تسلیم شدن به دست نمی آید، و هر که تسلیم ما شد سالم می ماند، و هر که به ما اقتدا کرد هدایت می یابد، و هر که به قیاس و رأی خود عمل کند هلاک می شود، و هر که در آنچه می گوئیم شکی داشته باشد یا در آنچه حکم می کنیم خرجی داشته باشد، به خدایی که سبع المثانی (سوره‌ی حمد) و قرآن عظیم را فرو فرستاده، کافر شده است در حالی که خودش هم نمی داند. (کمال الدین: ص: ۳۲۴ ح: ۹)

پس مسائلی همچون خدا شناسی، پیغمبر شناسی، امام شناسی، معاد شناسی، نماز، روزه، خمس، زکات، حج، امر به معروف و نهی از منکر، اذکار مختلف، مسائل اخلاقی مثل غیبت، تهمت، دروغ، سخن چینی، ترک اعمال قبیحی مثل زنا، دزدی و هزاران مسأله‌ی دیگر تا قبل از اینکه توسط صاحب دین، دینی محسوب شوند، هیچگونه منعی از انجام و ترک آنها نیست حتی چه بسا انجام و ترک بسیاری از آنها نزد خیلی‌ها دارای آثار مثبت نیز بوده باشد، که پس از معرفی از جانب صاحب دین به عنوان یک مسأله‌ی دینی، خالی بودن آنها از آثار مثبت بر همگان روشن می‌شود.

و امّا پس از مطرح شدن از لسان امام (علیه السلام) موضوع کاملاً عوض شده و از جایگاه خاصّی برخوردار می‌باشند و برخورد ناصحیح با آنها منجر به خُسران دنیوی و عذاب اُخروی می‌گردد؛ بنابراین تمام سعی و همت من باید در این باشد که به آن دینی که میزان و معیار آن امام زمان (علیه السلام) است عمل کنم و نه آنچه که دیگران از پیش خود - با رنگ دینی زدن به آن - به خورد من می‌دهند.

بله؛ میزان در توحید، نبوت، امامت، و مسائل مربوط به آنها امام زمان (علیه السلام) می‌باشند، بنابراین خدائی که آن حضرت به من معرفی نموده خدای من است، نه خدائی که دیگران برای خود تراشیده‌اند!

پیامبری که ایشان آن را به من معرفی نموده‌اند پیامبر من است، نه آن پیامبری که معرفی آن از جانب کسانی صورت گرفته که دست راستشان را

از دست چپشان تشخیص نمی دهند!

حجّت و خلیفه‌ی خدا بعد از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، آن کسی است که امروز خَلْف صالح او، وصی و جانشین خدا در روی زمین است، همان مولود کعبه، (۱) آن کسی که قرآن را قبل از نزول آن تلاوت نمود، (۲) یار و یاور پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)

۱- حدیث: در یکی از زیارات امیر المؤمنین (علیه السلام) می خوانیم: سلام بر تو ای متولّد شده در کعبه. (مزار مشهدی: ص: ۲۰۵)

۲- حدیث: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: به هنگام تولّد علی (علیه السلام) جبرئیل فرود آمد و به من گفت: ای حبیب خدا! پروردگارت سلام می رساند و به تو مژده و شاد باش تولّد برادرت علی را می دهد و می فرماید: هنگام ظهور پیامبری تو و آشکار شدن وحی بر تو نزدیک شده است و اینک تو را با برادر و وزیر و خلیفه و همانند خودت تأیید کردم و به وسیله‌ی او نام تو را بلند آوازه و بازویت را استوار ساختم. من شتابان برخاستم و دیدم فاطمه دختر اسد و مادر علی در حال درد زایمان است و او میان زنان و قابله هاست. پس حبیب من جبرئیل به من گفت: میان خودت و فاطمه دختر آسید پرده ای بیاویز و پس از اینکه علی را زایید او را ببین. من چنان کردم که فرمان داده شده بودم. سپس جبرئیل به من گفت دست راست خود را دراز کن که علی (علیه السلام) همان سر سلسله‌ی اصحاب یمین تو است. من دست راست خود را به سوی فاطمه دختر آسید دراز کردم، ناگاه علی را در دست خود دیدم در حالی که دست راست خود را بر گوش راست خود نهاده و بر آیین حقیقت اذان و اقامه می گفت و گواهی به یگانگی خداوند و پیامبری من می داد و سپس به من گفت: ای رسول خدا! اجازه می فرمایی که بخوانم؟ گفتم: آری بخوان و سوگند به آن کسیکه جان محمّد در دست اوست، شروع به خواندن صحیفه‌هایی که بر آدم (علیه السلام) نازل شده است کرد، همان صحیفه‌ها که پسر آدم، شیث (علیه السلام) برای برپا داشتن احکام آن قیام کرده بود و از نخستین حرف تا آخرین حرف آن را خواند و اگر شیث حاضر می بود همانا اقرار می کرد که علی از او بهتر آن را حفظ دارد. سپس تورات موسی (علیه السلام) را چنان خواند که اگر موسی حضور می داشت، اقرار می فرمود که علی بهتر از او آن را حفظ دارد. سپس زبور داود (علیه السلام) را خواند همان گونه که اگر داود حضور می داشت چنان اقرار می کرد و پس از آن انجیل عیسی (علیه السلام) را همان گونه خواند که اگر عیسی به حضورش می آمد همچنان اقرار می کرد و سپس قرآنی را که خداوند بر من نازل فرموده است، از آغاز تا پایان چنان خواند که او را چنان دیدم و همچون خودم که اینک آن را از حفظ می دانم حافظ آن بود، بدون اینکه در آن هنگام من آیه ای از آیات قرآن را شنیده باشم! آنگاه علی با من و من با او چنان با یکدیگر سخن گفتیم که پیامبران و اوصیای ایشان با یکدیگر سخن می گویند، و سپس علی (علیه السلام) به حالت کودک‌کی خود برگشت. (روضه الواعظین: ص: ۸۳)

و همسر سیده‌ی نساء عالمیان، صاحب غدیر خم، کسی که آیه‌ی زکات (۱) در حق وی نازل گردید (۲) و مصداق اول آیه‌ی: {يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ} (۳) می باشد (۴) و صاحب هزاران فضیلت دیگر که هریک به تنهایی برای اثبات فضیلت و برتری او بر سایر خلفا و غاصبان خلافت کافی است.

- ۱- سوره‌ی مائده: آیه: ۵۵: {إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ}.
- ۲- حدیث: امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: همانا من در حالیکه در مسجد مشغول رکوع نماز بودم گدائی وارد شد و درخواست کمک کرد، پس من انگشتر خویش را به وی عطا نمودم و خداوند متعال آیه‌ی «فقط ولیّی شما خدا و رسول او و کسانی که ایمان آورده و نماز می گذارند و در حالی که در رکوع هستند زکات می دهند می باشند» را در حقّ من نازل نمود. (خصال: ص: ۵۸۰)
- ۳- سوره‌ی نساء: آیه: ۵۹.
- ۴- حدیث: امام باقر (علیه السلام) در مورد گفتار خداوند: «خدا و رسول و صاحبان امر را اطاعت کنید» فرمودند: خداوند از «صاحبان امر»، ما اهل بیت را قصد نموده است. (تفسیر عیاشی: ج: ۱ ص: ۲۴۷ ح: ۱۵۳)

و معاد من نیز معادی است که امام زمانم برای من کمیت و کیفیت آن را بیان نموده اند نه فلاسفه ای که عقل ناقص خویش را میزان تشخیص حق از باطل قرار داده اند!

آری! کمیت و کیفیت ذکر، دعا، توجه و حضور قلب، نماز و روزه، رکوع و سجود، فکر و اندیشه و همه‌ی امور مادی و معنوی، فردی و اجتماعی مرا ایشان باید برای من بیان کنند نه دیگرانی که با فاصله گرفتن از آن حضرت به گرداب غرور گرفتار شده و همه‌ی همت خویش را برای دعوت مردم به سوی خویش بکار گرفته اند.

مگر غیر از امام زمان (علیه السلام)، شخص دیگری هم در عالم، وجود دارد که حجت خدا بر من باشد و من مأمور به تبعیت از او باشم؟!

مگر غیر از آن حضرت شخص دیگری هم هست که از حقیقت همه‌ی اشیاء آگاه بوده [\(۱\)](#) و قدرت تصرف در آنها را دارا باشد؟! [\(۲\)](#)

مگر غیر ایشان شخص دیگری هم آراسته به لباس زیبای عصمت مطلقه می باشد؟! [\(۳\)](#)

۱- حدیث ۱: امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: امام آنچه را که بین شرق و غرب عالم است می بیند، پس هیچ چیزی از عالم مُلک و ملکوت بر او پوشیده نیست. (مشارق انوار الیقین: ص: ۲۰۵) حدیث ۲: در یکی از زیارات امیر المؤمنین (علیه السلام) می خوانیم: تو چشم مراقب خداوند هستی که چیزی بر او مخفی نیست. (بحار الأنوار: ج: ۹۷ ص: ۳۴۹)

۲- حدیث ۱: امام باقر (علیه السلام) فرمودند: به درستی که خداوند ما اهل بیت را بر آنچه بخواهیم توانا نموده است. (بصائر الدرجات: ص: ۳۹۵ ح: ۵) حدیث ۲: در یکی از زیارات امیر المؤمنین (علیه السلام) می خوانیم: تو بر هر چیزی احاطه و تسلط داری. (بحار الأنوار: ج: ۹۷ ص: ۳۴۹)

۳- حدیث: در زیارت جامعه‌ی کبیره آمده است: خداوند شما اهل بیت را از لغزشها مصون داشته و از فتنه‌ها حفظ نموده و از ناپاکی‌ها پاک نموده است و رجس و پلیدی را از شما دور کرده و شما را پاکیزه و مطهر نموده است. (من لا یحضره الفقیه: ج: ۲ ص: ۶۰۹)

مَكَرٌ: لِسَانُ اللَّهِ النَّاطِقُ: (زبان گویای خداوند در بین خلایق). (۱)

عَيْنُ اللَّهِ النَّاطِرَةُ: (چشم بینای خداوند بر مخلوقات). (۲)

أُذُنُ اللَّهِ السَّمَاعَةُ: (گوش شنوای پروردگار). (۳)

يَدُ اللَّهِ: (مظهر قدرت پروردگار). (۴)

وَجْهُ اللَّهِ: (صورت خداوند که آثار جمال و جلال در او نمایان است). (۵)

حُجَّةُ اللَّهِ: (حجت و پیشوای خداوند بر مخلوقات). (۶)

عِلْمُ اللَّهِ: (جایگاه علوم الهی). (۷)

قُدْرَةُ اللَّهِ: (مظهر و نمونه‌ی بارز قدرت پروردگار). (۸)

وَكُزْرُ إِزَادَةِ اللَّهِ: (آشپزخانه‌ی عزم و اراده‌ی خداوند). (۹)

صَفْوَةُ اللَّهِ: (برگزیده‌ی خداوند). (۱۰)

خَيْرَةُ اللَّهِ: (انتخاب شده از ناحیه‌ی پروردگار). (۱۱)

۱- بصائر الدرجات: ص: ۸۴ ح: ۱۳.

۲- توحید: ص: ۱۶۷ ح: ۱.

۳- توحید: ص: ۱۶۷ ح: ۱.

۴- بصائر الدرجات: ص: ۸۱ ح: ۲.

۵- بصائر الدرجات: ص: ۸۱ ح: ۱.

۶- بصائر الدرجات: ص: ۸۱ ح: ۱.

۷- توحید: ص: ۱۶۴ ح: ۱.

۸- مشارق انوار الیقین: ص: ۱۷۹ سطر: ۲.

۹- تفسیر فرات: ص: ۵۲۹ ح: ۶۸۱.

۱۰- بحار الأنوار: ج: ۹۹ ص: ۱۹۹ سطر: ۸.

۱۱- بحار الأنوار: ج: ۹۸ ص: ۲۲۳ سطر: ۷.

بَابُ اللَّهِ: (واسطه‌ی بین خالق و مخلوق). (۱)

خَازِنُ عِلْمِ اللَّهِ: (خزینه دار علوم الهی). (۲)

الْوَصْلَةُ إِلَى رِضْوَانِ اللَّهِ: (واسطه‌ی رسیدن به رضوان خداوند). (۳)

الْوَسِيلَةُ إِلَى اللَّهِ: (وسيله‌ی قُرب و رسیدن به خداوند). (۴)

كَعْبَةُ اللَّهِ: (حقیقت کعبه‌ی الهی). (۵)

قَبْلَةُ اللَّهِ: (قبله‌ی حقیقی پروردگار). (۶)

حَافِظٌ لِدِينِ اللَّهِ: (حافظ و نگهبان دین خدا). (۷)

نُورُ اللَّهِ التَّام: (نور کامل خدا). (۸)

الدَّاعِي إِلَى اللَّهِ: (دعوت کننده به سوی خدا). (۹)

الدَّلِيلُ عَلَى مَرْضَاتِ اللَّهِ: (راهنما به سوی رضای الهی). (۱۰)

المُخْلِصُ فِي تَوْحِيدِ اللَّهِ: (مخلص در یگانه دانستن خداوند). (۱۱)

تَالِي كِتَابِ اللَّهِ: (همسان قرآن و تلاوت کننده‌ی آن). (۱۲)

۱- بصائر الدرجات: ص: ۸۱ ح: ۱.

۲- آمالی صدوق: ص: ۸۷ ح: ۹.

۳- مشارق انوار الیقین: ص: ۵۸ سطر: ۱۴.

۴- مشارق انوار الیقین: ص: ۵۸ سطر: ۱۳.

۵- تأویل الآیات: ج: ۱ ص: ۱۹ ح: ۲.

۶- تأویل الآیات: ج: ۱ ص: ۱۹ ح: ۲.

۷- کافی: ج: ۱ ص: ۲۰۲ سطر: ۱۰.

۸- ارشاد القلوب: ص: ۴۴۲ سطر: ۷.

۹- کافی: ج: ۱ ص: ۲۰۰ سطر: ۳ از پائین.

۱۰- من لا يحضره الفقيه: ج: ۲ ص: ۶۱۰ سطر: ۴ از پائین.

۱۱- من لا يحضره الفقيه: ج: ۲ ص: ۶۱۰ سطر: ۳ از پائین.

۱۲- بحار الأنوار: ج: ۹۱ ص: ۳۷ سطر: ۳ از پائین.

القَائِمُ بِأَمْرِ اللَّهِ: (قیام کننده به امر الهی). (۱)

كَرَامَةُ اللَّهِ: (کرامت پروردگار). (۲)

شَمْسُ الظَّلَامِ: (خورشید در تاریکی ها). (۳)

بَدْرُ التَّمَامِ: (ماه شب چهارده). (۴)

نَجْمُ اللَّهِ الزَّاهِرِ: (ستاره‌ی درخشاننده‌ی خداوند). (۵)

مَثَلُ اللَّهِ الْأَعْلَى: (نمونه‌ی اعلی و کامل صفات پروردگار). (۶)

جَلالُ اللَّهِ: (عظمت و بزرگی خدا). (۷)

أَمِينُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ: (امین خداوند در بین خلایق). (۸)

حَبِيبُ اللَّهِ: (محبوب پروردگار). (۹)

فَضْلُ اللَّهِ: (فضیلت و منزلت الهی). (۱۰)

مِيزَانُ الْأَعْمَالِ: (میزان و وسیله‌ی سنجش اعمال). (۱۱)

عَوْنُ الْمُؤْمِنِينَ: (یاری کننده‌ی مؤمنین). (۱۲)

۱- کافی: ج: ۱ ص: ۲۰۲ سطر: ۱۰.

۲- بصائر الدرجات: ص: ۳۳۱ ح: ۱۲.

۳- بحار الأنوار: ج: ۹۹ ص: ۸۴ سطر: ۶ از پائین.

۴- بحار الأنوار: ج: ۹۹ ص: ۸۴ سطر: ۶ از پائین.

۵- فضائل ابن شاذان: ص: ۸۳ سطر: ۵ از پائین.

۶- بحار الأنوار: ج: ۹۹ ص: ۲۲۳ سطر: ۳.

۷- بصائر الدرجات: ص: ۳۳۱ ح: ۱۲.

۸- کافی: ج: ۱ ص: ۲۰۰ سطر: ۴ از پائین.

۹- مزار مفید: ص: ۷۸ سطر: ۲ از پائین.

۱۰- مشارق انوار الیقین: ص: ۲۰۹ سطر: ۴.

۱۱- مزار شهدی: ص: ۱۸۵ سطر: ۱.

۱۲- فضائل ابن شاذان: ص: ۸۴ سطر: ۴ از پائین.

- (۱) مُظْهَرُ الْبِرَاهِينِ: (آشکار کننده‌ی برهان‌ها).
- (۲) صَاحِبُ التَّوْبِيلِ: (صاحب بواطن قرآن).
- (۳) إِمَامُ أَهْلِ الْقُرْآنِ: (امام اهل القرآن).
- (۴) صَاحِبُ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ: (صاحب اختیار بهشت و جهنم).
- (۵) بَحْرُ النَّدَى: (دریای جود و سخاوت).
- (۶) الصَّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ: (راه مستقیم).
- (۷) سَيِّدُ الْمُؤْمِنِينَ: (آقای مؤمنین).
- (۸) وَارِثُ الْأَنْبِيَاءِ: (وارث پیامبران).
- (۹) مِيزَانُ قِسْطِ اللَّهِ: (میزان عدل پروردگار).
- (۱۰) بَيْتُ الصِّدْقِ: (خانه‌ی صدق و راستی).
- (۱۱) مُرْشِدُ الْبَرِّيَّاتِ: (هدایت کننده‌ی مخلوقات).
- (۱۲) عَالَمُ الْخَفِيَّاتِ: (عالم به امور پنهانی).

-
- ۱- مزار مشهدی: ص: ۲۰۹ سطر: ۷.
- ۲- بحار الأنوار: ج: ۹۹ ص: ۱۶ سطر: ۴.
- ۳- بحار الأنوار: ج: ۹۹ ص: ۲۲۵ سطر: ۹.
- ۴- علل الشرائع: ص: ۱۶۴ ح: ۴.
- ۵- اثبات الوصیه: ص: ۱۴۰ سطر: ۸ از پائین.
- ۶- مزار مفید: ص: ۷۸ سطر آخر.
- ۷- مشارق انوار الیقین: ص: ۳۱۰ سطر: ۳.
- ۸- یقین: ص: ۳۲۰ سطر: ۴.
- ۹- بحار الأنوار: ج: ۹۷ ص: ۳۴۸ سطر: ۵.
- ۱۰- بحار الأنوار: ج: ۹۷ ص: ۳۴۸ سطر: ۸ از پائین.

۱۱- بحار الأنوار: ج: ۹۷ ص: ۳۴۸ سطر: ۷ از پائین.

۱۲- بحار الأنوار: ج: ۹۷ ص: ۳۴۸ سطر: ۷ از پائین.

العَالَمُ بِمَا كَانَ وَمَا يَكُونُ: (عالم به گذشته و آینده). (۱)

عَارِفُ السِّرِّ وَأَخْفَى: (آگاه به آشکار و پنهان). (۲)

المُحِيطُ بِكُلِّ شَيْءٍ: (محیط و غالب بر هر چیزی). (۳)

قَلْبُهُ (اللَّهُ) الْوَاعِي: (قلب آمین و محفوظ پروردگار). (۴)

أَسُّ الْإِسْلَامِ: (آساس اسلام). (۵)

عَزُّ الْإِسْلَامِ: (عزت اسلام). (۶)

شَرِيفُ النَّسَبِ: (دارنده‌ی اصل و نسب شریف). (۷)

رَفِيعُ الرَّتَبِ: (دارنده‌ی رتبه و مقامهای عالی). (۸)

كَثِيرُ الْمَنَاقِبِ: (دارنده‌ی مناقب فراوان). (۹)

خَازِنُ عِلْمِ النَّبِيِّينَ: (خزینه دار علوم انبیا). (۱۰)

إِمَامُ الْأَخْيَارِ: (امام خوبان). (۱۱)

وَصِيُّ الْأَبْرَارِ: (وصی نیکان). (۱۲)

۱- بحار الأنوار: ج: ۹۷ ص: ۳۴۸ سطر: ۵ از پائین.

۲- بحار الأنوار: ج: ۹۷ ص: ۳۴۹ سطر: ۱.

۳- بحار الأنوار: ج: ۹۷ ص: ۳۴۹ سطر: ۲ از پائین.

۴- بحار الأنوار: ج: ۹۷ ص: ۳۴۹ سطر: ۲ از پائین.

۵- مزار مشهدی: ص: ۴۳۱ سطر: ۷.

۶- بصائر الدرجات: ص: ۸۳ سطر: ۹.

۷- بحار الأنوار: ج: ۹۸ ص: ۳۲۱ سطر: ۴.

۸- بحار الأنوار: ج: ۹۸ ص: ۳۲۱ سطر: ۴.

۹- بحار الأنوار: ج: ۹۸ ص: ۳۲۱ سطر: ۵.

۱۰- بحار الأنوار: ج: ۹۹ ص: ۱۴ سطر آخر.

١١- بحار الأنوار: ج: ٩٩ ص: ١٧ سطر: ١٠.

١٢- بحار الأنوار: ج: ٩٩ ص: ١٧ سطر: ١٠.

وَارِثُ السَّكِينَةِ وَالْوَقَارِ: (وارث آرامش و وقار). (۱)

سَيِّدُ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ: (آقا و مولای عرب و عجم). (۲)

يُنْبِئُ الْحَكَمَ: (چشمه‌ی حکمتها). (۳)

عَوْتُ اللَّهْفَانِ: (پناه بیچارگان). (۴)

ثَارُ اللَّهِ: (خون خدا). (۵)

فَاتِقُ كُلِّ رَتْقٍ: (گشاینده‌ی هر بسته شده‌ای). (۶)

كَاشِفُ الْبُلُوَى: (بازکننده‌ی گرفتاری‌ها). (۷)

الْمَعْصُومُ مِنْ كُلِّ خَطَاٍ وَزَلَلٍ: (معصوم از هر خطا و لغزش). (۸)

مَالِكُ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ: (مالک بهشت و جهنم). (۹)

الْبَعِيدُ الشَّبِيهِ وَالْمَثَالِ: (کسیکه هیچ شبیه و نظیری ندارد). (۱۰)

الْوَارِثُ ذَا الْفَقَارِ: (وارث ذو الفقار امیر المؤمنین (علیه السلام)). (۱۱)

شَفِيعُ يَوْمِ التُّشُورِ: (شفیع روز قیامت). (۱۲)

-
- ۱- بحار الأنوار: ج: ۹۹ ص: ۱۷ سطر: ۱۰.
 - ۲- بحار الأنوار: ج: ۹۹ ص: ۲۲ سطر: ۲ از پائین.
 - ۳- بحار الأنوار: ج: ۹۹ ص: ۲۲ سطر: ۳ از پائین.
 - ۴- بحار الأنوار: ج: ۹۹ ص: ۵۳ سطر: ۱۴.
 - ۵- بحار الأنوار: ج: ۹۹ ص: ۸۶ سطر: ۸.
 - ۶- بحار الأنوار: ج: ۹۹ ص: ۹۹ سطر: ۵.
 - ۷- بحار الأنوار: ج: ۹۹ ص: ۱۰۲ سطر: ۴.
 - ۸- بحار الأنوار: ج: ۹۹ ص: ۱۷۸ سطر: ۵ از پائین.
 - ۹- بحار الأنوار: ج: ۹۹ ص: ۱۹۱ سطر: ۷ از پائین.
 - ۱۰- بحار الأنوار: ج: ۹۹ ص: ۱۹۱ سطر: ۷ از پائین.

١١- بحار الأنوار: ج: ٩٩ ص: ١٩٣ سطر: ٢ از پائين.

١٢- بحار الأنوار: ج: ٩٩ ص: ١٩٩ سطر: ١٠.

حَقُّ اللَّهِ: (حق خدا بر بندگان). (۱)

رَحْمَةُ اللَّهِ: (رحمت خداوند). (۲)

نَائِبُ اللَّهِ: (جانشین خدا). (۳)

حِجَابُ اللَّهِ: (حجاب و واسطه‌ی بین خدا و خلق). (۴)

وَلِيُّ اللَّهِ: (سرپرست خدا بر مردم). (۵)

مَنْ أَقَامَهُمُ اللَّهُ مَقَامَ نَفْسِهِ: (خداوند آنان را جانشین خویش قرار داده). (۶)

و مظهر صفات الهی کسی جز امام عصر، ناموس دهر، قُطب عالم وجود، حضرت بقیه الله الأعظم (أرواحنا له الفداء) می باشد؟! (۷)

آیا ایشان به خواسته‌ها و حوائج ظاهری و باطنی من آگاه‌ترند (۸) یا دیگرانی که سر تا پا نیاز، نقص، جهل و نادانی اند؟!

۱- بحار الأنوار: ج: ۹۹ ص: ۶۴ سطر: ۱۱.

۲- مشارق انوار الیقین: ص: ۲۰۹ سطر: ۴.

۳- بحار الأنوار: ج: ۲۵ ص: ۳۳۹ ح: ۲۱.

۴- مشارق انوار الیقین: ص: ۲۰۷ سطر: ۷.

۵- بحار الأنوار: ج: ۹۷ ص: ۳۰۶ سطر: ۵ از پائین.

۶- تاویل الآیات: ج: ۱ ص: ۳۹۹ سطر: ۲.

۷- حدیث ۱: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: ذات امام ملکوتی و صفات او الهی است، وائمه‌ی اطهار (علیهم السلام) مظهر صفات خداوند و برگزیدگان او می باشند. (مشارق انوار الیقین: ص: ۱۷۷) حدیث ۲: امام کاظم (علیه السلام) فرمودند: خداوند اهل بیت (علیهم السلام) را جانشین خویش قرار داده است، چرا که او از چشمها پنهان بوده و درک نمی شود و کتبت و کیفیت او قابل شناخت نیست پس هرکس ایشان را بشناسد خدا را شناخته است. (تأویل الآیات: ج: ۱ ص: ۳۹۷ ح: ۲۷)

۸- () حدیث ۱: امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: امام از آنچه در ضمیرها و قلبهاست آگاه است. (بحار الأنوار: ج: ۲۶ ص: ۵) حدیث ۲: امیر المؤمنین علی (علیه السلام) فرمودند: من از درون قلبهای شما آگاهم. (مناقب «کتاب عتیق»: ص: ۷۵)

آیا ایشان شاهد بر خلق هستند یا دیگران؟! (۱)

آیا ایشان وارث انبیا، اوصیا و ادیان الهی هستند یا دیگران؟! (۲)

آیا قرآنی که به دست جدّشان امیر المؤمنین (علیه السلام) نوشته شده است، نزد ایشان است یا دیگران؟ (۳)

آیا ایشان عالم به کتاب خدا - که همه چیز در آن است - می باشند یا دیگران؟ (۴)

۱- حدیث ۱: امام باقر (علیه السلام) فرمودند: ما شاهدان خدا بر خلقش می باشیم. (بصائر الدّرجات: ص: ۸۳ ح: ۱۱) حدیث ۲: امام رضا (علیه السلام) فرمودند: او (امام زمان (علیه السلام)) چشمِ بینای تو (خدا) بر خلق و شاهد تو بر بندگانت می باشد. (جمال الأسبوع: ص: ۳۰۷)

۲- حدیث: امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمودند: آنها (اهل بیت (علیهم السلام)) وارثان پیامبران می باشند. (مزار مشهدی: ص: ۲۹۳)

۳- حدیث: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: زمانی که قائم (علیه السلام) قیام کند قرآن را همانطور که نازل شده است می خواند، و آن قرآنی را که امیر المؤمنین (علیه السلام) به دست خویش نوشتند بیرون می آورد. آری! همان قرآنی که علی (علیه السلام) آن را پس از نوشتن نزد مردم آورده و به ایشان خطاب فرمودند: این کتاب خداست همانطور که بر محمّد (صلی الله علیه و آله و سلم) نازل گردید و من آن را در بین این دو لوح جمع آوری نموده ام. پس مردم (ابوبکر و عمر و...) گفتند: ما احتیاجی به قرآن تو نداریم و خودمان قرآن را جمع آوری نموده ایم، پس آن حضرت فرمودند: آگاه باشید به خدا قسم بعد از این روز، هرگز آن را نمی بینید و فقط بر من واجب بود که شما را از وجود آن آگاه نمایم. (کافی: ج: ۲ ص: ۶۳۳ ح: ۲۳)

۴- حدیث: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: من فرزند رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) هستم و از کتاب خدا آگاهم، در این کتاب آنچه از ابتدای خلقت تا روز قیامت می باشد آمده است، و در آن اخبار آسمانها و زمین و بهشت و جهنّم و گذشته و آینده نیز آمده است، و من بر تمامی این علوم به گونه ای آگاه و مطلع هستم که گویا بر کف دست خویش می نگرم، آری! به درستی که خداوند متعال می فرماید: «در قرآن بیان هر چیزی آمده است». (بصائر الدّرجات: ص: ۲۱۷ ح: ۲)

حاشا و کلا! که با وجود آن حضرت خدایم را، پیامبرم را، جانشین او را، معادم را، ذکرم را، نمازم را، تفسیر قرآنم را و در یک کلام، دینم را از دیگرانی بگیرم که سر تا پا به او نیازمندند.

آری! وقتی به کسانی که در خانه‌ی غیر ایشان رفته اند می‌نگرم، می‌بینم چقدر دچار اشتباه شده و لحظه لحظه در باتلاق جهل و نادانی فرو رفته و می‌روند، و عمر گرانمایه‌ی خویش را صرف چه اُمور بیهوده‌ای که هیچ ارتباطی با دین ندارد نموده و می‌نمایند!

خداوند را بی‌نهایت سپاس که دستم را گرفت و در دست امام زمانم قرار داد تا از گمراهی نجات یافته و به چشمه‌ی زلال معرفت و خورشید نورانی هدایتش دست یابم.

ای امام زمان! حقیقت و باطن دین من شما هستید و من هرچه دارم، آن را در آینده‌ی تمام نمای حقیقت شما می‌بینم و به عنوان دین خویش می‌پذیرم، و با یاری و دستگیری شما بدان معتقد شده و عمل می‌نمایم؛ چرا که عمل نمودن به ظاهری که مطابقت با باطن خود ندارد حماقتی بیش نیست و نتیجه‌ای جز دور شدن از حقیقت ندارد.

۲- برای اطلاع از دستورات و خواسته‌های امام زمانم که همان «دین من» است دو راه بیشتر ندارم:

اول آنکه خودم - با استعانت و توسل به آن حضرت - با مطالعه، تحقیق و مراجعه به منابع در برگیرنده‌ی این خواسته‌ها به آنچه که باید برسم نائل آیم.

دوم آنکه به شخص مورد اعتمادی که آگاه و مطلع از آنهاست مراجعه نمایم تا کلام امام را برای من بازگو و بیان نماید و در این صورت باید دائماً متوسل به خود آن حضرت باشم (۱) تا اسیر شیطان صفتانی که به عقاید و نظریات خود رنگ دینی زده و آن را به عنوان دین به خورد دیگران می دهند نشوم.

۳- اجرای تمامی احکام دینی، فقط در عصر حکومت امام زمان (علیه السلام) عملی می شود و تا زمان ظهور ایشان، دین به گونه ای از ناحیه مدعیان دین شناس تحریف شده و احکام آن مهمل و بی استفاده می ماند که پس از ظهور آن حضرت مردم می گویند که او دین جدیدی آورده است! و حال اینکه چنین نبوده و دین آن حضرت هیچ تفاوتی با دین جدشان، رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) ندارد. (۲)

و آن حضرت بر خلاف پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و سایر ائمه هدی (علیهم السلام) - که مأمور بودند به علم ظاهری خود در اجرای احکام عمل نمایند - مأمورند که

۱- حدیث: در دعای توسل به ائمه اطهار (علیهم السلام) می خوانیم: ای سید و مولای ما! همانا ما به سوی تو توجه کرده و به تو توسل می نمائیم، و از تو طلب شفاعت نزد خداوند می کنیم، و حوائج خویش را پیش روی خود قرار داده و از تو که نزد خداوند آبرومند هستی می خواهیم که ما را شفاعت نمائی. (بحار الأنوار: ج: ۹۹ ص: ۲۴۷)

۲- حدیث ۱: در دعای ندبه می خوانیم: کجاست آن کسیکه برای تجدید واجبات و سنتها ذخیره شده است؟ کجاست آن کسیکه برای برگشت دین و شریعت انتخاب شده است؟ کجاست آن کسیکه برای زنده شدن قرآن و حدود آن آرزوی آمدنش برده می شود؟ کجاست زنده کننده دینداران و شعائر دینی؟ (مزار شهدی: ص: ۵۷۳) حدیث ۲: امام رضا (علیه السلام) فرمودند: خدایا! به وسیله او (امام زمان (علیه السلام)) آنچه را که از دینت محو گردیده و از احکامت تبدیل و تحریف شده تجدید گردان، تا اینکه دینت را به وسیله او و بر دستان او جدید، تازه، خالص و بی عیب و نقص نمائی به طوریکه هیچگونه کجی و بدعتی در آن نباشد. (جمال الأسبوع: ص: ۳۰۷)

به علم باطنی خویش با مردم رفتار نموده و احکام الهی را به اجرا درآورند؛ بنابراین، مثلاً در مواردی که برای اجرای حکم، نیاز به ۲ یا ۴ شاهد عادل است، بدون حضور شاهد، به علم غیب خویش عمل نموده و حکم را جاری می کنند. (۱)

ای حجت حق پرده زُ خسار برافکن

کز هجر تو ما پیر هن صبر دریدیم

ای دست خدا دست برآور که زد شمن

بسی ظلم بدیدیم و بسی طعنه شنیدیم

شمشیر کجست راست کند قامت دین را

هم قامت ما را که ز هجر تو خمیدیم

۱- حدیث: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: هرگز دنیا به پایان نمی رسد تا اینکه مردی از نسل من خروج نموده و به حکم آل داود که از مردم برای قضاوت، بینه (دو شاهد عادل) طلب نمی نمودند عمل نماید و به هر کس حقّ واقعی او را عطا کند. (کافی: ج: ۱ ص: ۳۹۷ ح: ۲)

فصل یازدهم: قرآن من

آنچه لازم است در این رابطه بدانیم، آن است که:

اولاً: حقیقت قرآن چیزی نیست جز وجود نازنین امام زمان (علیه السلام)؛ بنابراین ظاهر قرآن که متشکل از آیات متعدّد کوچک و بزرگ است، آینه‌ی تمام‌نمای این حقیقت بوده، و در قرآن مجید، آیه‌ای که بی‌ارتباط با ایشان باشد وجود ندارد. (۱)

ثانیاً: قرآن کلام نورانی و بی‌نقص الهی است که در حجاب الفاظ مخفی شده و جز امام زمان (علیه السلام) کسی از پشت این حجاب با خبر نیست. (۲)

ثالثاً: قرآن همیشه صامت بوده، هست و هرگز به سخن در نخواهد آمد و جز امام زمان (علیه السلام)، ناطق و سخنگویی ندارد؛ بنابراین امام عصر (علیه السلام)، قرآن ناطقی است که به امر الهی تکلم می‌کند. (۳)

۱- حدیث ۱: امیر المؤمنین (علیه السلام) در یکی از خطبه‌های خویش فرمودند: من آن کتابی هستم که بر او نقش بسته شده است. (مشارق انوار الیقین: ص: ۲۶۹) حدیث ۲: در روایتی آمده است: زمانی که اهل شام، قرآن را بر سر نیزه‌ها نموده و آن را به عنوان قاضی و حاکم بین خود و امیر المؤمنین (علیه السلام) معرفی نمودند، حضرت فرمودند: من قرآن ناطق و سخنگو هستم. (احقاق الحق: ج: ۷ ص: ۵۹۵)

۲- حدیث ۱: امام باقر (علیه السلام) فرمودند: خداوند در قرآن مَثَلهایی برای مردم زده است و در این مَثَلها پیامبر، خویش را مورد خطاب قرار داده است، و تنها ما از آن آگاهیم و غیر ما از آن بی‌خبراند. (تفسیر قمی: ج: ۲ ص: ۴۲۵) حدیث ۲: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: به خدا قسم، تمام علم قرآن در نزد ماست. (بصائر الدرّجات: ص: ۲۳۲ ح ۲)

۳- حدیث: امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: این قرآنی که با این خط بین دو جلد می‌باشد هرگز به هیچ زبانی سخن نمی‌گوید، و چاره‌ای جز مراجعه به مترجم آن نیست، و برای ترجمه باید به اهل آن مراجعه شود، و آن زمانیکه در جنگ صفین گفته شد قرآن حاکم و قاضی باشد ما از آن گریزان نبودیم چرا که خداوند می‌فرماید: «اگر با یکدیگر منازعه و دعوا نمودید به کتاب خدا و رسول او مراجعه نمائید» پس ما نیز آمادگی مراجعه به کتاب خدا و سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را داریم به شرط آنکه تفسیر به رأی نشود و اهلش آنطور که هست آن را تفسیر نمایند. (نهج البلاغه: ج: ۲ ص: ۵)

رابعاً: قرآن در بردارنده‌ی کلیه‌ی علوم و دانش هاست، و امروز جز امام زمان (علیه السلام) کسی از آن علوم آگاه نیست و دیگران نیز تنها به اندازه‌ی شاگردی و اخذ از آن حضرت، از علوم آن بهره مندند. (۱)

خامساً: تفسیر قرآن، اختصاص به آن حضرت داشته و آنچه به عنوان تفسیر قرآن از دیگران ارائه شده و می شود، چیزی جز برداشت های شخصی و فهم فردی از ظاهر عبارت - که از مجموعه‌ی معنای لغوی، شأن نزول، داستان سرایی، کنار هم چیدن چند روایت، ذکر مباحث کلامی و فلسفی و مانند آن به دست می آید - نیست؛ بنابراین اگر واقعاً قصد دسترسی به تفسیر قرآن را داریم باید به مفسر حقیقی آن رجوع کنیم، نه دیگرانی که از قرآن، چیزی جز تفسیر به رأی عایدشان نشده و دستشان از حقیقت تفسیر کوتاه است! (۲)

۱- حدیث: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: من فرزند رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) هستم و از کتاب خدا آگاهم، در این کتاب آنچه از ابتدای خلقت تا روز قیامت می باشد آمده است، و در آن اخبار آسمانها و زمین و بهشت و جهنم و گذشته و آینده آمده است، و من بر تمامی این علوم به گونه ای آگاه و مطلع هستم که گویا به کف دست خویش می نگرم، آری! به درستی که خداوند متعال می فرماید: «در قرآن بیان هر چیزی آمده است». (بصائر الدرجات: ص: ۲۱۷: ح: ۲)

۲- حدیث: امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمودند: به درستی که قرآن حاوی مثالهایی است برای کسانی که می دانند و آن را آنطور که شایسته است تلاوت می کنند، ایشان کسانی هستند که به قرآن ایمان آورده و آن را می شناسند و اما دیگران چنین نبوده و فهم قرآن از افکار و قلبهای ایشان دور است و به همین جهت است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرمودند: هیچ چیز به اندازه‌ی تفسیر قرآن دورتر از قلبها نیست، و مردم در تفسیر آن متحیر و سرگرداندند مگر آن کسانی که خدا بخواهد. و این همه به خاطر آن است که خداوند چنین اراده نموده است که مردم به سوی باب و صراط او روی آورند و خدا را عبادت نموده و از قیام کنندگان به کتابش و سخنگویان امرش اطاعت کنند، و اینکه برای برآورده شدن نیازمندیها و حوائج خود از قرآن به ایشان مراجعه کنند نه اینکه از پیش خود آن را تفسیر و تأویل نمایند، سپس فرمودند: و بدانکه همه‌ی مردم نمی توانند والیان امر و مفسرین قرآن باشند چرا که در این صورت دیگر کسی برای امارت نمودن و تفسیر نمودن بر او باقی نمی ماند، در نتیجه خداوند عده ای خاص را برای این امر برگزیده است که باید به ایشان اقتدا شود. و بپرهیز از اینکه قرآن را به رأی و نظر خود تفسیر نمائی؛ چرا که هیچکس جز آن کسانی که خداوند آنها را برای این امر برگزیده و آنها را باب خویش قرار داده است قادر به تفسیر و تأویل آن نیست، پس تفسیر قرآن را از جایگاه اصلی آن طلب نما و بدان که اگر خدا بخواهد آن را خواهی یافت. (محاسن: ج: ۱ ص: ۲۶۸: ح: ۳۵۶)

سادساً: تمسّیک به قرآن، بدون تمسّیک به امام زمان (علیه السلام)، ثمره ای جز گمراهی و ضلالت نداشته و ندارد، (۱) و کسانی که قرآن را از آن حضرت جدا دیده و می بینند، و آن را به تنهایی در نظر گرفته و بررسی می کنند، راهی جز

۱- حدیث: امام محمّد باقر (علیه السلام) فرمودند: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) اصحاب خویش را در منی فرا خوانده و فرمودند: ای مردم! همانا من از میان شما می روم و دو چیز گرانبها باقی می گذارم، آگاه باشید تا زمانیکه به این دو چیز تمسّیک نمائید هرگز گمراه نخواهید شد، یکی از آن دو کتاب خدا و دیگری عترت و اهل بیت من می باشند. (بصائر الدّرجات: ص: ۴۳۳ ح: ۳)

راه پیروان سقیفه نمی پیمایند، و در واقع تأثیری به آن ملعونی نموده اند که فریاد: «حَسْبُنَا كِتَابُ اللَّهِ» (۱) را سر داده و آن را وسیله‌ی اهداف شوم خود قرار داد.

سابعاً: قرآنی که به دست امیر المؤمنین علی (علیه السلام) جمع آوری گردید، و خلیفه‌ی دوّم از قبول آن سر باز زد، هم اکنون در دستان مبارک امام زمان (علیه السلام) می باشد، و در زمان حکومت ایشان این قرآن، قرآنی است که همگان از آن بهره مند شده و مأمور به یاد گیری، حفظ و عمل به آن هستند، و در آن زمان است که همه‌ی حقایق «قرآن صامت» به وسیله‌ی «قرآن ناطق» بر طالبان آن مکشوف می شود. (۲)

۱- حدیث: عبد الله بن عباس می گوید: چون زمان رحلت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرا رسید، گروهی که عمر بن خطاب نیز در میان آنان بود در خانه حضور داشتند، رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: بیائید نامه ای برای شما بنویسم تا هرگز پس از آن گمراه نشوید. عمر گفت: چیزی نیاورید که درد بر او غلبه کرده و هذیان می گوید!!! و قرآن نزد شما هست، و کتاب خدا ما را کافی است. میان اهل خانه اختلاف افتاد و به مخاصمه پرداختند، عدّه ای می گفتند برخیزید (کاغذ بیاورید) تا پیامبر برایتان بنویسد، و عدّه ای دیگر سخن عمر را می گفتند. چون سر و صدا بلند شد و اختلاف بالا گرفت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: از نزد من برخیزید و مرا تنها بگذارید. (آمالی مفید: ص: ۳۶: ح: ۳)

۲- حدیث ۱: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: زمانیکه قائم (علیه السلام) قیام کند قرآن را همانطور که نازل شده است می خواند، و آن قرآنی را که امیر المؤمنین (علیه السلام) به دست خویش نوشتند بیرون می آورد. آری! همان قرآنی که علی (علیه السلام) آن را پس از نوشتن نزد مردم آورده و به ایشان خطاب فرمودند: این کتاب خداست همانطور که بر محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) نازل گردید و من آن را در بین این دو لوح جمع آوری نموده ام. پس مردم (ابوبکر و عمر و...) گفتند: ما احتیاجی به قرآن تو نداریم و خودمان قرآن را جمع آوری نموده ایم، پس آن حضرت فرمودند: آگاه باشید به خدا قسم بعد از این روز هرگز آن را نمی بینید و فقط بر من واجب بود که شما را از وجود آن آگاه نمایم. (کافی: ج: ۲ ص: ۶۳۳: ح: ۲۳) حدیث ۲: امام باقر (علیه السلام) فرمودند: هنگامی که قائم آل محمد (علیه السلام) قیام کند خیمه هائی بر پا نماید تا قرآن در آن به همان صورتی که نازل شده (بدون تغییر و تحریف) بر مردم تعلیم داده شود، آن روز برای کسانی که قرآن را حفظ کرده اند بسیار دشوار است زیرا بین قرآنی که او می آورد و قرآن موجود تفاوت بسیار است. (روضه الواعظین: ص: ۲۶۵) حدیث ۳: امیر المؤمنین علی (علیه السلام) فرمودند: گویا هم اکنون به شیعیانمان در مسجد کوفه می نگرم که خیمه ها زده اند و قرآن را بدان گونه که نازل شده است به مردم می آموزند. (غیبت نعمانی: ص: ۳۳۳: ح: ۳)

ثامناً: مدعیان دانشی که قرآن نازل شده بر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهل بیت گرامی اش را (۱) به رأی خود تأویل می کنند، در زمان ظهور آن حضرت در مقابل ایشان، - با فهم ناقص خویش از قرآن - بر علیه ایشان احتجاج کرده و جبهه گیری می نمایند، و آنچه حضرت از دست جاهلان آن زمان می کشند بمراتب سخت تر و دردناک تر از آن چیزی است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) از جاهلان زمان خویش کشیده اند. (۲)

۱- حدیث ۱: امام صادق (علیه السلام) در تفسیر آیه‌ی: «به درستی که آن ذکری است برای تو و قومت، و به زودی مورد سؤال واقع می شوید» فرمودند: منظور از «ذکر» قرآن است و ما قوم آن هستیم و درباره‌ی ما سؤال می شود. (بصائر الدرجات: ص: ۵۷ ح: ۱) حدیث ۲: امام کاظم (علیه السلام) فرمودند: قرآن قبل از مردم بر ما نازل شده و پیش از مردم برای ما تفسیر شده است، ما به حلال و حرام و ناسخ و منسوخ و آیاتی که در سفر و آیاتی که در حضر نازل شده، و در کدام شب چقدر آیه نازل شده و در باره‌ی چه کس و چه چیز نازل گردیده آشنا هستیم. (بصائر الدرجات: ص: ۲۱۸ ح: ۴)

۲- حدیث: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: قائم ما چون قیام کند از جهل مردم شدیدتر از آنچه رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) با آن از سوی نادانان جاهلیت روبرو شد برخورد می کند، عرض کردم: این چگونه ممکن است؟ فرمودند: همانا رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در حالی به سوی مردم آمد که آنان سنگ و کلوخ و چوبهای تراشیده و مجسمه های چوبین را می پرستیدند، و قائم ما چون قیام کند در حالی به سوی مردم می آید که جملگی کتاب خدا را بر علیه او تأویل کرده و بر او بدان احتجاج می نمایند، سپس فرمودند: بدانید به خدا سوگند که موج عدالت و دادگستری او بدانگونه که گرما و سرما به خانه نفوذ می کند تا درون خانه های آنان راه خواهد یافت. (غیبت نعمانی: ص: ۲۹۶ ح: ۱)

چه خوشست صوت قرآن ز تو دلربا شنیدن

به رُحّت نظاره کردنسخن خدا شنیدن

تو بآء بسمله ای در صحیفه ی کونین

ز نقطه ی تو تجلّی نکات قرآن داشت

ز مصدر تو بود اشتقاق مشتقات

ز مبدأ تو اصالت اُصول اکوان داشت

مقام ذات تو جمع الجوامع کلمات

صفات عزّ تو شأنی رفیع بنیان داشت

حقائق ازلی از رخ تو جلوه نمود

دقائق ابدی از لب تو تبیان داشت

نسیم کوی تو یحیی العظام و هی رمیم

شمیم بوی تو صد باغ روح و ریحان داشت

فصل دوازدهم: علم و دانش من

و اما آنچه در رابطه با این موضوع لازم است بدانیم، آن است که امام زمان - که سلام و صلوات الهی بر او باد - منبع و خزینه دار علم الهی (۱) و عالم بر ماسوی الله است. (۲)

ایشان مظهر علم خدا (۳) و مَطَّلَع و محیط بر جمیع کائنات هستند. (۴)

۱- حدیث ۱: امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمودند: ما خزینه دارانِ علم خداوند هستیم. (بصائر الدَّرَجَات: ص: ۸۱: ح: ۳)
حدیث ۲: امام حسن (علیه السلام) فرمودند: روزی رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) خطبه خواندند و فرمودند: علی معدن علم خداوند است. (کفایه الأثر: ص: ۱۶۳)

۲- حدیث ۱: امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: امام آنچه را که بین شرق و غرب عالم است می بیند، پس هیچ چیزی از عالم مُلْک و ملکوت بر او پوشیده نیست. (مشارق انوار الیقین: ص: ۲۰۵) حدیث ۲: امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمودند: به درستی که من از آنچه که در آسمانها و زمین است آگاهم و از آنچه که در بهشت و جهنم است مَطَّلَع و گذشته و آینده را می دانم، سپس کمی مکث کرده و چون دیدند این مطالب بر شنوندگان سنگین آمد فرمودند: آنچه را می دانم از کتاب خدا است چرا که خداوند می فرماید: «در قرآن بیان هر چیزی موجود است». (بصائر الدَّرَجَات: ص: ۱۴۸: ح: ۶)

۳- حدیث: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: ذات امام ملکوتی و صفات او الهی است، وائمه‌ی اطهار (علیهم السلام) مَطَّلَع صفات خداوند و برگزیدگان او می باشند. (مشارق انوار الیقین: ص: ۱۷۷)

۴- حدیث ۱: امام باقر (علیه السلام) فرمودند: آگاه باشید به درستی که او (امام زمان (علیه السلام)) وارث هر علم و محیط بر آن است. (احتجاج: ج: ۱ ص: ۸۰) حدیث ۲: امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: به تحقیق از آنچه که بالای بهشت برین و زیر زمین هفتم و آنچه که در آسمانهای سر به فلک کشیده، و آنچه که بین آسمانها و زمین، و آنچه که زیر زمین است مَطَّلَع و آگاهم، و این علم و آگاهی فقط از طریق شنیدن نیست، بلکه آنچه را می دانم بر آن احاطه داشته و آن را مشاهده می نمایم. (مشارق انوار الیقین: ص: ۲۶۴)

آن حضرت آگاه بر جمیع اسرار و رازهای درونی بوده و بر تمامی اعمال و رفتار، افکار و خطورات ذهنیه، حالات مختلف روحی و جسمی، نیازهای ظاهر و باطن من در گذشته، حال و آینده مطلع اند. (۱)

آن حضرت چشم بینای خداوند (عزوجل) می باشند که همیشه و در همه‌ی احوال مرا دیده و می بینند. (۲)

و نیز باید بدانم که همه‌ی علوم به ایشان بازگشته و از سرچشمه‌ی بیکران علم و دانش آن حضرت جوشیده است، و هر کس هر چه می داند - بی واسطه

۱- حدیث ۱: امیر المؤمنین (علیه السلام) در خطبه‌ی تُطْنِجِيَه فرمودند: ما از گذشته و آینده و آنچه که در آسمانها و زمین است آگاهیم و این آگاهی از جانب پروردگار ماست، ما تدبیر کنندگان این عالمیم، و خداوند ما را مخصوص به این امر نموده است، پس ما از جانب او انتخاب شده و بر همه چیز آگاهیم. (الزام النیاصب: ج: ۲ ص: ۲۱۸) حدیث ۲: امیر المؤمنین (علیه السلام) در خطبه‌ی معروف نورائیت فرمودند: امام از گذشته و آینده و آنچه که در باطنها، قلبها و آنچه که در آسمانها و زمین می باشد مطلع است. (بحار الأنوار: ج: ۲۶ ص: ۵)

۲- حدیث ۱: امام رضا (علیه السلام) همیشه جهت دعا برای امام زمان (علیه السلام) چنین دستور می دادند: خدایا! شر مخلوقات را از ولایت، و چشم بینایت که به اذن تو می بیند، و شاهد تو بر بندگانت است دور نما. (مصباح المتهدجد: ص: ۴۰۹ ح: ۱۴۵) حدیث ۲: امام کاظم (علیه السلام) فرمودند: به درستی که جایگاه امام در زمین همانند جایگاه ماه در آسمان است، پس امام همچون ماه در محلّ خود بر آنچه که بر روی زمین قرار دارد احاطه داشته و از آن آگاه است. (بصائر الدرجات: ص: ۴۶۳ ح: ۸)

یا با واسطه - از ایشان آموخته است.

آری! علوم مختلف، حلّ مسائل عویصه، کشف مطالب مهمّه، همه و همه از معدن علم و دانش آن حضرت صادر شده و از ناحیهی ایشان بر اذهان انداخته شده و بر قلمها جاری گشته است. (۱)

ایشان نه تنها استاد و معلّم انسانها، بلکه معلّم و آموزگار انبیا و ملائکه نیز می باشند. (۲) و خلاصه هر کس هر چه دارد از آن حضرت بوده و به ایشان

۱- حدیث ۱: امام باقر (علیه السلام) فرمودند: هیچکس علمی ندارد جز آنچه از امیر المؤمنین (علیه السلام) به او رسیده، مردم هر کجا می خواهند بروند، بخدا علم صحیح جز اینجا جای دیگری یافت نمی شود - و با دست اشاره‌ی بخانه‌ی خود نمودند - . (کافی: ج: ۱ ص: ۳۹۹ ح: ۲) حدیث ۲: امام باقر (علیه السلام) به سلمه بن کُهیل و حکم بن عتیبه فرمودند: چه به شرق عالم بروید و چه به غرب آن، علم صحیح را جز آنچه از ناحیهی ما اهل بیت خارج شده باشد نمی یابید. (کافی: ج: ۱ ص: ۳۹۹ ح: ۳) حدیث ۳: امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمودند: هر علمی که به اهل آسمانها و زمین می رسد از دریای علم ما اهل بیت سرچشمه گرفته و به واسطه‌ی ما به ایشان داده می شود. (بحار الأنوار: ج: ۲۵ ص: ۲۴ ح: ۴۱)

۲- حدیث ۱: امام رضا (علیه السلام) فرمودند: اول چیزی که خداوند آفرید ارواح ما بود و پس از آن ما را به یگانگی و شکر خود گویا نمود، بعد از آن ملائکه را آفرید و وقتی آنان ارواح ما را یک نور واحد مشاهده کردند ما را بزرگ شمردند، پس ما شروع به تسییح پروردگار نمودیم تا ملائکه بدانند ما مخلوق هستیم و خداوند منزّه است از اینکه دارای صفات ما باشد، و ملائکه نیز پس از تسییح ما شروع به تسییح نمودند و او را منزّه از صفات ما شمردند، و وقتی مشاهده‌ی عظمت مقام ما را نمودند ما خدا را تهلیل گفتیم تا ملائکه بدانند که جز او پروردگاری نیست و ما بنده ایم نه خدا، تا اینکه هم ردیف با او و یا در مقامی پائین تر از او پرستیده شویم، آنان نیز گفتند: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ». و بار دیگر چون بزرگی مقام ما را مشاهده کردند، «اللَّهُ أَكْبَرُ» گفتیم تا ملائکه بدانند خداوند بزرگتر از آن است که مقامش درک شود مگر به وسیله‌ی خودش، و نیز وقتی مشاهده کردند خداوند چقدر عزّت و نیرو بما داده است گفتیم: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» تا ملائکه بدانند حرکت و نیروئی نیست مگر به یاری و مدد خداوند. و چون نعمت های خدا را بر ما مشاهده نمودند و طاعت ما را واجب دیدند گفتیم: «الحمد لله» پس ملائکه الهی بواسطه‌ی ما به شناخت توحید خدا و تهلیل و تحمید و تمجید او هدایت یافتند. (علل الشرایع: ج: ۱ ص: ۵ ح: ۱) حدیث ۲: امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: من حقیقت آن خضری هستم که موسی را معلّم بود، و من معلّم داود و سلیمان بودم. (مشارق انوار الیقین: ص: ۲۵۵)

ختم می شود، و من باید بدانم که در همه‌ی مسائل و علوم باید به دنبال ارتباط آن علم و مسأله، با امام زمانم باشم، و اگر مسائلی تحت عنوان «علم و علمی» مطرح شده و می شوند و هیچگونه ارتباطی با ایشان ندارند، علم نبوده و فقط عنوان علم را یدک می کشند و در واقع مجهولاتی بیش نیستند.

و نیز باید بدانم که جدا کردن هر مسأله‌ی علمی، اعم از مسائل اعتقادی، فقهی، اخلاقی، قرآنی، اصولی، کلامی، تاریخی، تفسیری، حدیثی، نجومی، روانشناسی، طبّی و... از امام زمان (علیه السلام)، و بررسی انفرادی آن، و عدم مشخص کردن ارتباط آن بحث و روشن شدن جایگاه آن با آن حضرت، چیزی جز جدا کردن روح از جسم نبوده، و بالطبع آن مسأله‌ی علمی، مُرده و بی روح است.

بنابراین در همه‌ی علوم، ابتداءً باید تمام توجه من به حقیقت علم و دانش یعنی حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) باشد و تمام تلاش خویش را در برقراری و کشف ارتباط آن علم با ایشان بنمایم، و این امر نیز بدون عنایت ویژه و استعانت از آن حضرت امکان پذیر نیست. (۱)

۱- حدیث: امام رضا (علیه السلام) فرمودند: هر زمان مشکل، گرفتاری و مصیبتی ناگوار برای شما پیش آمد، از ما اهل بیت نزد خدای متعال یاری بجوئید، و این همان گفتار خدای متعال است که فرمود: «برای خدا اسم های نیکوئی است، پس او را به آن اسم ها بخوانید». (اختصاص: ص: ۲۵۲)

و در راستای تحقق این هدف، باید دنبال معلم، استاد، منبری و سخنرانی بروم که مرا به سوی امام زمانم بخواند، نه به سوی خود! و ارتباط بحث‌ها را با ایشان روشن کند نه با خود! و علومی را به من تعلیم کند که مرا به آن حضرت نزدیک نماید نه اینکه هر چه بیشتر بیاموزم از او دور شده و فاصله بگیرم! (۱)

و نیز سراغ کتاب، مقاله و مجله‌ای بروم و مطالبی را بخوانم که حاوی همین خصوصیات باشد، نه اینکه ثمره‌ای جز یادگیری چند اصطلاح و عنوان بی‌فایده، نداشته باشد.

و بی‌پرده بگویم که حقیقت این است: آن کتابی که مرا از امام زمانم (روحی له الفداء) دور کند قطعاً جزء کتب ضالّه و گمراه‌کننده است.

در پایان امیدوارم که در عصر ظهور امام زمان (علیه السلام)، که عصر شکافته شدن علوم و دانش‌ها توسط آن حضرت است، (۲) خداوند مرا هم جزء

۱- حدیث ۱: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: علم و دانش را از معدن آن بجوئید و از کسانی که در حاشیه هستند پرهیز نمائید؛ چرا که آنان شما را از خدا باز می‌دارند. (أصول سنّه عشر: ص: ۱۲۴ ح: ۱۱) حدیث ۲: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: پرهیز از اینکه کسی را غیر از حجت خدا نصب العین و بُت خویش قرار دهی و آنچه را می‌گویی پذیرفته و تصدیق نمائی. (کافی: ج: ۲ ص: ۲۹۸ ح: ۵)

۲- حدیث ۱: ابو بصیر گوید: امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمودند: در گوشه‌ی دسته‌ی شمشیر پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) دفترچه‌ی کوچکی بود، به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم: در آن دفترچه، چه نوشته شده بود؟ فرمودند: حروفی بود که هر حرف آن کلید هزار حرف بود، سپس ابو بصیر گوید: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: تا اکنون دو حرف از آنها بیشتر خارج نشده و برای مردم ظاهر نگشته است. (بصائر الدرّجات: ص: ۳۲۸ ح: ۴) حدیث ۲: امیر المؤمنین (علیه السلام) در وصیت خود به کمیل فرمودند: ای کمیل! هیچ علمی نیست جز آنکه من آن را می‌گشایم، و هیچ سرّی نیست مگر آنکه قائم (علیه السلام) آن را خاتمه می‌دهد. (تُحْفُ الْعُقُول: ص: ۱۷۱) حدیث ۳: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: علم بیست و هفت حرف دارد و همه‌ی آنچه پیامبران آورده اند دو حرف است و مردم تا به امروز غیر از دو حرف را نشناخته اند، وقتی قائم ما قیام کند بیست و پنج حرف را بیرون می‌آورد و در بین مردم منتشر می‌سازد و آن دو حرف را به آنها پیوند می‌دهد تا هر بیست و هفت حرف را انتشار دهد. (مختصر بصائر الدرّجات: ص: ۱۷۷)

شاگردان مُخلص آن امامی که دریای مَوَاج و بیکران علوم و معارف است (۱) قرار دهد، و توفیق خدمتگزاری در آستان مقدّسش را به من عطا فرماید.

مهدیست آنکه چشمه ء فیاض علم را

بر تشنگان دانش و عرفان عطا کند

مهدیست آنکه دولت عدل جهانش

حق عظیم عترت و قرآن ادا کند

مهدیست آنکه تابش خورشید طلعتش

قبر نهان فاطمه را برملا کند

۱- () حدیث ۱: در خطبه ای از امیر المؤمنین (علیه السلام) آمده است: من آن دریای تمام نشدنی علوم، معارف و حقایق هستم. (مشارق انوار الیقین: ص: ۲۵۹) حدیث ۲: در زیارت امیر المؤمنین (علیه السلام) می خوانیم: سلام بر تو ای دریای علوم و دانشها. (مزار مشهدی: ص: ۲۰۷)

ص: ۱۴۹

بخش سوم: آینده‌ی من

اشاره

فصل اول: قبر، برزخ و قیامت

فصل اول: قبر، برزخ و قیامت من

آینده و پایان کار، مسأله ای است بسیار مهم و حائز اهمیت که سرنوشت و جایگاه ما در آن رقم می خورد.

دققه‌ی اینکه آیا من نیز مانند اولیا و شیعیان مخلص امام زمان (علیه السلام) عاقبت به خیر شده و با توشه ای قابل قبول از اعمال صالح راهی سفر آخرت می شوم یا نه؟

حقّ الله و حقّ الناسی به گردنم مانده است یا نه؟

آمادگی لازم برای مواجه شدن با جناب عزرائیل را دارم یا نه؟

مقابله‌ی من با او خوشایند است یا ناخوشایند؟

سکرات موت و خارج شدن روح از جانم چگونه است؟ (۱)

۱- حدیث ۱: امام صادق (علیه السلام) به سیدیر فرمودند: قسم به آنکه محمّد (صلی الله علیه و آله و سلم) را به پیغمبری فرستاده، و شتابانه روحش را به بهشت برده، میان هر یک از شما با شادمانی یا پشیمانی و افسوس فاصله ای نباشد جز که به چشم خود ببیند آنچه را خدای (عزوجل) در قرآنش فرموده: «از راست و از چپ نشسته ای باشد» و ملک الموت آید تا جانش را بگیرد، و روحش را فریاد دهد تا از تنش بدر آید، اما آنکه مؤمن باشد خارج شدن روح را احساس نکند (یعنی برایش هیچ تلخی و ناگواری ندارد) برای اینکه خداوند می فرماید: (ای نفس اطمینان داده شده! به سوی پروردگارت برگرد در حالیکه او از تو راضی است پس میان بندگانم برو و داخل بهشت شو)، و آنگاه فرمود: این مقام برای کسی است که پارسا باشد و با برادران دینی خود همراهی کند و به آنان خیر رساند. و اگر ناپارسا است و خیر رسان به برادران خود نیست به او گفته شود چه چیز تو را بازداشت از پارسائی و همراهی کردن با برادرانت؟ تو از آن کسانی می باشی که به زبان اظهار دوستی کنند و با کردار، آن را پیاده نکنند، و چون برخورد کند با رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و امیر مؤمنان، از او رو گردانند و در روی او تُرش رو باشند و شفاعت او نکنند، سیدیر گفت: یعنی از کسانی است که خدا بینی آنها را بریده (و به آنها توجّهی ندارد)؟ آن حضرت فرمودند: آری همان است. (محاسن: ج: ۱ ص: ۱۷۷ ح: ۱۶۱) حدیث ۲: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: بدانید کسی که علی (علیه السلام) را دوست داشته باشد خداوند سکرات و سختیهای مرگ را بر او آسان می کند و قبر وی را باغی از باغهای بهشت می گرداند. (بشاره المصطفی: ص: ۷۱ ح: ۲)

توانائی پاسخ به سؤالات نکیر و منکر را دارم یا خیر؟ (۱)

۱- حدیث ۱: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: به درستی زمانیکه مؤمن از خانه‌ی خویش جهت تشییع جنازه به سمت قبر برده می‌شود ملائکه با تعداد زیاد و شور فراوان او را مشایعت می‌کنند و زمین خطاب به او می‌گوید: مرحبا به تو که چنین اهلّیت پیدا نمودی، آگاه باش به خدا قسم من در زمان حیات تو بسیار دوست می‌داشتم که همچون توئی بر من قدم نهد. و چون در قبر داخل شود به اندازه‌ی وسعت دید گانش قبر او گسترانیده می‌شود و دو ملک به نامهای نکیر و منکر نزد او آمده و او را می‌نشانند و از او سؤال می‌کنند که خدای تو چه کسی است؟ در جواب می‌گوید: الله، می‌گویند دین تو چیست؟ می‌گوید: اسلام، پس از او می‌پرسند پیامبر تو کیست؟ می‌گوید: محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و می‌پرسند امام تو چه کسی است؟ می‌گوید: علی (علیه السلام)، پس در این هنگام منادی از آسمان ندا می‌کند: بنده ام راست گفت، از فرشهای بهشتی قبرش را فرش نمائید و دری از قبر به سوی بهشت برایش باز کنید و او را از لباسهای بهشتی بپوشانید تا اینکه نزد ما آید، و آنچه که نزد ماست برای او بهتر است، سپس به او گفته می‌شود اکنون همچون عروسی که در حجله‌ی خویش می‌خوابد و خوابهای پریشان نمی‌بیند، بیارام. سپس حضرت فرمودند: و اما اگر این شخص کافر باشد ملائکه در حالیکه او را لعن می‌کنند، تا قبر او را مشایعت می‌نمایند، و زمین نیز خطاب به او می‌گوید: مرحبائی بر تو نیست و اهلّیت آن را نداری، بدانکه زمانیکه در دنیا همچون توئی بر روی من قدم می‌نهادی او را دشمن می‌داشتم، پس در این هنگام، قبر او را فشرده و بر او تنگ می‌گردد سپس نکیر و منکر نزد وی آمده و از وی سؤال می‌کنند. ابا بصیر گفت: آیا نکیر و منکر به یک شکل بر مؤمن و کافر داخل می‌شوند؟ حضرت فرمودند: خیر. پس آن دو او را می‌نشانند و از او می‌پرسند: خدای تو چه کسی است؟ زبانش به لُکنت افتاده و می‌گوید: از مردم چیزهایی می‌شنیدم، به او می‌گویند: نفهمیدی و نمی‌دانی، و می‌پرسند: دینت چیست؟ باز زبانش به لُکنت افتاده و جوابی نمی‌دهد، پس به او می‌گویند: نفهمیدی و نمی‌دانی، و نیز می‌پرسند: پیامبر تو کیست؟ می‌گوید: از مردم چیزهایی می‌شنیدم، پس به او می‌گویند: نفهمیدی و نمی‌دانی، و نیز می‌پرسند: امام زمانت کیست؟ و او جوابی ندارد، پس منادی از آسمان ندا می‌کند: بنده ام دروغ می‌گویی، قبر او را از فرشهای جهنم فرش کنید و از لباسهای آن بر او بپوشانید و دربی به سوی آتش برایش بگشائید تا اینکه نزد ما آید و چیزی جز شرّ و بدبختی نزد ما برای او نیست، پس آن دو مَلَمک با گُزری سه ضربه بر او می‌زنند که با هر ضربه ای قبرش پر از آتش می‌گردد و شدّت این ضربات به گونه ای است که اگر به کوههای مکه اصابت کند آنها را همچون خاکستری نرم می‌نماید. (تفسیر عیاشی: ج: ۲ ص: ۲۲۵ ح: ۱۸) حدیث ۲: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: از روح میت در قبر از پنج چیز سؤال می‌شود: از نماز، و زکات، و حجّ، و روزه، و ولایتِ ما اهل بیت، پس ولایت از کنار قبر خطاب به نماز، زکات، حجّ و روزه می‌گوید: اگر کاستی در شما هست من آن را جبران می‌نمایم. (کافی: ج: ۳ ص: ۲۴۱ ح: ۱۵)

فشار قبر برایم چگونه خواهد بود؟ (۱)

۱- حدیث: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: پدرم امام باقر (علیه السلام) پیوسته در صبحگاهان چنین می گفت: خدایا! من از عذاب قبر و فشار و تنگی آن به تو پناه می برم. (کافی: ج: ۲ ص: ۵۲۵ ح: ۱۳)

شب اول قبر که تنها می شوم آیا مونس و همدمی دارم؟

خانه‌ی قبرم روشن بوده و باغی از باغهای بهشت است یا اینکه تاریک بوده و حُفَره‌ای از حُفَره‌های آتشین جهنم است؟ (۱)

دوران برزخ را چگونه طی خواهم کرد آیا مرا به وادی السلام در نجف اشرف که برزخ مؤمنین و صالحین است می برند (۲) یا به سرزمین برهوت در یمن که برزخ کافرین و مخالفین است؟ (۳)

۱- حدیث ۱: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: به درستی که برای قبر در هر روز گفتاری است که می گوید: من خانه‌ی غربت هستم، من خانه‌ی وحشت هستم، من خانه‌ی کرم‌ها هستم، من قبر هستم، من باغی از باغ‌های بهشت یا گودالی از گودال‌های جهنم هستم. (کافی: ج: ۳ ص: ۲۴۲ ح: ۲) حدیث ۲: امام جعفر صادق (علیه السلام) به شیعیان خود فرمودند: سرزمینها و قبرهایتان برای شما همچون بهشت است. شما برای بهشت آفریده شده‌اید و به سوی آن می روید. (کافی: ج: ۸ ص: ۳۶۵ ح: ۵۵۶) حدیث ۳: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: آگاه باشید هر کس علی را دوست بدارد خداوند سکران و سختیهای جان دادن را بر او آسان می نماید، و خانه‌ی قبر او را باغی از باغ‌های بهشت قرار می دهد. (بشاره المصطفی: ص: ۷۱ ح: ۲)

۲- حدیث: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: آگاه باش! مؤمنی در مشرق و مغرب زمین باقی نمی ماند مگر آنکه خداوند روح او را بوادی السیلام می برد، پس به حضرت عرض کردم: وادی السلام کجاست؟ حضرت فرمودند: پشت کوفه (متصل به نجف اشرف) است آگاه باش! گویا من با ایشانم (آنان را می بینم که) هر دسته حلقه وار، گرد یکدیگر نشسته اند و با هم سخن می گویند. (کافی: ج: ۳ ص: ۲۴۳ ح: ۲)

۳- حدیث: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: چون دشمن ما بمیرد جانش به وادی «برهوت» منتقل می شود و در عذاب آن بماند، و از زقومش به او بخورانند و از آب جوشانش به کام او ریزند، پس از این وادی به خدا پناه برید. (بصائر الدرجات: ص: ۴۲۳ ح: ۳)

در روز قیامت اوضاع و احوال چگونه است؟ سر برداشتم از خاک، سؤال و جواب ها، میزان و سنجش اعمال، و خلاصه عبور از هزار موقف و جایگاه در روز قیامت، و بالاخره عبور از پُل صراط و قرار گرفتن در درجه‌ی تعیین شده در بهشت و یا جهنم!

آری! همه‌ی اینها مسائلی است که ذهن مرا به خود مشغول ساخته و بیم و ترس مرا نسبت به آینده مضاعف نموده است.

و علاوه بر همه‌ی اینها زمانیکه به اعمال و رفتار گذشته‌ی خود می‌نگرم ترس و واهمه ام بیشتر می‌شود؛ چرا که حقیقتاً بار گناهان، معاصی و اعمال نادرست پشتم را سنگین نموده و کمرم را شکسته است و اگر حتی اعمال خوبی هم داشته باشم در مقابل نعمتهای فراوانی که خداوند در دنیا به من عطا نموده است بسیار اندک و ناچیز است.

پس وای بر منی که برای سفر طولانی آخرت زاد و توشه‌ی مناسب را تهیه نکرده و دستم خالی است.

آری! واقعیت چنین است و من نسبت به آینده، بسیار نگران و بیمناک هستم.

امّا با همه‌ی این حرفها و واقعیات پیش رو، ناامید نیستم؛ چرا که می‌دانم امام زمان (علیه السلام) همچنان که در این عالم، همه کاره بود و ملائکه‌ی الهی بی‌اذن او قدم از قدم بر نمی‌دارند، (۱) در آن عالم نیز چنین است و همه چیز تحت اختیار و اراده و امر آن حضرت است. (۲)

۱- حدیث: امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: من حجّت خدا بر اهل آسمانها و زمین هستم، و هیچ مَلکی در آسمان بدون اذن من قدمی از قدم بر نمی‌دارد. (مشارق انوار الیقین: ص: ۳۴۳)

۲- حدیث ۱: امام محمّد باقر (علیه السلام) فرمودند: به درستی که خداوند ما اهل بیت را بر آنچه که بخواهیم توانا نموده است. (بصائر الدّرجات: ص: ۳۹۵ ح: ۵) حدیث ۲: امام حسین (علیه السلام) فرمودند: به خدا قسم که خداوند هیچ چیزی را خلق نکرد مگر اینکه او را به اطاعت از ما امر نمود. (مناقب آل ابی طالب: ج: ۳ ص: ۲۱۰)

و من همانطور که در دنیا در برخورد با گرفتاریها، مشکلات و سختیها به سفارش امام هشتم علی بن موسی الرضا (علیه السلام) (۱) به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) توسل کرده واز او کمک می خواستم در آخرت نیز در همه‌ی مراحل چشم امید به ایشان دوخته (۲) و مطمئن هستم که در آنجا نیز در حق من پدري کرده و مرا به حال خود وا نمی گذارند.

پس ای مولا جان! زمانیکه در حال احتضار و جان کندن به سراغم آمدی هوای مرا داشته باش، و به جناب عزرائیل سفارشم را بنما. (۳)

۱- حدیث: امام رضا (علیه السلام) فرمودند: هر زمان مشکل، گرفتاری و مصیبتی ناگوار برای شما پیش آمد، از ما اهل بیت نزد خدای متعال یاری بجوئید، و این همان گفتار خدای متعال است که فرمود: «برای خدای اسمهای نیکوئی است پس او را به آن اسمها بخوانید». (اختصاص: ص: ۲۵۲)

۲- حدیث: امام حسن عسکری (علیه السلام) فرمودند: خدایا! به خاطر ایشان (اهل بیت (علیهم السلام)) شر دنیا و آخرت و هولهای روز قیامت را از من دفع نما. (کامل الزیارات: ص: ۵۱۳)

۳- حدیث ۱: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بر بالین مردی از انصار که حالت نیکو و خوبی هم داشت حاضر گردیدند و نگاه می کردند به عزرائیل که بالای سر او ایستاده بود، پس آن حضرت فرمودند: ای مَلِک الموت! به یار من آسان گیر؛ چرا که او مردی با ایمان است. عزرائیل گفت: ای محمّد! خوشدل و چشم روشن باش که چنین کنم و من با هر مؤمنی مدارا کرده و دلسوز او هستم. (کافی: ج: ۳: ص: ۱۳۶: ح: ۳ حدیث ۲: امام صادق (علیه السلام) به عزرائیل فرمودند: ای مَلِک الموت! جواب داد: لَبیک، فرمودند: آیا تو مأمور به اطاعت از ما نیستی؟ گفت: چرا هستم. (خراج و جرائح: ج ۱ ص: ۲۹۵: ح: ۲)

هنگام حضور در کنار جنازه ام به اعمال بدم نگاه مکن. (۱)

در خانه‌ی تاریک قبر مرا از عنایات پدرانه ات محروم مساز. (۲)

در تنهایی و وحشت قبر مونس و همدمم باش. (۳)

در هنگام پاسخ به نکیر و منکر یاریم نما. (۴)

۱- حدیث: امام کاظم (علیه السلام) فرمودند: بر من و سایر امامان در هر زمان لازم است که بر جنازه‌ی شما در هر کجا که باشید حاضر شویم، پس تقوای الهی را پیشه‌ی سازید. (مناقب آل ابی طالب: ج: ۳: ص: ۴۱۱)

۲- حدیث ۱: امام سجّاد (علیه السلام) فرمودند: خداوند به خاطر ما به زندگانی شما در دنیا و عالم قبر منفعت می بخشد. (ینایع المعاجز: ص: ۱۱۸ حدیث ۲: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به سلمان فرمودند: ای سلمان! هر کس فاطمه را دوست بدارد او در بهشت با من است، و هر کس او را دشمن بدارد در آتش است. ای سلمان! دوستی فاطمه در صد جا فایده دارد که آسانترین آن مکان‌ها هنگام مُردن، قبر، میزان، بیرون آمدن از قبر، عبور از پُل صراط و محاسبه‌ی اعمال است. (مائه منقبه: ص: ۱۲۶: ح: ۶۱)

۳- حدیث: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: ای علی! بر تو بشارت باد و بشارت ده که بر شیعه‌ی تو هنگام مرگ، حسرت و ندامتی نیست، و وحشت و هراسی در قبرهایشان نیست، و حزن و اندوهی در روز رستاخیز ندارند. (تفسیر فُرات: ص: ۳۴۸: ح: ۳)

۴- حدیث ۱: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به علی (علیه السلام) فرمودند: ای علی! محبّین تو در سه جا شادمانند، هنگام جان دادن در حالی که من و تو ناظر آنانیم، موقع سؤال و جواب در قبر و عرضه‌ی اعمال و وقت گذشتن از پُل صراط، همان زمانی که از ایمان مردم پرسش می کنند و آنان پاسخی نمی دهند. (آمالی صدوق: ص: ۶۵۶: ح: ۲) حدیث ۲: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به فاطمه‌ی بنت اَسَد مادر امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: ای فاطمه! اگر منکر و نکیر آمدند و از تو پرسیدند پروردگارت کیست؟ بگو: خدا پروردگار من است و محمّد (صلی الله علیه و آله و سلم) پیغمبر من، و اسلام دین من، و قرآن کتاب من، و پسر امام و ولیّ من است. (آمالی صدوق: ص: ۳۹۰: ح: ۱۴)

به خدا قسم! من هم همچون فاطمه‌ی بنت اَسَدِ مادر امیر المؤمنین (علیه السلام) از فشار قبر می ترسم. (۱)

۱- حدیث: فاطمه‌ی بنت اَسَدِ مادر امیر المؤمنین (علیه السلام) از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) شنید که از فشار قبر یاد می فرمودند، پس فریاد زد: وای از ناتوانی من، رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به او فرمودند: من از خدا درخواست می کنم که تو را کفایت کند و از فشار قبر آسوده نماید. و این گذشت تا اینکه روزی رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نشسته بودند، که امیر المؤمنین (علیه السلام) گریان نزد ایشان آمدند، رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: برای چه گریه می کنی؟ عرض کردند: مادرم فاطمه از دنیا رفت، رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: به خدا او مادر من هم بود، و شتابان برخاستند تا وارد بر او شدند و نگاهی به او کردند و گریستند و سپس به زنها دستور دادند او را غسل دهند و فرمودند: چون از غسل او فارغ شدید کاری نکنید تا به من اعلام نمائید، چون فارغ شدند به ایشان اعلام کردند و آن حضرت یکی از پیراهنهای خود را که به تن می پوشید داد تا او را در آن کفن کنند و به مسلمانان فرمودند: چون در مورد فاطمه دیدید من کاری می کنم که پیش از آن با مُرده ای نکردم سبب آن را از من پرسید. چون زنان از غسل و کفن او فارغ شدند، رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آمدند و جنازه‌ی او را بر دوش گرفته و زیر جنازه‌ی او بودند تا او را به قبرش رسانیدند و او را در کنار قبرش نهادند و خود وارد قبر شده و در آن خوابیدند و سپس برخاسته و با دست خود او را گرفته و در قبرش نهادند و بر او سرازیر شدند و مدّتی طولانی با او راز می گفتند و به او می فرمودند: پسرت، پسرت، پسرت، آنگاه برخاسته و جنازه را با دست خود گرفته و داخل قبر نمودند، سپس خم شده و مدّتی طولانی با او مناجات می کردند و می فرمودند: پسرت، پسرت، پسرت، آنگاه برخاستند و روی قبر را هموار نمودند، و باز خود را بروی قبر انداختند و مردم می شنیدند که می فرمودند: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، بار خدایا! من او را به تو می سپارم» آنگاه مراجعت فرمودند. مسلمین عرض کردند: شما را دیدیم کارهایی کردید که پیش از این نکرده بودید؛ فرمودند: امروز مهربانی ابو طالب را از دست دادم، فاطمه اگر چیز خوبی نزدش بود، مرا بر خود و فرزندانم مقدّم می داشت، من از روز قیامت یاد کردم و گفتم: مردم در آن روز برهنه محشور می شوند، او گفت: وای از این رسوائی، من ضامن شدم که خدا او را با لباس محشور کند، و از فشار قبر یاد آور شدم، او گفت: وای از ناتوانی، من ضمانتش کردم که خدا اُمورش را به عهده بگیرد، از این جهت او را در پیراهن کفن نمودم و در قبرش خوابیدم و سر بگوشش گذاردم و با وی مناجات نمودم و آنچه از او می پرسیدند تلقینش می کردم. و چون او را از پروردگارش پرسیدند جواب داد، و چون از پیغمبرش پرسیدند جواب داد، اما چون از ولیّ و امامش پرسیدند، زبانش به لُکنت افتاد، من گفتم: پسرت، پسرت، پسرت. (کافی: ج: ۱ ص: ۴۵۴ ح: ۲)

به دادم برس و سفارشم را به ملائکه‌ی موکل بر من بنما تا با من مُدارا نمایند.

می دانم که شفاعت شما در قیامت قطعاً شامل حال من می شود ولی از دوران برزخ بسیار هراسان و بیمناکم! چرا که شنیده ام از امام صادق (علیه السلام) که فرموده اند: ما از برزخ، بر شما نگرانیم. (۱)

جانم به قربانت خیلی به تو نیازمندم، دستم به دامت، در برزخ نیز خودم

۱- حدیث: عمرو بن یزید می گوید: به امام صادق (علیه السلام) گفتم که همانا من از شما شنیدم که می فرمودید: تمامی شیعیان ما با همه‌ی گناهانی که دارند به بهشت می روند! حضرت فرمودند: آری چنین است، به خدا قسم همه‌ی آنها به بهشت می روند، عرض کردم: جانم فدایت باد، همانا گناهان کبیره‌ی شیعیان شما بسیار زیاد است، پس آن حضرت فرمودند: بدانکه در قیامت همه‌ی شما به شفاعت پیامبر و وصی او به بهشت می روید ولی به خدا قسم من از برزخ شما بر شما هراسان و بیمناکم. گفتم: برزخ چیست؟ حضرت فرمودند: از زمانیکه مُرده می میرد و او را در قبر می گذارند تا روز قیامت، دوران برزخ او می باشد. (کافی: ج: ۳ ص: ۲۴۲ ح: ۳)

را به شما می سپارم، از اعمالم که با خبری!!!

پس رهایم نکن و التماس دعایم را استجابت کن.

و اما نسبت به قیامت کمی خیالم آسوده تر است چون زیاد شنیده ام که:

گنهکاران به شفاعت شما به بهشت می روند و از عذاب الهی رهایی می یابند. (۱)

جدّتان امیر المؤمنین (علیه السلام) صاحب پُل صراط (۲) و تقسیم کننده ی بهشت و جهنّم بوده، دوستان را به بهشت و دشمنان را به جهنّم می برند و جهنّم در آن روز از همه نسبت به ایشان مطیع تر است. (۳)

۱- حدیث: امام رضا (علیه السلام) فرمودند: هر کس که ما شفیعان او باشیم نجات پیدا خواهد کرد اگرچه گناهان او به اندازه ی گناهان جنّ و انس باشد. (امالی صدوق: ص: ۱۲۱ ح: ۱۰)

۲- حدیث: امیر المؤمنین (علیه السلام) در خطبه ای فرمودند: من صاحب پُل صراط هستم. (مشارق انوار الیقین: ص: ۲۶۹)

۳- حدیث: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: خداوند در روز قیامت به من می گوید: ای احمد! کلیدهای بهشت و دوزخ را بگیر، و من می گویم: قبول کردم از پروردگارم، حمد او را بر آنچه مرا بدان فضیلت داد، و سپس به رضوان و مالک که کلید داران بهشت و جهنّم هستند می گویم: آنها را تحویل برادرم علی بن ابی طالب بدهید، پس مالک (کلیدهای رضوان را نیز گرفته و) برگردد تا بر دهانه ی جهنّم بایستد که شراره می پراند و سوت می کشد و حرارتش تُند است و علی (علیه السلام) مهار آن را دارد. دوزخ به علی (علیه السلام) گوید: ای علی! مرا واگذار و بگذر، نور تو شرار مرا خاموش کرد! علی (علیه السلام) فرماید: آرام باش ای دوزخ! این شخص را بگیر و این را رها کن، این دشمن مرا بگیر و این دوست مرا واگذار، و دوزخ در آن روز فرمان بُردارتر است برای علی (علیه السلام) از غلام شما برای آقای خود، اگر بخواهد آن را به راست و چپ می کشاند، و بهشت آن روز برای علی مطیع تر است در آنچه دستور دهد از همه ی مردم، و علی (علیه السلام) در آن روز تقسیم کننده ی بهشت و جهنّم می باشد. (تفسیر قمی: ج: ۲ ص: ۳۲۴)

محبت، ولایت و معرفت شما موجب سنگینی اعمال (۱) و جواز عبور از پُل صراط و داخل شدن به بهشت است. (۲)

بهشت مهریه‌ی مادرتان حضرت زهرا «سلام الله علیها» است (۳) و از

۱- حدیث: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: به سبب محبت او (علی علیه السلام) میزان اعمال مؤمنین

سنگین شده، و به سبب مخالفت او میزان اعمال دشمنان سبک می گردد. (تفسیر امام عسکری علیه السلام): (۵۸۲)

۲- حدیث ۱: امام باقر (علیه السلام) فرمودند: خداوند ایشان (اهل بیت علیهم السلام) را راهنمایان اُمت بر پُل صراط قرار داده

است. (یقین: ص: ۳۱۹) حدیث ۲: اصْبَغُ بْنُ نُبَاتَةَ گفت: خدمت امیر المؤمنین (علیه السلام) نشسته بودم که ابن کَوَّاء وارد شد و

عرض کرد: یا امیر المؤمنین! معنای این آیه چیست: «وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسَيِّمَاهُمُ»؟ حضرت فرمودند: ما أَعْرَافِ

هستیم و یاران خود را از چهره‌ی آنها می شناسیم. ما اعراف هستیم که عرفان و شناخت به خدا حاصل نمی شود مگر از راه

معرفت ما، و ما اعراف هستیم بین بهشت و جهنم که داخل بهشت نمی شود مگر کسی که ما را بشناسد و ما او را بشناسیم، و

داخل جهنم نمی شود مگر کسیکه او منکر ما و ما منکر او باشیم. و جریان چنین است که اگر خدا بخواهد می تواند خود را به

مردم معرفی کند تا او را بشناسند و به در خانه اش بیایند ولی چنین اراده ننموده و ما را ابواب و راه و گذرگاه به در خانه‌ی

خود قرار داده است که مردم باید از آن درب و گذرگاه بیایند. هر کس از ولایت ما اعراض کند و دیگری را بر ما مقدم دارد

از مسیر خود دور افتاده است. (بصائر الدرجات: ص: ۵۱۷: ح: ۸)

۳- حدیث: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: همانا خداوند (تبارک و تعالی) مهریه‌ی فاطمه (علیها السلام) را رُبْعِ دُنْیَا قرار

داد، پس یک چهارم دنیا به آن حضرت تعلق دارد، و مهریه‌ی او را بهشت و جهنم قرار داد، بنابراین دشمنان او داخل آتش

جهنم می شوند و دوستانش داخل بهشت، و او صدیقیه‌ی کبری است و بر محور معرفت او سنگ روزگار امتهای گذشته می

چرخید. (آمالی طوسی: ص: ۶۶۸: ح: ۶)

نور فرزندشان امام حسین (علیه السلام) خلق شده است. (۱)

«خدا را شکر که قلبم را مالا مال از محبت و ولایت شما قرار داد».

اماما! به محبت و ولایتی که در سینه ام نهادی؛ شتر دیدی ندیدی، از گناهان و خطاهایم در گذر و در قیامت رو سفیدم نما، و آبرویم را حفظ کن، و مرا تنها مگذار، و به شفاعت و عنایت مرا با خود محشور فرما، و به کوری چشم دشمنان در بهشت همنشین خود گردان.

اکنون با قلبی مطمئن، دلی آرام و خاطری آسوده می گویم که مرگ را

دوست دارم و بی صبرانه منتظرم تا به دیدار یار نائل آیم. (۲)

۱- حدیث: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: زمانیکه خداوند ما را آفرید نه آسمان افراشته و نه زمین گسترده و نه عرش و نه بهشت و نه جهنم بود، ما او را آن هنگامی که تسبیح و تقدیسی وجود نداشت تسبیح و تقدیس می کردیم، وقتی خداوند ابتدای آفرینش را اراده نمود نور مرا شکافت و از آن عرش را آفرید، پس نور عرش از نور من است و نور من از نور خدا است. سپس نور علی بن ابی طالب را شکافت و از آن ملائکه را آفرید، پس نور ملائکه از نور علی بن ابی طالب است و نور پسر ابی طالب از نور خدا است. بعد از آن نور دخترم فاطمه را شکافت و آسمانها و زمین را آفرید، پس نور آسمانها و زمین از نور دخترم فاطمه است و نور فاطمه از نور خدا است و فاطمه بهتر از آسمانها و زمین است. سپس نور حسن را شکافت و از آن خورشید و ماه را آفرید پس نور خورشید و ماه از نور حسن است و نور حسن از نور خدا است و حسن از خورشید و ماه بهتر است. آنگاه نور حسین را شکافت و از آن بهشت و حور العین پس نور بهشت و حور العین از نور حسین است و نور حسین از نور خدا است و حسین از بهشت و حور العین بهتر است. (بحار الأنوار: ج: ۲۵ ص: ۱۶ ح: ۳۰)

۲- حدیث: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: بین کسیکه قائل به این امر (ولایت اهل بیت (علیهم السلام)) است و رؤیت آنچه که باعث چشم روشنی او می گردد فاصله ای جز مرگ نیست، و زمانیکه از دنیا برود به او گفته می شود: اما آنچه را که امید دست یابی بدان را داشتی به تو عطا می شود و اما آنچه را که از آن می ترسیدی از آن در امان خواهی بود، و همانا در مقابل تو امام صدق و راستی قرار دارد، پس بر رسول خدا و علی و حسن و حسین (علیهم السلام) وارد شو. (محاسن: ج: ۱ ص: ۱۷۴ ح: ۱۵۲)

گرچه خود قابض الارواح بود عزرائیل

نیست در رُتبه مگر، طفل د بستان شما

فیض روح القدس از مجلس انس تو و بس

نفخه ء صور، سفیری است ز دربان شما

در صفحه ء صحیفه ء قبر و حشر برآستی

جز خط و خال حُسن تو را اعتبار نیست

بر دوزخ قهر و جنّت عدن ابدی

جز ید قدرت تو فرمان گذار نیست

در کام دوستان تو ای مالک جنان

تسنیم جز زلبت خوشگوار نیست

ص: ۱۶۵

گفتار آخر

اشاره

فصل اوّل: انتظار

فصل دوّم: لحظه شماری تا ظهور

فصل اول: انتظار

انتظار از وظایف بسیار مهم، سودمند و افضل اعمال در عصر غیبت امام زمان (علیه السلام) می باشد، (۱) که یکی از بهترین راههای اظهار آن، دعا نمودن برای سلامتی و ظهور آن حضرت است؛ بنابراین با دعای زیاد برای امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، می توانیم روحیهی انتظار را در خود افزایش دهیم.

یکی دیگر از خواص مهم انتظار، توجه و انس به آن حضرت می باشد، چرا که شخص منتظر برای تحقق انتظار باید به منتظر توجه نموده و به یاد او باشد. شخص منتظر از جایگاه ویژه ای برخوردار بوده و به درجات عالی ای دست می یابد، و باید مراقب باشد و سعی کند تا همیشه دامنش پاک بوده و آمادهی ملاقات با یار باشد تا اگر حیات او در حال انتظار به سر رسید منتظر او را آنطور که شایسته است ببیند.

و اما آنچه به عنوان یک منتظر باید بدانیم آن است که:

۱- همیشه تسلیم محض ارادهی حق تعالی بوده و اگر او قصد تأخیر فرج امام زمان (علیه السلام) را دارد و فرجش را به تأخیر انداخته است، چون و چرا نکنیم و در عین حالی که برای فرج آن حضرت دعا می کنیم راضی به رضای الهی بوده و حرفی در مقابل خداوند بر زبان جاری ننمائیم. (۲)

۱- حدیث ۱: پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: انتظار فرج، برترین عبادت است. (کمال الدین: ص: ۲۸۷ ح: ۶)
حدیث ۲: امام باقر (علیه السلام) فرمودند: برترین و با فضیلت ترین اعمال شیعیان ما انتظار فرج است. (کمال الدین: ص: ۳۷۷ ح: ۱)

۲- حدیث: در دعای زمان غیبت امام زمان (علیه السلام) می خوانیم: و مرا از آنچه که خلق را بدان امتحان می کنی سلامت بدار، و مرا در اطاعت ولی امرت استوار گردان، همان ولی امری که او را از چشمان خلائق مستور ساختی و به اذن تو از مردمان غایب گردید، و تنها امر تو را انتظار می برد، و تو آن زمانی را که صلاح امر ولایت در آن است بی تعلم می دانی و به ظهور او فرمان می دهی و او را آشکار می سازی، پس مرا بر آن شکیب ساز که تعجیل آنچه را که به تأخیر انداخته ای نخواهم و تأخیر آنچه را که معجل ساخته ای نطلبم؛ و از مستورت پرده برداری، و از مکتومت تفحص، و در تدبیرت منازعه ننمایم و چون و چرا نکنم، و نگویم چرا ولی امرت ظهور نمی کند در حالی که زمین از ظلم و جور آکنده است. و همه امورم را به تو واگذار می کنم. (کمال الدین: ص: ۵۱۲ ح: ۴۳)

۲- طولانی شدن زمان غیبت، نباید موجب دست کشیدن از انتظار، دعا، توجّه، ایمان، و صلوات بر آن حضرت شود؛ بلکه باید روز به روز بر ایمان و یقین منتظر افزوده شده و آمادگی وی برای آمدن آن حضرت بیشتر شود. (۱)

۳- همه‌ی همّت خویش را به کار بگیریم تا علاوه بر دعاهاى هر روزه برای سلامتی و فرج آن حضرت (۲) چهل روز صبح نیز به طور منظم دعای

۱- حدیث ۱: در دعای زمان غیبت امام زمان (علیه السلام) می خوانیم: بارالها! به واسطه‌ی غیبت طولانی و بی خبری ما از او، یقین ما را سلب مکن و یاد، انتظار، ایمان، و قوّت یقین ما را در ظهورش، و دعا و درود ما را بر او از خاطرمان مبر، تا آنکه طول غیبت ما را نا امید نسازد، و یقین ما در این باب مانند یقین ما در مورد قیام رسالت - که درود و رحمت بر او باد - قرار بده. (کمال الدین: ص: ۵۱۲ ح: ۴۳) حدیث ۲: در یکی از زیارات امام زمان (خطاب به آن حضرت می گوئیم: اگر روزگار به درازا بکشد و عُمرها طولانی شود، جز این نیست که یقین و محبّت من به تو زیاد می گردد، و تو کُل و اعتماد من فقط به توست، و ظهورت را متوّع و منتظرم و برای جهاد در پیشاپیش تو لحظه شماری می کنم. (مزار مشهدی: ص: ۵۸۶)

۲- حدیث ۱: در توقیعی از امام زمان (علیه السلام) آمده است: برای تعجیل در فرج من زیاد دعا کنید، چرا که در آن فرج و گشایش امور شما نیز هست. (کمال الدین: ص: ۴۸۵ ح: ۳) حدیث ۲: در حدیثی آمده است: شخصی پس از رؤیت امام زمان (علیه السلام) در زمان غیبت صغری از آن حضرت پرسید: شیعیان شما در زمان غیبت چه کنند؟ حضرت فرمودند: بر شما باد به دعا و انتظار فرج. (بحار الأنوار: ج: ۹۲ ص: ۳۳۶ ح: ۶)

عهد را بخوانیم، که اگر چنین کنیم، علاوه بر ثواب آن - که به هر کلمه هزار حسنه در نامه‌ی اعمالمان نوشته شده و هزار سیئه از آن محو می‌گردد - جزء انصار و یاوران آن حضرت در زمان قیام خواهیم بود و اگر عمرمان هم کفاف نداد تا آن حضرت را درک کنیم، به واسطه‌ی این عمل خداوند ما را از قبر بیرون آورده و در رکاب آنحضرت قرار می‌دهد. (۱)

۴- و نیز همه‌ی همت و تلاش خود را برای نزدیک شدن به آن حضرت، و جلب توجه و رضای بیشتر ایشان نسبت به خودمان بنماییم و برای تحقق این امر، به آنچه صاحب کتاب مکیال المکارم در کتاب خویش با ذکر ادله و روایات استشهاد نموده است عمل نماییم. (۲)

۱- حدیث: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: هر کس چهل روز صبح این دعای عهد را بخواند، از یاوران قائم (علیه السلام) خواهد بود، و اگر پیش از ظهور آن حضرت بمیرد خداوند هنگام ظهور، او را از قبر بیرون می‌آورد؛ و با هر کلمه‌ی این دعا؛ هزار ثواب به او عطا فرماید و هزار گناه از نامه‌ی عمل او محو گرداند. (مزار شهدی: ص: ۶۶۳)

۲- مکیال المکارم ج: ۱ ص: ۲۹۱ و ۴۰۲ و ج: ۲ ص: ۹۵: بعضی از تکالیف من نسبت به مولا و مقتدایم امام زمان حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه) یادگیری فضائل و مناقب آن حضرت و ذکر و نشر آن برای دیگران. ۲- مداومت بر دعا برای سلامتی و ظهور آن حضرت. ۳- شناخت صفات و ویژگیهای و خصوصیات آن حضرت. ۴- شناخت علائم ظهور و قیام. ۵- رعایت ادب و برخاستن هنگام شنیدن لقب «قائم (علیه السلام)». ۶- محبوب نمودن آن حضرت نزد مردم، و شوق و ذوق برای ملاقات با ایشان. ۷- صبر نمودن و سفارش به صبر در زمان غیبت. ۸- هدیه نمودن ثواب اعمال خیر به آن حضرت. ۹- اقامه‌ی مجالس جهت ذکر فضائل و مناقب آن حضرت و شرکت کردن در آن. ۱۰- صدقه دادن جهت سلامتی آن حضرت. ۱۱- استغاثه و کمک خواستن از آن حضرت در همه‌ی امور. ۱۲- تکذیب مدعیان ارتباط با آن حضرت در زمان غیبت کبری. ۱۳- پرورش روح امید و انتظار آن حضرت در خود و دیگران. ۱۴- محزون و گریان بودن در فراق آن حضرت. ۱۵- انجام اعمال مستحبی به نیابت از آن حضرت. ۱۶- رفتن به مکانهای منتسب به آن حضرت مانند مسجد جمکران. ۱۷- زیاد خواندن این دعا: «اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسِيكَ فَإِنَّكَ إِن لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسِيكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ، اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِن لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي». (کمال الدین: ص: ۳۴۲ ح: ۲۴) خدایا! خودت را به من بشناسان که اگر چنین نکنی پیامبر تو را نیز نخواهم شناخت، خدایا! پیامبر خود را به من بشناسان که اگر چنین نکنی حجت تو را نیز نخواهم شناخت، خدایا! حجت خود را به من بشناسان که اگر چنین نکنی از دینم گمراه می‌شوم. ۱۸- زیاد خواندن این دعا: «يَا اللَّهُ! يَا رَحْمَانُ! يَا رَحِيمُ! يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ! بَثِّ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ». (کمال الدین: ص: ۳۵۱ ح: ۴۹) ای خدا! ای رحمن! ای رحیم! ای گرداننده‌ی قلبها! قلب مرا بر دینت ثابت بدار.

«اللَّهُمَّ كَمَا جَعَلْتَ قَلْبِي بِذِكْرِهِ مَعْمُورًا فَاجْعَلْ سِلَاحِي بُنْصَرَتَهُ مَشْهُورًا». (۱)

خداوندا! همانگونه که قلب مرا بیاد او احیا نمودی مرا جزء

سربازان و یاورانش نیز قرار بده.

۱- مزار مشهدی: ص: ۶۵۸، و بحار الأنوار: ج: ۹۹ ص: ۱۰۳.

فصل دَوّم: لحظه شماری تا ظهور

ای پدر مهر بانم! ای آرام جانم!

ای مونس دلم!

ای اُمید و آرزویم! ای دار و ندارم!

ای سرمایه زندگی ام!

ای معشوق بی نظیرم! ای آشنای غریب!

و ای مولای عزیزتر از جانم!

باز هم مثل همیشه:

نگاهم کن! صدایم نما!

راهنما و معلّم باش! معشوقم باش!

نوازشم کن! آرامش قلبم باش!

دستم را بگیر! و مراقبم باش!

و بگذار فقط:

به تو بنگرم! تو را صدا بزنم! عاشق تو باشم!

تو را بجویم! به تو بیندیشم!

نام تو را ببرم!

فضائل و خوبیهای تو را نقل کنم! از تو دم زده و سنگ تو را به سینه بزنم!

و خد متگذار مخلص تو باشم!

می دانم فرد لایقی برای خدمت به شما نبوده و نیستم ولی بزرگواری و کرم، مهر و عطوفت و آقایی شما این جرأت را به من می دهد که لحظه ها را بشمارم تا پس از ظهورتان در خدمتگزاری شما با دیگرانی که از من بهترند سهیم شوم و گرچه جزء منتظران حقیقی شما که تلخی انتظار کامشان را آزار می دهد و همیشه آمادهی ظهور شما می باشند، نیستم، (۱) ولی بالاخره

۱- حدیث ۱: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: کسانی که در زمان غیبت او (در اعتقاد به وجود او ثابت قدم بمانند، از طلای سرخ کمیاب تر هستند. (کمال الدین: ص: ۲۸۷ ح: ۷) حدیث ۲: امام زین العابدین (علیه السلام) فرمودند: همانا مردمان زمان غیبت او (که به امامتش معتقد بوده و منتظر ظهور او باشند بهترین مردمان خواهند بود، زیرا خداوند به اندازه ای به آنان فهم و عقل عطا فرموده که غیبت در نظر آنان بمنزلهی مشاهده است، و مردم آن زمان مانند کسانی که در مقابل پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به جهاد پرداخته باشند محسوب خواهند شد، آنها حقیقتاً بندگان خالص و شیعیان راستگو هستند و مردم را در نهان و آشکار به دین خداوند دعوت می کنند. (کمال الدین: ص: ۳۲۰ ح: ۲) حدیث ۳: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: هر آنکه انتظار دوازدهمین آنان (اهل بیت (علیهم السلام)) را بکشد همچون کسی باشد که پیش رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) شمشیر کشیده و از آن حضرت دفاع کرده است. (کمال الدین: ص: ۳۳۴) حدیث ۴: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: خوشا بحال شیعیان قائم ما، آن کسانی که در غیبتش منتظر ظهور او هستند و در حال ظهورش نیز فرمانبردار اویند، آنان اولیای خدا هستند که نه خوفی بر آنهاست و نه اندوهگین می شوند. (کمال الدین: ص: ۳۵۷)

من هم در صف خریداران یوسفم و سرمایه ام کلاف نخی بیش نیست، پس مرا بپذیر و نامم را جزء منتظران خود ثبت نما.

در اینجا با قلبی خسته از هجران یار، از زبان امام صادق (علیه السلام) می گویم:

سیدی!

غَيْبُكَ نَفْتُ رُقَادِي وَضَيْقَتُ عَلَيَّ مَهَادِي وَابْتِرَت مَنِي رَاحَةَ فُوَادِي (۱)

آقای من!

غیبت تو خواب را از چشمانم ربوده است و بستر را بر من تنگ نموده

و آرامش را از قلبم گرفته است.

اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَأَيِّدْهُ بِالنُّصْرَةِ وَانصُرْ نَاصِرِيهِ وَاخْذُلْ خَاذِلِيهِ (۲)

خداوندا! در فرج او تعجیل فرما و او را پیروز گردان و یاری کنندگانش را یاری نموده و خوار کنندگانش را ذلیل نما.

۱- کمال الدین: ص: ۳۵۳.

۲- کمال الدین: ص: ۵۱۳.

اشعار

جان را مپس با غم هجران چه می کند؟

با تیغ تیز، پیکر عریان چه می کند؟

مستانه غمت می جت نمی خورد

سر گشته تو با سر و سامان چه می کند؟

بودیم خاک و با نگهت کیما شدیم

بنگر به ذره، مهر در خشان چه می کند!

از ابر لطف توست که سر سبز مانده ایم

در این کویر تف زده، باران چه می کند؟

پرسیده ای که دوست زد شمن چه می کشد؟

هیچ آگهی فراق تو با جان چه می کند؟

ای منتظر بیا و نظر کن که داغ هجر

با لاله های سوخته دامان چه می کند!

در حسرت تو در بدری شد نصیب خضر

ورنه به سیر کوه و بیابان چه می کند!

دست نیاز سوی تو دارد و گر نه نوح

با زورق شکسته به طوفان چه می کند!

از لوح دل نشوید اگر گرد معصیت

این حلقه های اشک به دامان چه می کند

افسوس که عمری پی اغیار دویدیم
از یار بماندیم و به مقصد نرسیدیم
سرمایه زکف رفت و تجارت نمودیم
جز حسرت و اندوه متاعی نخریدیم
ما تشنه لب اندر لب دریا متحیر
آبی بجز از خون دل خود نچشیدیم
ای بسته به زنجیر تو دلهای محبان
رحمی که در این بادیه بس رنج کشیدیم
رُ خسار تو در پرده نهانست و عیانست
بر هرچه نظر کردیم رُ خسار تو دیدیم
شاهها به تولّای تو در مهد غنودیم
با یاد لب لعل تو ما شیر مکیدیم
ای حجت حق پرده ز رُ خسار برافکن
کز هجر تو ما پیر هن صبر دریدیم
ای دست خدا دست برآور که زد شمن
بسی ظلم بدیدیم و بسی طعنه شنیدیم
شمشیر کجست راست کند قامت دین را
هم قامت ما را که ز هجر تو خمیدیم
شاهها ز فقیران دَرَت روی مگردان

بر در گهت افتاده به صد گونه امید یم

میرزا علی اکبر نوغانی

دلبرا دست امید من و دامان شما

سر ما و قدم سرو خرامان شما

خاک راه تو و مژگان من ار بگذارد

ناوک غمزه و یا خنجر مژگان شما

شمع آه من و رخساره ی چون لاله ی تو

چشم گریان من و غنچه ی خندان شما

لب لعل نمکین تو مکیدن حَظِّی است

که نه طالع شودم یار، نه احسان شما

رُویم از نرگس بیمار تو چون لیمو زرد

به نگرده مگر از سیب زنخندان شما

نه در این دایره سرگشته منم چون پرگار

چرخ سرگشته، چو گوئی است به چوگان شما

درد عشق تو نگارا، نپذیرد درمان

تا شوم از سر اخلاص به قربان شما

خضر را چشمه ی حیوان رود از یاد اگر

ز سرش رشحه ای از چشمه ی حیوان شما

عرش بلقیس نه شایسته ی فرش ره توست

آصف اندر صف اطفال دبستان شما

تَبَوِّدَ مَلِكُ سَلِيمَانَ هَمَّهٖ بِأَنَّ عِظْمَتَ

جلوه ای دید کلیم الله، از نور جمال

نغمه ای بود انا الله، ز بیابان شما

طائر سدره نشین را نرسد مرغ خیال

به حریم حرم شامخ الارکان شما

قاب قوسین که آخر قدم معرفت است

اولین مرحله ی رفرغ جولان شما

فیض روح القدس از مجلس انس تو و بس

نفخه ی صور، سفیری است ز دربان شما

گرچه خود قاسم الارزاق بود میکائیل

نیست در رتبه مگر ریزه خور خوان شما

لوح نفس از قلم عقل نمی گردد نقش

تا نباشد نَفَس مُنْشِی دیوان شما

هرچه در دفتر ملک است و کتاب ملکوت

قلم صُنْع، رقم کرده به عنوان شما

شده تا شام ابد، دامن آفاق چو روز

زده تا صبح ازل سر ز گریبان شما

چیست تورات ز فرقان شما، رمزی و بس

یک اشاره بُود انجیل، ز قرآن شما

هست هر سوره به تحقیق ز قرآن حکیم

آیه ی محکمه ای در صفت شأن شما

آستان تو بُود مرکز سلطان هما
قاف عنقاء قدم شرفه ی ایوان شما
مهر با شاهد بزم تو برابر نشود
مه فروزان بود از شمع شبستان شما
خسروا گر به مدیح تو سخن شیرین است
لیکن افسوس نه زینده و شایان شما
ای که در مکمن غیبی و حجاب ازلی
آه از حسرت روی مه تابان شما
بکن ای شاهد ما جلوه ای از بزم وصال
چند چون شمع بسوزیم ز هجران شما؟
مسند مصر حقیقت ز تو تا چند تهی؟
ای دو صد یوسف صدیق به فرمان شما
رَخش همت بکن ای شاه جوان بخت تو زین
تا شود زال فلک، چاکر میدان شما
زهره ی شیر فلک آب شود گر شنود
شیحه ی زهره جبین، توسن غُران شما
(مُفتقر) را نه عجب گر بنمایی تحسین
منم امروز در این مرحله حَسان شما
شیخ محمد حسین غروی اصفهانی (کمپانی)

در سری نیست که سودای سر کوی تو نیست
دل سودا زده را جز هوس روی تو نیست
سینه ی غمزده ای نیست که بی روی و ریا
هدف تیر کمانخانه ی ابروی تو نیست
جگری نیست که از سوز غمت نیست کباب
یا دلی تشنه ی لعل لب د لجوی تو نیست
عارفان را ز کمند تو گریزی نَبُود
دام این سلسله جز حلقه ی گیسوی تو نیست
نسخه ی دفتر حسن تو کتابی است مبین
ور بُد نکته ی سر بسته به جز موی تو نیست
ماه تابنده بُود بنده ی آن نور جبین
مهر ر خشنده به جز غُزه ی نیکوی تو نیست
خضر عمریست که سر گشته ی کوی تو بُود
چشمه ی نوش به جز قطره ای از جوی تو نیست
نیست شهری که ز آشوب تو غوغایی نیست
محفلی نیست که شوری ز هیاهوی تو نیست
(مُفتقر) در خم چو گان تو گویی، گویی است
چرخ با آن عظمت نیز به جز گوی تو نیست
شیخ محمّد حسین غروی اصفهانی (کمپانی)

به جرم آنکه عاشقم زمن کناره می کند

دچار درد عشق را به درد چاره می کند

به عرصه ای که یگه تاز حُسن او قدم زند

هزار رخنه در دل دو صد سواره می کند

فروغ روی او چنان زَند رَه خیال را

که عقل پیر ، پرده ی خیال پاره می کند

فدای ماه پاره ای شوم که تیر غمزه اش

دو نیمه مهر و ماه را به یک اشاره می کند

چو لاله داغم از غمش ولیک خوشدلَم که او

چو شمع ایستاده و مرا نظاره می کند

هر آنچه می کند به من نگار ماه روی من

نه چرخ کج روش، نه طالع و ستاره می کند

شب است روز تار من ز درد بشمار من

مگر بلای عشق را کسی شماره می کند؟!

ز سوز آه (مُفتقر) چرا حذر نمی کنی

مگر نه سوز او اثر به سنگ خاره می کند

شیخ محمّد حسین غروی اصفهانی (کُپانی)

متن های عربی

بسم الله الرحمن الرحيم

همانطور که در مقدمه نیز گفته شد، متن عربی روایات درج شده در پاورقیها را

برای روشن شدن صحت ترجمه و استدلال به آنها جهت دوستان علاقه مند

و اهل علم در اینجا بر اساس شماره‌ی پاورقی می آوریم.

(۲) ۱- نزهه الناظر و تنبيه خاطر ۹: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام): خُذُوا مِنْ كُلِّ عِلْمٍ أَرْوَاحَهُ، وَدَعُوا ظُرُوفَهُ؛ فَإِنَّ الْعِلْمَ كَثِيرٌ وَالْعُمُرُ قَصِيرٌ.

۲- الأصول الستة عشر ۱۲۴ ح ۱۱: عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: أُطْلِبُوا الْعِلْمَ مِنْ مَعْدِنِ الْعِلْمِ، وَإِيَّاكُمْ وَالْوَلَايَةَ؛ فَهُمْ الصِّدَّادُونَ عَنِ اللَّهِ.

۳- الاختصاص ۲۵۱: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): إِنَّ الرِّئَاسَةَ لَا تَصِلُحُ إِلَّا لِأَهْلِهَا، فَمَنْ دَعَا النَّاسَ إِلَى نَفْسِهِ وَ فِيهِمْ مَنْ هُوَ أَعْلَمُ مِنْهُ لَمْ يَنْظُرِ اللَّهُ إِلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

(۳) ۱- بصائر الدرجات ۵۱ ح ۱: عَنْ بُرَيْدِ الْعَجَلِيِّ، قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (عليه السلام) عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: {يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ}؟ قَالَ: إِيَّانَا عَنِّي.

۲- من لا يحضره الفقيه ۲/۶۱۲: فِي الزِّيَارَةِ الْجَامِعَةِ: اللَّازِمُ لَكُمْ لِاحِقٌ ...، وَضَلَّ مَنْ فَارَقَكُمْ، وَفَازَ مَنْ تَمَسَّكَ بِكُمْ.

۳- مشارق أنوار اليقين ۵۷: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): فِينَا طَرِيقُ النَّجَاهِ.

(۴) ۱- الغيبة للطوسي ۳۸۷ ح ۳۵۱: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام): إِذَا أَرَادَ اللَّهُ أَمْرًا عَرَضَهُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) وَ سَأَلَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) وَسَائِرَ الْأَئِمَّةِ وَاحِدًا بَعْدَ وَاحِدٍ إِلَى أَنْ يَنْتَهِيَ إِلَى صَاحِبِ الزَّمَانِ (عليه السلام) ثُمَّ يَخْرُجُ إِلَى الدُّنْيَا، وَإِذَا أَرَادَ الْمَلَائِكَةُ أَنْ يَرْفَعُوا إِلَى اللَّهِ (عزوجل) عَمَلًا عَرَضَ عَلَى صَاحِبِ الزَّمَانِ (عليه السلام)، ثُمَّ يَخْرُجُ عَلَى وَاحِدٍ بَعْدَ وَاحِدٍ إِلَى أَنْ يَعْزِضَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم)، ثُمَّ يَعْزِضُ عَلَى اللَّهِ (عزوجل)، فَمِمَّا نَزَلَ مِنَ اللَّهِ فَعَلَى أَيْدِيهِمْ، وَمَا عَرَجَ إِلَى اللَّهِ فَعَلَى أَيْدِيهِمْ.

۲- المزار للمشهدي ۵۷۹: فِي دُعَاءِ النُّدْبَةِ: أَيْنَ السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ.

(۵) ۱- مشارق أنوار اليقين ۵۸: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): نَحْنُ يَنَابِيعُ النِّعَمَةِ.

٢- مشارق أنوار اليقين ٤٧: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: كُلَّمَا خَرَجَ إِلَى أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَمَنَّا وَعَنَّا.

(٦) المزار للمشهدي ٥٨٧: زيارته (عجل الله تعالى فرجه الشريف) في السرداب: إِنَّكَ خَازِنُ كُلِّ عِلْمٍ.

(٧) من لا يحضره الفقيه ٢/٦١٠: في الزيارة الجامعة: السَّلَامُ عَلَيَّ وَرَثَةِ الْأَنْبِيَاءِ، وَمِيرَاتِ التُّبُوهُ عِنْدَكُمْ، وَعِنْدَكُمْ مَا نَزَلَتْ بِهِ رُسُلُهُ.

(٨) ١- بحار الأنوار ٢٦/٢٥٩ ح ٣٦: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: نَحْنُ عَلَهُ الْوُجُودُ.

٢- بحار الأنوار ٢٥/١٩ ح ٣١: قَالَ الْبَاقِرُ (عليه السلام): قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: مَنْ أَجْلَكُمُ ابْتَدَأْتُ خَلْقَ مَا خَلَقْتُ.

٣- مشارق أنوار اليقين ٢٣٦: قَالَ الصَّادِقُ (عليه السلام): قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: خَلَقْتُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ لِأَجْلِهِمْ.

(٩) ١- من لا يحضره الفقيه ٢/٦١٦: فِي الزِّيَارَةِ الْجَامِعَةِ: إِنَّ ذِكْرَ الْخَيْرِ كُنْتُمْ أَوْلَاهُ وَأَصْلُهُ وَفِرْعَاهُ وَمَعْدَنُهُ وَمَأْوَاهُ وَمُنْتَهَاهُ.

٢- الاحتجاج ١/٤١٦: قَالَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ (عليه السلام): نَحْنُ أَهْلُ بَيْتِ الرَّحْمَةِ وَمَعْدَنُ الْكِرَامَةِ وَمَوْضِعُ الْخَيْرِ.

(١٠) المحتضر ٢٢٧ ح ٢٩٦: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: إِنَّ الْإِمَامَ وَكَرَّ لِإِرَادَةِ اللَّهِ.

(١١) كمال الدين ٣٦١ ح ٤: عَنْ دَاوُدَ بْنِ كَثِيرٍ، قَالَ: سَيَأْتِي أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى (عليه السلام) عَنْ صِيَّاحٍ هَذَا الْأَمْرُ؟ قَالَ: هُوَ الطَّرِيدُ (خ ل: الشَّيْءُ، الْفَرِيدُ) الْوَحِيدُ الْغَرِيبُ الْغَائِبُ عَنْ أَهْلِهِ الْمُؤْتَوِّرُ بِأَبِيهِ (عليه السلام).

(١٢) من لا يحضره الفقيه ٤/١٧٩ ح ٥٤٠٦: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): الْأَيْمَةُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ، أَوْلَاهُمْ: عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ، وَآخِرُهُمْ: الْقَائِمُ.

(١٣) ١- المزار للمشهدي ٥٨٧: زيارته (عجل الله تعالى فرجه الشريف): السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّجَةَ اللَّهِ عَلَيَّ مَنْ فِي الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ الْحُجَّجَةُ عَلَيَّ مَنْ مَضَى وَمَنْ بَقِيَ.

٢- من لا يحضره الفقيه ٢/٦٠٩: فِي الزِّيَارَةِ الْجَامِعَةِ: السَّلَامُ عَلَيَّ حُجَّجِ اللَّهِ عَلَيَّ أَهْلِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَالْأَوْلَى، وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ حُجَّجًا عَلَيَّ بَرِيَّتِهِ.

(١٤) ١- الإرشاد ٢/٣٣٩: كَانَ مَوْلَدُهُ (عليه السلام) لَيْلَةَ النَّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ سِنَةَ خَمْسٍ وَخَمْسِينَ وَمِائَتَيْنِ وَأُمُّهُ أُمُّ وَلَدٍ يُقَالُ لَهَا: نَرْجِسُ، وَكَانَ سَنُهُ عِنْدَ وَفَاةِ أَبِيهِ خَمْسُ سِنِينَ.

٢- الهداية الكبرى ٣٦٠: عَنْ أَبِي حَمَزَةَ الثَّمَالِيِّ، قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرِ الْبَاقِرِ (عليه السلام) الْمَهْدِيُّ، بَكَمُ يَبْلُغُ، قَالَ: إِنَّ اللَّهَ بَعَثَ عِيسَى بْنَ مَرْيَمَ بُبُوهُ وَرِسَالَهُ وَكِتَابَ وَشَرِيْعَهُ وَلَهُ سِتَّتَانِ، وَمَا يَضُرُّ الْإِمَامَ صَعْرُ سَنِهِ، وَقَدْ قَامَ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ (عليه السلام) بِالرِّسَالَةِ وَلَهُ ثَلَاثُ سِنِينَ وَتَكَلَّمَ بِالْمَهْدِ وَأُوتِيَ الْكِتَابَ وَالتُّبُوهُ بِثَلَاثَةِ أَيَّامٍ.

(١٥) ١- كمال الدين ٤١٦ ح ٩: هشامُ بنُ سالمٍ، قال: قُلْتُ لِلصَّادِقِ (صلوات الله عليه): هَلْ يَكُونُ إِمَامًا فِي وَقْتٍ؟ قَالَ: لَا إِلَّا أَنْ يَكُونَ أَحَدُهُمَا صَامِتًا مَأْمُومًا لِصَاحِبِهِ وَ الْآخَرُ نَاطِقًا إِمَامًا لِصَاحِبِهِ.

٢- كمال الدين ٤٣٠ ح ٥: عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ (عليهما السلام): لَوْ أُذِنَ لَنَا فِي الْكَلَامِ لَزَالَ الشُّكُّ.

(١٦) الإرشاد ٢/٣٤٨: عَنْ عَمْرِو الْأَهْوَازِيِّ، قَالَ: أَرَانِي أَبُو مُحَمَّدٍ ابْنَهُ (عليهما السلام) وَقَالَ: هَذَا صَاحِبُكُمْ بَعْدِي.

(١٧) كمال الدين ٣٢٣ ح ٨: عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ (عليهما السلام) قَالَ: إِنَّ لِلْقَائِمِ مَنَا غَيْبَتَيْنِ: إِحْدَاهُمَا أَطْوَلُ مِنَ الْآخَرَى.

(١٨) الخرائج والجرائح ٢/٩٤٣: إِنَّ أَصِيحَابَ الْكَهْفِ لَمَّا فَرَّوْا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى، وَخَرَجُوا مِنْ عِنْدِ دَقْيَانُوسَ وَأَوْوُوا إِلَى الْغَارِ، رَكِبَ الْمَلِكُ مَعَ جَمَاعَةٍ خَلْفَهُمْ، فَلَمَّا وَصَلُوا إِلَى بَابِ الْغَارِ، وَرَأَاهُمْ نِيَامًا فِيهِ، تَحَيَّرَ وَلَمْ يَتَعَرَّضْ لَهُمْ بِسُوءٍ، وَأَنْصَرَفُوا مَدْهُوشِينَ، فَكَذَلِكَ كَانَ صَاحِبُ الْأَمْرِ (عليه السلام) بَعِيدًا وَفَاهَ أَبِيهِ (عليه السلام) وَدَفَنَهُ خَرَجَ جَعْفَرُ الْكَذَّابُ إِلَى بَنِي الْعَبَّاسِ وَأَنْهَى خَبْرَهُ إِلَيْهِمْ، فَبَعَثُوا عَسَاكِرًا إِلَى سِيرِّ مَنْ رَأَى لِيَهْجُمُوا دَارَهُ وَيَقْتُلُوا مَنْ يَجِدُونَهُ فِيهَا، وَيَأْتُونَهُ بِرَأْسِهِ، فَلَمَّا دَخَلُوهَا وَجَدُوهُ (عليه السلام) فِي آخِرِ السَّرْدَابِ قَائِمًا يُصَلِّي عَلَى حَصِيرٍ عَلَى الْمَاءِ، وَقُدَّامَهُمْ أَيْضًا كَأَنَّهُ بَحْرٌ لِكَثْرَةِ الْمَاءِ فِي السَّرْدَابِ، فَلَمَّا رَأَوْا ذَلِكَ يَسُؤُوا مِنَ الْوُصُولِ إِلَيْهِ، وَأَنْصَرَفُوا مَدْهُوشِينَ إِلَى الْخَلِيفَةِ فَأَمَرَهُمْ بِكَتْمَانِ ذَلِكَ، ثُمَّ بَعَثَ بَعْدَ ذَلِكَ عَسَاكِرًا أَكْثَرَ مِنَ الْأَوَّلِ، فَلَمَّا دَخَلُوا الدَّارَ سَمِعُوا مِنَ السَّرْدَابِ قِرَاءَةَ الْقُرْآنِ، فَمَا جْتَمَعُوا عَلَى بَابِهِ حَتَّى لَا يَصِدَّ عَدُوٌّ، فَخَرَجَ مِنْ حَيْثُ الْآنَ عَلَيْهِ شَبَكَةٌ وَخَرَجَ وَأَمِيرُهُمْ قَائِمٌ، فَلَمَّا غَابَ قَالَ: أَنْزِلُوا وَخُذُوهُ، فَقَالُوا: إِنَّهُ مَرَّ عَلَيْكَ وَمَا أَمَرْتَ بِأَخْذِهِ، فَقَالَ: مَا رَأَيْتُهُ، فَاَنْصَرَفُوا خَائِبِينَ. وَخَرَجَ إِلَيْهِ الْعَسَاكِرُ مَرَّةً أُخْرَى، فَوَجَدُوهُ فِي آخِرِ السَّرْدَابِ، فَوَضَعَ يَدَهُ (عليه السلام) عَلَى الْجِدَارِ وَشَقَّهُ، وَخَرَجَ مِنْهُ، وَأَثَرُ الشَّقِّ بَعْدُ ظَاهِرٌ فِيهِ.

(١٩) ١- الهداية الكبرى ٣٦٤: عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا (عليه السلام) قَالَ: إِذَا رُفِعَ عَالَمُكُمْ وَغَابَ مِنْ بَيْنِ أَظْهَرِكُمْ، فَتَوَقَّعُوا الْفَرَجَ الْأَعْظَمَ مِنْ تَحْتِ أَقْدَامِكُمْ.

٢- مصباح المتهجد ٤١١: الدُّعَاءُ فِي غَيْبِهِ الْقَائِمِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ (عليهم السلام): اللَّهُمَّ ثَبِّتْنِي عَلَى طَاعَتِهِ وَلِي أَمْرَكَ الَّذِي سَتَرْتَهُ عَنْ خَلْقِكَ، فَيَا ذَنْكَ غَابَ عَنْ بَرِّيَّتِكَ.

(٢٠) علل الشرائع ١/٢٤٥ ح ٨: عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْفَضْلِ الْهَاشِمِيِّ، قَالَ: سَمِعْتُ الصَّادِقَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ (عليه السلام) يَقُولُ: وَجْهُ الْحُكْمَةِ فِي غَيْبَتِهِ، وَجْهُ الْحُكْمَةِ فِي غَيْبَاتِ مَنْ تَقَدَّمَ مِنْ حُرَجِ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ، إِنَّ وَجْهَ الْحُكْمَةِ فِي ذَلِكَ لَا يَنْكَشِفُ إِلَّا بَعْدَ ظُهُورِهِ كَمَا لَا يَنْكَشِفُ وَجْهُ الْحُكْمَةِ لَمَّا أَتَاهُ الْخَضِرُ (عليه السلام) مِنْ خَرَقِ السِّفِينَةِ وَقَتْلِ الْغُلَامِ وَإِقَامِهِ

الجَدَارِ لِمُوسَى (عليه السلام) إِلَّا- وَقَّتْ افْتِرَاقَهُمَا، يَا بَنَ الْفَضْلِ! إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ أَمْرٌ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ وَسِرٌّ مِنْ اللَّهِ وَغَيْبٌ مِنْ غَيْبِ اللَّهِ وَمَتَى عَلِمْنَا أَنَّهُ (عزوجل) حَكِيمٌ صَدَقْنَا بِأَنَّ أَفْعَالَهُ كُلَّهَا حَكْمَةٌ وَإِنْ كَانَ وَجْهَهَا غَيْرَ مُنْكَشِفٍ لَنَا.

(٢١) ١- المزار للمشهدي ٥٨١: في دُعَاءِ التُّدْبَةِ: بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُعْتَبِرٍ لَمْ يَحُلْ مَنَّا.

٢- مشارق أنوار اليقين ٢٥٥: عَنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) قَالَ: غَائِبْنَا إِذَا غَابَ لَمْ يَغِبْ.

(٢٢) كمال الدين ١٤٤ ح ١١: عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: مَا تُتَكَرَّرُ هَذِهِ الْأُمَّةُ أَنْ يَكُونَ اللَّهُ يَفْعَلُ بِحُجَّتِهِ مَا فَعَلَ بِيُوسُفَ أَنْ يَكُونَ يَسِيرٌ فِيمَا بَيْنَهُمْ وَيَمْشِي فِي أَسْوَاقِهِمْ وَيَطَأُ بُسْطَهُمْ وَهُمْ لَا يَعْرِفُونَهُ حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ (عزوجل) لَهُ أَنْ يُعْرِفَهُمْ نَفْسَهُ كَمَا أَدْنَى لِيُوسُفَ.

(٢٣) ١- مصباح المتهجد ٤٠٩: إِنَّ الرِّضَا (عليه السلام) كَانَ يَأْمُرُ بِالدُّعَاءِ لِصَاحِبِ الْأَمْرِ بِهَذَا: اللَّهُمَّ اذْفَعْ عَنِّي وَلِيكَ ...، وَعَيْنِكَ النَّظَرَ بِأَذْنِكَ، وَشَاهِدَكَ عَلَى عِبَادِكَ.

٢- مشارق أنوار اليقين ١٧٤: عَنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) قَالَ: الْمُطَّلِعُ عَلَى الْغُيُوبِ ...، السَّيِّمَاتُ وَالْأَرْضُ عِنْدَ الْإِمَامِ مِنْهُمْ، كَيْدِهِ مِنْ رَاحَتِهِ يَعْلَمُ ظَاهِرَهَا مِنْ بَاطِنِهَا وَيَعْلَمُ بَرَّهَا مِنْ فَاجِرِهَا وَرَطْبَهَا مِنْ يَابِسِهَا.

٣- الهداية الكبرى ١٧٠: عَنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) قَالَ: الْإِمَامُ يَرَى الْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا، وَلَا يَخْفَى عَلَيْهِ مِنْ أَعْمَالِهِمْ شَيْءٌ.

٤- بصائر الدرجات ٤٦٣ ح ٨: عَنِ أَبِي الْحَسَنِ (عليه السلام) قَالَ: إِنَّمَا مَنَزَلَهُ الْإِمَامُ فِي الْأَرْضِ بِمَنَزَلَةِ الْقَمَرِ فِي السَّمَاءِ وَفِي مَوْضِعِهِ هُوَ مُطَّلِعٌ عَلَى جَمِيعِ الْأَشْيَاءِ كُلِّهَا.

(٢٥) كمال الدين ٣٢٤ ح ٩: قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ (عليهما السلام): مَنْ كَانَ يَعْمَلُ بِالْقِيَاسِ وَالرَّأْيِ هَلَكَ.

(٢٦) الدرّ النظيم ٧٧٠: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): نَحْنُ أَهْلُ الْبَيْتِ، لَا نُقَاسُ بِأَحَدٍ، وَلَا يُقَاسُ بِنَا أَحَدٌ.

(٢٨) الاحتجاج ١/٢٩: عَنِ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ الْعَسِيكَرِيِّ (عليهما السلام): {قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ} يَعْنِي: قُلْ لَهُمْ: أَنَا فِي الْبَشَرِيَّةِ مِثْلُكُمْ وَلَكِنْ رَبِّي خَصَّنِي بِالتُّبُوَّةِ دُونَكُمْ.

(٢٩) ١- بحار الأنوار ٩٩/١٠١: زِيَارَةُ أُخْرَى لَهُ (عجل الله تعالى فرجه الشريف): الدَّاعِي إِلَى سَبِيلِكَ، وَالْمُنْتَظَرُ لِأَذْنِكَ.

٢- من لا يحضره الفقيه ٢/٦٠٩: فِي الزِّيَارَةِ الْجَامِعَةِ: السَّلَامُ عَلَى الدُّعَاةِ إِلَى اللَّهِ وَالْأَدْلَاءِ عَلَى مَرْضَاهِ اللَّهِ، وَالْمُظْهِرِينَ لِأَمْرِ اللَّهِ وَنَهْيِهِ، وَعِيَادَةَ الْمُكْرَمِينَ الَّذِينَ لَا يَسْتَبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ، الْمُطِيعُونَ لِلَّهِ، الْقَوَامُونَ بِأَمْرِهِ، الْعَامِلُونَ بِإِرَادَتِهِ، وَبِأَمْرِهِ تَعْمَلُونَ، وَإِلَى سَبِيلِهِ تُرْشِدُونَ، وَبِقَوْلِهِ تَحْكُمُونَ.

٣- الهدايه الكبرى ٢٣٠: عَنِ الْبَاقِرِ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ: نَحْنُ نَفْعَلُ بِإِذْنِهِ مَا نَشَاءُ، وَنَحْنُ لَا نَشَاءُ إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ.

(٣٠) الغيبة للنعماني ٣٢٦ ح ٣: قَالَ: أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام): إِذَا أذَنَ الْإِمَامُ دَعَا اللَّهَ بِاسْمِهِ الْعَبْرَانِي الْأَكْبَرُ، فَأَتِيحَتْ لَهُ أَصْحَابُهُ الثَّلَاثُمِائَةِ وَثَلَاثَةَ عَشَرَ قَرْعَ كَقَرْعِ الْخَرِيفِ وَهُمْ أَصْحَابُ الْأَلْوِيَةِ، وَمِنْهُمْ مَنْ يُفْقَدُ عَنْ فِرَاشِهِ لَيْلًا فَيُصْبِحُ بِمَكَهٍ وَمِنْهُمْ مَنْ يُرَى يَسِيرًا فِي السَّحَابِ نَهَارًا.

(٣١) مصباح المتهجد ٤١١: الدُّعَاءُ فِي غَيْبَةِ الْقَائِمِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ (عليهم السلام): وَأَمْرَكَ يَنْتَظِرُ...، اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ أَنْ تَأْذَنَ لَوْلِيِّكَ فِي إِظْهَارِ عَدْلِكَ فِي عِبَادِكَ.

(٣٢) كمال الدين ٣٣٠ ح ١٦: عَنِ الْبَاقِرِ (عليه السلام) قَالَ: يُبْلَغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ.

(٣٣) كمال الدين ١٤٤ ح ١١: عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: مَا تُتَكْرَهُ هَذِهِ الْأُمَّةُ أَنْ يَكُونَ اللَّهُ يَفْعَلُ بِحُجَّتِهِ مَا فَعَلَ بِيُوسُفَ، أَنْ يَكُونَ يَسِيرٌ فِيمَا بَيْنَهُمْ وَيَمْشَى فِي أَسْوَاقِهِمْ وَيَطَأُ بِسَطْحِهِمْ وَهُمْ لَا يَعْرِفُونَهُ حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ (عز وجل) لَهُ أَنْ يُعْرِفَهُمْ نَفْسَهُ كَمَا أذَنَ لِيُوسُفَ.

(٣٥) دلائل الإمامة ٥٥٠: فِي الدُّعَاءِ لَهُ (عجل الله تعالى فرجه الشريف): صَلِّ عَلَيَّ وَلِيَّكَ الْمُحْيِي سُنَّتِكَ، الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ.

(٣٦) ١- بحار الأنوار ٥٢/٣٠٧ ح ٨٢: عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: رَجَالٌ كَأَنَّ قُلُوبَهُمْ زُبُرُ الْحَدِيدِ، هُمْ أَطْوَعُ لَهُ مِنَ الْأُمَّةِ لَسِيدَهَا.

٢- كمال الدين ٢٦٤ ح ١١: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): يَجْمَعُ اللَّهُ لَهُ مِنْ أَقْصَى الْبِلَادِ عَلَيَّ عِيدًا أَهْلُ يَدْرِ ثَلَاثُمِائَةٍ وَثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا...، كَرَّارُونَ، مُجْدُونَ فِي طَاعَتِهِ.

٣- المناقب آل أبي طالب ٣/٣٦٢: عَنِ مِيَامُونِ الرَّقِيِّ، قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ سَيِّدِي الصَّادِقِ (عليه السلام) إِذْ دَخَلَ سَيْهَلُ بْنُ الْحَسَنِ الْخُرَاسَانِيَّ فَسَلَّمَ عَلَيْهِ ثُمَّ جَلَسَ فَقَالَ لَهُ: يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ! لَكُمْ الرَّأْفَةُ وَالرَّحْمَةُ وَأَنْتُمْ أَهْلُ بَيْتِ الْإِمَامَةِ، مِمَّا الَّذِي يَمْنَعُكَ أَنْ يَكُونَ لَكَ حَقٌّ تَقَعُدُ عَنْهُ وَأَنْتَ تَجِدُ مِنْ شِيعَتِكَ مِائَةَ أَلْفٍ يَضْرِبُونَ بَيْنَ يَدَيْكَ بِالسَّيْفِ؟.

فَقَالَ (عليه السلام) لَهُ: اجْلِسْ يَا خُرَاسَانِي! رَعَى اللَّهُ حَقَّكَ، ثُمَّ قَالَ: يَا حَنِيفَهُ! اسْجُرِي التَّنُورَ فَسَجِّرْتَهُ حَتَّى صَارَ كَالْجَمْرَةِ وَابْيَضَ عُلُوُّهُ، ثُمَّ قَالَ: يَا خُرَاسَانِي! قُمْ فَاجْلِسْ فِي التَّنُورِ، فَقَالَ الْخُرَاسَانِي: يَا سَيِّدِي! يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ! لَا تُعِدُّنِي بِالنَّارِ أَقْلَنِي أَفَأَلْكَ اللَّهُ قَالَ قَدْ أَقْلَنْتَكَ، فَبَيْنَمَا نَحْنُ كَذَلِكَ إِذْ أَقْبَلَ هَارُونُ الْمَكِّيُّ وَنَعَلُهُ فِي سَبَابَتِهِ، فَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ! فَقَالَ لَهُ الصَّادِقُ (عليه السلام): أَلْقِ النَّعْلَ مِنْ يَدِكَ وَاجْلِسْ فِي التَّنُورِ، قَالَ: فَأَلْقَى النَّعْلَ مِنْ سَبَابَتِهِ ثُمَّ جَلَسَ فِي التَّنُورِ وَأَقْبَلَ الْإِمَامَ (عليه السلام) يُحَدِّثُ الْخُرَاسَانِيَّ حَدِيثَ خُرَاسَانَ حَتَّى كَانَتْهُ شَاهِدًا لَهَا.

ثُمَّ قَالَ: قُمْ يَا خُرَاسَانِي! وَأَنْظُرْ مَا فِي التَّنُورِ؟ قَالَ: فَقُمْتُ إِلَيْهِ فَرَأَيْتُهُ مُتَرَبِّعًا فَخَرَجَ إِلَيْنَا وَسَلَّمَ عَلَيْنَا، فَقَالَ لَهُ الْإِمَامُ (عليه السلام): كَمْ تَجِدُ بِخُرَاسَانَ مِثْلَ هَذَا؟ فَقَالَ: وَاللَّهِ وَلَا وَاحِدًا، فَقَالَ (عليه السلام): لَا وَاللَّهِ وَلَا وَاحِدًا، فَقَالَ: أَمَا إِنَّا لَا نَخْرُجُ فِي زَمَانٍ لَا نَجِدُ فِيهِ خَمْسَةَ مُعَاضِدِينَ،

لَنَا نَحْنُ أَعْلَمُ بِالْوَقْتِ.

(٣٧) بحار الأنوار ٥٢/٣٠٧ ح ٨٢: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: رَجُلٌ يَتَمَسَّحُونَ بِسَرِّجِ الْإِمَامِ (عليه السلام) يَطْلُبُونَ بِذَلِكَ الْبَرَكَةَ وَيَحْفُونَ بِهِ يَقُونَهُ، بَأَنْفُسِهِمْ فِي الْحُرُوبِ وَيَكْفُونَهُ مَا يُرِيدُ فِيهِمْ، هُمْ أَطْوَعُ لَهُ مِنَ الْأَمَةِ لَسَيِّدِهَا.

(٣٨) كمال الدين ٣٣٠ ح ١٦: عَنْ الْبَاقِرِ (عليه السلام) قَالَ: يُبَلِّغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ.

(٣٩) ١- الكافي ٥/١٦٢ ح ٤: عَنِ الصَّادِقِينَ (عليهما السلام) قَالَ: وَكَرَّرَ فِي لَيْلَةِ ثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ هَذَا الدُّعَاءَ سَاجِدًا وَقَائِمًا وَقَاعِدًا وَعَلَى كُلِّ حَالٍ وَفِي الشَّهْرِ كُلِّهِ وَكَيْفَ أَمَكَّنَكَ وَمَتَى حَضَرَكَ مِنْ دَهْرِكَ تَقُولُ بَعِيدَ تَمَجِيدِ اللَّهِ تَعَالَى وَالصَّلَاةِ عَلَى النَّبِيِّ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ: اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ الْحُجَّهَ بْنَ الْحَسَنِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَنَاصِرًا وَدَلِيلًا وَعَيْنًا حَتَّى تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَتُمَكِّنَهُ فِيهَا طَوِيلًا.

٢- كمال الدين ٢٥٤: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ثُمَّ لِأَدِيمِنَ مُلْكُهُ وَلِأَدَاوَلِنَ الْأَيَّامَ بَيْنَ أَوْلِيَائِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

(٤٠) كمال الدين ٢٨٦ ح ٢: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي وَهُوَ يَأْتُمُّ بِهِ فِي غَيْبَتِهِ قَبْلَ قِيَامِهِ وَيَتَوَلَّى أَوْلِيَائَهُ وَيُعَادِي أَعْدَاءَهُ.

(٤١) مصباح المتهجد ٨٠٣: فِي دُعَاءٍ فِي الْأَيَّامِ الرَّجَبِيَّةِ: اللَّهُمَّ لَا فَرْقَ بَيْنَكَ وَبَيْنَهَا إِلَّا أَنَّهُمْ عِبَادُكَ وَخَلْقُكَ فَتَقْتُلُهَا وَرَتَقْتَهَا بِيَدِكَ بِدُونِهَا مِنْكَ وَعَوْدُهَا إِلَيْكَ.

(٤٢) ١- المزار للمشهدي ٥٧٤: فِي دُعَاءِ النُّدْبَةِ: الَّذِينَ اسْتَخْلَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ وَدِينِكَ.

٢- بصائر الدرجات ٨٢ ح ١٠: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ: نَحْنُ صَفْوَتُهُ وَنَحْنُ خَيْرُهُ.

(٤٣) ١- من لا يحضره الفقيه ٢/٦١٥: فِي الزِّيَارَةِ الْجَامِعَةِ: آتَاكُمْ اللَّهُ مَا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ.

٢- اليقين ٣١٨: عَنِ أَبِي جَعْفَرٍ (صلوات الله عليه) قَالَ: هُمُ الْمُضِيِّ طِفْوُنَ بِسَرِّ اللَّهِ، اخْتِيَارَهُمُ اللَّهُ وَحَيَاةَهُمْ وَخَصَّيَهُمْ وَاصِيَةَ طِفْأَهُمْ وَفَضَّلَهُمْ وَارْتَضَاهُمْ وَانْتَجَبَهُمْ وَانْتَقَاهُمْ.

(٤٤) الأُمَالِي لِلْمَفِيدِ ٥٩ ح ٤: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: وَاللَّهِ مَا نَقُولُ بِأَهْوَاتِنَا وَلَا نَعْمَلُ بِأَرَائِنَا، وَلَا نَقُولُ إِلَّا مَا قَالَ رَبُّنَا (عز وجل).

(٤٥) بحار الأنوار ٢٦/٧: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (صلوات الله عليه): الْوَيْلُ كُلُّ الْوَيْلِ! لِمَنْ أَنْكَرَ فَضْلَنَا وَخُصُوصِيَّتَنَا وَمَا أَعْطَانَا اللَّهُ رَبُّنَا؛ لِأَنَّ مَنْ أَنْكَرَ شَيْئًا مِمَّا أَعْطَانَا اللَّهُ فَقَدْ أَنْكَرَ قُدْرَةَ اللَّهِ (عز وجل) وَمَشِيَّتَهُ فِينَا.

(٤٦) ١- الكافي ١/١٩٨ ح ١: عَنِ الْإِمَامِ الرَّضَا (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ: الْإِمَامُ كَالشَّمْسِ الطَّالِعَةِ الْمُجَلَّلَةِ بِنُورِهَا لِلْعَالَمِ، وَهِيَ فِي الْأَفُقِ
بَحَيْثُ لَا تَنَالُهَا الْأَيْدِي وَالْأَبْصَارُ... ، فَمَنْ ذَا الَّذِي يَبْلُغُ مَعْرِفَةَ

الإمام؟! أو يُمكنه اختباره؟! هيهات! هيهات! ضلّت العقول وتاهت الحُلوم وحارت الألباب وحسأت العيون وتصاغرت العظماء وتَحَيَّرت الحُكَماء وتَقاصَّرت الحُلَماء وحَصرت الخطباء وجهلت الألباء وكَلت الشُعراء وعَجَزت الأدبَاء وعَيَّبت البُلغَاء عن وصف شأنٍ من شأنه أو فضيله من فضائله وأقَرَّت بالعجز والتقصير، وكيف يوصف بأكله أو يُنعت بكنهه أو يُفهم شئ من أمره أو يوجِّد من يقوم مقامه ويُعنى غناه! لا، كيف؟! وأنى؟! وهو بحيث النجم من يد المتناولين ووصف الواصفين، فأين الاختيار من هَذَا؟! وأين العقول عن هَذَا؟! وأين يوجد مثل هَذَا؟! أتظنون أن ذلك يوجد في غير آل الرسول مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله وسلم)؟!.

٢- الكافي ٨/٢٦٨ ح ٣٩٤: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: مَا كَلَّمَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) الْعِبَادَ بِكُنْهٍ عَقْلِهِ.
(٤٧) تَأْوِيل الآيات ١/٣٩٧ ح ٢٧: عَنِ الْكَاظمِ (عليه السلام) قَالَ: أَقَامَهُمْ مَقَامَ نَفْسِهِ؛ لِأَنَّهُ لَا يَرَى وَلَا يُدْرِكُ وَلَا تُعْرَفُ كَيْفِيَّتُهُ وَلَا يُبَيِّنُهُ فَهؤلاء النَّاطِقُونَ الْمُبَلِّغُونَ عَنْهُ الْمُتَصَرِّفُونَ فِي أَمْرِهِ وَنَهْيِهِ فَبِهِمْ تَظْهَرُ قُدْرَتُهُ.
(٤٨) ١- المزار للمشهدي ٣٠٤: زيارَةُ أُخْرَى لَهُ (عليه السلام): السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَافِظَ سِرِّ اللَّهِ، وَمُمَضِي حُكْمِ اللَّهِ، وَمُجَلِّي إِرَادَةِ اللَّهِ، وَمَوْضِعَ مَشِيئَةِ اللَّهِ.

٢- المحتضر ٢٢٧ ح ٢٩٦: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: إِنَّ الْإِمَامَ وَكَرَّرَ لِإِرَادَةِ اللَّهِ (عزوجل)، لَا يَشَاءُ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ.
٣- الهدايه الكبرى ٢٢٦: عَنِ الْبَاقِرِ (عليه السلام) قَالَ: نَحْنُ نَفْعَلُ بِإِذْنِهِ مَا نَشَاءُ، وَنَحْنُ لَا نَشَاءُ إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ، وَإِذَا أَرَدْنَا أَرَادَ اللَّهُ.
(٤٩) ١- الكافي ١/٢٠٣ ح ٢: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: لَا يُنَالُ مَا عِنْدَ اللَّهِ إِلَّا بِجَهِّهِ أَسْبَابِهِ.
٢- بصائر الدَّرَجَات ٢٦ ح ٢: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام): أَبِي اللَّهِ أَنْ يُجْرِيَ الْأَشْيَاءَ إِلَّا بِالسَّبَابِ، ذَلِكَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَمٍ وَنَحْنُ.

(٥٠) ١- بحار الأنوار ٩٧/٢٠٧ ح ٨: زيارَةُ لَهُمْ (عليهم السلام): أَشْهَدُ أَنَّكُمْ الْأَعْلَامُ الَّتِي فَطَرَهَا لِإِرْشَادِ خَلِيقَتِهِ.
٢- الكافي ١/١٩٧ ح ٣: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ: لَا يَهْتَدِي هَادٍ إِلَّا بِهَيْدَاهُمْ وَلَا يَضِلُّ خَارِجٌ مِنَ الْهُدَى إِلَّا بِتَقْصِيرٍ عَنْ حَقِّهِمْ.
(٥١) ١- بحار الأنوار ٢٦/٢٥٩ ح ٣٦: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: نَحْنُ عَلَهُ الْوُجُودِ.

٢- المحتضر ١٣٦: عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) قَالَ: لِأَجْلِنَا خَلَقَ اللَّهُ (عزوجل) السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَالْعَرْشَ وَالْكَرْسِيَّ وَالْجَنَّةَ وَالنَّارَ.

(٥٢) الصحيفة السجادية ٢٦: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ لَنَا الْفَضِيلَةَ بِالْمَلَكَةِ عَلَى جَمِيعِ الْخَلْقِ، فَكُلُّ خَلْقِهِ مُتَقَادَةٌ لَنَا بِقُدْرَتِهِ، وَصَائِرُهُ إِلَى طَاعَتِنَا بَعْرَتِهِ.

(٥٣) ١- ثواب الأعمال ٩٦: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (صلوات الله عليه) قَالَ: مَا خَلَقَ اللَّهُ خَلْقًا أَكْثَرَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ.

٢- بصائر الدرجات ٨٧ ح ٤: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ: وَاللَّهِ إِنَّ فِي السَّمَاءِ لَسَبْعِينَ صِنْفًا مِنَ الْمَلَائِكَةِ لَوْ اجْتَمَعَ عَلَيْهِمْ أَهْلُ الْأَرْضِ كُلُّهُمْ يُحْصُونَ عَدَدَ صِنْفٍ مِنْهُمْ مَا أَحْصَوْهُمْ وَإِنَّهُمْ لَيَدِينُونَ بَوْلَايَتِنَا.

٣- بصائر الدرجات ٨٨ ح ٩: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَمَلَائِكَةُ اللَّهِ فِي السَّمَاوَاتِ أَكْثَرُ مِنْ عِدَدِ التُّرَابِ فِي الْأَرْضِ، وَمَا فِي السَّمَاءِ مَوْضِعٌ قَدِمَ إِلَّا وَفِيهَا مَلَكٌ يُقَدِّسُ لَهُ وَيُسَبِّحُ، وَلَا فِي الْأَرْضِ شَجَرَةٌ وَلَا مِثْلُ غُرُوزِهِ إِلَّا وَفِيهَا مَلَكٌ مُوَكَّلٌ بِهَا يَأْتِي كُلَّ يَوْمٍ بِعِلْمِهَا وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِهَا، وَمَا مِنْهُمْ أَحَدٌ إِلَّا وَيَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ فِي كُلِّ يَوْمٍ بَوْلَايَتِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَيَسْتَتَغْفِرُ لِمُحِبِّينَا وَيَلْعَنُ أَعْدَاءَنَا وَيَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يُرْسِلَ عَلَيْهِمْ مِنَ الْعَذَابِ إِرْسَالًا.

(٥٤) ١- مشارق أنوار اليقين ٣٤٣: قَالَ عَلِيُّ (عليه السلام): أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ مِنْ أَهْلِ سَمَاوَاتِهِ وَأَرْضِهِ، وَمَا فِي السَّمَاءِ مِنْ مَلَكٍ يَخْطُو قَدَمًا عَنْ قَدَمِ إِلَّا يَأْذُنِي.

٢- بحار الأنوار ٢٧/٣٦: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام): وَالَّذِي رَفَعَ السَّمَاءَ بِغَيْرِ عَمَدٍ لَوْ أَنَّ أَحَدَهُمْ رَامَ أَنْ يَزُولَ مِنْ مَكَانِهِ بِقَدْرِ نَفْسٍ وَاحِدٍ لَمَا زَالَ حَتَّى آذَنَ لَهُ، وَكَذَلِكَ يَصِيرُ حَالُ وَلَدِي الْحَسَنِ وَبَعْدَهُ الْحُسَيْنُ وَتَسَعُّهُ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ تَأْسَعُهُمْ قَائِمُهُمْ.

(٥٥) علل الشرائع ١/ ٥ ح ١: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله و سلم): إِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَخُدَامُنَا وَخُدَامُ مُحِبِّينَا.

(٥٦) الخرائج والجرائح ١/٢٩٥ ح ٢: قَالَ الصَّادِقُ (عليه السلام): يَا مَلَكَ الْمَوْتِ! قَالَ: لَيْتَيْكَ أُيُّهَا

الإمام! قَالَ: أَلَسْتَ أَمْرَتْ بِالسَّمْعِ وَالطَّاعَةِ لَنَا؟ قَالَ: بَلَى.

(٥٧) ١- مشارق أنوار اليقين ٢٣٦: قَالَ الصَّادِقُ (عليه السلام): قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: خَلَقْتُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ لِأَجْلِهِمْ.

٢- بحار الأنوار ٢٦/٣٤٩ ح ٢٣: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله و سلم): لَوْلَانَا لَمْ يَخْلُقِ اللَّهُ الْجَنَّةَ وَلَا النَّارَ وَلَا الْأَنْبِيَاءَ وَلَا الْمَلَائِكَةَ.

٣- عيون المعجزات ٦٩: قَالَ الْبَاقِرُ (عليه السلام): لَوْ لَا نَحْنُ لَمْ يَخْلُقِ اللَّهُ تَعَالَى سَمَاءً وَلَا أَرْضًا وَلَا جَنَّةً وَلَا نَارًا وَلَا شَمْسًا وَلَا قَمَرًا وَلَا جَنًّا وَلَا إِنْسًا.

(٥٨) الكافي ١/٤٠٨ ح ٢: قَالَ الصَّادِقُ (عليه السلام): الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا لِلَّهِ (تبارك و تعالی) وَلِرَسُولِهِ وَلَنَا.

(٥٩) ١- تأويل الآيات ٢/٨٥٢ ح ٨: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام): نَحْنُ الَّذِينَ أَنْقَذَ اللَّهُ النَّاسَ بِنَا مِنْ الضَّلَالَةِ.

٢- بحار الأنوار ٩٩/١٨٧: عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا (عليه السلام) قَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الدَّالُّونَ عَلَى الْهُدَى.

٣- بصائر الدرجات ٢٢٠ ح ٢: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: لَا يَهْتَدِي هَادٍ مِنْ ضَلَالِهِ إِلَّا بِهِمْ.

(٦٠) ١- كمال الدين وتمام النعمه ٢٦٠ ح ٥: عَنْ الْبَاقِر (عليهما السلام): بِهِمْ يَزُرُّكَ اللَّهُ عِبَادَهُ، وَبِهِمْ يَغْمَرُ بِلَادَهُ، وَبِهِمْ يُنْزَلُ الْقَطْرُ مِنَ السَّمَاءِ، وَبِهِمْ تُخْرَجُ بَرَكَاتُ الْأَرْضِ.

٢- مدينه المعاجز ٦/٤٧ ح ٢٦٦: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: لَوْلَانَا مَا اطَّرَدَتِ الْأَنْهَارُ وَلَا أَيْنَعَتِ الثَّمَارُ وَلَا اخْضَرَّتِ الْأَشْجَارُ.

(٦١) الاختصاص ٢٢٣: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله و سلم): بِهِمْ يُمَسِّكُ السَّمَاءُ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ.

(٦٢) كمال الدين ٤١٦ ح ٩: هَشَامُ بْنُ سَيَّالٍ، قَالَ: سَيَأْتِيكَ عَنِ الصَّادِقِ (عليه السلام) هَلْ يَكُونُ إِمَامًا فِي وَقْتٍ؟ قَالَ: لَا إِلَّا أَنْ يَكُونَ أَحَدُهُمَا صَامِتًا مَأْمُومًا لِصَاحِبِهِ وَالْآخَرُ نَاطِقًا إِمَامًا لِصَاحِبِهِ، وَأَمَّا أَنْ يَكُونَا إِمَامَيْنِ نَاطِقَيْنِ فِي وَقْتٍ وَاحِدٍ، فَلَا.

(٦٣) علل الشرائع ١/٩ ح ١: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: خَرَجَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ (عليهما السلام) عَلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ذِكْرُهُ مَا خَلَقَ الْعِبَادَ إِلَّا لِيَعْرِفُوهُ، فَإِذَا عَرَفُوهُ عَبْدُوهُ، فَإِذَا عَبْدُوهُ اسْتَعْتَبُوا بَعْبَادَتَهُ عَنْ عِبَادَةِ مَا سِوَاهُ، فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ! بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي فَمَا مَعْرِفَةُ اللَّهِ؟ قَالَ: مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامَهُمُ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ طَاعَتُهُ.

(٦٤) ١- بحار الأنوار ٩٩/٢٠٣: (الزِّيَارَةُ الثَّانِيَةَ عَشْرَةَ) : السَّلَامُ عَلَى غَايَةِ الْمُوجُودَاتِ.

٢- بحار الأنوار ٢٦/٢٥٩ ح ٣٦: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: نَحْنُ عِلَّةُ الْوُجُودِ.

(٦٥) ١- مشارق أنوار اليقين ١٧٧: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: الْإِمَامُ مَلَكُوتِي الدَّاتِ، إِلَهِي الصِّفَاتِ، وَأَنْتُمْ صِفَاتُ اللَّهِ وَصَفَوَاتُهُ.

٢- عيون أخبار الرضا (عليه السلام) ٢/٩ ح ١٣: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله و سلم) لَعَلِّي (صلوات الله عليه): أَنْتَ الْمَثَلُ الْأَعْلَى.

٣- تأويل الآيات ١/٣٩٧ ح ٢٧: عَنْ الْكَوَازِمِ (عليه السلام) قَالَ: أَقَامَهُمْ مَقَامَ نَفْسِهِ؛ لِأَنَّهُ لَا يُرَى وَلَا يُدْرَكُ وَلَا تُعْرَفُ كَيْفِيَّتُهُ وَلَا إِيَّتِيَّتُهُ.

(٦٦) الاحتجاج ٢/٣١٧: فِي زِيَارَةِ آلِ يَاسِينَ (عليهم السلام): يَا مَوْلَايَ! شَقِيٌّ مَنْ خَالَفَكَمْ وَسَعَدَ مَنْ أَطَاعَكُمْ.

(٦٧) بحار الأنوار ٢٥/١٧ ح ٣١: عَنْ الْبَاقِرِ (عليه السلام) قَالَ: أَوَّلُ مَا ابْتَدَأَ مِنْ خَلْقِ خَلْقِهِ أَنْ خَلَقَ مُحَمَّدًا وَخَلَقْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ ...، نَسَبُ اللَّهِ تَعَالَى وَنُقَدَّسُهُ وَنَحْمَدُهُ وَنَعْبُدُهُ حَقَّ عِبَادَتِهِ.

(٦٨) ١- الكافي ٤/٥٧٨ ح ٢: عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا (عليه السلام) قَالَ: مَنْ عَرَفَهُمْ فَقَدْ عَرَفَ اللَّهَ، وَمَنْ جَهِلَهُمْ فَقَدْ جَهِلَ اللَّهَ.

٢- تأويل الآيات ١/٣٩٧ ح ٢٧: عَنْ الْكَازِمِ (عليه السلام) قَالَ: لَوْلَاهُمْ مَا عُرِفَ اللَّهُ وَلَا يُدْرَى كَيْفَ

٣- بصائر الدرجات ٥١٦ ح ٦: عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ: نَحْنُ الْأَعْرَافُ الَّذِينَ لَا يُعْرِفُ اللَّهُ إِلَّا بِسَبِيلِ مَعْرِفَتِنَا.

(٦٩) راجع الهامش (٦٥).

(٧٠) قرب الإسناد ٣٣٦ ح ١٢٣٨: عَنْ أَبِي الْحَسَنِ (عَلَيْهِ السَّلَام): إِنَّ الْإِمَامَ بِمَنْزِلَةِ الْبَحْرِ، لَا يَنْفَدُ مَا عِنْدَهُ، وَعَجَائِبُهُ أَكْثَرُ مِنْ ذَلِكَ.

(٧١) تفسير الإمام العسكري (عليه السلام) ٣٠٨ ح ١٥٢: قَالَ رَجُلٌ لِامْرَأَتِهِ: اذْهَبِي إِلَى فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ فَاسْأَلِيهَا عَنِّي أَنِّي مِنْ شِيعَتِكُمْ أَمْ لَيْسَ مِنْ شِيعَتِكُمْ فَسَأَلَتْهَا، فَقَالَتْ: قُولِي لَهُ: إِنْ كُنْتَ تَعْمَلُ بِمَا أَمَرْنَاكَ وَتَنْتَهِي عَمَّا زَجَرْنَاكَ عَنْهُ فَأَنْتَ مِنْ شِيعَتِنَا وَإِلَّا فَلَا، فَرَجَعَتْ فَأَخْبَرَتْهُ فَقَالَ: يَا وَلِيِّي وَمَنْ يَنْفَكُ مِنَ الذُّنُوبِ وَالْخَطَايَا، فَأَنَا إِذَا خَالَدٌ فِي النَّارِ، فَإِنَّ مَنْ لَيْسَ مِنْ شِيعَتِهِمْ فَهُوَ خَالَدٌ فِي النَّارِ، فَرَجَعَتْ الْمَرْأَةُ فَقَالَتْ لِفَاطِمَةَ: مَا قَالَ زَوْجِيهَا.

فَقَالَتْ فَاطِمَةُ: قُولِي لَهُ: لَيْسَ هَكَذَا، شِيعَتُنَا مِنْ خِيَارِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَكُلُّ مُحِبِّينَا وَمُؤَالِي أَوْلِيَانِنَا وَمُعَادِي أَعْدَائِنَا وَالْمُسْلِمِ بِقَلْبِهِ وَلِسَانِهِ لَنَا لَيْسُوا مِنْ شِيعَتِنَا إِذَا خَالَفُوا أَوْامِرَنَا وَنَوَاهِينَا فِي سَائِرِ الْمُؤَبَقَاتِ وَهُمْ مَعَ ذَلِكَ فِي الْجَنَّةِ وَلَكِنْ بَعِيدٌ مَا يُطَهَّرُونَ مِنْ ذُنُوبِهِمْ بِالْبَلَايَا وَالرَّزَايَا أَوْ فِي عَرَصَاتِ الْقِيَامَةِ بِأَنْوَاعِ شِدَائِهَا أَوْ فِي الطَّبَقِ الْأَعْلَى مِنْ جَهَنَّمَ بَعْدَ بَابِهَا إِلَى أَنْ نَسْتَنْقِذَهُمْ بِحُبِّنَا مِنْهَا وَنَنْقَلِبَهُمْ إِلَى حَضْرَتِنَا.

(٧٢) بصائر الدرجات ٣٤ ح ٢: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ: إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ مِنْ طِينِهِ عَلَيْنِ وَخَلَقَ قُلُوبَهُمْ مِنْ طِينِهِ فَوْقَ ذَلِكَ وَخَلَقَ شِيعَتَهُمْ مِنْ طِينِهِ دُونَ عَلَيْنِ وَخَلَقَ قُلُوبَهُمْ مِنْ طِينِهِ عَلَيْنِ فَقُلُوبُ شِيعَتِنَا مِنْ أَيْدَانِ آلِ مُحَمَّدٍ.

(٧٣) ١- بحار الأنوار ٢٦/٢٥٩ ح ٣٦: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ: نَحْنُ عَلَهُ الْوُجُودِ.

٢- مشارق أنوار اليقين ٢٣٦: قَالَ الصَّادِقُ (عَلَيْهِ السَّلَام): قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: خَلَقْتُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ لِأَجْلِهِمْ.

(٧٤) إثبات الوصية ١٨٣: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ: جَعَلَهُمُ اللَّهُ حَيَاةً لِلْأَنَامِ.

(٧٧) ١- مختصر بصائر الدرجات ١٦٥: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): إِنَّ أُمَّتِي عُرِضَتْ عَلَيَّ عِنْدَ الْمِيثَاقِ فَكَانَ أَوَّلَ مَنْ آمَنَ بِي وَصَدَّقَنِي عَلَيَّ وَكَانَ أَوَّلَ مَنْ آمَنَ بِي وَصَدَّقَنِي حَيْثُ بُعِثْتُ فَهُوَ الصِّدِّيقُ الْأَكْبَرُ.

٢- الأمالى للمفيد ١١٣ ح ٦: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): إِنَّ اللَّهَ (عَزَّوَجَلَّ) خَلَقَ الْأَرْوَاحَ قَبْلَ الْأَجْسَامِ بِالْفَنَى عَامٌ وَعَلَّقَهَا بِالْعَرْشِ وَأَمَرَهَا بِالتَّسْلِيمِ عَلَيَّ وَالطَّاعَةَ لِي، وَكَانَ أَوَّلَ مَنْ سَلَّمَ عَلَيَّ وَأَطَاعَنِي مِنَ الرِّجَالِ رُوحَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَام).

٣- بصائر الدرجات ١٠٨ ح ٧: عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ: إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ الْأَرْوَاحَ قَبْلَ الْأَجْسَادِ بِالْفَنَى عَامٍ فَأَسْكَنَهَا الْهَوَاءَ، فَمَا تَعَارَفَ مِنْهَا هُنَاكَ ائْتَلَفَ فِي الدُّنْيَا وَمَا تَنَازَرَ مِنْهَا هُنَاكَ اِخْتَلَفَ فِي الدُّنْيَا.

٤- معانى الأخبار ١٠٨ ح ١: قَالَ: قَالَ أَبُو عَنَيْدٍ اللَّهُ (عَلَيْهِ السَّلَام): إِنَّ اللَّهَ (تَبَارَكَ وَتَعَالَى) خَلَقَ الْأَرْوَاحَ قَبْلَ الْأَجْسَادِ بِالْفَنَى عَامٍ، فَجَعَلَ أَعْلَاهَا وَأَشْرَفَهَا أَرْوَاحَ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالْحُسَيْنِ وَالْحُسَيْنِ وَالْأئِمَّةَ بَعْدَهُمْ □، فَعَرَضَهَا عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ، فَغَشِيَهَا نُورُهُمْ ...، فَأَيُّكُمْ يَحْمِلُهَا بِأَثْقَالِهَا وَيَدْعِيهَا لِنَفْسِهِ دُونَ خَيْرَاتِي، فَأَبَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَالْجِبَالُ أَنْ يَحْمِلْنَهَا.

(٧٨) ١- بصائر الدرجات ٩١ ح ٨: عَنْ أَبِي عَنَيْدٍ اللَّهُ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ: أَخْرَجَ اللَّهُ مِنْ ظَهْرِ آدَمَ ذُرِّيَّتَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، فَخَرَجُوا كَالذَّرِّ فَعَرَفَهُمْ نَفْسُهُ وَلَوْ لَا ذَلِكَ لَمْ يَعْرِفْ أَحَدٌ رَبَّهُ، ثُمَّ قَالَ (عزوجل): {أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ} وَإِنَّ هَذَا مُحَمَّدٌ رَسُولِي وَعَلِيٌّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ خَلِيفَتِي وَأَمِينِي.

٢- مشارق أنوار اليقين ٢٦٠: عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ: أَنَا أَخَذْتُ الْعَهْدَ عَلَى الْأَرْوَاحِ فِي الْأَزَلِ، أَنَا الْمُنَادِي لَهُمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ بِأَمْرِ قِيَوْمٍ لَمْ يَزَلْ، أَنَا كَلِمَةُ اللَّهِ النَّاطِقَةِ فِي خَلْقِهِ، أَنَا أَخَذْتُ الْعَهْدَ عَلَى جَمِيعِ الْخَلَائِقِ فِي الصَّلَوَاتِ.

٣- الكافي ١/٤٣٦ ح ١: كَانَ أَبُو جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) يَقُولُ: إِنَّ اللَّهَ أَخَذَ مِيثَاقَ شِيعَتِنَا بِالْوَلَايَةِ وَهُمْ ذُرِّيَّةُ يَوْمٍ أَخَذَ الْمِيثَاقَ عَلَى الذَّرِّ وَالْإِفْرَارِ لَهُ بِالرُّبُوبِيَّةِ وَلِمُحَمَّدٍ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) بِالرُّبُوبَةِ.

(٨٠) ١- علل الشرائع ١/١٤١ ح ٢: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ: مَنْ أَصِيبَ بِجِدِّ بَرْدٍ حُبْنَا عَلَى قَلْبِهِ فَلْيَحْمِدِ اللَّهَ عَلَى بَادِي النَّعَمِ، قِيلَ: وَمَا بَادِي النَّعَمِ؟ قَالَ: طِيبُ الْمَوْلِدِ.

٢- علل الشرائع ١/١٤١ ح ٣: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): يَا عَلِيُّ! مَنْ أَحَبَّنِي وَأَحَبَّكَ وَأَحَبَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ وُلْدِكَ فَلْيَحْمِدِ اللَّهَ عَلَى طِيبِ مَوْلَدِهِ، فَإِنَّهُ لَا يُحِبُّنَا إِلَّا مَنْ طَابَتْ وِلَادَتُهُ وَلَا يُبْغِضُنَا إِلَّا مَنْ حَبِئَتْ وِلَادَتُهُ.

٣- علل الشرائع ١/١٤٢ ح ٦: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): لَا يُبْغِضُكُمْ إِلَّا ثَلَاثَةٌ؛ وَلَدٌ زَنَّا وَمُنَافِقٌ وَمَنْ حَمَلَتْ بِهِ أُمُّهُ وَهِيَ حَائِضٌ.

(٨١) ١- بصائر الدرجات ١١٥ ح ٢٢: عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ (عَلَيْهِمَا السَّلَام): مَا مِنْ مَلِكٍ يُهْبِطُهُ اللَّهُ فِي أَمْرٍ إِلَّا بَدَأَ بِالْإِمَامِ فَعَرَضَ ذَلِكَ عَلَيْهِ.

٢- مشارق أنوار اليقين ٣٤٣: قَالَ عَلِيُّ (عَلَيْهِ السَّلَام): أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ مِنْ أَهْلِ سَمَاوَاتِهِ وَأَرْضِهِ، وَمَا فِي السَّمَاءِ مِنْ مَلِكٍ يَخْطُو قَدَمًا عَنْ قَدَمِ إِلَّا يَأْذُنِي.

(٨٢) الكافي ٦/١٣ ح ٤: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ: إِنَّ اللَّهَ (عزوجل) إِذَا أَرَادَ أَنْ يَخْلُقَ النُّطْفَةَ الَّتِي مِمَّا أَخَذَ عَلَيْهَا الْمِيثَاقَ فِي صُلبِ آدَمَ أَوْ مَا يَبْدُو لَهُ فِيهِ وَيَجْعَلُهَا فِي الرَّحِمِ حَرَّكَ الرَّجُلَ لِلْجَمَاعِ

وَأَوْحَى إِلَى الرَّحْمِ أَنْ افْتَحِي بَايِكَ حَتَّى يَلِجَ فِيكَ خَلْقِي وَقَضَائِي النَّافِذُ وَقَدْرِي، فَفَتَحَ الرَّحْمُ بَابَهَا فَتَصَلُّ النَّطْفَةَ إِلَى الرَّحْمِ فَتَرَدُّ فِيهِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا، ثُمَّ تَصِيرُ عَلَقَةً أَرْبَعِينَ يَوْمًا، ثُمَّ تَصِيرُ مُضَعَّةً أَرْبَعِينَ يَوْمًا ثُمَّ تَصِيرُ لَحْمًا تَجْرِي فِيهِ عُرُوقٌ مُسْتَبَكَّةٌ.

ثُمَّ يَبْعَثُ اللَّهُ مَلَكَينِ خَلَائِقِينَ يَخْلُقَانِ فِي الْأَرْحَامِ مِمَّا يَشَاءُ اللَّهُ فَيَقْتَحِمَانِ فِي بَطْنِ الْمَرْأَةِ مِنْ فَمِ الْمَرْأَةِ فَيَصْلَانِ إِلَى الرَّحْمِ وَفِيهَا الرُّوحُ الْقَدِيمَةُ الْمَنْقُولَةُ فِي أَضِلَابِ الرِّجَالِ وَأَرْحَامِ النِّسَاءِ فَيَنْفَخَانِ فِيهَا رُوحَ الْحَيَاةِ وَالْبَقَاءِ وَيَشُقَّانِ لَهُ السَّمْعَ وَالْبَصِيرَ وَجَمِيعَ الْجَوَارِحِ وَجَمِيعَ مَا فِي الْبَطْنِ بِإِذْنِ اللَّهِ، ثُمَّ يُوحَى اللَّهُ إِلَى الْمَلَكَينِ اكْتُبَا عَلَيْهِ قَضَائِي وَقَدْرِي وَنَافِذَ أَمْرِي وَاشْتَرَطَا لِي الْبَدَاءَ فِيمَا تَكْتَبَانِ، فَيَقُولَانِ: يَا رَبِّ! مَا نَكْتُبُ؟ فَيُوحَى اللَّهُ إِلَيْهِمَا أَنْ ارْفَعَا رُءُوسَيْكُمَا إِلَى رَأْسِ أُمِّهِ فَيَرْفَعَانِ رُءُوسَيْهِمَا فَإِذَا اللُّوحُ يَقْرَعُ جَبْهَةَ أُمِّهِ فَيَنْظُرَانِ فِيهِ فَيَجِدَانِ فِي اللُّوحِ صُورَتَهُ وَزِينَتَهُ وَأَجَلَهُ وَمِثَاقَهُ شَقِيئًا أَوْ سَعِيدًا وَجَمِيعَ شَأْنِهِ.

(٨٣) علل الشرائع ٢/٥٨٤ ح ٢٨: عَنِ الْمَفْضَلِ بْنِ عُمَرَ، قَالَ: سَأَلْتُ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) عَنِ الطِّفْلِ يَضْحَكُ مِنْ غَيْرِ عَجَبٍ وَيَبْكِي مِنْ غَيْرِ أَلَمٍ؟ فَقَالَ: يَا مَفْضَلُ! مَا مِنْ طِفْلٍ إِلَّا وَهُوَ يَرَى الْإِمَامَ وَيُنَاجِيهِ فَبَكَوُهُ لَغَيْبِهِ الْإِمَامِ عَنْهُ وَضَحْكُهُ إِذَا أَقْبَلَ عَلَيْهِ حَتَّى إِذَا أُطْلِقَ لِسَانُهُ أُغْلِقَ ذَلِكَ الْبَابُ عَنْهُ وَضُرِبَ عَلَى قَلْبِهِ بِالنِّسْيَانِ.

(٨٤) ١- المزار للمفيد ٧: عَنْ صَاحِبِ الزَّمَانِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَالَ: إِنَّا يُحِيطُ عَلَمُنَا بِأَنْبَاءِكُمْ وَلَا يَغْرُبُ عَنَّا شَيْءٌ مِنْ أَخْبَارِكُمْ.

٢- الاحتجاج ٢/٣٢٢: تَوَقَّعَهُ (عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفُ): إِنَّا غَيْرُ مُهْمَلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَلَا نَاسِينَ لَذِكْرِكُمْ.

(٨٤) المزار للمشهدي ٤٨٥: زِيَارَةُ مَوْلَايَ أَبِي عَبِيدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، زِيَارَةُ الشُّهَدَاءِ: فَلَنْتُ أَخَّرْتَنِي الدُّهُورُ وَعَاقَنِي عَنْ نَصِيرِكَ الْمَقْدُورُ وَلَمْ أَكُنْ لِمَنْ حَارَبَكَ مُحَارِبًا وَلَمْ يَنْصَبْ لَكَ الْعَدَاوَةَ مُنَاصِبًا، فَلَا تُدْبِنَنَّكَ صِيْبًا حَا وَمَسَاءً وَلَا بَكِينَ عَلَيْكَ بَدَلَ الدُّمُوعِ دَمًا؛ حَسْرَةً عَلَيْكَ وَتَأْسَفًا عَلَى مَا دَهَاكَ وَتَلَهْفًا حَتَّى أَمُوتَ بِلُوعَةِ الْمُصَابِ وَغُصَّةِ الْاِكْتِيَابِ.

(٨٧) تفسير العياشي ٢/٢٠٥ ح ١٦: عَنِ أَبِي عَبِيدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَالَ: مَا مِنْ عَبِيدٍ إِلَّا وَمَعَهُ مَلَكَانِ يَحْفَظَانِهِ، فَإِذَا جَاءَ الْأَمْرُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ خَلِيًا بَيْنَهُ وَبَيْنَ أَمْرِ اللَّهِ.

(٨٨) ١- كمال الدين وتمام النعمة ٢٦٠ ح ٥: عَنِ الْبَاقِرِ (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ): بِهِمْ يَزُوقُ اللَّهُ عِبَادَتَهُ، وَبِهِمْ يَعْمَرُ بِلَادَهُ، وَبِهِمْ يُنْزَلُ الْقَطْرُ مِنَ السَّمَاءِ، وَبِهِمْ تُخْرَجُ بَرَكَاتُ الْأَرْضِ.

٢- الكافي ١/١٤٤ ح ٥: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): بِنَا أَنْمَرَتِ الْأَشْجَارُ، وَأَيْنَعَتِ الثَّمَارُ، وَجَرَتِ الْأَنْهَارُ وَبِنَا يُنْزَلُ غَيْثُ السَّمَاءِ، وَيَنْبُتُ عُشْبُ الْأَرْضِ.

(٨٩) ١- كمال الدين ٤٤١ ح ١٢: عَنْ صَاحِبِ الزَّمَانِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَالَ: بِي يَدْفَعُ اللَّهُ (عَزُوجِل) الْبَلَاءَ عَنْ أَهْلِي وَشِيعَتِي.

٢- الإمامه والتبصره ١٠٣ ح ٩٢: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَالَ: قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: أَوْلَيْتَكَ أَوْلِيَانِي حَقًّا بِهِمْ أَذْفَعُ كُلَّ فَتْنَةٍ عَمِيَاءَ حُنْدَسٍ وَبِهِمْ أَكْشَفُ الزَّلَازِلَ وَأَذْفَعُ الْآصَارَ وَالْأَعْلَالَ.

٣- من لا- يحضره الفقيه ٢/٦٠٩: فِي الزِّيَارَةِ الْجَمَاعَةِ: بِكُمْ أَخْرَجَنَا اللَّهُ مِنَ الدُّلِّ، وَفَرَّجَ عَنَّا غَمْرَاتِ الْكُرُوبِ، وَأَنْقَذَنَا مِنْ شَفَا جُرْفِ الْهَلَكَاتِ وَمَنْ النَّارِ.

(٩٠) ١- مشارق أنوار اليقين ٢٣٦: قَالَ الصَّادِقُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: خَلَقْتُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ لِأَجْلِهِمْ.

٢- عيون المعجزات ٦٩: قَالَ الْبَاقِرُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): لَوْ لَا نَحْنُ لَمْ يَخْلُقِ اللَّهُ تَعَالَى سَمَاءً وَلَا أَرْضًا وَلَا جَنَّةً وَلَا نَارًا وَلَا شَمْسًا وَلَا قَمَرًا وَلَا جَنًّا وَلَا إِنْسًا.

(٩١) ١- بصائر الدرجات ٨٢ ح ١٠: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَالَ: بِنَا نَزَلَ الرَّحْمَهُ.

٢- إعلام الوری ٢/١٨٤: عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَالَ: بِهِمْ يَزُوقُ عِبَادَهُ، وَبِهِمْ يَنْزِلُ الْقَطْرُ مِنَ السَّمَاءِ، وَبِهِمْ تَخْرُجُ بَرَكَاتُ الْأَرْضِ.

(٩٢) ١- الكافي ١/٤٠٨ ح ٢: قَالَ الصَّادِقُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا لِلَّهِ (تَبَارَكَ وَتَعَالَى) وَلِرَسُولِهِ وَكُنَّا.

٢- الثاقب في المناقب ٤١٧ ح ٢: قَالَ الصَّادِقُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): إِنَّ الْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا لِلَّهِ تَعَالَى وَلِرَسُولِهِ وَلِلْإِمَامِ مِنْ بَعْدِ رَسُولِهِ.

(٩٣) الكافي ٤/٥٧٨ ح ٢: عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَالَ: مَنْ عَرَفَهُمْ فَقَدْ عَرَفَ اللَّهَ، وَمَنْ جَهَلَهُمْ فَقَدْ جَهَلَ اللَّهَ.

(٩٤) ١- بصائر الدرجات ١١٥ ح ٢٢: عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ): مَا مِنْ مَلِكٍ يُهْبِطُهُ اللَّهُ فِي أَمْرٍ إِلَّا بَدَأَ بِالْإِمَامِ فَعَرَضَ ذَلِكَ عَلَيْهِ، وَإِنَّ مُخْتَلَفَ الْمَلَائِكَةِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ تَعَالَى إِلَى صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ.

٢- مشارق أنوار اليقين ٣٤٣: قَالَ عَلِيُّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ مِنْ أَهْلِ سَمَاوَاتِهِ وَأَرْضِهِ، وَمَا فِي السَّمَاءِ مِنْ مَلِكٍ يَخْطُو قَدَمًا عَنْ قَدَمِ إِلَّا يَأْذُنِي.

٣- بحار الأنوار ٢٧/٣٦: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): وَالَّذِي رَفَعَ السَّمَاءَ بَعِيرٍ عَمَدٍ لَوْ أَنَّ أَحَدَهُمْ رَامَ أَنْ يَزُولَ مِنْ مَكَانِهِ بِقَدْرِ نَفْسٍ وَاحِدٍ لَمَا زَالَ حَتَّى آذَنَ لَهُ، وَكَذَلِكَ يَصِيرُ حَالُ وَلَدِي الْحَسَنِ وَبَعْدَهُ الْحُسَيْنُ وَتَسَعُّهُ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ تَسَعُّهُمْ قَائِمُهُمْ.

(٩٥) معاني الأخبار ٥٢٣ ح ١٣: عَنْ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): مَا السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ فِي الْكُرْسِيِّ إِلَّا كَخَلْقِهِ مُلْقَاهِ فِي أَرْضِ فَلَاةٍ وَفَضْلُ الْعَرْشِ عَلَى الْكُرْسِيِّ كَفَضْلِ الْفَلَاةِ عَلَى تَلْكَ الْخَلْقَةِ.

(٩٦) ١- المزار للمشهدي ٥٨٧: زيارته (عجل الله تعالى فرجه الشريف): السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى مَنْ فِي الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ،

أَشْهَدُ أَنَّكَ الْحُجَّةُ عَلَى مَنْ مَضَى وَمَنْ بَقِيَ.

٢- روضه الواعظين ١٩٩: قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ (عليهما السلام): نَحْنُ حُجَجُ اللَّهِ عَلَى الْعَالَمِينَ.

(٩٧) مشارق أنوار اليقين ٣٤٣: قَالَ عَلِيُّ (عليه السلام): أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ مِنْ أَهْلِ سَمَاوَاتِهِ وَأَرْضِهِ،

وَمَا فِي السَّمَاءِ مِنْ مَلَكٍ يَخْطُو قَدَمًا عَنْ قَدَمٍ إِلَّا بِإِذْنِي.

(٩٨) ١- علل الشرائع ١/٢٧٦ ح ١: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ: إِنَّ لِلَّهِ تَعَالَى مَلَائِكَةً وَكَلَهُمْ بَنَاتِ الْأَرْضِ مِنَ الشَّجَرِ وَالنَّخْلِ فَلَيْسَ مِنْ شَجَرِهِ وَلَا نَخْلِهِ إِلَّا وَمَعَهَا مَلَكٌ مِنَ اللَّهِ يَحْفَظُهَا وَمَا كَانَ فِيهَا وَلَوْلَا أَنَّ مَعَهَا مَنْ يَمْنَعُهَا لِأَكَلِهَا السَّبَاعُ وَهَوَامُّ الْأَرْضِ إِذَا كَانَ فِيهَا ثَمَرُهَا قَالَ وَإِنَّمَا نَهَى رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) أَنْ يَضْرِبَ أَحَدٌ مِنَ الْمُسْلِمِينَ خَلَاهُ تَحْتَ شَجَرِهِ أَوْ نَخْلِهِ قَدْ أُنْمِرَتْ لِمَكَانِ الْمَلَائِكَةِ الْمُؤَكَّلِينَ بِهَا قَالَ وَلِذَلِكَ يَكُونُ الشَّجَرُ وَالنَّخْلُ أُنْسًا إِذَا كَانَ فِيهِ حَمْلُهُ؛ لِأَنَّ الْمَلَائِكَةَ تَحْضُرُهُ.

٢- علل الشرائع ٢/٤٦٣ ح ٨: عَنْ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ: لَيْسَ مِنْ قَطْرِهِ تَقْطُرُ إِلَّا وَمَعَهَا مَلَكٌ يَضَعُهَا مَوْضِعَهَا.

(٩٩) ١- الكافي ١/٤٠٧ ح ٨: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): الْإِمَامُ كَالْوَالِدِ الرَّحِيمِ.

٢- بصائر الدرجات ٢٨٥ ح ١٥: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ: وَاللَّهِ لَإِنَّا أَرْحَمُ بِكُمْ مِنْكُمْ بِأَنْفُسِكُمْ.

٣- الكافي ١/٢٠٠ ح ١: عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ: الْإِمَامُ الْأَنْبِيُّ الرَّفِيقُ وَالْوَالِدُ الشَّفِيقُ وَالْأَخُ الشَّقِيقُ وَالْأُمُّ الْبُرَّةُ بِالْوَلَدِ الصَّغِيرِ.

٤- الخصال ٥٢٧ ح ١: عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ: الْإِمَامُ، أَشْفَقَ عَلَيْهِمْ (شِيعَتَنَا) مِنْ آبَائِهِمْ وَأُمَّهَاتِهِمْ.

(١٠٠) الكافي ١/٢٤٩ ح ٥: عَنْ عَلِيٍّ (صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ) قَالَ: مَا اجْتَمَعَ التَّيْمِيُّ وَالْعَيْدِيُّ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) وَهُوَ يَقْرَأُ: {إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ} بِتَخَشُّعٍ وَبُكَاءٍ فَيَقُولَانِ: مَا أَشَدَّ رَقَّتْكَ لِهَذِهِ السُّورَةِ؟ فَيَقُولُ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): لَمَّا رَأَتْ عَيْنِي وَوَعَى قَلْبِي وَلَمَّا يَرَى قَلْبُ هَذَا مِنْ بَعْدِي، فَيَقُولَانِ: وَمَا الَّذِي رَأَيْتَ وَمَا الَّذِي يَرَى؟ قَالَ: فَيَكْتُبُ لَهُمَا فِي التُّرَابِ: {تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ}.

قَالَ: ثُمَّ يَقُولُ: هَلْ بَقِيَ شَيْءٌ بَعْدَ قَوْلِهِ (عَزَّ وَجَلَّ): {كُلُّ أَمْرٍ} فَيَقُولَانِ: لَا، فَيَقُولُ: هَلْ تَعْلَمَانِ مِنَ الْمُنْزَلِ إِلَيْهِ بِذَلِكَ؟ فَيَقُولَانِ: أَنْتَ يَا رَسُولَ اللَّهِ! فَيَقُولُ: نَعَمْ، فَيَقُولُ: هَلْ تَكُونُ لَيْلَةُ الْقَدْرِ مِنْ بَعْدِي؟ فَيَقُولَانِ: نَعَمْ، قَالَ: فَيَقُولُ: فَهَلْ يَنْزَلُ ذَلِكَ الْأَمْرُ فِيهَا؟ فَيَقُولَانِ: نَعَمْ، قَالَ: فَيَقُولُ: إِلَى مَنْ؟ فَيَقُولَانِ: لَا نَدْرِي، فَيَأْخُذُ بِرَأْسِي وَيَقُولُ: إِنْ لَمْ تَدْرِيَا فَادْرِيَا هُوَ هَذَا مِنْ بَعْدِي، قَالَ: فَإِنْ كَانَا لَيَعْرِفَانِ تِلْكَ اللَّيْلَةَ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) مِنْ شِدَّةِ مَا يُدَاخِلُهُمَا مِنَ الرُّعْبِ.

(١٠١) ١- الكافي ١/٢٤٧ ح ٢: عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَالَ: إِنَّ لَيْلَةَ الْقَدْرِ فِي كُلِّ سَنَةٍ وَإِنَّهُ يُنَزَّلُ فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ أَمْرٌ السَّنَةِ وَإِنَّ لَذَلِكَ الْأَمْرَ وُلَاةً بَعِيدَ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) فَقُلْتُ: مَنْ هُمْ؟ فَقَالَ: أَنَا وَأَحَدَ عَشَرَ مِنْ صُلبِي أَنْتُمْ مُحَدَّثُونَ.

٢- تفسير القمى ٢/٢٩٠: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ) قَالَ: لَا تَحْفَى عَلَيْنَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ إِنَّ الْمَلَائِكَةَ يُطِيفُونَ بِنَا فِيهَا.

(١٠٢) الكافي ١/٢٥٢ ح ٨: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَالَ: إِنَّمَا تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ بِالْحُكْمِ الَّذِي يَحْكُمُ بِهِ بَيْنَ الْعِبَادِ، قَالَ السَّائِلُ: وَمَا كَانُوا عَلِمُوا ذَلِكَ الْحُكْمَ؟ قَالَ: بَلَى قَدْ عَلِمُوهُ وَلَكِنَّهُمْ لَا يَسْتَطِيعُونَ إِمْضَاءَ شَيْءٍ مِنْهُ حَتَّى يُؤْمَرُوا فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ كَيْفَ يَصْنَعُونَ إِلَى السَّنَةِ الْمُقْبِلَةِ.

(١٠٣) ١- بصائر الدرجات ٣٩٥ ح ٥: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَالَ: إِنَّ اللَّهَ أَقْدَرَنَا عَلَى مَا نُرِيدُ.

٢- مشارق أنوار اليقين ١٧٩: عَنْ الصَّادِقِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَالَ: هُمْ قُدْرَةُ الرَّبِّ وَمَشِيئَتُهُ.

(١٠٤) الكافي ٤/٦٦ ح ٢: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ) قَالَ: إِنَّ فِيهِ تَقَسُّمُ الْأَرْزَاقِ وَتُكْتُبُ

الْأَجَالَ، وَفِيهِ يُكْتُبُ وَفُدَّ اللَّهُ الَّذِينَ يَفْدُونَ إِلَيْهِ، وَفِيهِ لَيْلَةُ الْعَمَلِ فِيهَا خَيْرٌ مِنَ الْعَمَلِ فِي أَلْفِ شَهْرٍ.

(١٠٧) الكافي ١/٢٨٨ ح ٣: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فِي قَوْلِ اللَّهِ (عَزَّ وَجَلَّ): {إِنَّمَا وَثَّقْتُمُ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا} قَالَ: إِنَّمَا يَعْنِي: أَوْلَىٰ بِكُمْ أَىٰ أَحَقُّ بِكُمْ وَبِأُمُورِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وَأَمْوَالِكُمْ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا يَعْنِي: عَلِيًّا وَوُلَادَةَ الْأَئِمَّةِ (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

(١٠٨) ١- الخصال ٥٢٧ ح ١: عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا (صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ) قَالَ: الْإِمَامُ، أَشْفَقَ عَلَيْهِمْ (شِيعَتَنَا) مِنْ آبَائِهِمْ وَأُمَّهَاتِهِمْ.

٢- الكافي ١/٢٠٠ ح ١: عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَالَ: الْإِمَامُ، الْأُمُّ الْبَرَّةُ بِالْوَلَدِ الصَّغِيرِ.

٣- بحار الأنوار ٦٤/١٢٦ ح ٢٧: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَالَ: قُلُوبُنَا تَعْطِفُ عَلَيْهِمْ (شِيعَتَنَا) كَعَطْفِ الْوَالِدِ عَلَى الْوَلَدِ.

(١٠٩) اليقين ٣١٨: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ) وَهُوَ يَقُولُ: أَمَّنْ لِمَنْ التَّجَأَ إِلَيْهِمْ، وَأَمَانٌ لِمَنْ تَمَسَّكَ بِهِمْ.

(١١٠) تفسير القمى ١/٣٦٥: قَوْلُهُ: {الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ} قَالَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): الَّذِينَ آمَنُوا: الشَّيْعَةُ، وَذَكَرَ اللَّهُ: أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَئِمَّةِ (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ).

(١١١) بحار الأنوار ٩١/٣٦ ح ٢٣: فِي زِيَارَةِ آلِ يَاسِينَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْمُقَدَّمُ الْمَأْمُولُ.

(١١٢) كمال الدين وتمام النعمة ٢٦٠ ح ٥: عَنْ الْبَاقِرِ (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ): بِهِمْ يَزُوقُ اللَّهُ عِبَادَتَهُ، وَبِهِمْ يَعْمَرُ بِلَادَهُ، وَبِهِمْ يُنَزَّلُ الْقَطْرُ

مِنَ السَّمَاءِ، وَبِهِمْ تُخْرَجُ بَرَكَاتُ الْأَرْضِ.

(١١٣) ١- تفسير العياشي ١/١٥٣ ح ٥١٠: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): إِنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ إِلَّا وَقَدْ وُكِّلَ بِهِ مَلَكٌ غَيْرُ الصَّدَقَةِ.

٢- مشارق أنوار اليقين ٣٤٣: قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): أَنَا حُجَّجُهُ اللَّهُ عَلَى خَلْقِهِ مِنْ أَهْلِ سَيِّمَاتِهِ وَأَرْضِهِ، وَمَا فِي السَّمَاءِ مِنْ مَلَكٍ يَخْطُو قَدَمًا عَنْ قَدَمٍ إِلَّا بِأَذْنِي.

(١١٤) ١- المزار للمفيد ٧: عَنْ صَاحِبِ الزَّمَانِ (عليه السلام) قَالَ: إِنَّا يُحِيطُ عَلَمُنَا بِأَنْبَاءِكُمْ وَلَا يَغُزِبُ عَنَّا شَيْءٌ مِنْ أَخْبَارِكُمْ.

٢- الهداية الكبرى ١٧٠: عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) قَالَ: الْإِمَامُ يَرَى الْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا، وَلَا يَخْفَى عَلَيْهِ مِنْ أَعْمَالِهِمْ شَيْءٌ.

(١١٥) ١- تأويل الآيات ٢/٨٥٢ ح ٨: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام): نَحْنُ الَّذِينَ أَنْقَذَ اللَّهُ النَّاسَ بِنَا مِنَ الضَّلَالَةِ.

٢- بحار الأنوار ٩٩/١٨٧: عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا (عليه السلام) قَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الدَّالُونَ عَلَى الْهُدَى.

(١١٦) ١- بصائر الدرجات ٤٤٦ ح ١٦: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: تُعْرَضُ الْأَعْمَالُ يَوْمَ الْخَمِيسِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) وَعَلَى الْأَئِمَّةِ (عليهم السلام).

٢- بصائر الدرجات ٤٦٤ ح ٥: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): إِنَّ أَعْمَالَكُمْ تُعْرَضُ عَلَيَّ كُلَّ إِثْنَيْنِ وَخَمِيسٍ، فَمَا كَانَ مِنْ حَسَنٍ حَمَدْتُ اللَّهَ عَلَيْهِ وَمَا كَانَ مِنْ سَيِّئٍ اسْتَغْفَرْتُ لَكُمْ.

(١١٧) ١- المزار للمشهدي ٥٨٦: زِيَارَتُهُ (عجل الله تعالى فرجه الشريف): أَشْهَدُ أَنَّ بَوْلَايَتَكَ تُقْبَلُ الْأَعْمَالُ وَتُرَكَّى الْأَفْعَالُ وَتُضَاعَفُ الْحَسَنَاتُ وَتُمْحَى السَّيِّئَاتُ، فَمَنْ جَاءَ بَوْلَايَتَكَ وَاعْتَرَفَ بِإِمَامَتِكَ قَبْلَتْ أَعْمَالُهُ وَصِدَّقَتْ أَقْوَالُهُ وَتَضَاعَفَتْ حَسَنَاتُهُ وَمُحِيَتْ سَيِّئَاتُهُ، وَمَنْ عَدَلَ عَنْ وِلَايَتِكَ وَجَهَلَ مَعْرِفَتَكَ وَاسْتَبَدَلَ بِكَ غَيْرَكَ كَبِهَ اللَّهُ عَلَى مَنْخَرِهِ فِي النَّارِ وَلَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ لَهُ عَمَلًا وَلَمْ يَقُمْ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزَنًا.

٢- من لا يحضره الفقيه ٢/٦١٦: فِي الزِّيَارَةِ الْجَامِعَةِ: بِمُؤَالَاتِكُمْ عَلَّمَنَا اللَّهُ مَعَالِمَ دِينِنَا...، بِمُؤَالَاتِكُمْ تُقْبَلُ الطَّاعَةُ الْمُفْتَرَضَةُ.

(١١٨) كمال الدين ٢٥٢ ح ٢: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): قَالَ اللَّهُ (عز وجل): أَنْ عَبْدًا عَبَدَنِي حَتَّى يَنْقَطِعَ وَيَصِيرَ كَالشَّنِّ الْبَالِي ثُمَّ أَتَانِي جَاهِدًا لَوْلَايَتِهِمْ مَا أَشْكَنْتُهُ جَنَّتِي وَلَا أَظْلَمْتُهُ تَحْتَ عَرْشِي.

(١١٩) الغيبة للطوسي ٣٨٧ ح ٣٥١: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام): إِذَا أَرَادَ اللَّهُ أَمْرًا عَرَضَهُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) وَآلِهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، ثُمَّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) وَسَائِرِ الْأَئِمَّةِ وَاحِدًا بَعِيدًا وَوَاحِدًا إِلَى أَنْ يَنْتَهِيَ إِلَى صَاحِبِ الزَّمَانِ (عليه السلام) ثُمَّ يُخْرَجُ إِلَى الدُّنْيَا، وَإِذَا أَرَادَ الْمَلَائِكَةُ أَنْ يَرْفَعُوا إِلَى اللَّهِ (عز وجل) عَمَلًا عَرَضَ عَلَى صَاحِبِ الزَّمَانِ (عليه السلام)، ثُمَّ يُخْرَجُ عَلَى وَاحِدٍ بَعْدَ وَاحِدٍ إِلَى أَنْ يَعْزُضَ عَلَى رَسُولِ

اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم)، ثُمَّ يَعْزُضُ عَلَى اللَّهِ (عزوجل)، فَمَا نَزَلَ مِنَ اللَّهِ فَعَلَى أَيْدِيهِمْ، وَمَا عَرَجَ إِلَى اللَّهِ فَعَلَى أَيْدِيهِمْ.

(١٢٠) الكافي ٣/٣٦٣ ح ٢: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ: إِنَّمَا أَمْرُنَا بِالنَّافِلَةِ لِيَتِمَّ لَهُمْ بِهَا مَا نَقَّضُوا مِنَ الْفَرِيضَةِ.

(١٢١) بحار الأنوار ٩٩/٩٩: فِي زيارته (عجل الله تعالى فرجه الشريف): مَنْ جَاءَ بِوَلَايَتِكَ وَاعْتَرَفَ بِإِمَامَتِكَ قُبِلَتْ أَعْمَالُهُ.

(١٢٢) ١- من لا- يحضره الفقيه ٢/٦٠٩: فِي الزيارته الخيامية: يَا وَلِيَّ اللَّهِ! إِنَّ بَيْنِي وَبَيْنَ اللَّهِ (عزوجل) ذُنُوبًا لَا- يَأْتِي عَلَيْهَا إِلَّا رِضَاكُمْ، فَبِحَقِّ مَنْ ائْتَمَنَكُمْ عَلَى سِرِّهِ وَاسْتَرْعَاكُمْ أَمْرَ خَلْقِهِ وَقَرْنَ طَاعَتَكُمْ بِطَاعَتِهِ لَمَّا اسْتَوْهَبْتُمْ ذُنُوبِي وَكُنْتُمْ شُفَعَائِي.

٢- المزار للمشهدي ٥٨٦: زيارته أُخْرَى لَهُ (عجل الله تعالى فرجه الشريف): مَوْلَايَ وَقَفْتُ فِي زيارَتِكَ مَوْقِفَ الْخَاطِئِينَ النَّادِمِينَ الْخَائِفِينَ مِنْ عِقَابِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَقَدْ اتَّكَلْتُ عَلَى شَفَاعَتِكَ وَرَجَوْتُ بِمُؤَالَاتِكَ وَشَفَاعَتِكَ مَحْوَ ذُنُوبِي وَسِتْرَ عُيُوبِي وَمَغْفِرَةَ زَلِّي، فَكُنْ لَوْلِيكَ يَا مَوْلَايَ عِنْدَ تَحْقِيقِ أَمَلِهِ وَاسْأَلِ اللَّهَ غُفْرَانَ زَلِّهِ، فَقَدْ تَعَلَّقَ بِحَبْلِكَ وَتَمَسَّكَ بِوَلَايَتِكَ وَتَبَرَّأَ مِنْ أَعْدَائِكَ.

(١٢٣) الكافي ٢/٢٧٩ ح ٩: قَالَ الصَّادِقُ (عليه السلام): قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام): مَا مِنْ عَبْدٍ إِلَّا وَعَلَيْهِ أَرْبَعُونَ جُنَّةً حَتَّى يَعْمَلَ أَرْبَعِينَ كَبِيرَةً، فَإِذَا عَمَلَ أَرْبَعِينَ كَبِيرَةً انْكَشَفَتْ عَنْهُ الْجَنَّةُ، فَيُوحَى اللَّهُ إِلَيْهِمْ أَنْ اسْتُرُوا عَبْدِي بِأَجْنَحَتِكُمْ، فَتَسْتُرُهُ الْمَلَائِكَةُ بِأَجْنَحَتِهَا.

قَالَ: فَمَا يَدْعُ شَيْئًا مِنَ الْقَبِيحِ إِلَّا قَارَفَهُ حَتَّى يَمْتَدِّحَ إِلَى النَّاسِ بِفِعْلِهِ الْقَبِيحِ، فَيَقُولُ الْمَلَائِكَةُ: يَا رَبِّ! هَذَا عَبْدُكَ مَا يَدْعُ شَيْئًا إِلَّا رَكْبَةً وَإِنَّا لَنَشِيْتَحِي مِمَّا يَصْنَعُ، فَيُوحَى اللَّهُ (عزوجل) إِلَيْهِمْ أَنْ ازْفَعُوا أَجْنَحَتِكُمْ عَنْهُ، فَإِذَا فَعَلَ ذَلِكَ أَخَذَ فِي بُغْضِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ، فَعِنْدَ ذَلِكَ يَنْهَتُكَ سِتْرُهُ فِي السَّمَاءِ وَسِتْرُهُ فِي الْأَرْضِ، فَيَقُولُ الْمَلَائِكَةُ: يَا رَبِّ! هَذَا عَبْدُكَ قَدْ بَقِيَ مَهْتُوكَ السِتْرَ فَيُوحَى اللَّهُ (عزوجل) إِلَيْهِمْ لَوْ كَانَتْ لَهُ فِيهِ حَاجَةٌ مَا أَمَرَكَ أَنْ تَزْفَعُوا أَجْنَحَتِكُمْ عَنْهُ.

(١٢٤) تفسير فرات الكوفي ٣٤٨ ح ٤٧٤: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ: بِنَا يُقِيلُ اللَّهُ عَثْرَتَكُمْ وَبِنَا يَغْفِرُ اللَّهُ ذُنُوبَكُمْ.

(١٢٥) الأمالي للصدوق ٧٠٩ ح ٩: عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا (عليه السلام) قَالَ: مَنْ كُنَّا شُفَعَاءَهُ نَجَا وَلَوْ كَانَ عَلَيْهِ مِثْلُ وَزْرِ الثَّقَلَيْنِ الْجَنِّ وَالْإِنْسِ.

(١٢٦) ١- الغيبة للطوسي ٣٨٧ ح ٣٥١: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: إِذَا أَرَادَ الْمَلَائِكَةُ أَنْ يَزْفَعُوا إِلَى اللَّهِ (عزوجل) عَمَلًا عُرِضَ عَلَى صَاحِبِ الزَّمَانِ.

٢- المناقب آل أبي طالب ٣/٤٥٢: قَالَ الرِّضَا (عليه السلام): إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَئِمَّةِ تُعْرَضُ عَلَيْنَا أَعْمَالُ

شيعتنا صيِّباً ومسيءاً، فَمَا كَانَ مِنَ التَّقْصِيرِ فِي أَعْمَالِهِمْ سَأَلْنَا اللَّهَ تَعَالَى الصَّفْحَ لِصَاحِبِهِ وَمَا كَانَ مِنَ الْعُلُوِّ سَأَلْنَا اللَّهَ الشُّكْرَ لِصَاحِبِهِ.

١- (١٢٧) الكافي ٢/٤٦٨ ح ٣: قَالَ النَّبِيُّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) لِأَصْحَابِهِ: أَلَا أَدْلُكُمْ عَلَى سِلَاحٍ يُنْجِيكُمْ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَيُدْرُ أَرْزَاقَكُمْ؟ قَالُوا: بَلَى، قَالَ: تَدْعُونَ رَبَّكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، فَإِنَّ سِلَاحَ الْمُؤْمِنِ الدُّعَاءُ.

٢- الكافي ٢/٤٦٨ ح ٥: عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ: عَلَيْكُمْ بِسِلَاحِ الْأَنْبِيَاءِ، فَقِيلَ: وَمَا سِلَاحُ الْأَنْبِيَاءِ؟ قَالَ: الدُّعَاءُ.

١- (١٢٨) تحف العقول ٢٨٠: قَالَ الْبَاقِرُ (عَلَيْهِ السَّلَام): الْمُؤْمِنُ مِنْ دُعَائِهِ عَلَى ثَلَاثٍ: إِمَّا أَنْ يُدَّخِرَ لَهُ، وَإِمَّا أَنْ يُعَجِّلَ لَهُ، وَإِمَّا أَنْ يُدْفِعَ عَنْهُ بَلَاءً يُرِيدُ أَنْ يُصِيبَهُ.

٢- عدّه الداعي ٣٤ ح ٨: عَنِ النَّبِيِّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): إِنَّ الدُّعَاءَ مُخُّ الْعِبَادَةِ، وَمَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَدْعُو اللَّهَ إِلَّا اسْتَجَابَ لَهُ؛ إِمَّا أَنْ يُعَجِّلَ لَهُ فِي الدُّنْيَا، أَوْ يُؤَجِّلَ لَهُ فِي الْآخِرَةِ، وَإِمَّا أَنْ يُكَفِّرَ عَنْهُ مِنْ ذُنُوبِهِ بِقَدْرِ مَا دَعَا مَا لَمْ يَدْعُ بِمَا أَثَمَ.

١- (١٢٩) مكارم الأخلاق ٢٧٠: عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ: عَلَيْكُمْ بِاللُّدْعَاءِ، فَإِنَّ الدُّعَاءَ وَالطَّلَبَ إِلَى اللَّهِ يَرُدُّ الْبَلَاءَ وَقَدْ قُدِّرَ وَقُضِيَ فَلَمْ يَبْقَ إِلَّا إِمْضَاؤُهُ، فَإِنَّهُ إِذَا دُعِيَ اللَّهُ وَسُئِلَ صُرْفَ الْبَلَاءِ صَرَفَهُ.

٢- مكارم الأخلاق ٢٧١: قَالَ الصَّادِقُ (عَلَيْهِ السَّلَام): عَلَيْكَ بِاللُّدْعَاءِ فَإِنَّ فِيهِ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ.

١- (١٣٠) تحف العقول ٢٨٢: قَالَ الصَّادِقُ (عَلَيْهِ السَّلَام): مَا مِنْ شَيْءٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ مِنْ أَنْ يُسْأَلَ.

٢- مكارم الأخلاق ٢٧٠: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَعْلَمُ مَا يُرِيدُ الْعَبْدُ إِذَا دَعَا وَلَكِنْ يُحِبُّ أَنْ يُبَيَّنَّ إِلَيْهِ الْحَوَائِجُ.

٣- عدّه الداعي ٣٥: عَنِ النَّبِيِّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): وَأَمَّا أَعْجَزُ النَّاسِ فَمَنْ عَجَزَ عَنِ الدُّعَاءِ.

١- (١٣١) بصائر الدرجات ٢٧٩ ح ١: عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ: لَيْسَ مِنْ مُؤْمِنٍ يَدْعُو إِلَّا أَمَّنَّا لِدُعَائِهِ، وَلَا يَسْئَلُ إِلَّا دَعَوْنَا لَهُ.

٢- بصائر الدرجات ٢٨٠ ح ٢: عَنْ عُمَرَ بْنِ إِسْحَاقَ، قَالَ: قَالَ عَلِيٌّ (عَلَيْهِ السَّلَام): إِنَّا نَدْعُو لَكُمْ فَتَدْعُونَ فَتُؤْمِنُ قَالَ عُمَرُ: قَدْ عَرَفْتُ مَا قُلْتَ وَلَكِنْ كَيْفَ نَدْعُو فَتُؤْمِنُ؟ فَقَالَ: إِنَّا سِوَاءَ عَلَيْنَا الْبَادِي وَالْحَاضِرِ.

(١٣٢) المزار للمشهدي ٥٧٣: فِي دُعَاءِ النُّدْبَةِ: أَيْنَ يَا بَابَ اللَّهِ الَّذِي مِنْهُ يُؤْتَى، أَيْنَ وَجْهَ اللَّهِ الَّذِي إِلَيْهِ تَتَوَجَّهُ الْأَوْلِيَاءُ، أَيْنَ السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ.

(١٣٣) ١- بصائر الدرجات ١١٥ ح ٢٢: عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ (عليهما السلام): مَا مِنْ مَلِكٍ يُهْبِطُهُ اللَّهُ فِي أَمْرٍ إِلَّا بَدَأَ بِالْإِمَامِ فَعَرَضَ ذَلِكَ عَلَيْهِ.

٢- مشارق أنوار اليقين ٣٤٣: قَالَ عَلِيٌّ (عليه السلام): أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ مِنْ أَهْلِ سَمَاوَاتِهِ وَأَرْضِهِ، وَمَا فِي السَّمَاءِ مِنْ مَلَكٍ يَخْطُو قَدَمًا عَنْ قَدَمِ إِلَّا بِأَذْنِي.

(١٣٤) الكافي ١/٤٧٢ ح ١: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام): إِنِّي لَأَدْعُو اللَّهَ لِمُذْنَبِي شِعْتَنَا فِي الْيَوْمِ وَاللَّيْلَةِ أَلْفَ مَرَّةٍ.

(١٣٦) ١- من لا يحضره الفقيه ٢/٦٠٩: فِي الزِّيَارَةِ الْجَامِعَةِ: وَمَقْدَمُكُمْ أَمَامَ طَلَبْتِي وَحَوَائِجِي وَإِرَادَتِي فِي كُلِّ أَحْوَالِي وَأُمُورِي.

٢- فلاح السائل ٤٤: أَقُولُ: إِذَا كَانَ هَذَا كُلُّهُ فَضْلُ الدُّعَاءِ لِإِخْوَانِكَ، فَكَيْفَ فَضْلُ الدُّعَاءِ لِسُلْطَانِكَ الَّذِي كَانَ سَبَبُ إِمْكَانِكَ وَأَنْتَ تَعْتَقِدُ أَنْ لَوْلَاهُ مَا خَلَقَ اللَّهُ نَفْسَكَ وَلَا أَحَدًا مِنَ الْمُكَلَّفِينَ فِي زَمَانِهِ وَزَمَانِكَ، وَأَنَّ اللَّطْفَ بِوُجُودِهِ صِلَاوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ سَبَبٌ لِكُلِّ مَا أَنْتَ وَغَيْرُكَ فِيهِ وَسَبَبٌ لِكُلِّ خَيْرٍ تَبْلُغُونَ إِلَيْهِ، فَإِيَّاكَ! نُمْ إِيَّاكَ! أَنْ تَقْدَمَ نَفْسَكَ أَوْ أَحَدًا مِنَ الْخَلَائِقِ فِي الْوَلَاءِ وَالِدُّعَاءِ لَهُ بِأَنْبَلِ الْإِمْكَانِ وَاحْضِرْ قَلْبَكَ وَلِسَانَكَ فِي الدُّعَاءِ لِذَلِكَ الْمَوْلَى الْعَظِيمِ الشَّانِ.

وَإِيَّاكَ! أَنْ تَعْتَقِدَ أَنِّي قُلْتُ هَذَا؛ لِأَنَّهُ مُحْتَاجٌ إِلَى دُعَائِكَ، هَيْهَاتَ! هَيْهَاتَ! أَنْ اعْتَقَدْتَ هَذَا فَأَنْتَ مَرِيضٌ فِي اعْتِقَادِكَ وَوَلَانِكَ، بَلْ إِنَّمَا قُلْتُ هَذَا لِمَا عَرَفْتُكَ مِنْ حَقِّ الْعَظِيمِ عَلَيْكَ وَإِحْسَانِهِ الْجَسِيمِ إِلَيْكَ، وَلِأَنَّكَ إِذَا دَعَوْتَ لَهُ قَبْلَ الدُّعَاءِ لِنَفْسِكَ وَلَمَنْ يُعْزُ عَلَيْكَ كَانَ أَقْرَبُ إِلَى أَنْ يَفْتَحَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ أَبْوَابَ الْإِجَابَةِ بَيْنَ يَدَيْكَ لِأَنَّ أَبْوَابَ قَبُولِ الدَّعَوَاتِ قَدْ غَلَقَتْهَا أَيُّهَا الْعَبْدُ بِإِغْلَاقِ الْجَنَائِبَاتِ، فَإِذَا دَعَوْتَ لِهَذَا الْمَوْلَى الْخَاصِّ عِنْدَ مَالِكِ الْأَحْيَاءِ وَالْأَمْوَاتِ يُوشِكُ أَنْ يَفْتَحَ أَبْوَابَ الْإِجَابَةِ لِأَجَلِهِ فَتَدْخُلَ أَنْتَ فِي الدُّعَاءِ لِنَفْسِكَ وَلَمَنْ تَدْعُو لَهُ فِي زَمَرِهِ فَضْلُهُ وَتَتَسَّعَ رَحْمَةُ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ لَكَ وَكَرَمُهُ وَعِنَايَتُهُ بِكَ لِتَعَلَّقَكَ فِي الدُّعَاءِ بِحَبْلِهِ.

وَلَا تَقُلْ فَمَا رَأَيْتُ فُلَانًا وَفُلَانًا مِنَ الَّذِينَ تَقْتَدِي بِهِمْ مِنْ شَيْوَحِكَ بِمَا أَقُولُ يَعْمَلُونَ وَمَا وَجَدْتُهُمْ إِلَّا وَهُمْ عَنْ مَوْلَانَا الَّذِي أَسْرَتْ إِلَيْهِ (صلوات الله عليه) غَافِلُونَ وَلَهُ مُهْمَلُونَ، فَأَقُولُ لِمَكَ اعْمَلْ بِمَا قُلْتُ لِمَكَ فَهُوَ الْحَقُّ الْوَاضِحُ، وَمَنْ أَهْمِلَ مَوْلَانَا وَغَفَلَ عَمَّا ذَكَرْتُ عَنْهُ فَهُوَ وَاللَّهُ الْعَلَطُ الْفَاضِحُ.

(١٣٧) ١- بصائر الدرجات ١٠٤ ح ٤: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله و سلم) ذَاتَ يَوْمٍ وَعِنْدَهُ جَمَاعَةٌ مِنْ أَصْحَابِهِ: اللَّهُمَّ لَقْنِي إِخْوَانِي - مَرَّتَيْنِ - فَقَالَ مَنْ حَوْلَهُ مِنْ أَصْحَابِهِ: أَمَا نَحْنُ إِخْوَانُكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟! فَقَالَ: لَا، إِنَّكُمْ أَصْحَابِي وَإِخْوَانِي قَوْمٌ مِنْ آخِرِ الزَّمَانِ آمَنُوا بِي وَلَمْ يَرُونِي لَقَدْ عَرَفْنَاهُمْ اللَّهُ بِأَسْمَائِهِمْ وَأَسْمَاءِ آبَائِهِمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُخْرِجَهُمْ مِنْ أَصْلَابِ آبَائِهِمْ وَأَرْحَامِ أُمَّهَاتِهِمْ لِأَحَدِهِمْ

أَشَدُّ بَقِيَّةً عَلَى دِينِهِ مَنْ خَرَطَ الْقَتَادَ فِي اللَّيْلَةِ الظُّلْمَاءِ أَوْ كَالْقَابِضِ عَلَى جَمْرِ الْعُضَا أَوْلَيْتُكَ مَصَابِيحَ الدُّجَى يُنْجِيهِمُ اللَّهُ مِنْ كُلِّ فِتْنَةٍ غَبْرَاءَ مُظْلَمَةٍ.

٢- الإمامه والتبصره ١٢٦ ح ١٢٧: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام): إِنَّ لَصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً الْمُتَمَسِّكَ فِيهَا بِدِينِهِ كَالْخَارِطِ لِلْقَتَادِ ثُمَّ قَالَ: - هَكَذَا بِيَدِهِ - ثُمَّ قَالَ: إِنَّ لَصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً فَلْيَتَّقِ اللَّهَ عَبْدٌ وَلْيَتَمَسَّكَ بِدِينِهِ.

٣- الخرائج والجرائح ٣/١١٤٩ ح ٥٧: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): سَيَأْتِي قَوْمٌ مِنْ بَعِيدِكُمُ الرَّجُلُ مِنْهُمْ لَهُ أَجْرٌ خَمْسِينَ مِنْكُمْ، قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ! نَحْنُ كُنَّا مَعَكَ بَبْدَرٍ وَأُحُدٍ وَحُنَيْنٍ وَنَزَلَ فِيْنَا الْقُرْآنُ، فَقَالَ (صلى الله عليه وآله وسلم): إِنَّكُمْ لَوْ تَحَمَّلُوا مَا حُمِّلُوا لَمْ تَصْبِرُوا صَبْرَهُمْ.

١ (١٣٩) - بصائر الدرجات ٤٨٦ ح ٨: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (صلوات الله عليه) قَالَ: نَحْنُ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ (عز وجل): {ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ}.

٢- تفسير العياشي ١/١٨٤ ح ٨٥: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: لَا يُحْجَبُ دُعَاؤُنَا عَنِ اللَّهِ.

١ (١٤٠) - الكافي ٢/٤٦٧ ح ٨: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) قَالَ: أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ (عز وجل) فِي الْأَرْضِ الدُّعَاءُ.

٢- الكافي ٢/٤٦٨ ح ١: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام): الدُّعَاءُ تُرْسُ الْمُؤْمِنِ وَمَتَى تَكَثَرَ قَرَعَ الْبَابَ يُفْتَحَ لَكَ.

٣- عده الداعي ٢٤: عَنْ النَّبِيِّ (صلى الله عليه وآله وسلم) أَنَّهُ قَالَ: الدُّعَاءُ مُخُّ الْعِبَادَةِ.

(١٤١) الكافي ١/٤٧٢ ح ١: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام): إِنِّي لَأَدْعُو اللَّهَ لِمُدْنَبِي شَيْعَتَنَا فِي الْيَوْمِ وَاللَّيْلَةِ أَلْفَ مَرَّةٍ.

(١٤٢) بصائر الدرجات ٢٨٠ ح ٢: عَنْ عُمَرَ بْنِ إِسْحَاقَ، قَالَ: قَالَ عَلِيُّ (عليه السلام): إِنَّا نَدْعُو لَكُمْ فَيَدْعُونَ فَيُؤْمِنُونَ قَالَ عُمَرُ: قَدْ عَرَفْتُ مَا قُلْتَ وَلَكِنْ كَيْفَ نَدْعُو فَيُؤْمِنُونَ؟ فَقَالَ: إِنَّا سَوَاءٌ عَلَيْنَا الْبَادِي وَالْحَاضِر.

(١٤٣) المزار للمشهدي ٥٧٣: فِي دُعَاءِ النُّدْبَةِ: أَيَّنَ يَا بَابَ اللَّهِ الَّذِي مِنْهُ يُؤْتَى، أَيَّنَ وَجْهَ اللَّهِ الَّذِي إِلَيْهِ تَتَوَجَّهُ الْأَوْلِيَاءُ، أَيَّنَ السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ.

(١٤٤) ١- من لا يحضره الفقيه ٢/٦٠٩: فِي الزِّيَارَةِ الْجَامِعَةِ: بِمُؤَالَاتِكُمْ عَلَّمَنَا اللَّهُ مَعَالِمَ دِينِنَا.

٢- تأويل الآيات ١/٣٩٧ ح ٢٧: عَنْ الْكَاطِمِ (عليه السلام) قَالَ: لَوْلَاهُمْ مَا عَرَفَ اللَّهُ وَلَا يُدْرَى كَيْفَ يُعْبَدُ الرَّحْمَنُ.

(١٤٥) ١- من لا يحضره الفقيه ٢/٦٠٩: فِي الزِّيَارَةِ الْجَامِعَةِ: لَا تُذْ عَائِدُ بِقُبُورِكُمْ مُسْتَشْفَعٌ إِلَى اللَّهِ (عز وجل) بِكُمْ.

٢- اليقين ٣١٨: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) وَهُوَ يَقُولُ: أَمِنُ لِمَنْ التَّجَأَ إِلَيْهِمْ، وَأَمَانٌ لِمَنْ تَمَسَّكَ بِهِمْ.

٣- مشكاة الأنوار ١٢٦: قَالَ الصَّادِقُ (عليه السلام): إِنَّ لَجَأَ إِلَيْهِمْ ذُو حَاجَةٍ مِنْهُمْ رَحْمَةٌ.

(١٤٦) ١- من لا- يحضره الفقيه ٢/٦٠٩: فِي الزِّيَارَةِ الْجَمَاعَةِ: يَا وَلِيَّ اللَّهِ! إِنَّ بَيْنِي وَبَيْنَ اللَّهِ (عزوجل) ذُنُوبًا لَا- يَأْتِي عَلَيْهَا إِلَّا رِضَاكُمْ، فَبِحَقِّ مَنْ أْتَمَنَّاكُمْ عَلَى سِرِّهِ وَاسْتَرْعَاكُمْ أَمْرَ خَلْقِهِ وَقَرْنَ طَاعَتَكُمْ بِطَاعَتِهِ لَمَّا اسْتَوْهَبْتُمْ ذُنُوبِي وَكُنْتُمْ شَفَعَائِي.

٢- المزار للمشهدي ٥٨٦: زيارته أخرى له (عجل الله تعالى فرجه الشريف): مَوْلَايَ وَقَفْتُ فِي زِيَارَتِكَ مَوْقِفَ الْخَاطِئِينَ النَّادِمِينَ الْخَائِفِينَ مِنْ عِقَابِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَقَدْ أَتَكَلْتُ عَلَى شَفَاعَتِكَ وَرَجَوْتُ بِمُؤَالَاتِكَ وَشَفَاعَتِكَ مَحْوِ ذُنُوبِي وَسِتْرِ عُيُوبِي وَمَغْفِرَةِ زَلِّي، فَكُنْ لَوْلِيكَ يَا مَوْلَايَ عِنْدَ تَحْقِيقِ أَمَلِهِ وَاسْأَلِ اللَّهَ غُفْرَانَ زَلِّهِ، فَقَدْ تَعَلَّقَ بِحَبْلِكَ وَتَمَسَّكَ بِوَلَايَتِكَ وَتَبَرَّأَ مِنْ أَعْدَائِكَ.

(١٤٧) ١- كمال الدين ٣٨٤ ح ١: عَنِ الْعَسِي كَرِيِّ (عليه السلام) قَالَ: وَاللَّهِ لَيَغِيْبَنَّ غَيْبَهُ لَا- يَنْجُو فِيهَا مِنَ الْهَلَاكِه إِلَّا- مَنْ تَبَتَّهُ اللَّهُ (عزوجل) عَلَى الْقَوْلِ بِإِمَامَتِهِ وَوَفَّقَهُ فِيهَا لِلدُّعَاءِ بِتَعْجِيلِ فَرْجِهِ.

٢- المزار للمشهدي ٦٥٥: زيارته العسيريين (عليهما السلام): يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ! قَطَعْتُ فِي وُضِيْلَتِكَ الْخُلَانَ وَهَجَرْتُ لَزِيَارَتِكَ الْأَوْطَانَ وَأَخْفَيْتُ أَمْرِي عَنْ أَهْلِ الْبُلْدَانِ لِتَكُونَ شَفِيعًا لِي عِنْدَ رَبِّكَ وَرَبِّي وَإِلَى آبَائِكَ وَمَوْلَائِي فِي حُسْنِ التَّوْفِيقِ لِي وَإِسْبَاغِ النَّعْمَةِ عَلَيَّ وَسَوْقِ الْإِحْسَانِ إِلَيَّ.

(١٤٩) الصحيحه السجاديه ١٢٩: وَجَعَلَتْ لَنَا عِدْوًا يَكِيدُنَا، سَلَطَتْهُ مِنَّا عَلَى مَا لَمْ تَسَلْطْنَا عَلَيْهِ مِنْهُ، أَسْكَنْتَهُ صُدُورَنَا، وَأَجْرَيْتَهُ مَجَارِي دِمَائِنَا، لَا يَعْقِلُ إِنْ عَفَلْنَا، وَلَا يَنْسَى إِنْ نَسِينَا.

(١٥٠) ١- مقتضب الأثر ٤١: فِي حَدِيثٍ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: إِنَّهُمْ مَعْدُنُ نُورِي.

٢- بحار الأنوار ٧٤/٢٩٩: خَطَبَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ حُطْبَةً بَلِيغَةً فِي مَدْحِ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) فَقَالَ: فِيكَ (رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم) مُسْتَوْدَعُ الْأَنْوَارِ.

٣- المزار للمشهدي ٢٩٣: زيارته جماعة لسائر الأئمة (عليهم السلام): السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيْمَةَ الْمُؤْمِنِينَ وَمَعَادِنَ الْحَقَائِقِ.

٤- بصائر الدرجات ٧٦ ح ١: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): إِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ مَعْدُنُ الْعِلْمِ.

٥- تفسير الإمام العسكري (عليه السلام) ١٠٠: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): هَذَا (أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام)) الْجَمَاعُ لِلْمَكَارِمِ الْحَاوِي لِلْفَضَائِلِ.

(١٥١) علل الشرائع ١/٩ ح ١: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: خَرَجَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ (عليهما السلام) عَلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ذِكْرُهُ مَا خَلَقَ الْعِبَادَ إِلَّا لِيَعْرِفُوهُ، فَإِذَا عَرَفُوهُ عَبْدُوهُ، فَإِذَا عَبْدُوهُ اسْتَعْنَوْا بِعِبَادَتِهِ عَنْ عِبَادَةِ مَا سِوَاهُ، فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ:

يَا بَنَ رَسُولَ اللَّهِ! بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي

فَمَا مَعْرِفَةُ اللَّهِ؟ قَالَ: مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامَهُمُ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ طَاعَتُهُ.

١- بصائر الدرجات ٧٦ ح ١: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله و سلم): إِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ أَهْلُ بَيْتِ الرَّحْمَةِ.

٢- بصائر الدرجات ٢٨٥ ح ١٥: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: وَاللَّهِ لَإِنَّا أَرْحَمُ بِكُمْ مِنْكُمْ بِأَنْفُسِكُمْ.

٣- الكافي ١/٢٠٠ ح ١: عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا (عليه السلام) قَالَ: الْإِمَامُ الْأَيْسَرُ الرَّفِيقُ وَالْوَالِدُ الشَّفِيقُ وَالْأَخُ الشَّقِيقُ وَالْأُمُّ الْبَرَّةُ بِالْوَلَدِ الصَّغِيرِ.

(١٥٣) الْكَافِي ٢/٢٧٩ ح ٩: قَالَ الصَّادِقُ (عليه السلام): قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام): مَا مِنْ عَبْدٍ إِلَّا وَعَلَيْهِ أَرْبَعُونَ جَنَّةً حَتَّى يَعْمَلَ أَرْبَعِينَ كَبِيرَةً، فَإِذَا عَمَلَ أَرْبَعِينَ كَبِيرَةً انْكَشَفَتْ عَنْهُ الْجَنَّةُ، فَيُوحَى إِلَيْهِمْ أَنْ اسْتُرُوا عَيْدِي بِأَجْنَحَتِكُمْ، فَتَسْتُرُهُ الْمَلَائِكَةُ بِأَجْنَحَتِهَا.

قَالَ: فَمَا يَدْعُ شَيْئًا مِنَ الْقَبِيحِ إِلَّا قَارَفَهُ حَتَّى يَمْتَدِّحَ إِلَى النَّاسِ بِفِعْلِهِ الْقَبِيحِ، فَيَقُولُ الْمَلَائِكَةُ: يَا رَبِّ! هَذَا عَبْدُكَ مَا يَدْعُ شَيْئًا إِلَّا رَكِبَهُ وَإِنَّا لَنَسْتَحْيِي مِمَّا يَصْنَعُ، فَيُوحَى اللَّهُ (عز وجل) إِلَيْهِمْ أَنْ ارْفَعُوا أَجْنَحَتِكُمْ عَنْهُ، فَإِذَا فَعَلَ ذَلِكَ أَخَذَ فِي بُعْضِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ، فَعِنْدَ ذَلِكَ يَنْهَتُكَ سِتْرُهُ فِي السَّمَاءِ وَسِتْرُهُ فِي الْأَرْضِ، فَيَقُولُ الْمَلَائِكَةُ: يَا رَبِّ! هَذَا عَبْدُكَ قَدْ بَقِيَ مَهْتُوكَ السِّتْرِ فَيُوحَى اللَّهُ (عز وجل) إِلَيْهِمْ لَوْ كَانَتْ لَهُ فِيهِ حَاجَةٌ مَا أَمَرَكُمُ أَنْ تَرْفَعُوا أَجْنَحَتِكُمْ عَنْهُ.

(١٥٦) تَفْسِيرُ الْعِيَاشِيِّ ٢/٢٤٢ ح ١٤: عَنْ وَهْبِ بْنِ جَمِيْعٍ، قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) عَنْ قَوْلِ إِبْلِيسَ: {رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ} * قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ * إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ { قَالَ لَهُ وَهْبٌ: جَعَلْتُ فِدَاكَ أَيُّ يَوْمٍ هُوَ؟ قَالَ: يَا وَهْبُ! أَ تَحْسَبُ أَنَّهُ يَوْمٌ يَبْعَثُ اللَّهُ فِيهِ النَّاسَ، إِنَّ اللَّهَ أَنْظَرَهُ إِلَى يَوْمٍ يَبْعَثُ فِيهِ قَائِمَنَا، فَإِذَا بَعَثَ اللَّهُ قَائِمَنَا كَانَتْ فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ وَجَاءَ إِبْلِيسُ حَتَّى يَجْتُوَ بَيْنَ يَدَيْهِ عَلَى رُكْبَتَيْهِ، فَيَقُولُ: يَا وَيْلَهُ مِنْ هَذَا الْيَوْمِ فَيَأْخُذُ بِنَاصِيَتِهِ فَيَضْرِبُ عَنْقَهُ فَذَلِكَ يَوْمُ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ.

(١٥٧) كَمَالُ الدِّينِ ٤٤١ ح ١٢: عَنْ صَاحِبِ الزَّمَانِ (عليه السلام) قَالَ: بِي يَدْفَعُ اللَّهُ (عز وجل) الْبَلَاءَ عَنِ أَهْلِي وَشِيعَتِي.

(١٥٨) بَحَارُ الْأَنْوَارِ ٩٩/١٩٩: فِي زِيَارَةِ الْأَيْمَةِ (عليهم السلام): السَّلَامُ عَلَى الرَّءُوفِ الرَّحِيمِ، السَّلَامُ عَلَى السَّخِيِّ الْكَرِيمِ.

(١٥٩) الْكَافِي ١/٢٠٠ ح ١: عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا (عليه السلام) قَالَ: الْإِمَامُ الْأَيْسَرُ الرَّفِيقُ وَالْوَالِدُ الشَّفِيقُ وَالْأَخُ الشَّقِيقُ وَالْأُمُّ الْبَرَّةُ بِالْوَلَدِ الصَّغِيرِ.

(١٦٠) ١- بصائر الدرجات ٣٩٥ ح ٥: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ: إِنَّ اللَّهَ أَقْدَرَنَا عَلَى مَا نُرِيدُ.

٢- الهداية الكبرى ٢٢٦: عَنْ الصَّادِقِ (عليه السلام) قَالَ: يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ بِأَمْرِ اللَّهِ يَسِيرٌ بِإِذْنِ اللَّهِ

مَنْ الْمَشْرِقَ إِلَى الْمَغْرِبِ فِي لَحْظِهِ وَيَعْرُجُ إِلَى السَّمَاءِ وَيَنْزِلُ إِلَى الْأَرْضِ مَتَى شَاءَ وَأَرَادَ.

(١٦١) مناقب آل أبي طالب ٣/١٧٥: عَنِ الصَّادِقِ (صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ) قَالَ: قَالَ بَعْضُهُمْ لِلْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ) فِي اخْتِمَالِهِ الشَّدَائِدَ عَنْ مُعَاوِيَةَ، فَقَالَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) كَلَاماً مَعْنَاهُ: لَوْ دَعَوْتُ اللَّهَ تَعَالَى لَجَعَلَ الْعِرَاقَ شَاماً وَالشَّامَ عِرَاقاً، وَجَعَلَ الْمَرْأَةَ رَجُلًا وَالرَّجُلَ امْرَأَةً، فَقَالَ الشَّامِيُّ: وَمَنْ يَقْدِرُ عَلَى ذَلِكَ؟ فَقَالَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): انْهَضِي أَلَا تَسْتَحِينِ أَنْ تَقْعُدِي بَيْنَ الرَّجَالِ فَوَجَدَ الرَّجُلُ نَفْسَهُ امْرَأَةً، ثُمَّ قَالَ: وَصِيَارَتِ عِيَالِكَ رَجُلًا وَتُقَارِبُكَ وَتَحْمَلُ عَنْهَا وَتَلِدُ وَلِئِدًا حَنِيئًا، فَكَانَ كَمَا قَالَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، ثُمَّ إِنَّهَا تَابَا وَجَاءَ إِلَيْهِ فَدَعَا اللَّهَ تَعَالَى فَعَادَا إِلَى الْحَالِ الْأُولَى.

(١٦٢) ١- الخرائج والجرائح ١/٢٩٦ ح ٣: قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي حَمْزَةَ: حَجَجْتُ مَعَ الصَّادِقِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فَجَلَسْنَا فِي بَعْضِ الطَّرِيقِ تَحْتَ نَخْلِهِ يَبَاسِهِ، فَحَرَكَ شَفْتَيْهِ بَدْعَاءٍ لَمْ أَفْهَمُهُ، ثُمَّ قَالَ: يَا نَخْلَهُ! أَطْعَمِينَا مِمَّا جَعَلَ اللَّهُ فِيكَ مِنْ رِزْقِ عِبَادِهِ. قَالَ: فَانْظَرْتُ إِلَى النَّخْلَةِ وَقَدْ تَمَّ أَيْلَتْ نَحْوِ الصَّادِقِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَعَلَيْهَا أَعْيَادُهَا وَفِيهَا الرُّطْبُ، قَالَ: اذْنُ فَسَمِّ وَكُلْ فَأَكَلْنَا مِنْهَا رُطْبًا أَعْيَدَ رُطْبٍ وَأَطْيَبُهُ، فَإِذَا نَحْنُ بِأَعْرَابِيٍّ يَقُولُ: مَا رَأَيْتُ كَالْيَوْمِ سِحْرًا أَعْظَمَ مِنْ هَذَا!

فَقَالَ الصَّادِقُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): نَحْنُ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ لَيْسَ فِينَا سِيَاحِرٌ وَلَا كَاهِنٌ يَلِي نَدْعُو اللَّهَ فَيَجِيبُ، فَإِنْ أُحْبِبْتَ أَنْ أَدْعُو اللَّهَ فَيَمْسِكُكَ كَلْبًا تَهْتَدِي إِلَى مَنْزِلِكَ وَتَدْخُلُ عَلَيْهِمْ وَتُبْضِي بَصُ لَأَهْلِكَ فَعَلْتُ، قَالَ الْأَعْرَابِيُّ بِجَهْلِهِ: بَلَى، فَدَعَا اللَّهَ فَصَارَ كَلْبًا فِي وَفْتِهِ وَمَضَى عَلَى وَجْهِهِ.

فَقَالَ لِي الصَّادِقُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): اتَّبِعْهُ فَاتَّبَعْتُهُ حَتَّى صَارَ إِلَى حَيْهِ، فَدَخَلَ إِلَى مَنْزِلِهِ فَجَعَلَ يُبْضِي بَصُ لِأَهْلِهِ وَوَلَدِهِ، فَأَخَذُوا لَهُ الْعَصَا حَتَّى أَخْرَجُوهُ، فَانْصَرَفْتُ إِلَى الصَّادِقِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فَأَخْبَرْتُهُ بِمَا كَانَ مِنْهُ، فَبَيْنَا نَحْنُ فِي حَيْدِيهِ إِذْ أَقْبَلَ حَتَّى وَقَفَ بَيْنَ يَدَيِ الصَّادِقِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَجَعَلَتْ دُمُوعُهُ تَسِيلُ عَلَى خَدَيْهِ وَأَقْبَلَ يَتَمَرَّغُ فِي التُّرَابِ وَيَعْوِي، فَرَحِمَهُ فَدَعَا اللَّهَ لَهُ فَعَادَ أَعْرَابِيًّا، فَقَالَ لَهُ الصَّادِقُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): هَلْ آمَنْتَ يَا أَعْرَابِيٌّ؟ قَالَ: نَعَمْ أَلْفًا وَأَلْفًا.

٢- الخرائج والجرائح ٢/٥٦٨ ح ٢٤: عَنِ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَالَ: أَنَّ خَارِجِيًّا اخْتَصَمَ مَعَ رَجُلٍ إِلَى عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، فَحَكَمَ بَيْنَهُمَا بِحُكْمِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ، فَقَالَ الْخَارِجِيُّ: لَا عَدْلَتَ فِي الْقَضِيَّةِ. فَقَالَ عَلِيٌّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): إِحْسَا يَا عَدُوَّ اللَّهِ! فَاشْتَحَالَ كَلْبًا وَطَارَتْ ثِيَابُهُ فِي الْهَوَاءِ، فَجَعَلَ يُبْضِي وَوَقَدْ دَمَعَتْ عَيْنَاهُ فَرَقَّ لَهُ عَلِيٌّ وَدَعَا لَهُ، فَأَعَادَهُ إِلَى حَالِ الْإِنْسَانِيَّةِ وَتَرَجَعَتْ مِنَ الْهَوَاءِ ثِيَابُهُ إِلَيْهِ.

فَقَالَ عَلِيٌّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): إِنَّ آصَفَ وَصِيٍّ سَلِيمَانَ قَدْ صَنَعَ نَحْوَهُ فَقَصَّ اللَّهُ عَنْهُ بِقَوْلِهِ: {قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ} أَيَّمَا أَكْرَمِ عَلَى اللَّهِ؟ نَبِيِّكُمْ أَمْ سَلِيمَانَ؟ قَالُوا نَبِيَّنَا. فَقِيلَ لَهُ: مَا حَاجَّتْكَ فِي قِتَالِ مُعَاوِيَةَ إِلَى الْأَنْصَارِ؟ قَالَ: إِنَّمَا أَدْعُو هَؤُلَاءَ لِثُبُوتِ الْحُجَّةِ وَكَمَالِ الْمُحَنَّةِ، وَلَوْ أذِنَ لِي فِي الدُّعَاءِ بِهَلَاكِهِ لَمَا تَأَخَّرَ.

(١٦٣) ١- عيون أخبار الرضا (عليه السلام) ١/٩٠ ح ١: عَلِيُّ بْنُ يَظِينٍ قَالَ: اسْتَدْعَى الرَّشِيدُ رَجُلًا يُبْطِلُ بِهِ أَمْرَ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ (عليه السلام) وَيَقْطَعُهُ وَيُخْجَلُهُ فِي الْمَجْلِسِ، فَاتَّدَبَ لَهُ رَجُلٌ مُعَزَّمٌ، فَلَمَّا أَحْضَرَتِ الْمَائِدَةَ عَمِلَ نَامُوسًا عَلَى الْخُبْرِ، فَكَانَ كَلِمًا رَامَ خَادِمَ أَبِي الْحَسَنِ (عليه السلام) تَتَاوَلَ رَغِيفٍ مِنَ الْخُبْرِ طَارَ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَاسْتَيْفَزَّ هَارُونَ الْفَرَحَ وَالضَّحْكَ لِدَلِكِ فَلَمْ يَلْبَثْ أَبُو الْحَسَنِ (عليه السلام) أَنْ رَفَعَ رَأْسَهُ إِلَى أَسَدٍ مُصَوِّرٍ عَلَى بَعْضِ السُّتُورِ.

فَقَالَ لَهُ: يَا أَسِيدَ اللَّهِ خُذْ عِيدُوَ اللَّهِ، قَالَ: فَوَيْبَتْ تَلْحَمَكَ الصُّورَةُ كَمَا عَظِمَ مَا يَكُونُ مِنَ السِّبَاعِ فَافْتَرَسَتْ ذَلِكَ الْمُعَزَّمُ فَحَزَّ هَارُونَ وَنَدِمَاؤُهُ عَلَى وُجُوهِهِمْ مَعْشِيًا عَلَيْهِمْ وَطَارَتْ عُقُولُهُمْ خَوْفًا مِنْ هَوْلِ مَا رَأَوْهُ، فَلَمَّا أَهَاقُوا مِنْ ذَلِكَ بَعِيدٍ حِينَ قَالَ هَارُونَ لِأَبِي الْحَسَنِ (عليه السلام): أَسْأَلُكَ بِحَقِّي عَلَيْكَ لِمَا سَيَأْتِي الصُّورَةَ أَنْ تَرُدَّ الرَّجُلَ، فَقَالَ إِنْ كَانَتْ عَصَا مُوسَى رَدَّتْ مَا ابْتَلَعْتَهُ مِنْ حَبَالِ الْقَوْمِ وَعَصِيهِمْ، فَإِنَّ هَذِهِ الصُّورَةَ تَرُدُّ مَا ابْتَلَعْتَهُ مِنْ هَذَا الرَّجُلِ.

٢- الثاقب في المناقب ١٥٤ ح ٢: أَبُو الصَّامِتِ، قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام): أَعْطَنِي شَيْئًا أَزْدَادُ بِهِ يَقِينًا، وَأَنْفَى الشُّكِّ مِنْ قَلْبِي، قَالَ لِي: هِيَاتِ يَا مَعِيَكَ وَكَانَ فِي كُمِّي مِفْتَاحٌ، فَنَاولْتُهُ، فَإِذَا الْمِفْتَاحُ أَسِيدٌ فَفَزَعْتُ مِنْهُ، ثُمَّ قَالَ: أَنْحِ وَجْهَكَ عَنِّي فَفَعَلْتُ، فَعَادَ مِفْتَاحًا.

(١٦٤) مشارق أنوار اليقين ٢٧١: رَوَاهُ صَاحِبُ عُيُونِ الْأَخْبَارِ، قَالَ: إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) مَرَّ فِي طَرِيقِ فَسَايِرِهِ خَيْبَرِي فَمَرَّ بِوَادٍ قَدْ سَالَ، فَرَكِبَ الْخَيْبَرِيَّ مَرَطُهُ وَعَبَّرَ عَلَى الْمَاءِ، ثُمَّ نَادَى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام): يَا هَذَا! لَوْ عَرَفْتَ كَمَا عَرَفْتُ لَجَرَيْتَ كَمَا جَرَيْتُ، فَقَالَ لَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ: مَكَانَكَ، ثُمَّ أَوْمَأَ إِلَى الْمَاءِ فَجَمِدَ وَمَرَّ عَلَيْهِ. فَلَمَّا رَأَى الْخَيْبَرِيَّ ذَاكَ أَكَبَّ عَلَى قَدَمَيْهِ وَقَالَ: يَا فَتَى! مَا قُلْتَ حَتَّى حَوَّلْتَ الْمَاءَ حَجْرًا؟.

فَقَالَ لَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام): فَمَا قُلْتَ أَنْتَ حَتَّى عَبَّرْتَ عَلَى الْمَاءِ؟ فَقَالَ الْخَيْبَرِيُّ: أَنَا دَعَوْتُ اللَّهَ بِاسْمِهِ الْأَعْظَمِ، فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام): وَمَا هُوَ؟ قَالَ: سَأَلْتُهُ بِاسْمِ وَصِيِّ مُحَمَّدٍ، فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ: أَنَا وَصِيُّ مُحَمَّدٍ، فَقَالَ الْخَيْبَرِيُّ: إِنَّهُ الْحَقُّ. ثُمَّ أَسْلَمَ.

(١٦٥) ١- بصائر الدرجات ٤٢٧ ح ١٠: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ: إِنَّ بَيْنَنَا وَبَيْنَ كُلِّ أَرْضٍ تُرًّا مِثْلَ تَرِّ الْبِنَاءِ، فَإِذَا أَمْرًا فِي الْأَرْضِ بِأَمْرٍ جَذَبْنَا ذَلِكَ التُّرَّ، فَأَقْبَلَتِ الْأَرْضُ بِقَلْبِهَا وَأَسْوَاقَهَا وَدُورَهَا حَتَّى تُنْفَذَ فِيهَا مَا نُؤَمَّرُ بِهِ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ تَعَالَى.

٢- علل الشرائع ٢/٥٥٥ ح ٥: قَالَ تَمِيمُ بْنُ حَيْدِيمٍ: كُنَّا مَعَ عَلِيِّ (عليه السلام) حَيْثُ تَوَجَّهْنَا إِلَى الْبُصَيْرَةِ، قَالَ فَبَيْنَمَا نَحْنُ نَزُولٌ إِذَا اضْطَرَبَتِ الْأَرْضُ فَضَرَبَهَا عَلِيُّ (عليه السلام) بِيَدِهِ، ثُمَّ قَالَ لَهَا: مَا لَكَ؟ ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَيْنَا بِوَجْهِهِ، ثُمَّ قَالَ لَنَا: أَمَا إِنَّهَا لَوْ كَانَتْ الزَّلْزَلَةُ الَّتِي ذَكَرَهَا اللَّهُ (عز وجل) فِي كِتَابِهِ لِأَجَابَتْنِي وَلَكِنَّهَا لَيْسَتْ بِتِلْكَ.

(١٦٦) علل الشرائع ٢/٣٥١ ح ٣: قَالَتْ أُمُّ جَعْفَرٍ: خَرَجْتُ مَعَ جَدَّتِي أَسْمَاءَ بِنْتِ عُمَيْسٍ وَعَمِّي

عَبْدُ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ حَتَّى إِذَا كُنَّا بِالضُّهْيَاءِ حَدَّثْتَنِي أَسْمَاءُ بِنْتُ عُمَيْسٍ قَالَتْ: يَا بَنِيَّ! كُنَّا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) فِي هَذَا الْمَكَانِ فَصَلَّى رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) الظُّهْرَ ثُمَّ دَعَا عَلِيًّا فَاسْتَعَانَ بِهِ فِي بَعْضِ حَاجَتِهِ، ثُمَّ جَاءَتِ الْعَصْرُ، فَقَامَ النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله وسلم) فَصَلَّى الْعَصْرَ، فَجَاءَ عَلِيٌّ (عليه السلام) فَقَعَدَ إِلَيَّ جُنْبَ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) وَآلِهِ وَاسْلَمَ، فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيَّ نَبِيَّهُ فَوَضَعَ رَأْسَهُ فِي حَجْرِ عَلِيٍّ (عليه السلام) حَتَّى غَابَتِ الشَّمْسُ لَا يُرَى مِنْهَا شَيْءٌ عَلَى أَرْضٍ وَلَا جَبَلٍ، ثُمَّ جَلَسَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) فَتَقَالَ لِعَلِيٍّ (عليه السلام): هِرْلٌ صَيَلَيْتَ الْعَصِيرَ؟ فَقَالَ: لَا يَا رَسُولَ اللَّهِ! أُبْنِتُ أَنْتَكَ لَمْ تَصَلْ فَلَمَّا وَضَعْتَ رَأْسَكَ فِي حَجْرِي لَمْ أَكُنْ لِأَحْرَكِهِ، فَقَالَ: اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا عَبْدُكَ عَلِيٌّ أَحْتَبَسَ نَفْسَهُ عَلَى نَبِيِّكَ، فَزِدْ عَلَيْهِ شَرْقَهَا فَطَلَعَتِ الشَّمْسُ، فَلَمْ يَبْقَ جَبَلٌ وَلَا- أَرْضٌ إِلَّا- طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ، ثُمَّ قَامَ عَلِيٌّ (عليه السلام) فَتَوَضَّأَ وَصَلَّى ثُمَّ انْكَسَفَتْ.

١- بصائر الدرجات ٢٧٤ ح ٣: عَنِ الْحَارِثِ، قَالَ: خَرَجْنَا مَعَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) حَتَّى انْتَهَيْنَا إِلَى الْعَاقُولِ، فَإِذَا هُوَ بِأَصْلِ شَجَرِهِ قَدْ وَقَعَ لِحَاوُهَا وَبَقِيَ عَمُودُهَا فَضَرَبَهَا بِيَدِهِ، ثُمَّ قَالَ: ارْجِعِي يَا ذُنَّ اللَّهِ خَضِرَاءَ مُثْمَرَةً، فَإِذَا هِيَ تَهْتَرُ بِأَغْصَانِهَا الْكُمَثْرَى فَفَقَطَعْنَا وَأَكَلْنَا وَحَمَلْنَا مَعَنَا، فَلَمَّا كَانَ مِنَ الْعُدِّ عَدُونًا فَإِذَا نَحْنُ بِهَا خَضِرَاءَ فِيهَا الْكُمَثْرَى.

٢- بصائر الدرجات ٣٩٥ ح ٣: عَنِ عَلِيِّ بْنِ الثُّمَالِيِّ، عَنْ بَعْضِ مَنْ حَدَّثَهُ، عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) أَنَّهُ كَانَ مَعَ أَصْحَابِهِ فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ: يَا أَبَى أَنْتَ وَأُمِّي إِنِّي لَا تَعَجَّبُ مِنْ هَذِهِ الدُّنْيَا الَّتِي فِي أَيْدِي هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ وَلَيْسَتْ عِنْدَكُمْ، فَقَالَ يَا فُلَانُ! أَتَرَى أَنَّمَا نُرِيدُ الدُّنْيَا فَلَا نُعْطَاهَا! ثُمَّ قَبَضَ قَبْضَهُ مِنَ الْحَصَى فَإِذَا هِيَ جَوَاهِرٌ، فَقَالَ: مَا هَذَا؟ فَقُلْتُ: هَذَا مِنْ أَجُودِ الْجَوَاهِرِ، فَقَالَ: لَوْ أَرَدْنَا لَكَانَ وَلَكِنْ لَا نُرِيدُهُ، ثُمَّ رَمَى بِالْحَصَى فَعَادَتْ كَمَا كَانَتْ.

١- بصائر الدرجات ٣٩٢ ح ٥: عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ: كُنْتُ عِنْدَهُ يَوْمًا إِذْ وَقَعَ رُوحٌ وَرَشَانٌ عَلَى الْحَائِطِ وَهَيْدَلًا هَدِيلَهُمَا فَزَدَّ أَبُو جَعْفَرٍ (عليه السلام) عَلَيْهِمَا كَلَامَهُمَا سَاعَةً، ثُمَّ نَهَضَا فَلَمَّا طَارَا عَلَى الْحَائِطِ هَدَلُ الذَّكْرِ عَلَى الْأُنثَى سَاعَةً، ثُمَّ نَهَضَا فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ مَا هَذَا الطَّيْرُ؟ قَالَ: يَا بَنِيَّ! كُلُّ شَيْءٍ خَلَقَهُ اللَّهُ مِنْ طَيْرٍ أَوْ بَهِيمَةٍ أَوْ شَيْءٍ فِيهِ رُوحٌ فَهُوَ أَسْمِعَ لَنَا وَأَطْوَعُ مِنْ ابْنِ آدَمَ إِنَّ هَذَا الْوَرَشَانَ ظَنَّ بِأَمْرَاتِهِ فَحَلَفَتْ لَهُ مَا فَعَلْتُ، فَقَالَتْ تَرْضَى بِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ فَرَضِيَا بِي فَأَخْبَرْتُهُ أَنَّهُ لَهَا ظَالِمٌ فَصَدَّقَهَا.

٢- بصائر الدرجات ٣٩٩ ح ٨: عَنِ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: كَانَ مَعَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْبَلْخِيُّ وَمَعَهُ إِذَا هُوَ بَطْنِي يَنْغُو وَيَحْرَكُ ذَنْبَهُ، فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام): أَفَعُلُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ، قَالَ: ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَيْنَا فَقَالَ: عَلِمْتُمْ مَا قَالَ الطَّيْبِيُّ؟ قُلْنَا: اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَإِبْنُ رَسُولِهِ أَعْلَمُ.

فَقَالَ إِنَّهُ أَتَانِي فَأَخْبَرَنِي أَنَّ بَعْضَ أَهْلِ الْمَدِينَةِ نَصَبَ شَبَكَةً لِأَتْنَاهُ فَأَخَذَهَا وَهِيَ خَشْفَانٌ لَمْ يَنْهَضَا وَلَمْ يَقْوِيَا لِلرَّعْيِ، قَالَ فَيَسْأَلُنِي أَنْ أَسْأَلَهُمْ أَنْ يُطْلِقُوهَا وَضَمَّنَ لِي أَنْ إِذَا أَرْضَعْتَ خَشْفَيْهَا حَتَّى يَقْوِيَا أَنْ يَرُدَّهَا عَلَيْهِمْ، قَالَ: فَاسْتَحْلَفْتُهُ، قَالَ: بَرَأْتُ مِنْ وَلَايَتِكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنْ لَمْ أَفِ وَأَنَا فَاعِلٌ ذَلِكَ بِهِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ، فَقَالَ الْبَلْخِيُّ: سُنَّهَ فِيكُمْ كَسَنَهُ سُلَيْمَانَ (عليه السلام).

(١٦٩) ١- بصائر الدرجات ٢٩٤ ح ٥: عَنْ دَاوُدَ بْنِ كَثِيرِ الرَّقِيِّ قَالَ: حَجَّ رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِنَا فَدَخَلَ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام): فَقَالَ: فَدَاكَ أَبِي وَأُمِّي، إِنَّ أَهْلِي قَدْ تُوَفِّيَتْ وَبَقِيَتْ وَحِيدًا، فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام): أَفَكُنْتَ تُحِبُّهَا؟ قَالَ: نَعَمْ جَعَلْتُ فَدَاكَ، قَالَ: ارْجِعْ إِلَى مَنْزِلِكَ فَإِنَّكَ سَتَرْجِعُ إِلَى الْمَنْزِلِ وَهِيَ تَأْكُلُ، قَالَ: فَلَمَّا رَجَعْتُ مِنْ حَجَّتِي وَدَخَلْتُ مَنْزِلِي رَأَيْتُهَا قَاعِدَةً وَهِيَ تَأْكُلُ.

٢- الخرائج والجرائح ١/٢٩٤ ح ١: عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ، قَالَ: كُنْتُ أَمْشِي مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرَ بْنِ مُحَمَّدٍ (عليه السلام) بِمَكَّةَ أَوْ بِمِنَى، إِذْ مَرَرْنَا بِامْرَأَةٍ بَيْنَ يَدَيْهَا بَقْرَةٌ مَيْتَةٌ وَهِيَ مَعَ صَبِيٍّ لَهَا تَبْكِيَانِ، فَقَالَ (عليه السلام): مَا شَأْنُكَ؟ قَالَتْ: كُنْتُ وَصِيَّةَ بَايَا نَعِيشُ مِنْ هَذِهِ الْبَقْرَةِ وَقَدْ مَاتَتْ لَقَدْ تَحَيَّرْتُ فِي أَمْرِي، قَالَ: أَفْتَحِيْنِ أَنْ يُحْيِيَهَا اللَّهُ لَكَ، قَالَتْ: أَوْ تَسِيْخِرْ مَنِي مَعَ مُصِيْبَتِي، قَالَ: كَلَّا، مَا أَرَدْتُ ذَلِكَ، ثُمَّ دَعَا بُدْعَاءَ ثُمَّ رَكَّضَهَا بِرِجْلِهِ وَصَاحَ بِهَا فَقَامَتِ الْبَقْرَةُ مُسْرِعَةً سَوِيَّةً، فَقَالَتْ: عَيْسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَرَبِّ الْكَعْبَةِ، فَدَخَلَ الصَّادِقُ (عليه السلام) بَيْنَ النَّاسِ فَلَمْ تَعْرِفْهُ الْمَرْأَةُ.

(١٧٠) ١- بصائر الدرجات ٢٩٢ ح ٨: عَنْ أَبِي عَوْفٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: دَخَلْتُ عَلَيْهِ فَأَلْطَفَنِي وَقَالَ إِنَّ رَجُلًا مَكْنُوفَ الْبَصِيرِ أَتَى النَّبِيَّ (صلى الله عليه وآله وسلم) فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! ادْعُ اللَّهَ أَنْ يَرُدَّ عَلَيَّ بَصِيرِي، قَالَ: فَدَعَا اللَّهَ فَوَدَّ عَلَيْهِ بَصِيرَهُ، ثُمَّ أَتَاهُ آخَرُ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! ادْعُ اللَّهَ لِي أَنْ يَرُدَّ عَلَيَّ بَصِيرِي، قَالَ: فَقَالَ: الْجَنَّةُ أَحَبُّ إِلَيْكَ أَوْ يَرُدُّ عَلَيْكَ بَصِيرُكَ؟ قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! وَإِنَّ ثَوَابَهَا الْجَنَّةُ، فَقَالَ: اللَّهُ أَكْرَمُ مِنْ أَنْ يَيْتَلِيَ عَبْدُهُ الْمُؤْمِنَ بِذَهَابِ بَصَرِهِ ثُمَّ لَا يُثِيْبُهُ الْجَنَّةُ.

٢- الاحتجاج ١/٣٣٢: ...، وَلَقَدْ أَتَاهُ رَجُلٌ مِنْ جُهَيْنَةَ أَجْدَمٌ يَنْقَطِعُ مِنَ الْجَذَامِ فَشَكَا إِلَيْهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) فَأَخَذَ قَدْحًا مِنْ مَاءٍ فَتَنَّفَلَ فِيهِ، ثُمَّ قَالَ: امْسَحْ بِهِ جَسَدَكَ فَفَعَلَ فَبَرَأَ حَتَّى لَمْ يُوْجَدْ فِيهِ شَيْءٌ.

(١٧١) الخرائج والجرائح ١/٢٣١ ح ٧٦: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَبِيهِ (عليهما السلام) أَنَّ عَلِيًّا (عليه السلام) لَمَّا قَدِمَ مِنْ صَفِينٍ وَقَفَ عَلَى شَاطِئِ الْفُرَاتِ، ثُمَّ انْتَرَعَ سِيْهَمًا مِنْ كَنَانَتِهِ ثُمَّ أَخْرَجَ مِنْهَا قَضِيْبًا أَصْفَرَ فَضَرَبَ بِهِ الْفُرَاتَ وَقَالَ: انْفَجِرْ فَانْفَجَرَتْ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا كُلُّ عَيْنٍ كَالطُّودِ وَالنَّاسُ يَنْظُرُونَ إِلَيْهِ، ثُمَّ تَكَلَّمَ بِكَلَامٍ لَمْ يَفْهَمُوهُ، فَأَقْبَلَتِ الْحَيْتَانُ رَافِعَةً رُءُوسَهَا بِالتَّهْلِيلِ

والتكبير وقالت: السّلام عليك يا حُجَّه الله على خلقه في أرضه! ويا عين الله في عباده! خذلك قومك بصفين كما خذل هارون بن عمران قومه، فقال لهم: أسمعتم؟ قالوا: نعم، قال: فهذه آية لي عليكم وقد أشهدتكم عليه.

(١٧٢) الخرائج والجرائح ١/١٧٤ ح ٧: عن رُمَيْلَةَ، أَنَّ عَلِيًّا (عليه السلام) مَرَّ بِرَجُلٍ يَحْبُطُ هُوَ هُوَ، فَقَالَ: يَا شَابُّ! لَوْ قَرَأْتَ الْقُرْآنَ لَكَانَ خَيْرًا لَكَ، فَقَالَ: إِنِّي لَا أَحْسِنُهُ وَلَوِ دِدْتُ أَنْ أَحْسِنَ مِنْهُ شَيْئًا، فَقَالَ: اذْنُ مَنِي فِدَانًا مِنْهُ، فَتَكَلَّمْتُ فِي أذُنِهِ بِشَيْءٍ خَفِيِّ، فَصَوَّرَ اللَّهُ الْقُرْآنَ كُلَّهُ فِي قَلْبِهِ، فَحَفِظَ كُلَّهُ.

(١٧٣) كمال الدين ٦٧٥ ح ٣٠: عن أبي جعفر (عليه السلام) قال: إذا قام قائمنا وضع يده على رؤوس العباد فجمع بها عقولهم وكملت بها أخلامهم.

(١٧٤) ١- إثبات الهداه ٧/٣٥٧ ح ١٣٧: عن كتاب إنبات الرجعه، للفضل بن شاذان (رحمه الله) أنه روى بإسناد صحيح، عن الصادق (عليه السلام)، أنه قال: ما من معجزه من معجزات الأنبياء والأوصياء إلا ويظهر الله (عز وجل) مثلها في يد قائمنا لإتمام الحجة على الأعداء.

٢- مكيا المكارم ١/١٦٤: عن الصادق (عليه السلام) قال: يأتي إلى القائم (عليه السلام) حين يظهر رجل من إصمفهان ويطلب منه معجزة إبراهيم خليل الرحمن، فيأمر (عليه السلام) أن توقد نار عظيمة ويقرأ قوله تعالى: ﴿فَسِيَّحَانُ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾ ثم يدخل في النار ثم يخرج منها سالماً، فينكر الرجل لغيره الله تعالى عليه ويقول: هذا سحر، فيأمر القائم (عليه السلام) النار فتأخذ وتحرقه فيحترق، ويقول: هذا جزاء من أنكر صاحب الزمان وحججه الرحمن.

(١٧٦) كمال الدين ٤١٦ ح ٩: هشام بن سالم، قال: قلت للصادق (عليه السلام): هل يكون إمامان في وقت؟ قال: لا إلا أن يكون أحدهما صامتاً مأموماً لصاحبه والآخر ناطقاً إماماً لصاحبه.

(١٧٧) ١- من لا يحضره الفقيه ٢/٦١٦: في الزيارة الجامعة: إن ذكر الخير كنتم أوله وأصله وفرعه ومعدنه ومأواه ومنتهاه.

٢- الاحتجاج ١/٤١٦: قال الحسن بن علي (عليه السلام): نحن أهل بيت الرحمة ومعدن الكرامة وموضع الخير.

(١٧٨) كمال الدين وتام النعمه ٢٦٠ ح ٥: عن الباقر (عليهما السلام): بهم يزرق الله عباده، وبهم يعمر بلادهم، وبهم ينزل القطر من السماء، وبهم تخرج بركات الأرض.

(١٧٩) ١- الخصال ٥٢٧ ح ١: عن أبي الحسن الرضا (صلوات الله عليه) قال: الإمام، أشفق عليهم (شيعتنا) من آباءهم وأمهاتهم.

٢- الكافي ١/٢٠٠ ح ١: عن أبي الحسن الرضا (صلوات الله عليه) قال: الإمام، الأم البرة بالولد الصغير.

٣- بحار الأنوار ١٢٦/٦٤ ح ٢٧: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: قُلُوبُنَا تَعَطِفُ عَلَيْهِمْ (شيعتنا) كَعَطْفِ الْوَالِدِ عَلَى الْوَلَدِ.

(١٨٠) المزار للمشهدى ٥٨٧: زِيَارَتُهُ (عجل الله تعالى فرجه الشريف): السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّجَةَ اللَّهِ عَلَى مَنْ فِي الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ الْحُجَّجَةُ عَلَى مَنْ مَضَى وَمَنْ بَقِيَ.

(١٨١) ١- الخرائج والجرائح ٢/٥٩٥ ح ٧: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ: لَئِنْ تَرَوْنَا أَنَّهُ لَيْسَ لَنَا مَعَكُمْ أَعْيُنٌ نَظَرَهُ أَوْ أَسْمَاعٌ سَامِعَهُ، لَبَسْنَا مَا رَأَيْتُمْ، وَاللَّهِ لَا يَخْفَى عَلَيْنَا شَيْءٌ مِنْ أَعْمَالِكُمْ.

٢- بصائر الدرجات ٤٦٣ ح ٨: عَنِ أَبِي الْحَسَنِ (عليه السلام) قَالَ: إِنَّمَا مَنَزَلَهُ الْإِمَامُ فِي الْأَرْضِ بِمَنَزَلَةِ الْقَمَرِ فِي السَّمَاءِ وَفِي مَوْضِعِهِ هُوَ مُطَّلَعٌ عَلَى جَمِيعِ الْأَشْيَاءِ كُلِّهَا.

(١٨٢) ١- من لا يحضره الفقيه ٢/٦٠٩: فِي الزِّيَارَةِ الْجَامِعَةِ: السَّلَامُ عَلَى الذَّادَةِ الْحَمَاهِ.

٢- اليقين ٣١٨: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) وَهُوَ يَقُولُ: أَمِنُّ لِمَنْ التَّجَأَ إِلَيْهِمْ، وَأَمَانٌ لِمَنْ تَمَسَّكَ بِهِمْ.

(١٨٣) ١- الفضائل لابن شاذان ٨٣: عَنْ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): أَنَا حَبْلُ اللَّهِ الْمَتِينُ الَّذِي أَمَرَ اللَّهُ تَعَالَى خَلْقَهُ أَنْ يَعْصِمُوا بِهِ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: {وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا}.

٢- تفسير فرات الكوفي ٢٥٨ ح ١٠: عَنْ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): نَحْنُ حَبْلُ اللَّهِ الْمَتِينُ الَّذِي مَنْ اعْتَصَمَ بِهِ هُدَى إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ.

(١٨٤) المزار للمشهدى ٤٠٠: عَنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) قَالَ: اللَّهُمَّ صِلْ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ الْكَهْفِ الْحَصِينِ، وَغِيَاثِ الْمُضْطَرِّ الْمُسْتَكِينِ، وَمَلَجِ الْهَارِبِينَ، وَعِصْمَةِ الْمُعْتَصِمِينَ.

(١٨٥) تفسير فرات الكوفي ٣٤٨ ح ٢: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ: نَحْنُ سَفِينَتُكُمْ كَسَفِينَةِ نُوحٍ.

(١٨٧) ١- تفسير القمى ١/٣٦٥: قَوْلُهُ: {الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ} قَالَ (عليه السلام): الَّذِينَ آمَنُوا: الشَّيْعَةُ، وَذَكَرَ اللَّهُ: أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأئِمَّةِ (عليهم السلام).

٢- تفسير العياشى ٢/٢١١ ح ٤٤: عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (عليهما السلام) فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: {أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ} قَالَ: بِمُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله وسلم) تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ وَهُوَ ذَكَرُ اللَّهِ وَحِجَابُهُ.

(١٨٨) الكافي ١/٢٠٠ ح ١: عَنْ الرِّضَا (عليه السلام) قَالَ: الْإِمَامُ، الْأُمُّ الْبُرَّةُ بِالْوَلَدِ الصَّغِيرِ.

(١٨٩) من لا يحضره الفقيه ٤/٤١٨: عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا (صلوات الله عليه): الْإِمَامُ، يَكُونُ أَوْلَى النَّاسِ مِنْهُمْ بَأَنْفُسِهِمْ.

(١٩١) ١- بصائر الدرجات ٨٢ ح ١٠: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ: نَحْنُ أَصُولُ الدِّينِ.

٢- نهج البلاغه ١/٣٠: عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) قَالَ: هُمْ أَسَاسُ الدِّينِ.

(١٩٢) تأويل الآيات ١/١٩ ح ٢: عَنْ أَبِي عَبِيدِ اللَّهِ (صلوات الله عليه) قَالَ: نَحْنُ الصَّلَاةُ فِي كِتَابِ اللَّهِ (عز وجل)، وَنَحْنُ الزَّكَاةُ، وَنَحْنُ الصِّيَامُ، وَنَحْنُ الْحُجُّ، وَنَحْنُ الشَّهْرُ الْحَرَامُ، وَنَحْنُ الْبَلَدُ الْحَرَامُ، وَنَحْنُ

كَعْبَةُ اللَّهِ، وَنَحْنُ قَبْلَهُ اللَّهُ.

(١٩٣) نهج البلاغه ١/٣٠: عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عَلِيهِ السَّلَام) قَالَ: هُمْ أَسَاسُ الدِّينِ.

(١٩٤) ١- نهج البلاغه ١/١٨٩: مَنْ خُطِبَ لَهُ (عَلِيهِ السَّلَام): انظُرُوا أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ فَالزُّمُوا سَمْتَهُمْ، وَاتَّبِعُوا أَثْرَهُمْ، فَلَنْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ هُدًى وَلَنْ يُعِيدُوكُمْ فِي رَدًى، فَإِنْ لَبَدُوا فَالْبُدُوا، وَإِنْ نَهَضُوا فَانْهَضُوا، وَلَا تَسْبِقُوهُمْ فَتَضَلُّوا، وَلَا تَتَأَخَّرُوا عَنْهُمْ فَتَهْلِكُوا.

٢- من لا يحضره الفقيه ٢/٦٠٩: فِي الزِّيَارَةِ الْجَمَاعَةِ: مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بَدَأَ بِكُمْ وَمَنْ وَحَدَهُ قَبْلَ عَنُكُمِ وَمَنْ قَصَدَهُ تَوَجَّهَ بِكُمْ، مَوَالِي لَا أَحْصَى تَنَاءَكُمْ وَلَا أَبْلَغَ مِنَ الْمَدْحِ كُنْهَكُمْ وَمَنْ الوَصْفِ قَدْرَكُمْ.

(١٩٥) ١- الكافي ٤/٥٥٩ ح ٥: إِذَا أَتَيْتَ الْقَبْرَ الَّذِي بِالْبَقِيعِ فَاجْعَلْهُ بَيْنَ يَدَيْكَ ثُمَّ تَقُولُ: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيْمَهُ الْهُدَى، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ التَّقْوَى.

٢- تفسير فرات الكوفي ٣٩٦ ح ١١: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عَلِيهِ السَّلَام) قَالَ: هُمْ أَيْمَةُ الْهُدَى وَالِدُعَاةُ إِلَى التَّقْوَى.

(١٩٦) ١- بصائر الدرجات ٣٣ ح ١: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلِيهِ السَّلَام) فِي قَوْلِ اللَّهِ (عَزَّوَجَلَّ): ﴿وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ اتَّبَعَ هَوَاهُ بَغَيْرِ هُدًى مِنَ اللَّهِ﴾ يَعْنِي مَنْ يَتَّخِذُ دِينَهُ رَأْيَهُ بَغَيْرِ هُدًى إِمَامٍ مِنْ أَيْمَةِ الْهُدَى.

٢- كمال الدين ٣٢٤ ح ٩: قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِمَا السَّلَام): إِنَّ دِينَ اللَّهِ لَا يُصَابُ بِالْعُقُولِ النَّاقِصَةِ وَالْأَرْءِ الْبَاطِلِ وَالْمَقَائِيسِ الْفَاسِدَةِ، وَلَا يُصَابُ إِلَّا بِالتَّسْلِيمِ، فَمَنْ سَلِمَ لَنَا سَلِمَ وَمَنْ اهْتَدَى بِنَا هُدًى، وَمَنْ دَانَ بِالْقِيَاسِ وَالرَّأْيِ هَلَكَ، وَمَنْ وَجَدَ فِي نَفْسِهِ شَيْئًا مِمَّا نَقُولُهُ أَوْ نَقَضِي بِهِ حَرَجًا كَفَرَ بِاللَّهِ أَنْزَلَ السَّبْعَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ وَهُوَ لَا يَعْلَمُ.

(١٩٧) المزار للمشهدي ٢٠٥: زيارته أخرى لأمير المؤمنين (صلوات الله عليه): السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ وُلِدَ فِي الْكَعْبَةِ.

(١٩٨) روضه الواعظين ٨٣: وَقَدْ جَاءَ لَهَا الْمَخَاضُ وَهِيَ بَيْنَ النِّسَاءِ وَالْقَوَابِلِ حَوْلَهَا فَقَالَ حَبِيبِي جَبْرَيْلُ يَا مُحَمَّدُ! نَسِجْتُ بَيْنَهَا وَبَيْنَكَ سَجْفًا فَإِذَا وَضَعَتْ بَعْلِي تَتَلَقَّاهُ فَفَعَلْتُ مَا أَمَرْتُ بِهِ ثُمَّ قَالَ لِي: اْمُدُّ يَدَكَ يَا مُحَمَّدُ! فَمَدَدْتُ يَدِي الْيُمْنَى نَحْوَ أُمِّهِ فَإِذَا أَنَا بَعْلِي عَلَى يَدِي وَاضِعًا يَدَهُ الْيُمْنَى فِي أَذُنِهِ الْيُمْنَى وَهُوَ يُؤَدِّنُ وَيُقِيمُ بِالْحَنِيفِيَّةِ وَيَشْهَدُ بِوَحْدَانِيَّةِ اللَّهِ (عَزَّوَجَلَّ) وَبِرِسَالَتِي ثُمَّ انْتَشَى إِلَيَّ وَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ!

ثُمَّ قَالَ لِي: يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَقْرَأُ قُلْتَ أَقْرَأُ فَوَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ لَقَدْ ابْتَدَأَ بِالصُّحُفِ الَّتِي أَنْزَلَهَا اللَّهُ (عَزَّوَجَلَّ) عَلَى آدَمَ فَفَقَامَ بِهَا ابْنُهُ شَيْثٌ فَتَلَاهَا مِنْ أَوَّلِ حَرْفٍ فِيهَا إِلَى آخِرِ حَرْفٍ فِيهَا حَتَّى لَوْ حَضَرَ شَيْثٌ لَأَقْرَأَ لَهُ أَنَّهُ أَحْفَظُ لَهُ مِنْهُ ثُمَّ تَلَا صِيْحْفَ نُوحٍ ثُمَّ صُحْفَ إِبْرَاهِيمَ ثُمَّ قَرَأَ تَوْرَاهُ مُوسَى حَتَّى لَوْ حَضَرَ مُوسَى لَأَقْرَأَ لَهُ بِأَنَّهُ أَحْفَظُ لَهَا مِنْهُ ثُمَّ قَرَأَ زَبُورَ دَاوُدَ حَتَّى لَوْ

حَضَرَ دَاوُدَ لَأَقْرَبَ بَأَنَّهُ أَحْفَظُ لَهَا مِنْهُ ثُمَّ قَرَأَ إِنْجِيلَ عِيسَى حَتَّى لَوْ حَضَرَ عِيسَى لَأَقْرَبَ بَأَنَّهُ أَحْفَظُ لَهَا مِنْهُ ثُمَّ قَرَأَ الْقُرْآنَ الَّذِي أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيَّ مِنْ أَوَّلِهِ إِلَى آخِرِهِ فَوَجِدُهُ يَحْفَظُ كَحَفْظِي لَهُ السَّاعَةَ مِنْ غَيْرِ أَنْ أَسْمَعَ مِنْهُ آيَةً ثُمَّ حَمَّاطُنِي وَخَاطَبْتُهُ بِمَا يُخَاطَبُ الْأَنْبِيَاءَ الْأَوْصِيَاءَ ثُمَّ عَادَ إِلَيَّ حَالَ طُفُولِيَّتِهِ.

(٢٠٠) الخصال ٥٨٠: قَالَ عَلِيُّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): إِنِّي كُنْتُ أُصَلِّي فِي الْمَسْجِدِ فَجَاءَ سَائِلٌ فَسَأَلَ وَأَنَا رَاكِعٌ، فَنَاقَلْتُهُ خَاتَمِي مِنْ إِيضِبَعِي، فَأَنْزَلَ اللَّهُ (تَبَارَكَ وَتَعَالَى) فِي: {إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ}.

(٢٠٢) تفسير العياشي ١/٢٤٧ ح ١٥٣: قَالَ الْبَاقِرُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: {أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ} إِيَّانَا عَنِّي خَاصَّةً.

(٢٠٣) ١- مشارق أنوار اليقين ٢٠٥: عَنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَالَ: الْإِمَامُ يَرَى مَا بَيْنَ الشَّرْقِ وَالْعَرْبِ، فَلَا يَخْفَى عَلَيْهِ شَيْءٌ مِنْ عَالَمِ الْمَلِكِ وَالْمَلَكُوتِ.

٢- بحار الأنوار ٩٧/٣٤٩: زِيَارَةُ أُخْرَى لَهُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): أَنْتَ (أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)) عَيْنُهُ (اللَّهُ) الْحَفِيظَةُ الَّتِي لَا تَخْفَى عَلَيْهَا خَافِيَةٌ.

(٢٠٤) ١- بصائر الدرجات ٣٩٥ ح ٥: عَنِ أَبِي جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَالَ: إِنَّ اللَّهَ أَقْدَرَنَا عَلَيَّ مَا نُرِيدُ.

٢- بحار الأنوار ٩٧/٣٤٩: زِيَارَةُ أُخْرَى لَهُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): أَنْتَ (أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)) الْمُحِيطُ بِكُلِّ شَيْءٍ.

(٢٠٥) من لا يحضره الفقيه ٢/٦٠٩: فِي الزِّيَارَةِ الْجَامِعَةِ: عَصِي مَكُّمُ اللَّهُ مِنَ الزَّلَّلِ وَأَمَنُكُمْ مِنَ الْفَتَنِ وَطَهَّرَكُمْ مِنَ الدَّنَسِ وَأَذْهَبَ عَنْكُمْ الرَّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَطَهَّرَكُمْ تَطْهِيراً.

(٢٨٣) ١- مشارق أنوار اليقين ١٧٧: عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَالَ: الْإِمَامُ مَلَكَتِي الذَّاتِ، إِلَهِي الصِّفَاتِ، وَأَنْتُمْ صِفَاتُ اللَّهِ وَصَفَوْتُهُ.

٢- تأويل الآيات ١/٣٩٧ ح ٢٧: عَنِ الْكَوَظِمِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَالَ: أَقَامَهُمْ مَقَامَ نَفْسِهِ؛ لِأَنَّهُ لَا يَرَى وَلَا يُدْرِكُ وَلَا تُعْرَفُ كَيْفِيَّتُهُ وَلَا إِيَّتُهُ.

(٢٨٤) ١- بحار الأنوار: ٢٤/٥: عَنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَالَ: الْإِمَامُ عَلِمَ مَا فِي الضَّمَائِرِ وَالْقُلُوبِ.

٢- المناقب (كتاب عتيق) ٧٥: عَنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَالَ: أَنَا عَالِمٌ بِضَمَائِرِ قُلُوبِكُمْ.

(٢٨٥) ١- بصائر الدرجات ٨٣ ح ١١: عَنِ أَبِي جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَالَ: نَحْنُ شُهَدَاءُ اللَّهِ عَلَيَّ خَلْقِهِ.

٢- جمال الأسبوع ٣٠٧: عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا (عليه السلام) قَالَ: عَيْنِكَ النَّظَرُ عَلَيَّ بِرِيَّتِكَ وَشَاهِدَكَ عَلَيَّ عِبَادَكَ.

(٢٨٦) المزار للمشهدي ٢٩٣: عَنْ الصَّادِقِ (عليه السلام) قَالَ: وَوَرَّثَهُ الْأَنْبِيَاءَ.

(٢٨٧) الكافي ٢/٦٣٣ ح ٢٣: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: إِذَا قَامَ الْقَائِمُ (عليه السلام) قَرَأَ كِتَابَ اللَّهِ (عز وجل) عَلَيَّ

حَدَّه وَأَخْرَجَ الْمُضِيحَ الَّذِي كَتَبَهُ عَلِيُّ (عليه السلام) وَقَالَ: أَخْرَجَهُ عَلِيُّ (عليه السلام) إِلَى النَّاسِ حِينَ فَرَّغَ مِنْهُ وَكَتَبَهُ فَقَالَ لَهُمْ: هَذَا كِتَابُ اللَّهِ (عزوجل) كَمَا أَنْزَلَهُ اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله وسلم) وَقَدْ جَمَعْتُهُ مِنَ اللَّوْحَيْنِ فَقَالُوا: هُوَ ذَا عِنْدَنَا مُضِيحٌ جَامِعٌ فِيهِ الْقُرْآنُ لَا حَاجَةَ لَنَا فِيهِ، فَقَالَ: أَمَا وَاللَّهِ مَا تَرَوْنَهُ بَعِيدَ يَوْمِكُمْ هَذَا أَبَدًا إِنَّمَا كَانَ عَلِيُّ أَنْ أُخْبِرَكُمْ حِينَ جَمَعْتُهُ لِتَقْرَءُوهُ.

(٢٨٨) بصائر الدرجات ٢١٧ ح ٢: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: قَدْ وَدَدَنِي رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) وَأَنَا أَعْلَمُ كِتَابَ اللَّهِ وَفِيهِ يَدُ الْخَلْقِ وَمَا هُوَ كَائِنٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَفِيهِ خَيْرُ السَّمَاءِ وَخَيْرُ الْأَرْضِ وَخَيْرُ الْجَنَّةِ وَخَيْرُ النَّارِ وَخَيْرٌ مِمَّا كَانَ وَخَيْرٌ مِمَّا هُوَ كَائِنٌ أَعْلَمُ ذَلِكَ كَمَا أَنْظَرُ إِلَى كَفَى إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ: {فِيهِ نَبِيَانِ كُلِّ شَيْءٍ}.

(٢٨٩) بحار الأنوار ٩٩/٢٤٧: عَنْ الْأَنْبِيَاءِ (عليهم السلام): يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا! إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ! اشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ.

(٢٩٠) ١- المزار للمشهدي ٥٧٣: فِي دُعَاءِ التُّدْبَةِ: أَيُّنَ الْمُدَّخِرِ لِتَجْدِيدِ الْفَرَائِضِ وَالسُّنَنِ؟ أَيُّنَ الْمُتَخَيِّرِ لِإِعَادَةِ الْمَلَةِ وَالشَّرِيعَةِ؟ أَيُّنَ الْمُؤَمِّلِ لِإِحْيَاءِ الْكِتَابِ وَحُدُودِهِ؟ أَيُّنَ مُعْجِبِي مَعَالِمِ الدِّينِ وَأَهْلِهِ.

٢- جمال الأسبوع ٣٠٧: قَالَ الرَّضَا (عليه السلام): اللَّهُمَّ حَيِّدْ بِهِ مَا امْتَحَى مِنْ دِينِكَ وَبِيدِلْ مِنْ حُكْمِكَ حَتَّى تُعِيدَ دِينَكَ بِهِ وَعَلَى يَدَيْهِ جَدِيدًا غَضًّا مَحْضًا صَحِيحًا لَا عَوَجَ فِيهِ وَلَا بَدْعَ مَعَهُ.

(٢٩١) الكافي ١/٣٩٧ ح ٢: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: لَا تَذْهَبِ الدُّنْيَا حَتَّى يَخْرُجَ رَجُلٌ مَنَى يَحْكُمُ بِحُكْمِهِ آلَ دَاوُدَ وَلَا يَسْأَلُ بَيْنَهُ يُعْطَى كُلُّ نَفْسٍ حَقَّهَا.

(٢٩٢) ١- مشارق أنوار اليقين ٢٦٩: مِنْ حُطْبِهِ لَهُ (عليه السلام) قَالَ: أَنَا الْكِتَابُ الْمَسْطُورُ.

٢- إحقاق الحق ٧/٥٩٥: فِي الْمَنَاقِبِ: وَلَمَّا أَرَادَ أَهْلُ الشَّامِ أَنْ يَجْعَلُوا الْقُرْآنَ حَكْمًا بِصَفَيْنِ، قَالَ الْإِمَامُ عَلِيُّ (عليه السلام): أَنَا الْقُرْآنُ النَّاطِقُ.

(٢٩٣) ١- تفسير القمي ٢/٤٢٥: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ: الْقُرْآنُ ضَرَبَ فِيهِ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَخَاطَبَ نَبِيَّهُ (صلى الله عليه وآله وسلم) وَآلَهُ وَسَلَّمَ بِهِ وَنَحْنُ نَعْلَمُهُ فَلَيْسَ يَعْلَمُهُ غَيْرُنَا.

٢- بصائر الدرجات ٢٣٢ ح ٢: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: عِلْمُ الْكِتَابِ كُلُّهُ وَاللَّهُ عِنْدَنَا.

(٢٩٤) نهج البلاغه ٢/٥: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام): هَذَا الْقُرْآنُ إِنَّمَا هُوَ خَطٌّ مَسْطُورٌ بَيْنَ الدَّفْتَيْنِ لَا يَنْطِقُ بِلِسَانٍ وَلَا بُدَّ لَهُ مِنْ تَرْجَمَانٍ وَإِنَّمَا يَنْطِقُ عَنْهُ الرَّجَالُ وَلَمَّا دَعَانَا الْقَوْمُ إِلَى أَنْ نُحْكَمَ بَيْنَنَا الْقُرْآنَ لَمْ نَكُنْ الْفَرِيقَ الْمُتَوَلَّى عَنْ كِتَابِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى وَقَدْ قَالَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ فَرُدُّهُ إِلَى اللَّهِ أَنْ نُحْكَمَ بِكِتَابِهِ وَرُدُّهُ إِلَى الرَّسُولِ أَنْ

نَأْخُذُ بِسُنَّتِهِ فَإِذَا حُكِمَ بِالصِّدْقِ فِي كِتَابِ اللَّهِ فَنَحْنُ أَحَقُّ النَّاسِ بِهِ وَإِنْ حُكِمَ بِسُنَّتِهِ

رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) فَحَنُّ أَحَقُّ النَّاسِ وَأَوْلَاهُمْ بِهَا.

(٢٩٥) بصائر الدرجات ٢١٧ ح ٢: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: قَدْ وَكَلَدَنِي رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) وَأَنَا أَعْلَمُ كِتَابَ اللَّهِ وَفِيهِ يَدُ الْخَلْقِ وَمَا هُوَ كَائِنٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَفِيهِ خَيْرُ السَّمَاءِ وَخَيْرُ الْأَرْضِ وَخَيْرُ الْجَنَّةِ وَخَيْرُ النَّارِ وَخَيْرُ مَا كَانَ وَخَيْرُ مَا هُوَ كَائِنٌ أَعْلَمُ ذَلِكَ كَمَا أَنْظَرُ إِلَى كَفَى إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ: {فِيهِ نَبِيَانُ كُلِّ شَيْءٍ}.

(٢٩٦) المحاسن ١/٢٦٨ ح ٣٥٦: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: وَإِنَّمَا الْقُرْآنُ أَمْثَالُ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ دُونَ غَيْرِهِمْ وَلِقَوْمٍ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ وَهُمْ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَعْرِفُونَهُ وَأَمَّا غَيْرُهُمْ فَمَا أَشَدَّ إِشْكَالَهُ عَلَيْهِمْ وَأَبْعَدَهُ مِنْ مَدَاهِبِ قُلُوبِهِمْ وَلِذَلِكَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) (إِنَّهُ) لَيْسَ شَيْءٌ أَبْعَدَ مِنْ قُلُوبِ الرِّجَالِ مِنْ تَفْسِيرِ الْقُرْآنِ وَفِي ذَلِكَ تَحْيِيرَ الْخَلَائِقِ أَجْمَعُونَ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ وَإِنَّمَا أَرَادَ اللَّهُ بِتَعْمِيتهِ فِي ذَلِكَ أَنْ يَنْتَهُوا إِلَى بَابِهِ وَصِرَاطِهِ وَأَنْ يَعْبُدُوهُ وَيَنْتَهُوا فِي قَوْلِهِ إِلَى طَاعَةِ الْقَوْمِ بِكُتَابِهِ وَالنَّاطِقِينَ عَنْ أَمْرِهِ وَأَنْ يَسْتَنْبُطُوا مَا اخْتَأَجُوا إِلَيْهِ مِنْ ذَلِكَ عَنْهُمْ لَا عَنْ أَنْفُسِهِمْ.

ثُمَّ قَالَ: وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أَوْلَى الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبُطُونَ مِنْهُمْ فَأَمَّا عَنْ غَيْرِهِمْ فَلَيْسَ يَعْلَمُ ذَلِكَ أَبَدًا وَلَا يُوجَدُ وَقَدْ عَلِمْتَ أَنَّهُ لَا يَشْتَقِقُ أَنْ يَكُونَ الْخَلْقُ كُلُّهُمْ وُلَاةَ الْأَمْرِ؛ لِأَنَّهُمْ لَا يَجِدُونَ مَنْ يَأْتَمِرُونَ عَلَيْهِ وَمَنْ يُبَلِّغُونَهُ أَمْرَ اللَّهِ وَنَهْيَهُ فَجَعَلَ اللَّهُ الْوِلَاةَ حَوَاصِّ لِيَقْتَدَى بِهِمْ فَافْتَهُمْ ذَلِكَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ وَإِيَّاكَ وَإِيَّاكَ وَتِلَاوَةَ الْقُرْآنِ بَرَأِيكَ فَإِنَّ النَّاسَ غَيْرُ مُشْتَرِكِينَ فِي عِلْمِهِ كَمَا اشْتَرَاكَ فِيهِمْ سِوَاهُ مِنَ الْأُمُورِ وَلَا قَادِرِينَ عَلَى تَأْوِيلِهِ إِلَّا مَنْ حَيَّدَهُ وَبَابَهُ الَّذِي جَعَلَهُ اللَّهُ لَهُ فَافْتَهُمْ إِنْ شَاءَ اللَّهُ وَاطْلُبِ الْأَمْرَ مِنْ مَكَانِهِ تَجِدْهُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ.

(٢٩٧) بصائر الدرجات ٤٣٣ ح ٣: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (عليه السلام): دَعَا رَسُولُ اللَّهِ أَصِيحَابَهُ بِمَنَى، فَقَالَ: يَا أَيُّهَا النَّاسُ! إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ، أَمَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضَلُّوا؛ كِتَابَ اللَّهِ وَعَثْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي.

(٢٩٨) الأُمَالِي لِلْمَفِيدِ ٣٦ ح ٣: عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْعَبَّاسِ، قَالَ: لَمَّا حَضَرَتِ النَّبِيَّ (صلى الله عليه وآله وسلم) الْوُفَاةَ وَفِي الْبَيْتِ رِجَالٌ فِيهِمْ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): هَلُمُّوا أَكْتُبْ لَكُمْ كِتَابًا لَنْ تَضَلُّوا بَعْدَهُ أَبَدًا، فَقَالَ: لَا تَأْتُوهُ بِشَيْءٍ فَإِنَّهُ قَدْ غَلَبَهُ الْوَجْعُ وَعِنْدَكُمْ الْقُرْآنُ حَسْبُنَا كِتَابُ اللَّهِ، فَاخْتَلَفَ أَهْلُ الْبَيْتِ وَاخْتَصَمُوا، فَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ: قَرَّبُوا يَكْتُبْ لَكُمْ رَسُولُ اللَّهِ، وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ: مَا قَالَ عُمَرُ، فَلَمَّا كَثُرَ اللَّغَطُ وَالْإِخْتِلَافُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): قُومُوا عَنِّي.

(٢٩٩) ١- الكافي ٢/٦٣٣ ح ٢٣: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: إِذَا قَامَ الْقَائِمُ (عليه السلام) قَرَأَ كِتَابَ اللَّهِ (عز وجل) عَلَى حَدِّهِ وَأَخْرَجَ الْمُضْخَفَ الَّذِي كَتَبَهُ عَلَيَّ (عليه السلام) وَقَالَ: أَخْرَجَهُ عَلَيَّ (عليه السلام) إِلَى النَّاسِ

حِينَ فَرَّغَ مِنْهُ وَكَتَبَهُ فَقَالَ لَهُمْ: هَذَا كِتَابُ اللَّهِ (عزوجل) كَمَا أَنْزَلَهُ اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله وسلم) وَقَدْ جَمَعْتُهُ مِنَ اللَّوْحَيْنِ فَقَالُوا: هُوَ ذَا عِنْدَنَا مُضِيحٌ جَامِعٌ فِيهِ الْقُرْآنُ لَا حَاجَةَ لَنَا فِيهِ، فَقَالَ: أَمَا وَاللَّهِ مَا تَرَوْنَهُ بَعْدَ يَوْمِكُمْ هَذَا أَبَدًا إِنَّمَا كَانَ عَلَيَّ أَنْ أُخْبِرَكُمْ حِينَ جَمَعْتُهُ لِتَقْرَؤُوهُ.

٢- روضه الواعظين ٢٦٥: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ الْبَاقِرِ (عليه السلام): إِذَا قَامَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ (عليهم السلام) ضَرَبَ فَسَاطِيطَ لِمَنْ يُعَلِّمُ النَّاسَ الْقُرْآنَ عَلَى مَا أَنْزَلَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ فَأَضْعَبُ مَا يَكُونُ عَلَى مَنْ حَفِظَهُ الْيَوْمَ؛ لِأَنَّهُ يُخَالِفُ فِيهِ التَّالِيفَ.

٣- الغيبة للنعماني ٣٣٣ ح ٣: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام): كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى شِيعَتِنَا بِمَسْجِدِ الْكُوفَةِ وَقَدْ ضَرَبُوا الْفَسَاطِيطَ يُعَلِّمُونَ النَّاسَ الْقُرْآنَ كَمَا أَنْزَلَ.

(٣٠٠) ١- بصائر الدرجات ٥٧ ح ١: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) فِي قَوْلِ اللَّهِ (تبارك و تعالی): {وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَكَ وَ لِقَوْمِكَ وَ سَوْفَ تُسْئَلُونَ} قَالَ (عليه السلام): الذِّكْرُ الْقُرْآنُ، وَنَحْنُ قَوْمُهُ وَنَحْنُ الْمَسْئُولُونَ.

٢- بصائر الدرجات ٢١٨ ح ٤: عَنْ أَبِي الْحَسَنِ (عليه السلام) قَالَ: عَلَيْنَا نَزَلَ قَبِيلُ النَّاسِ وَلَنَا فُسِّرَ قَبِيلٌ أَنْ يُفَسَّرَ فِي النَّاسِ، فَنَحْنُ نَعْرِفُ حِلَالَهُ وَحَرَامَهُ وَنَاسِخَهُ وَمَنْسُوخَهُ وَسَفَرِيَّهُ وَحَضْرِيَّهُ وَفِي أَيِّ لَيْلَةٍ نَزَلَتْ كَمْ مِنْ آيَةٍ وَفِيْمَنْ نَزَلَتْ وَفِيْمَا نَزَلَتْ.

(٣٠١) الغيبة للنعماني ٢٩٦ ح ١: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ اسْتَقْبَلَ مِنْ جَهْلِهِ النَّاسَ أَشَدَّ مِمَّا اسْتَقْبَلَهُ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) مِنْ جُهَالِ الْجَاهِلِيَّةِ فَقُلْتُ: وَكَيْفَ ذَلِكَ؟ قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) أَتَى النَّاسَ وَهُمْ يَعْجَبُونَ الْحِجَارَةَ وَالصُّخُورَ وَالْعِيدَانَ وَالْخَشَبَ الْمَنْحُوتَةَ وَإِنْ قَائِمْنَا إِذَا قَامَ أَتَى النَّاسَ وَكُلُّهُمْ يَتَأَوَّلُ عَلَيْهِ كِتَابَ اللَّهِ وَيَحْتَجُّ عَلَيْهِ بِهِ ثُمَّ قَالَ أَمَا وَاللَّهِ لَيَدْخُلَنَّ عَلَيْهِمْ عَدْلُهُ جَوْفَ بِيوتِهِمْ كَمَا يَدْخُلُ الْحَرُّ وَالْقُرُ.

(٣٠٢) ١- بصائر الدرجات ٨١ ح ٣: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: نَحْنُ خَزَنَةُ عِلْمِ اللَّهِ.

٢- كفايه الأثر ١٦٣: عَنْ الْحَسَنِ (عليه السلام) قَالَ: خَطَبَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) يَوْمًا، فَقَالَ: عَلَيَّ مَعِيدُنُ عِلْمِ اللَّهِ.

(٣٠٣) ١- مشارق أنوار اليقين ٢٠٥: عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) قَالَ: الْإِمَامُ يَرَى مَا بَيْنَ الشَّرْقِ وَالْغَرْبِ، فَلَا يَخْفَى عَلَيْهِ شَيْءٌ مِنْ عَالَمِ الْمُلْكِ وَالْمَلَكُوتِ.

٢- بصائر الدرجات ١٤٨ ح ٦: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: إِنِّي لِأَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَعْلَمُ مَا فِي الْجَنَّةِ وَأَعْلَمُ مَا فِي النَّارِ وَأَعْلَمُ مَا كَانَ وَمَا يَكُونُ قَالَ ثُمَّ مَكَثَ هُنَيْئَةً فَرَأَى أَنَّ ذَلِكَ كَبَّرَ عَلَى مَنْ سَمِعَهُ مِنْهُ فَقَالَ: عَلِمْتُ ذَلِكَ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ (عزوجل) إِنَّ اللَّهَ (عزوجل) يَقُولُ: {فِيهِ تَبْيَانٌ كُلِّ شَيْءٍ}.

(٣٠٤) مشارق أنوار اليقين ١٧٧: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: الْإِمَامُ مَلَكَتِ الدَّاتِ، إِلَهِيَّ الصِّفَاتِ، وَأَنَّهُمْ صِفَاتُ اللَّهِ

- (٣٠٥) ١- الاحتجاج ١/٨٠: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ: أَلَا إِنَّهُ (امام العصر (عليه السلام)) وَارِثُ كُلِّ عِلْمٍ وَالْمُحِيطُ بِهِ.
- ٢- مشارق أنوار اليقين ٢٦٤: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام): لَقَدْ عَلِمْتُ مَا فَوْقَ الْفِرْدَوْسِ الْأَعْلَى وَمَا تَحْتَ السَّابِعَةِ السُّفْلَى وَمَا فِي السَّمَاوَاتِ الْعُلَى وَمَا بَيْنَهُمَا وَمَا تَحْتَ الثَّرَى، كُلُّ ذَلِكَ عِلْمٌ إِحْاطَهُ لَا عِلْمٌ إِجْبَارٌ.
- (٣٠٦) ١- إزلام الناصب ٢/٢١٨: فِي خُطْبِهِ التُّطْنَجِيَّةِ: عَلِمْنَا مَا كَانَ وَمَا يَكُونُ وَمَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ بَيْنَ بَعْلَمِ رَبَّنَا، نَحْنُ الْمُدَبِّرُونَ فَنَحْنُ بِذَلِكَ اخْتِصَاصًا، نَحْنُ مَخْصُوصُونَ وَنَحْنُ عَالِمُونَ.
- ٢- بحار الأنوار ٢٦/٥: فِي خُطْبِهِ الثُّورَانِيَّةِ: وَعَلِمَ بِمَا كَانَ وَمَا يَكُونُ وَعَلِمَ مَا فِي الصَّمَانِ وَالْقُلُوبِ وَعَلِمَ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ.
- (٣٠٧) ١- مصباح المتهجد ٤٠٩: إِنَّ الرِّضَا (عليه السلام) كَانَ يَأْمُرُ بِالِدُّعَاءِ لِصَاحِبِ الْأَمْرِ بِهَذَا: اللَّهُمَّ اذْفَعْ عَنِّي وَعَيْنِكَ النَّظَرَ بِأَذْنِكَ، وَشَاهِدَكَ عَلَى عِبَادِكَ.
- ٢- بصائر الدرجات ٤٦٣ ح ٨: عَنِ أَبِي الْحَسَنِ (عليه السلام) قَالَ: إِنَّمَا مَنَزَلُهُ الْإِمَامُ فِي الْأَرْضِ بِمَنَزَلَةِ الْقَمَرِ فِي السَّمَاءِ وَفِي مَوْضِعِهِ هُوَ مُطَّلِعٌ عَلَى جَمِيعِ الْأَشْيَاءِ كُلِّهَا.
- (٣٠٨) ١- الكافي ١/٣٩٩ ح ٢: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ: إِنَّهُ لَيْسَ أَحَدٌ عِنْدَهُ عِلْمٌ شَيْءٍ إِلَّا خَرَجَ مِنْ عِنْدِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) فَلْيَذْهَبِ النَّاسُ حَيْثُ شَاءُوا فَوَاللَّهِ لَيْسَ الْأَمْرُ إِلَّا مِنْ هَاهُنَا وَأَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى بَيْتِهِ.
- ٢- الكافي ١/٣٩٩ ح ٣: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) لَسَلِمَهُ بِنُ كُهَيْلٍ وَالْحَكَمِ بْنِ عُنَيْبَةَ: شَرِفًا وَغَرَبًا فَلَا تَجِدَانِ عِلْمًا صَاحِبًا إِلَّا شَيْئًا خَرَجَ مِنْ عِنْدِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ.
- ٣- بحار الأنوار ٢٥/٢٤ ح ٤١: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: كُلُّ عِلْمٍ خَرَجَ إِلَى أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَمِنَّا وَعَنَّا.
- (٣٠٩) ١- علل الشرائع ١/٥ ح ١: عَنْ الرِّضَا، عَنْ آبَائِهِ، عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليهم السلام)، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله و سلم): إِنَّ أَوَّلَ مَا خَلَقَ اللَّهُ (عزوجل) خَلَقَ أَرْوَاحَنَا فَأَنْطَقْنَا بِتَوْحِيدِهِ وَتَحْمِيدِهِ، ثُمَّ خَلَقَ الْمَلَائِكَةَ، فَلَمَّا شَاهَدُوا أَرْوَاحَنَا نُورًا وَاحِدًا اسْتَعْظَمُوا أَمْرَنَا، فَسَبَّحْنَا؛ لِتَعْلَمَ الْمَلَائِكَةُ أَنَّا خَلَقْنَا مَخْلُوقُونَ وَأَنَّهُ مَنَزَرُهُ عَنْ صِفَاتِنَا فَسَبَّحَتِ الْمَلَائِكَةُ بِتَسْبِيحِنَا وَنَزَّهَتْهُ عَنْ صِفَاتِنَا، فَلَمَّا شَاهَدُوا عَظَمَ شَأْنِنَا هَلَّلْنَا؛ لِتَعْلَمَ الْمَلَائِكَةُ أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّا عِبِيدٌ وَلَسِينَا بِأَلْهَةٍ يَجِبُ أَنْ نُعْبَدَ مَعَهُ أَوْ دُونَهُ، فَقَالُوا: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، فَلَمَّا شَاهَدُوا كِبَرَ مَحَلَّتِنَا كَبَّرْنَا؛ لِتَعْلَمَ الْمَلَائِكَةُ أَنَّ اللَّهَ أَكْبَرُ مِنْ أَنْ يُنَالَ عَظْمَ الْمَحَلِّ إِلَّا بِهِ، فَلَمَّا شَاهَدُوا مَا جَعَلَهُ لَنَا مِنَ الْعِزَّةِ وَالْقُوَّةِ قُلْنَا: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ؛ لِتَعْلَمَ الْمَلَائِكَةُ أَنَّ لَا حَوْلَ لَنَا وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ فَلَمَّا شَاهَدُوا

مِا أَنْعَمَ اللَّهُ بِهِ عَلَيْنَا وَأَوْجِبَهُ لَنَا مِنْ فَرَضِ الطَّاعَةِ قُلْنَا الْحَمْدُ لِلَّهِ لَتَعْلَمَ الْمَلَائِكَةُ مَا يَحِقُّ لِلَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ عَلَيْنَا مِنَ الْحَمْدِ عَلَى نِعْمَتِهِ فَقَالَتِ الْمَلَائِكَةُ الْحَمْدُ لِلَّهِ فَبِنَا اهْتَدَوْا إِلَى مَعْرِفَةِ تَوْحِيدِ اللَّهِ وَتَشْبِيحِهِ وَتَهْلِيلِهِ وَتَحْمِيدِهِ وَتَمْجِيدِهِ.

٢- مشارق أنوار اليقين ٢٥٥: عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ: أَنَا الْخَضِرُ مُعَلِّمُ مُوسَى، أَنَا مُعَلِّمُ دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ.

(٣١٠) الإختصاص ٢٥٢: قَالَ الرَّضَا (صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ): إِذَا نَزَلَتْ بِكُمْ شَدِيدَةٌ، فَاسْتَعِينُوا بِنَا عَلَى اللَّهِ (عَزَّوَجَلَّ)، وَهُوَ قَوْلُهُ تَعَالَى: {وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا}.

(٣١١) ١- الأصول الستة عشر ١٢٤ ح ١١: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ: أُطْلِبُوا الْعِلْمَ مِنْ مَعْدِنِ الْعِلْمِ، وَإِيَّاكُمْ وَالْوَلَانِجَ، فَهُمْ الصِّدَّاقُونَ عَنِ اللَّهِ.

٢- الكافي ٢/٢٩٨ ح ٥: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَام): إِيَّاكَ! أَنْ تَنْصَبَ رَجُلًا دُونَ الْحُجَّةِ فَتُصَدَّقَهُ فِي كُلِّ مَا قَالَ.

(٣١٢) ١- بصائر الدرجات ٣٢٨ ح ٤: عَنْ أَبِي بصيرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ: كَانَ فِي ذُوَابِهِ سَيْفٌ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) صَحِيفَةً صَغِيرَةً فَقُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَام): أَيُّ شَيْءٍ كَانَ فِي تِلْكَ الصَّحِيفَةِ؟ قَالَ: هِيَ الْأَحْرُفُ الَّتِي يَفْتَحُ كُلُّ حَرْفٍ مِنْهَا أَلْفَ حَرْفٍ، قَالَ أَبُو بصيرٍ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَام): فَمَا خَرَجَ مِنْهَا إِلَّا حَرْفَانِ حَتَّى السَّاعَةِ.

٢- تحف العقول ١٧١: وَصِيَّتُهُ عَلَيَّ (عَلَيْهِ السَّلَام) لَكُمَيْلِ بْنِ زِيَادٍ: يَا كُمَيْلُ! مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَأَنَا أَفْتَحُهُ وَمَا مِنْ سِرٍّ إِلَّا وَالْقَائِمُ (عَلَيْهِ السَّلَام) يَخْتَمُهُ.

٣- مختصر بصائر الدرجات ١١٧: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ: الْعِلْمُ سَبْعَةٌ وَعِشْرُونَ حَرْفًا، فَجَمِيعُ مَا جَاءَتْ بِهِ الرُّسُلُ حَرْفَانِ، فَلَمْ يَعْرِفِ النَّاسُ حَتَّى الْيَوْمِ غَيْرَ الْحَرْفَيْنِ، فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَخْرَجَ الْخَمْسَةَ وَالْعِشْرِينَ حَرْفًا، فَبَثَّهَا فِي النَّاسِ وَضَمَّ إِلَيْهَا الْحَرْفَيْنِ حَتَّى يَبْثَّهَا سَبْعَةٌ وَعِشْرِينَ حَرْفًا.

(٣١٣) ١- مشارق أنوار اليقين ٢٥٩: فِي حُطْبِهِ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَام): أَنَا الْبَحْرُ الَّذِي لَا يُنْزَفُ.

٢- المزار للمشهدي ٢٠٧: فِي زِيَارَتِهِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَام): السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَحْرَ الْعُلُومِ.

(٣١٤) ١- المحاسن ١/١٧٧ ح ١٦١: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَام) أَنَّهُ قَالَ لَسَدِيرٍ: وَالَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالنُّبُوَّةِ وَعَجَّلَ رُوحَهُ إِلَى الْجَنَّةِ مَا بَيْنَ أَحَدِكُمْ وَبَيْنَ أَنْ يَغْتَبَطَ وَيَرَى سُرُورًا أَوْ تَبَيَّنَ لَهُ النَّدَامَةُ وَالْحَسِيرَةُ إِلَّا أَنْ يُعَايِنَ مَا قَالَ اللَّهُ (عَزَّوَجَلَّ) فِي كِتَابِهِ: {عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ قَعِيدٌ} وَأَتَاهُ مَلَكُ الْمَوْتِ بِقَبْضِ رُوحِهِ فَيُنَادِي رُوحَهُ فَتَخْرُجُ مِنْ جَسَدِهِ فَأَمَّا الْمُؤْمِنُ فَمَا يُحْسُ بِخُرُوجِهَا وَذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ (تَبَارَكَ وَتَعَالَى): {يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ * ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً * فَادْخُلِي فِي عِبَادِي * وَادْخُلِي جَنَّتِي} ثُمَّ قَالَ: ذَلِكَ لِمَنْ كَانَ وَرِعًا مُوَاسِيًا

لِإِخْوَانِهِ وَصَوْلًا لَهُمْ وَإِنْ كَانَ غَيْرَ وَرَعٍ وَلَا- وَصُولٍ لِإِخْوَانِهِ قِيلَ لَهُ مَا مَنَعَكَ مِنَ الْوَرَعِ وَالْمَوَاسِيَاهِ لِإِخْوَانِكَ أَنْتَ مِمَّنْ انْتَحَلَ الْمَحَبَّةَ بِلِسَانِهِ وَلَمْ يُصِدِّقْ ذَلِكَ بِفِعْلٍ وَإِذَا لَقِيَ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) وَأَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) لَقِيَاهُمَا مُعْرِضِينَ مُقْطَبِينَ فِي وَجْهِهِ غَيْرَ شَافِعِينَ لَهُ قَالَ سَدِيدٌ: مَنْ جَدَعَ اللَّهُ أُنْفَهُ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام): فَهُوَ ذَاكَ.

٢- بشاره المصطفى ٧١ ح ٢: عَنِ النَّبِيِّ (صلى الله عليه وآله وسلم): أَلَا وَمَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا هَوَّنَ اللَّهُ عَلَيْهِ سَكَرَاتِ الْمَوْتِ وَجَعَلَ قَبْرَهُ رَوْضَةً مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ.

(٣١٥) ١- تفسير العياشي ٢/٢٢٥ ح ١٨: عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا أُخْرِجَ مِنْ بَيْتِهِ شَيَّعَتْهُ الْمَلَائِكَةُ إِلَى قَبْرِهِ يَزِدُّهُمْونَ عَلَيْهِ حَتَّى إِذَا انْتَهَى بِهِ إِلَى قَبْرِهِ قَالَتْ لَهُ الْأَرْضُ مَرْحَبًا بِكَ وَأَهْلًا أَمَا وَاللَّهِ لَقَدْ كُنْتُ أَحَبُّ أَنْ يَمْشِيَ عَلَيَّ مِثْلَكَ لِتَرِينَ مَيَا أَصْبِنَعُ بِكَ فَتَوَسَّعَ لَهُ مَيِّدٌ بَصِيرَةٍ وَيَدْخُلُ عَلَيْهِ فِي قَبْرِهِ مَلَكًا الْقَبْرِ وَهَيَّا قَعِيدًا الْقَبْرِ مُنْكَرٌ وَنَكِيرٌ فَيُلْقِيَانِ فِيهِ الرُّوحَ إِلَى حَقْوَيْهِ فَيَقْعَدَانِهِ وَيَسْأَلَانِهِ فَيَقُولَانِ لَهُ: مَنْ رَبُّكَ؟ فَيَقُولُ: اللَّهُ، فَيَقُولَانِ: مَا دِينُكَ؟ فَيَقُولُ: الْإِسْلَامُ، فَيَقُولَانِ: وَمَنْ نَبِيُّكَ؟ فَيَقُولُ: مُحَمَّدٌ (صلى الله عليه وآله وسلم)، فَيَقُولَانِ: وَمَنْ إِمَامُكَ؟ فَيَقُولُ: عَلِيُّ قَالَ: فَيُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ: صَدَقَ عَبْدِي أَفْرُسُوا لَهُ فِي قَبْرِهِ مِنَ الْجَنَّةِ وَافْتَحُوا لَهُ فِي قَبْرِهِ بَابًا إِلَى الْجَنَّةِ وَالْبُسُوهُ مِنْ ثِيَابِ الْجَنَّةِ حَتَّى يَأْتِيَنَا وَمَا عِنْدَنَا خَيْرٌ لَهُ ثُمَّ يُقَالُ لَهُ: نَمِ نَوْمَهُ عَرُوسٍ نَمِ نَوْمَهُ لَا حُلْمَ فِيهَا، قَالَ: وَإِنْ كَانَ كَافِرًا خَرَجَتِ الْمَلَائِكَةُ تُشَيِّعُهُ إِلَى قَبْرِهِ تَلْعُونُهُ حَتَّى إِذَا انْتَهَى بِهِ إِلَى قَبْرِهِ قَالَتْ لَهُ الْأَرْضُ لَا مَرْحَبًا بِكَ وَلَا أَهْلًا أَمَا وَاللَّهِ لَقَدْ كُنْتُ أَبْغَضُ أَنْ يَمْشِيَ عَلَيَّ مِثْلَكَ لَا جَرَمَ لِتَرِينَ مَا أَصْبِنَعُ بِكَ الْيَوْمَ فَتَضَيِّقُ عَلَيْهِ حَتَّى تَلْتَقِيَ جَوَانِحَهُ قَالَ: ثُمَّ يَدْخُلُ عَلَيْهِ مَلَكًا الْقَبْرِ وَهَيَّا قَعِيدًا الْقَبْرِ مُنْكَرٌ وَنَكِيرٌ.

قَالَ أَبُو بَصِيرٍ: جُعِلَتْ فِدَاكَ يَدْخُلَانِ عَلَى الْمُؤْمِنِ وَالْكَافِرِ فِي صُورِهِ وَاحِدَةٍ؟ فَصَالَ: لَا قَالَ: فَيَقْعَدَانِهِ وَيُلْقِيَانِ فِيهِ الرُّوحَ إِلَى حَقْوَيْهِ فَيَقُولَانِ لَهُ: مَنْ رَبُّكَ؟ فَيَتَلَجَّلَجُجُ وَيَقُولُ قَدْ سَمِعْتُ النَّاسَ يَقُولُونَ فَيَقُولَانِ لَهُ لَا- دَرَيْتَ وَيَقُولَانِ لَهُ: مَا دِينُكَ؟ فَيَتَلَجَّلَجُجُ فَيَقُولَانِ لَهُ لَا- دَرَيْتَ وَيَقُولَانِ لَهُ: مَنْ نَبِيُّكَ؟ فَيَقُولُ: قَدْ سَمِعْتُ النَّاسَ يَقُولُونَ فَيَقُولَانِ لَهُ: لَا دَرَيْتَ وَيُسْأَلُ عَنْ إِمَامِ زَمَانِهِ قَالَ: فَيُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ كَذَبَ عَبْدِي أَفْرُسُوا لَهُ فِي قَبْرِهِ مِنَ النَّارِ وَالْبُسُوهُ مِنْ ثِيَابِ النَّارِ وَافْتَحُوا لَهُ بَابًا إِلَى النَّارِ حَتَّى يَأْتِيَنَا وَمَا عِنْدَنَا شَرٌّ لَهُ فَيَضْرِبَانَهُ بِمَرْزَبِهِ ثَلَاثَ ضَرْبَاتٍ لَيْسَ مِنْهَا ضَرْبُهُ إِلَّا يَنْطَايِرُ قَبْرُهُ نَارًا لَوْ ضُرِبَ بِتِلْكَ الْمَرْزَبَةِ جِبَالُ تَهَامَةَ لَكَانَتْ رَمِيمًا.

٢- الكافي ٣/٢٤١ ح ١٥: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام): يُسْأَلُ الْمَيِّتُ فِي قَبْرِهِ عَنْ خَمْسٍ: عَنْ صِيَلَاتِهِ وَزَكَاتِهِ وَحُجَّجِهِ وَصِيَامِهِ وَوَلَايَتِهِ إِيَّانَا أَهْلَ الْبَيْتِ، فَتَقُولُ الْوَلَايَةَ مِنْ جَانِبِ الْقَبْرِ لِلْأَرْبَعِ: مَا دَخَلَ فِيكَ مِنْ نَقْصٍ فَعَلَيْ تَمَامِهِ.

(٣١٦) الكافي ٢/٥٢٥ ح ١٣: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: كَانَ أَبِي (عليه السلام) يَقُولُ إِذَا أَصْبَحَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَمِنْ ضَعْفَةِ الْقَبْرِ وَمِنْ ضَيْقِ الْقَبْرِ.

(٣١٧) ١- الكافي ٣/٢٤٢ ح ٢: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: إِنَّ لِلْقَبْرِ كَلَامًا فِي كُلِّ يَوْمٍ

يَقُولُ: أَنَا بَيْتُ الْعُزْبَةِ، أَنَا بَيْتُ الْوَحْشَةِ، أَنَا بَيْتُ الدُّودِ، أَنَا الْقَبْرِ، أَنَا رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ أَوْ حُفْرَةٌ مِنْ حُفْرِ النَّارِ.

٢- الكافي ٨/٣٦٥ ح ٥٥٦: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (صلوات الله عليه) قَالَ لَشَيْعَتِهِ: دِيَارُكُمْ لَكُمْ جَنَّةٌ وَقَبُورُكُمْ لَكُمْ جَنَّةٌ لِلْجَنَّةِ خُلِقْتُمْ وَإِلَى الْجَنَّةِ تَصِيرُونَ.

٣- بشاره المصطفى ٧١ ح ٢: عَنْ النَّبِيِّ (صلى الله عليه و آله و سلم): أَلَا وَمَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا هَوَّنَ اللَّهُ عَلَيْهِ سَكَرَاتِ الْمَوْتِ وَجَعَلَ قَبْرَهُ رَوْضَةً مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ.

(٣١٨) الكافي ٣/٢٤٣ ح ٢: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: أَمَا إِنَّهُ لَا يَبْقَى مُؤْمِنٌ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَغَرْبِهَا إِلَّا حَشَرَ اللَّهُ رُوحَهُ إِلَى وَادِي السَّلَامِ، قُلْتُ لَهُ: وَ أَيْنَ وَادِي السَّلَامِ؟ قَالَ: ظَهَرَ الْكُوفَةَ، أَمَا إِنِّي كَأَنِّي بِهِمْ حَلَقٌ حَلَقٌ قُعُودٌ يَتَحَدَّثُونَ.

(٣١٩) بصائر الدرجات ٤٢٣ ح ٣: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام): إِنَّ عَدُونَنَا إِذَا تُوفِّي صَارَتْ رُوحُهُ إِلَى وَادِي بَرْهُوتَ، فَأَخْلَدَتْ فِي عَذَابِهِ وَأَطْعَمَتْ مِنْ رُفُومِهِ وَأَشْقِيَتْ مِنْ حَمِيمِهِ، فَاسْتَعِيدُوا بِاللَّهِ مِنْ ذَلِكَ الْوَادِي.

(٣٢٠) مشارق أنوار اليقين ٣٤٣: قَالَ عَلِيُّ (عليه السلام): أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ مِنْ أَهْلِ سَيِّمَاتِهِ وَأَرْضِهِ، وَمَا فِي السَّمَاءِ مِنْ مَلَكٍ يَخْطُو قَدَمًا عَنْ قَدَمٍ إِلَّا يَأْذُنِي.

(٣٢١) ١- بصائر الدرجات ٣٩٥ ح ٥: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ: إِنَّ اللَّهَ أَقْدَرَنَا عَلَى مَا نُرِيدُ.

٢- مناقب آل أبي طالب ٣/٢١٠: قَالَ الْحُسَيْنُ (عليه السلام): وَاللَّهِ مَا خَلَقَ اللَّهُ شَيْئًا إِلَّا وَقَدَّ أَمْرَهُ بِالطَّاعَةِ لَنَا.

(٣٢٢) الإختصاص ٢٥٢: قَالَ الرَّضَا (صلوات الله عليه): إِذَا نَزَلَتْ بِكُمْ شَدِيدَةٌ، فَاسْتَعِينُوا بِنَا عَلَى اللَّهِ (عزوجل)، وَهُوَ قَوْلُهُ تَعَالَى: ﴿وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا﴾.

(٣٢٣) كامل الزيارات ٥١٣: عَنْ الْعُسْكُرِيِّ (عليه السلام) قَالَ: اصْرَفْ عَنِّي بِهِمْ شَرَّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَهْوَالَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

(٣٢٤) ١- الكافي ٣/١٣٦ ح ٣: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ: حَضَرَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله و سلم) رَجُلًا مِنَ الْأَنْصَارِ وَكَانَتْ لَهُ حَالَةٌ حَسِينَةٌ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله و سلم)، فَحَضَرَهُ عِنْدَ مَوْتِهِ فَنَظَرَ إِلَى مَلِكِ الْمَوْتِ عِنْدَ رَأْسِهِ، فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله و سلم): ارْزُقْ بِصَاحِبِي فَإِنَّهُ مُؤْمِنٌ، فَقَالَ لَهُ مَلِكُ الْمَوْتِ: يَا مُحَمَّدُ! طَبَّ نَفْسًا وَقَرَّ عَيْنًا فَإِنِّي بِكُلِّ مُؤْمِنٍ رَفِيقٌ شَفِيقٌ.

٢- الخرائج والجرائح ١/٢٩٥ ح ٢: قَالَ الصَّادِقُ (عليه السلام): يَا مَلِكَ الْمَوْتِ! قَالَ: لَبَّيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ!

قَالَ: أَلَسْتُ أَمَرْتُ بِالسَّمْعِ وَالطَّاعَةِ لَنَا؟ قَالَ: بَلَى.

(٣٢٥) مناقب آل أبي طالب ٣/٤١١: عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ (عليهما السلام) قَالَ: إِنِّي وَمَنْ يَجْرِي مَجْرَايَ مِنَ الْأُمَّةِ لَا بِيَدٍ لَنَا مِنْ حُضُورِ جَنَائِزِكُمْ فِي أَى بَلَدٍ كُنْتُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ فِي أَنْفُسِكُمْ.

(٣٢٦) ١- ينابيع المعاجز ١١٨: قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ (عليه السلام): بِنَا نَفَعَكُمُ اللَّهُ فِي حَيَاتِكُمْ وَفِي قُبُورِكُمْ.

٢- مائه منقبه ١٢٦ ح ٦١: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله و سلم): يَا سَيِّدِي! مَنْ أَحَبَّ فَاطِمَةَ ابْنَتِي فَهُوَ فِي الْجَنَّةِ مَعِي وَمَنْ أَبْغَضَهَا فَهُوَ فِي النَّارِ، يَا سَيِّدِي! حُبُّ فَاطِمَةَ يَنْفَعُ فِي مَائَةِ مَوْطِنٍ أَيْسَرُ تِلْكَ الْمَوَاطِنِ: الْمَوْتُ وَالْقَبْرُ وَالْمِيزَانُ وَالْمَحْشَرُ وَالصِّرَاطُ وَالْمَحَاسِبَةُ.

(٣٢٧) تفسير فرات الكوفي ٣٤٨ ح ٣: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله و سلم) لِعَلِيِّ (عليه السلام): يَا عَلِيُّ! أَبَشِّرْ وَبَشِّرْ فَلَيْسَ عَلِيٌّ شَيْعَتَكَ حَسْرَةٌ عِنْدَ الْمَوْتِ وَلَا وَحْشَةٌ فِي الْقُبُورِ وَلَا حُزْنٌ يَوْمَ النُّشُورِ.

(٣٢٨) ١- الأمالى للصدوق ٦٥٦ ح ٢: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله و سلم) لِعَلِيِّ (عليه السلام): يَا عَلِيُّ! إِنَّ مُحِبِّكَ يَفْرَحُونَ فِي ثَلَاثَةِ مَوَاطِنَ: عِنْدَ خُرُوجِ أَنْفُسِهِمْ وَأَنْتَ هُنَاكَ تَشْهَدُهُمْ، وَعِنْدَ الْمُسَاءِ لَهُ فِي الْقُبُورِ وَأَنْتَ هُنَاكَ تَلْقَاهُمْ، وَعِنْدَ الْعَرْضِ عَلَى اللَّهِ وَأَنْتَ هُنَاكَ تَعْرِفُهُمْ.

٢- الأمالى للصدوق ٣٩٠ ح ١٤: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ لِفَاطِمَةَ بِنْتِ أَسَدٍ: إِنَّ أَتَاكَ مُنْكَرٌ وَنَكِيرٌ فَسَأَلَاكَ مَنْ رَبُّكَ؟ فَقُولِي: اللَّهُ رَبِّي، وَمُحَمَّدٌ نَبِيِّ، وَالْإِسْلَامُ دِينِي، وَالْقُرْآنُ كِتَابِي، وَابْنِي إِمَامِي وَوَلِيِّي، ثُمَّ قَالَ: اللَّهُمَّ ثَبِّتْ فَاطِمَةَ بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ.

(٣٢٩) الكافي ١/٤٥٤ ح ٢: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: إِنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ أَسَدٍ سَمِعَتْهُ لِيذُكُرُ ضَعْفَةَ الْقَبْرِ فَقَالَتْ وَاضْعَفَاهُ فَقَالَ لَهَا رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله و سلم): فَإِنِّي أَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يَكْفِيكَ ذَلِكَ فَيَبْنِي مَا هُوَ ذَاتَ يَوْمٍ قَاعِدٌ إِذْ آتَاهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) وَهُوَ يَبْكِي فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله و سلم): مَا يُبْكِيكَ؟ فَقَالَ: مَاتَتْ أُمِّي فَاطِمَةَ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ: وَأُمِّي وَاللَّهِ وَقَامَ مُسِيرَعًا حَتَّى دَخَلَ فَنَظَرَ إِلَيْهَا وَبَكَى ثُمَّ أَمَرَ النِّسَاءَ أَنْ يَغْسِلْنَهَا وَقَالَ (صلى الله عليه و آله و سلم): إِذَا فَرَعْتَنَ فَلَا تُحْدِثَنَّ شَيْئًا حَتَّى تُعْلَمَنِي فَلَمَّا فَرَعْنَنِي بِذَلِكَ فَأَعْطَاهُنَّ أَحَدًا قَمِيصِيهِ الَّذِي يَلِي جَسَدَهُ وَأَمْرَهُنَّ أَنْ يُكْفِنَهَا فِيهِ وَقَالَ لِلْمُسْلِمِينَ إِذَا رَأَيْتُمُونِي قَدْ فَعَلْتُ شَيْئًا لَمْ أَفْعَلْهُ قَبْلَ ذَلِكَ فَسَلُونِي لِمَ فَعَلْتُهُ.

فَلَمَّا فَرَعْنَنِي مِنْ غُسْلِيهَا وَكَفْنِيهَا دَخَلَ (صلى الله عليه و آله و سلم) فَحَمَلَ جَنَازَتَهَا عَلَى عَاتِقِهِ فَلَمْ يَزَلْ تَحْتَ جَنَازَتِهَا حَتَّى أَوْرَدَهَا قَبْرَهَا ثُمَّ وَضَعَهَا وَدَخَلَ الْقَبْرَ فَاضْطَجَعَ فِيهِ ثُمَّ قَالَ فَأَخَذَهَا عَلَى يَدَيْهِ حَتَّى وَضَعَهَا فِي الْقَبْرِ ثُمَّ انْكَبَّ عَلَيْهَا طَوِيلًا يُنَاجِيهَا وَيَقُولُ لَهَا ابْنُكَ ابْنُكَ ابْنُكَ ثُمَّ خَرَجَ وَسَوَى عَلَيْهَا ثُمَّ انْكَبَّ عَلَى قَبْرِهَا فَسَمِعُوهُ يَقُولُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوْدِعُهَا إِيَّاكَ.

ثُمَّ انْصَرَفَ فَقَالَ لَهُ الْمُسْلِمُونَ: إِنَّا رَأَيْنَاكَ فَعَلْتَ أَشْيَاءَ لَمْ تَفْعَلْهَا قَبْلَ الْيَوْمِ فَقَالَ الْيَوْمَ فَقَدْتُ بَرَّ أَبِي طَالِبٍ إِنْ كَانَتْ لِيَكُونَ عِنْدَهَا الشَّيْءُ فَتَوَثَّرَنِي بِهِ عَلَى نَفْسِهَا وَوَلَدِهَا وَإِنِّي ذَكَرْتُ الْقِيَامَةَ وَأَنَّ النَّاسَ يُحْشَرُونَ عُرَاهُ فَقَالَتْ وَاسْوَأَتَاهُ فَضَمَنْتُ لَهَا أَنْ يَبْعَثَهَا اللَّهُ

ضَعَطَهُ الْقَبْرَ فَصَالَتْ وَاضْغَفَاهُ فَضَمْتُ لَهَا أَنْ يَكْفِيَهَا اللَّهُ ذَلِكَ فَكَفَّتْهَا بِقَمِيصِي وَاضْطَجَعْتُ فِي قَبْرِهَا لِذَلِكَ وَأَنْكَبْتُ عَلَيْهَا فَلَقْنَتْهَا مَا تُشَالُّ عَنْهُ فَإِنَّهَا سَيْلَتْ عَنْ رَبِّهَا فَقَالَتْ وَسَيْلَتْ عَنْ رَسُولِهَا فَأَجَابَتْ وَسَيْلَتْ عَنْ وَلِيِّهَا وَإِمَامِهَا فَارْتَجَّ عَلَيْهَا فَقُلْتُ ابْنُكَ ابْنُكَ ابْنُكَ.

(٣٣٠) الكافي ٣/٢٤٢ ح ٣: عَنْ عَمْرِو بْنِ يَزِيدَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام): إِنِّي سَمِعْتُكَ وَأَنْتَ تَقُولُ: كُلُّ شَيْعَتَنَا فِي الْجَنَّةِ عَلَى مَا كَانَ فِيهِمْ، قَالَ: صَدَقْتُكَ كُلُّهُمْ وَاللَّهِ فِي الْجَنَّةِ، قَالَ: قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنَّ الدُّنُوبَ كَثِيرَةً كَبِيرَةٌ فَقَالَ: أَمَّا فِي الْقِيَامَةِ فَكُلُّكُمْ فِي الْجَنَّةِ بِشَفَاعَةِ النَّبِيِّ الْمُطَاعِ أَوْ وَصِيِّ النَّبِيِّ وَلَكِنِّي وَاللَّهِ أَتَخَوُّفُ عَلَيْكُمْ فِي الْبُرْزَخِ، قُلْتُ: وَمَا الْبُرْزَخُ؟ قَالَ: الْقَبْرُ مُنْذُ حِينَ مَوْتِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

(٣٣١) الأُمَالِي لِلصَّدُوقِ ص ١٢١ ح ١٠: عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا (عليه السلام): مَنْ كُنَّا شُفَعَاؤُهُ نَجَا وَلَوْ كَانَ عَلَيْهِ مِثْلَ وَزْرِ الثَّقَلَيْنِ الْجَنِّ وَالْإِنْسِ.

(٣٣٢) مشارق أنوار اليقين ٢٦٩: فِي خُطْبِهِ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام): أَنَا صَاحِبُ الصِّرَاطِ.

(٣٣٣) تفسير القمى ٢/٣٢٤: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) يَقُولُ: ...، فَيُقْبَلُ عَلَيَّ وَمَعَهُ مَفَاتِيحُ الْجَنَّةِ وَمَقَالِيدُ النَّارِ حَتَّى يَقْعِدَ عَلَيَّ عَجْزُهُ جَهَنَّمَ وَيَأْخُذُ زِمَامَهَا بِيَدِهِ وَقَدْ عَلَا زَفِيرُهَا وَاشْتَدَّ حَرُّهَا وَكَثُرَ تَطَائِيرُ شَرِّهَا فَيَنَادِي جَهَنَّمَ يَا عَلِيُّ جُزْنِي قَدْ أَطْفَأَ نُورَكَ لَهْبِي فَيَقُولُ عَلِيُّ لَهَا ذَرِي هَذَا وَلِيِّي وَخُذِي هَذَا عَدْوِي فَلَجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ أَشَدُّ مُطَاوَعَةً لِعَلِيِّ مِنْ غُلَامٍ أَحَدِكُمْ لِصَاحِبِهِ فَإِنْ شَاءَ يَذْهَبُ بِهَا يَمْنَةً وَإِنْ شَاءَ يَذْهَبُ بِهَا يَسِيرَةً وَلَجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ أَشَدُّ مُطَاوَعَةً لِعَلِيِّ مِنْ جَمِيعِ الْخَلَائِقِ وَذَلِكَ أَنَّ عَلِيًّا (عليه السلام) يَوْمَئِذٍ قَسِيمُ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ.

(٣٣٤) تفسير الإمام العسكري (عليه السلام) ٥٨٢: قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ (عليه السلام): قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) وَآلِهِ وَاسْلَمُوا: بِمَحَبَّتِهِ (عَلِيٍّ) (عليه السلام) تَثْقُلُ مَوَازِينُ الْمُؤْمِنِينَ وَبِمُخَالَفَتِهِ تَخْفُ مَوَازِينُ النَّاصِبِينَ.

(٣٣٥) ١- اليقين ٣١٩: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام): جَعَلَهُمْ أَدْلَاءَ لِلْأُمَّةِ عَلَى الصِّرَاطِ.

٢- بصائر الدرجات ٥١٧ ح ٨: إِجَاءَ ابْنُ الْكَوَّاءِ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) فَقَالَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! {وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ} فَقَالَ: نَحْنُ عَلَى الْأَعْرَافِ نَعْرِفُ أَنْصَارَنَا بِسِيمَاهُمْ وَنَحْنُ الْأَعْرَافُ الَّذِي لَا يُعْرِفُ اللَّهُ (عز وجل) إِلَّا بِسَبِيلِ مَعْرِفَتِنَا وَنَحْنُ الْأَعْرَافُ يُعْرِفُنَا اللَّهُ (عز وجل) يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى الصِّرَاطِ، فَلَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ عَرَفْنَا وَعَرَفْنَاهُ وَلَا يَدْخُلُ النَّارَ إِلَّا مَنْ أَنْكَرْنَا وَأَنْكَرْنَا، إِنَّ اللَّهَ (تبارك وتعالى) لَوْ شَاءَ لَعَرَفَ الْعِبَادَ نَفْسَهُ وَلَكِنْ جَعَلْنَا أَبْوَابَهُ وَصِرَاطَهُ وَسَبِيلَهُ وَالْوَجْهَ الَّذِي يُوتَى مِنْهُ، فَمَنْ عَدَلَ عَنْ وَلايَتِنَا أَوْ فَضَّلَ عَلَيْنَا غَيْرَنَا، فَإِنَّهُمْ عَنِ الصِّرَاطِ لَنَا كِبُونَ.

(٣٣٦) الأما لى للطوسى ٦٦٨ ح ٦: عَن أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَمَهَرَ فَاطِمَةَ (عليها السلام) رُبْعَ الدُّنْيَا فَرُبِعَهَا لَهَا وَأَمَهَرَهَا الْجَنَّةَ وَالنَّارَ تُدْخِلُ أَعْدَاءَهَا النَّارَ وَتُدْخِلُ أَوْلِيَاءَهَا الْجَنَّةَ وَهِيَ الصَّدِيقَةُ الْكُبْرَى وَعَلَى مَعْرِفَتِهَا دَارَتِ الْقُرُونُ الْأُولَى.

(٣٣٧) بحار الأنوار ٢٥/١٦ ح ٣٠: عَن رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله و سلم): خَلَقْنَا اللَّهَ نَحْنُ حَيْثُ لَا سَمَاءَ مَبْنِيَّةَ

وَلَا أَرْضَ مَبْدُوحِيَّةَ وَلَا عَرْشَ وَلَا جَنَّةَ وَلَا نَارَ، كُنَّا نَسْبِيحُهُ حِينَ لَا تَسْبِيحَ وَنُقَدِّسُهُ حِينَ لَا تَقْدِيسَ، لَمَّا أَرَادَ اللَّهُ يَدِيَّ الصَّنْعَةَ فَتَقَى نُورِي فَخَلَقَ مِنْهُ الْعَرْشَ فَنُورُ الْعَرْشِ مِنْ نُورِي وَنُورِي مِنْ نُورِ اللَّهِ وَأَنَا أَفْضَلُ مِنَ الْعَرْشِ.

ثُمَّ فَتَقَى نُورَ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ فَخَلَقَ مِنْهُ الْمَلَائِكَةَ فَنُورُ الْمَلَائِكَةِ مِنْ نُورِ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ وَنُورُ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ مِنْ نُورِ اللَّهِ وَنُورُ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ أَفْضَلُ مِنَ الْمَلَائِكَةِ.

وَفَتَقَى نُورَ ابْنَتِي فَطَاظِمَةَ مِنْهُ فَخَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فَنُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِنْ نُورِ ابْنَتِي فَطَاظِمَةَ وَنُورُ فَطَاظِمَةَ مِنْ نُورِ اللَّهِ وَفَاظِمَةُ أَفْضَلُ مِنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ.

ثُمَّ فَتَقَى نُورَ الْحَسَنِ فَخَلَقَ مِنْهُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ فَنُورُ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ مِنْ نُورِ الْحَسَنِ وَنُورُ الْحَسَنِ مِنْ نُورِ اللَّهِ وَالْحَسَنُ أَفْضَلُ مِنَ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ.

ثُمَّ فَتَقَى نُورَ الْحُسَيْنِ فَخَلَقَ مِنْهُ الْجَنَّةَ وَالْحُورَ الْعِينِ فَنُورُ الْجَنَّةِ وَالْحُورِ الْعِينِ مِنْ نُورِ الْحُسَيْنِ وَنُورُ الْحُسَيْنِ مِنْ نُورِ اللَّهِ وَالْحُسَيْنُ أَفْضَلُ مِنَ الْجَنَّةِ وَالْحُورِ الْعِينِ.

(٣٣٨) المحاسن ١/١٧٤ ح ١٥٢: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام): مَا بَيَّنَّ مَنْ وَصَفَ هَذَا الْأَمْرَ وَبَيَّنَّ أَنْ يَغْتَبِطَ وَيَرَى مَا تَقَرُّ بِهِ عَيْنُهُ إِلَّا أَنْ تَبْلُغَ نَفْسُهُ هَيْدَهُ، فَيَقَالُ: أَمَا مَا كُنْتُ تَرْجُو فَقَدْ قَدِمْتُ عَلَيْهِ وَأَمَا مَا كُنْتُ تَخَوْفُ فَقَدْ أَمِنْتُ مِنْهُ، وَإِنَّ أَمَامَكَ لِإِمَامٍ صَدَقَ أَقْدَمَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله و سلم) وَعَلَى وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ (عليهم السلام).

(٣٣٩) ١- كمال الدين ٢٨٧ ح ٦: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله و سلم): أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ أَنْتَظَارُ الْفَرَجِ.

٢- كمال الدين ٣٧٧ ح ١: عَنِ الْبَاقِرِ (عليه السلام) قَالَ: أَفْضَلُ أَعْمَالٍ شِيعَتَنَا أَنْتَظَارُ الْفَرَجِ.

(٣٤٠) كمال الدين ٥١٢ ح ٤٣: الدُّعَاءُ فِي غَيْبِهِ الْقَائِمِ (عليه السلام): وَيَا ذَنْكَ غَابَ عَن بَرِيَّتِكَ وَأَمْرَكَ يَنْتَظِرُ، وَأَنْتَ الْعَالَمُ غَيْرُ الْمَعْلَمِ بِالْوَقْتِ الَّذِي فِيهِ صِيْلَاحُ أَمْرٍ وَوَلِيَّتِكَ فِي الْإِذْنِ لَهُ بِإِظْهَارِ أَمْرِهِ وَكَشْفِ سِرِّهِ، فَصَبِّرْ نِي عَلَى ذَلِكَ حَتَّى لَا أَحَبَّ تَعْجِيلَ مَا أَخْرَجْتَ وَلَا تَأْخِيرَ مَا عَجَلْتَ وَلَا كَشْفَ مَا سَتَرْتَ وَلَا بُحْثَ عَمَّا كَتَمْتَ، وَلَا أَنْزَعَكَ فِي تَدْبِيرِكَ وَلَا أَقُولَ لَمْ وَكَيْفَ وَلَا مَا بَالُ وَلِيَّ الْأَمْرِ لَا يَظْهَرُ وَقَدْ امْتَلَأَتِ الْأَرْضُ مِنَ الْجُورِ وَأَفْوُضُ أُمُورِي كُلَّهَا إِلَيْكَ.

(٣٤١) ١- كمال الدين ٥١٢ ح ٤٣: الدُّعَاءُ فِي غَيْبِهِ الْقَائِمِ (عليه السلام): اللَّهُمَّ وَلَا تَسْلُبْنَا الْيَقِينَ لِطُولِ الْأَمَدِ فِي غَيْبَتِهِ وَأَنْقِطَاعِ خَبْرِهِ

عَنَّا وَلَا تُنْسِنَا ذِكْرَهُ وَانْتِظَارَهُ وَالْإِيمَانَ بِهِ وَقُوَّةَ الْيَقِينِ فِي ظُهُورِهِ وَالِدُّعَاءَ لَهُ وَالصَّلَاةَ عَلَيْهِ حَتَّى لَا تُقَنِّطَنَا غَيْبَتُهُ مِنْ قِيَامِهِ وَيَكُونَ
يَقِينَنَا فِي ذَلِكَ

كَيْفِينَا فِي قِيَامِ رَسُولِكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

٢- المزار للمشهدي ٥٨٦: زيارته أُخرى له (عجل الله تعالى فرجه الشريف): لَوْ تَطَاوَلَتِ الدُّهُورُ وَتَمَادَتِ الأَعْمَارُ لَمْ أزدْ فِيكَ إِلَّا يَقِينًا وَلَكَ إِلَّا حُبًّا وَعَلَيْكَ إِلَّا مُتَّكِلًا وَمُعْتَمِدًا وَلظُهُورَكَ إِلَّا مُتَوَقِّعًا وَمُنْتَظَرًا وَلجِهَادِي بَيْنَ يَدَيْكَ مُتَرَقِّبًا.

(٣٤٢) ١- كمال الدين ٤٨٥ ح ٣: فِي التَّوَقُّعِ بَخْطِ مَوْلَانَا صَاحِبِ الزَّمَانِ (عليه السلام): وَأَكثَرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ.

٢- بحار الأنوار ٩٢/٣٣٦ ح ٦: يَا سَيِّدَانَا إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الجَعْفِيِّ المَعْرُوفِ بِالصَّابُونِيِّ فِي جُمْلَةِ حَدِيثِ يَا سَيِّدَانَا وَذَكَرَ فِيهِ غَيْبَةُ المَهْدِيِّ (صلوات الله عليه) قُلْتُ: كَيْفَ تَصْنَعُ شَيْعَتُكَ؟ قَالَ: عَلَيَّكُمْ بالدُّعَاءِ وَانْتَظَارِ الفَرَجِ.

(٣٤٣) المزار للمشهدي ٦٦٣: عَنِ الصَّادِقِ (عليه السلام) قَالَ: مَنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ أَرْبَعِينَ صَبْحًا بِهَذَا العَهْدِ كَانَ مِنْ أَنْصَارِ قَائِمِنَا، وَإِنْ مَاتَ أَخْرَجَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ مِنْ قَبْرِهِ وَأَعْطَاهُ اللَّهُ بِكُلِّ كَلِمَةٍ أَلْفَ حَسَنَةٍ وَمَحَا عَنْهُ أَلْفَ سَيِّئَةٍ وَهُوَ هَذَا العَهْدِ اللّهُمَّ رَبِّ النُّورِ العَظِيمِ، الخَيْرِ.

(٣٤٦) ١- كمال الدين ٢٨٧ ح ٧: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): إِنَّ الثَّابِتِينَ عَلَى القَوْلِ بِهِ فِي زَمَانِ غَيْبَتِهِ لِأَعَزُّ مِنَ الكِبْرِيَةِ الأَحْمَرِ.

٢- كمال الدين ٣٢٠ ح ٢: قَالَ عَلِيُّ بْنُ الحُسَيْنِ (عليهما السلام): إِنَّ أَهْلَ زَمَانِ غَيْبَتِهِ وَالقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ وَالمُنْتَظِرِينَ لظُهُورِهِ (عليه السلام) أَفْضَلُ مِنْ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ؛ لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى ذَكَرَهُ أَعْطَاهُمْ مِنَ العُقُولِ وَالأَفْهَامِ وَالمَعْرِفَةِ مَا صَارَتْ بِهِ العِيبَةُ عَنْهُمْ بِمَنْزَلَةِ المُشَاهِدَةِ وَجَعَلَهُمْ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ بِمَنْزَلَةِ المُجَاهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) بِالسَّيْفِ، أَوْلَيْكَ المُخْلِصُونَ حَقًّا وَشَيْعَتُنَا صِدْقًا وَالدُّعَاءُ إِلَى دِينِ اللَّهِ سِرًّا وَجَهْرًا.

٣- كمال الدين ٣٣٤ ح ٥: عَنِ الصَّادِقِ (عليهما السلام): المُنْتَظَرُ لِلثَّانِي عَشَرَ مِنْهُمْ كَالشَّاهِرِ سَيِّفُهُ بَيْنَ يَدَيْهِ بَلْ كَالشَّاهِرِ بَيْنَ يَدَيْ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) يُدْبُّ عَنْهُ.

٤- كمال الدين ٣٥٧ ح ٥٤: قَالَ الصَّادِقُ (عليه السلام): طُوبَى لِشَيْعَتِهِ قَائِمِنَا المُنْتَظِرِينَ لظُهُورِهِ فِي غَيْبَتِهِ وَالمُطِيعِينَ لَهُ فِي ظُهُورِهِ، أَوْلَيْكَ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ الَّذِينَ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ.

فهرست آیات

سوره نساء، آیه ۵۹: { يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ }

..... ۱۲۴

سوره اعراف، آیه ۱۷۲: { أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ } ۴۷ و ۴۵

سوره رعد، آیه ۲۸: { أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ } ۱۱۶ و ۱۱۷

سوره كهف، آیه ۱۱۰: { قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ } ۲۱ و ۲۲

سوره قدر، آیه ۴: { تَنزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ } ۶۵

فهرست منابع

١. إثبات الوصية، على بن الحسين المسعودي، المتوفى: ٣٤٦ (ه.ق)، نشر: دار الاضواء، بيروت، ١٤٠٩ (ه.ق)، الطبعة الثانية.
٢. إثبات الهداه، الحرّ العاملي، المتوفى: ١١٠٤ (ه.ق)، تحقيق: علاء الدين الأعلمي، نشر: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، بيروت، ١٤٢٥ (ه.ق)، الطبعة الأولى.
٣. الاحتجاج، الشيخ الطبرسي، المتوفى: ٥٤٨ (ه.ق)، تحقيق، تعليق وملاحظات: السيد محمّد باقر الخرسان، نشر: دار النعمان للطباعة والنشر، النجف الأشرف، ١٣٨٦ (ه.ق).
٤. الاختصاص، الشيخ المفيد، المتوفى: ٤١٣ (ه.ق)، تحقيق: علي أكبر الغفاري، السيد محمود الزرندی، نشر: دار المفيد للطباعة والنشر والتوزيع، بيروت، ١٤١٤ (ه.ق)، الطبعة الثانية.
٥. اختيار معرفة الرجال، الشيخ الطوسي، المتوفى: ٤٦٠، تصحيح وتعليق: مير داماد الأستر آبادي، تحقيق: السيد مهدي الرجائي، نشر: مؤسسه آل البيت (عليهم السلام) لإحياء التراث، قم، ١٤٠٤ (ه.ق).
٦. الإرشاد، الشيخ المفيد، المتوفى: ٤١٣ (ه.ق)، تحقيق: مؤسسه آل البيت (عليهم السلام) لتحقيق التراث، بيروت، ١٤١٤ (ه.ق)، الطبعة الثانية.
٧. الأصول الستة عشر من الأصول الأوثية، عدّه من الأصحاب، تحقيق ضياء الدين المحمودي، نشر: دار الحديث للطباعة والنشر، ١٤٢٣ (ه.ق)، الطبعة الأولى.
٨. إعلام الوری بأعلام الهدی، الشيخ الطبرسي، المتوفى: ٥٤٨ (ه.ق)، تحقيق ونشر: مؤسسه آل البيت (عليهم السلام) لإحياء التراث، قم، ١٤١٧ (ه.ق)، الطبعة الأولى.
٩. إقبال الأعمال، السيد ابن طاووس، المتوفى: ٦٦٤ (ه.ق)، تحقيق: جواد القيومي الإصفهاني، نشر: مكتب الإعلام الإسلامي، ١٤١٥ (ه.ق)، الطبعة الأولى.
١٠. إزام الناصب في إثبات الحجّة الغائب، الشيخ علي اليزدي الحائري، المتوفى: ١٣٣٣ (ه.ق)، تحقيق: السيد علي عاشور، نشر: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، بيروت، ١٤٢٢ (ه.ق)، الطبعة الأولى.

١١. الأمالي، الشيخ الصدوق، المتوفى: ٣٨١ (ه.ق)، تحقيق: قسم الدراسات الإسلاميه، مؤسسه البعثه، قم، نشر: مركز الطباعه والنشر فى مؤسسه البعثه، ١٤١٧، الطبعة الأولى.
١٢. الأمالي، الشيخ الطوسى، المتوفى: ٤٦٠ (ه.ق)، تحقيق: قسم الدراسات الإسلاميه - مؤسسه البعثه - ، نشر: دار الثقافه للطباعه والنشر والتوزيع، قم، ١٤١٤ (ه.ق)، الطبعة الأولى.
١٣. الأمالي، الشيخ المفيد، المتوفى: ٤١٣ (ه.ق)، تحقيق: حسين الأستاذ ولى، على أكبر الغفارى، نشر: دار المفيد للطباعه والنشر والتوزيع، بيروت، ١٤١٤ (ه.ق)، الطبعة الثانيه.
١٤. الإمامه والتبصره، ابن بابويه القمى، المتوفى: ٣٢٩ (ه.ق)، تحقيق ونشر: مدرسه الإمام المهدي (عليه السلام)، قم، ١٤٠٤ (ه.ق)، الطبعة الأولى.
١٥. بحار الأنوار، العلامة المجلسى، المتوفى: ١١١١ (ه.ق)، الطبعة الثانيه المصححه، نشر: مؤسسه الوفاء، بيروت، ١٤٠٣ (ه.ق).
١٦. بشاره المصطفى، محمّد بن على الطبرى، المتوفى: ٥٢٥ (ه.ق)، تحقيق: جواد القيوّمى الإصفهانى، نشر: مؤسسه النشر الإسلامى التابعه لجماعه المدرّسين بقم المشرفه، ١٤٢٠ (ه.ق)، الطبعة الأولى.
١٧. بصائر الدرجات، محمّد بن الحسن الصفّار، المتوفى: ٢٩٠ (ه.ق)، تحقيق، تصحيح وتعليق وتقديم: الحاج ميرزا حسن كوچه باغى، نشر: منشورات الأعلّمى، طهران، ١٤٠٤ (ه.ق).
١٨. تأويل الآيات، شرف الدين الحسينى، المتوفى: ٩٦٥ (ه.ق)، تحقيق ونشر: مدرسه الإمام المهدي (عليه السلام)، إشراف: السيّد محمّد باقر الموحّد الأبطحى الإصفهانى، قم، ١٤٠٧ (ه.ق)، الطبعة الأولى.
١٩. تحف العقول، ابن شعبه الحرّانى، المتوفى: ٤ (ه.ق)، تحقيق، تصحيح وتعليق: على أكبر الغفّارى، نشر: مؤسسه النشر الإسلامى التابعه لجماعه المدرّسين بقم المشرفه، ١٤٠٤ (ه.ق)، الطبعة الثانيه.
٢٠. تفسير الإمام العسكرى (عليه السلام)، المنسوب إلى الإمام العسكرى (عليه السلام)، المتوفى: ٢٦٠ (ه.ق)، تحقيق ونشر: مدرسه الإمام المهدي (عليه السلام)، قم، ١٤٠٩ (ه.ق)، الطبعة الأولى محقّقه.

٢١. تفسير العياشي، محمّد بن مسعود العياشي، المتوفّي: ٣٢٠ (ه.ق)، تحقيق: الحاج السيّد هاشم الرسولي المحلّاتي، نشر: المكتبة العلميّة الإسلاميّة، طهران.
٢٢. تفسير القمّي، علي بن إبراهيم القمّي، المتوفّي: ٣٢٩ (ه.ق)، تحقيق، تصحيح، تعليق وتقديم: السيّد طيب الموسوي الجزائري، نشر: مؤسسه دار الكتاب للطباعة والنشر، قم، ١٤٠٤ (ه.ق)، الطبعة الثالثة.
٢٣. تفسير فرات الكوفي، فرات بن إبراهيم الكوفي، المتوفّي: ٣٥٢ (ه.ق)، تحقيق: محمّد الكاظم، نشر: مؤسسه الطبع والنشر التابعه لوزارة الثقافة والإرشاد الإسلامي، طهران، ١٤١٠ (ه.ق)، الطبعة الأولى.
٢٤. تفسير نور الثقلين، الشيخ الحويزي، المتوفّي: ١١١٢ (ه.ق)، تحقيق، تصحيح و تعليق: السيّد هاشم الرسولي المحلّاتي، نشر: مؤسسه إسماعيليان للطباعة والنشر والتوزيع، قم، ١٤١٢ (ه.ق)، الطبعة الرابعة.
٢٥. التوحيد، الشيخ الصدوق، المتوفّي: ٣٨١ (ه.ق)، تحقيق، تصحيح و تعليق: السيّد هاشم الحسيني الطهراني، نشر: منشورات جماعه المدرّسين في الحوزه العلميّه في قم المقدّسه.
٢٦. تهذيب الأحكام، الشيخ الطوسي، المتوفّي: ٤٦٠ (ه.ق)، تحقيق و تعليق: السيّد حسن الموسوي الخراسان، نشر: دار الكتب الإسلاميّة، طهران، ١٣٦٤ (ه.ش)، الطبعة الثالثة.
٢٧. الثاقب في المناقب، ابن حمزه الطوسي، المتوفّي: ٥٦٠ (ه.ق)، تحقيق: نبيل رضا علوان، نشر: مؤسسه أنصاريان للطباعة والنشر، قم، ١٤١٢ (ه.ق)، الطبعة الثانية.
٢٨. ثواب الأعمال، الشيخ الصدوق، المتوفّي: ٣٨١ (ه.ق)، تحقيق و تقديم: السيّد محمّد مهدي الخراسان، نشر: منشورات الشريف الرضي، قم، ١٣٦٨ (ه.ش)، الطبعة الثانية.
٢٩. الخرائج والجرائح، قطب الدين الراوندي، المتوفّي: ٥٧٣ (ه.ق)، تحقيق و نشر: مؤسسه الإمام المهدي (عليه السلام)، بإشراف السيّد محمّد باقر الموحد الأبطحي، قم، ١٤٠٩ (ه.ق)، الطبعة الأولى، كامله محقّقه.
٣٠. الخصال، الشيخ الصدوق، المتوفّي: ٣٨١ (ه.ق)، تحقيق، تصحيح و تعليق: علي أكبر الغفّاري، نشر: منشورات جماعه المدرّسين في الحوزه العلميّه في قم المقدّسه، ١٤٠٣.

٣١. الدرّ النظيم، ابن حاتم العاملی، المتوفى: ٦٦٤ (ه.ق)، تحقيق ونشر: مؤسسه النشر الإسلامی التابعه لجماعه المدرّسين بقم المشرفه.
٣٢. دعائم الإسلام، القاضي النعمان المغربي، المتوفى: ٣٦٣ (ه.ق)، تحقيق: آصف بن علي أصغر فيضی، نشر: دار المعارف، القاهره، ١٣٨٣.
٣٣. دلائل الإمامه، محمد بن جرير الطبري (الشيعی)، المتوفى: ٤ (ه.ق)، تحقيق ونشر: قسم الدراسات الإسلامیه - مؤسسه البعثه - قم، ١٤١٣ (ه.ق)، الطبعة الأولى.
٣٤. روضه الواعظین، الفتیال النيسابوری، المتوفى: ٥٠٨ (ه.ق)، تحقيق وتقديم: السيد محمّد مهدي الخرسان، نشر: منشورات الشريف الرضي، قم.
٣٥. الروضه فی فضائل أمير المؤمنين (عليه السلام)، شاذان بن جبرئيل القمي، المتوفى: ٦٦٠ (ه.ق)، تحقيق: علي الشكرجي، ١٤٢٣ (ه.ق)، الطبعة الأولى.
٣٦. شرح إحقاق الحق، السيد المرعشي، المتوفى: ١٤١١ (ه.ق)، تعليق: السيد شهاب الدين المرعشي النجفي، تصحيح: السيد إبراهيم الميانجي، كتابه: محمود الحسيني المرعشي وميرزا علي أكبر الإيراني.
٣٧. شرح الأخبار، القاضي النعمان المغربي، المتوفى: ٣٦٣ (ه.ق)، تحقيق: السيد محمد الحسيني الجلالی، نشر: مؤسسه النشر الإسلامی التابعه لجماعه المدرّسين بقم المشرفه.
٣٨. الصحيفه السجّاديّه (الكامله)، الإمام زين العابدين (عليه السلام)، المتوفى: ٩٤ (ه.ق)، تحقيق ونشر: مؤسسه النشر الإسلامی، قم، ١٤٠٤ (ه.ق)، طبعه حجريه.
٣٩. عدّه الداعي، ابن فهد الحلّي، المتوفى: ٨٤١ (ه.ق)، تحقيق وتصحيح: أحمد الموحدي القمي، نشر: مكتبه وجداني، قم.
٤٠. علل الشرائع، الشيخ الصدوق، المتوفى: ٣٨١ (ه.ق)، تحقيق وتقديم: السيد محمد صادق بحر العلوم، نشر: منشورات المكتبه الحيدريه ومطبعتها، النجف الأشرف، ١٣٨٥ (ه.ق).
٤١. عيون أخبار الرضا (عليه السلام)، الشيخ الصدوق، المتوفى: ٣٨١ (ه.ق)، تصحيح وتذييل: السيد مهدي الحسيني اللاجوردي، نشر: رضا المشهدي، قم، ١٣٦٣ (ه.ش) الطبعة الثاني.
٤٢. عيون المعجزات، حسين بن عبد الوهاب، المتوفى: ٥ (ه.ق)، تحقيق ونشر: محمد كاظم الشيخ صادق الكتبي، ١٣٦٩ (ه.ق).

٤٣. الغيبة، الشيخ الطوسي، المتوفى: ٤٦٠ (ه.ق)، تحقيق: الشيخ عباد الله الطهراني، الشيخ علي أحمد ناصح، نشر: مؤسسه المعارف الإسلاميه، قم، ١٤١١ (ه.ق)، الطبعة الأولى.
٤٤. الفضائل، شاذان بن جبرئيل القمي، المتوفى: ٦٦٠ (ه.ق)، تحقيق ونشر: منشورات المطبعة الحيدريه ومكتبتها، النجف الأشرف، ١٣٨١ (ه.ق).
٤٥. فلاح السائل، السيد ابن طاووس، المتوفى: ٦٦٤ (ه.ق)، مركز التبليغات الاسلاميه الحوزه العلميه في قم المقدسه.
٤٦. قرب الإسناد، الحميري القمي، المتوفى: ٣٠٠ (ه.ق)، تحقيق ونشر: مؤسسه آل البيت (عليهم السلام) لإحياء التراث، قم، ١٤١٣ (ه.ق)، الطبعة الأولى.
٤٧. الكافي، الشيخ الكليني، المتوفى: ٣٢٩ (ه.ق)، تحقيق، تصحيح وتعليق: علي أكبر الغفاري، نشر: دار الكتب الإسلاميه، طهران، ١٣٦٣ (ه.ش)، الطبعة الخامسة.
٤٨. كامل الزيارات، جعفر بن محمد بن قولويه، المتوفى: ٣٦٧ (ه.ق)، تحقيق: الشيخ جواد القمي لجنه التحقيق، نشر: مؤسسه نشر الفقاهه، ١٤١٧ (ه.ق)، الطبعة الأولى.
٤٩. الغيبة، محمد بن إبراهيم النعماني، المتوفى: ٣٨٠ (ه.ق)، تحقيق: فارس حسون كريم، نشر: أنوار الهدى، ١٤٢٢ (ه.ق)، الطبعة الأولى.
٥٠. كفايه الأثر، الخزاز القمي، المتوفى: ٤٠٠ (ه.ق)، تحقيق: السيد عبد اللطيف الحسيني الكوهكمرى الخوئي، نشر: إنتشارات بيدار، قم، ١٤٠١ (ه.ق).
٥١. كمال الدين وتمام النعمه، الشيخ الصدوق، المتوفى: ٣٨١ (ه.ق)، تحقيق، تصحيح وتعليق: علي أكبر الغفاري، نشر: مؤسسه النشر الإسلامى التابعه لجماعه المدرسين بقم المشرفه، ١٤٠٥ (ه.ق).
٥٢. مائه منقبه، محمد بن أحمد القمي، المتوفى: ٤١٢ (ه.ق)، تحقيق ونشر: مدرسه الإمام المهدي (عليه السلام)، إشراف: السيد محمد باقر بن المرتضى الموحد الأبطحي، قم، ١٤٠٧ (ه.ق)، الطبعة الأولى المحققة المسنده.
٥٣. المحاسن، أحمد بن محمد بن خالد البرقي، المتوفى: ٢٧٤ (ه.ق)، تحقيق، تصحيح وتعليق: السيد جلال الدين الحسيني (المحدث)، نشر: دار الكتب الإسلاميه، طهران، ١٣٧٠ (ه.ق).
٥٤. المحتضر، الشيخ حسن بن سليمان الحلبي، المتوفى: ٨ (ه.ق)، تحقيق: سيد علي أشرف، نشر: إنتشارات المكتبه الحيدريه، ١٤٢٤ (ه.ق).

٥٥. مختصر البصائر، الشيخ حسن بن سليمان الحلّي، المتوفّي: ٨ (ه.ق)، تحقيق: مشتاق المظفر.
٥٦. مختصر بصائر الدرجات، الشيخ حسن بن سليمان الحلّي، المتوفّي: ٨ (ه.ق)، تحقيق ونشر: منشورات المطبعة الحيدريّة، النجف الأشرف، ١٣٧٠ (ه.ق)، الطبعة الأولى.
٥٧. مدينه المعاجز، السيّد هاشم البحراني، المتوفّي: ١١٠٧ (ه.ق)، تحقيق ونشر: مؤسسه المعارف الإسلاميه، بإشراف الشيخ عزّه الله المولائي، ١٤١٣ (ه.ق)، الطبعة الأولى.
٥٨. المزار، الشهيد الأوّل، المتوفّي: ٧٨٦ (ه.ق)، تحقيق ونشر: مدرسه الإمام المهدي (عليه السلام)، إشراف: السيّد محمّد باقر الموحّد الأبطحي الإصفهاني، قم، ١٤١٠ (ه.ق)، الطبعة الأولى.
٥٩. المزار، الشيخ المفيد، المتوفّي: ٤١٣ (ه.ق)، تحقيق: السيّد محمّد باقر الأبطحي، نشر: دار المفيد للطباعة والنشر والتوزيع، بيروت، ١٤١٤ (ه.ق)، الطبعة الثانيه.
٦٠. المزار، محمّد بن المشهدي، المتوفّي: ٦١٠ (ه.ق)، تحقيق: جواد القيومي الإصفهاني، نشر: نشر القيوّم، قم، ١٤١٩ (ه.ق)، الطبعة الأولى.
٦١. مشارق أنوار اليقين، الحافظ رجب البرسي، المتوفّي: ٨١٣ (ه.ق)، تحقيق: السيّد علي عاشور، نشر: مؤسسه الأعلمي للمطبوعات، بيروت، ١٤١٩ (ه.ق)، الطبعة الأولى.
٦٢. مشكاه الأنوار، علي الطبرسي، المتوفّي: ٧ (ه.ق)، تحقيق: مهدي هوشمند، نشر: دار الحديث، قم، ١٤١٨ (ه.ق)، الطبعة الأولى.
٦٣. مصباح المتهدّد، الشيخ الطوسي، المتوفّي: ٤٦٠ (ه.ق)، تحقيق ونشر: مؤسسه فقه الشيعه، بيروت، ١٤١١ (ه.ق)، الطبعة الأولى.
٦٤. المصباح، الكفعمي، المتوفّي: ٩٠٥ (ه.ق)، تحقيق ونشر: مؤسسه الأعلمي للمطبوعات، بيروت، ١٤٠٣ (ه.ق)، الطبعة الثالثه.
٦٥. معاني الأخبار، الشيخ الصدوق، المتوفّي: ٣٨١ (ه.ق)، تحقيق، تصحيح وتعليق: علي أكبر الغفّاري، نشر: مؤسسه النشر الإسلامي التابعه لجماعه المدرّسين بقم المشرفه، ١٣٧٩ (ه.ق).
٦٦. مقتضب الأثر، أحمد بن عياش الجوهري، المتوفّي: ٤٠١ (ه.ق)، تحقيق ونشر: مكتبه الطباطبائي، قم.
٦٧. مكارم الأخلاق، الشيخ الطبرسي، المتوفّي: ٥٤٨ (ه.ق)، تحقيق ونشر: منشورات الشريف الرضي، ١٣٩٢ (ه.ق)، الطبعة السادسة.

٦٨. مكّيال المكارم، ميرزا محمّد تقى الأصفهاني، المتوفى: ١٣٤٨ (ه.ق.)، تحقيق: السيد على عاشور، نشر: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، بيروت، ١٤٢١ (ه.ق.)، الطبعة الأولى.
٦٩. من لا يحضره الفقيه، الشيخ الصدوق، المتوفى: ٣٨١ (ه.ق.)، تحقيق، تصحيح وتعليق: على أكبر الغفّاري، نشر: مؤسسه النشر الإسلامی التابعه لجماعه المدرّسين بقم المشرفه، الطبعة الثانيه.
٧٠. المناقب (كتاب عتيق)، السيّد محمّد بن على العلوي، المتوفى: القرن الخامس، تحقيق: السيد حسين الموسوي البروجردی، نشر: دليل ما، قم، ١٤٢٨ (ه.ق.)، الطبعة الأولى.
٧١. مناقب آل أبي طالب، ابن شهر آشوب، المتوفى: ٥٨٨ (ه.ق.)، تحقيق، تصحيح وشرح ومقابله: لجنه من أساتذته النجف الأشرف، نشر: المكتبه الحيدريّه، النجف الأشرف، ١٣٧٦ (ه.ق.).
٧٢. نزهه الناظر وتنبیه خاطر، الحلواني، المتوفى: ٥ (ه.ق.)، تحقيق ونشر: مدرسه الإمام المهدي (عليه السلام)، قم، ١٤٠٨ (ه.ق.)، الطبعة الأولى.
٧٣. نوادر المعجزات، محمّد بن جرير الطبري (الشيعی)، المتوفى: ٤ (ه.ق.)، تحقيق ونشر: مؤسسه الإمام المهدي (عليه السلام)، قم، ١٤١٠ (ه.ق.)، الطبعة الأولى.
٧٤. نهج البلاغه، السيّد الشريف الرضي، المتوفى: ٤٠٦ (ه.ق.)، تحقيق: شرح: الشيخ محمّد عبده، نشر: دار الذخائر، قم، ١٤١٢ (ه.ق.)، الطبعة الأولى.
٧٥. وسائل الشيعة (آل البيت)، الحرّ العاملي، المتوفى: ١١٠٤ (ه.ق.)، تحقيق ونشر: مؤسسه آل البيت (عليهم السلام) لإحياء التراث، ١٤١٤ (ه.ق.)، الطبعة الثانيه.
٧٦. الهدايه الكبرى، الحسين بن حمدان الخصبي، المتوفى: ٣٣٤ (ه.ق.)، تحقيق ونشر: مؤسسه البلاغ للطباعه والنشر والتوزيع، بيروت، ١٤١١ (ه.ق.)، الطبعة الرابعه.
٧٧. اليقين، السيّد ابن طاووس، المتوفى: ٦٦٤ (ه.ق.)، تحقيق: الأنصاري، نشر: مؤسسه دار الكتاب (الجزائري)، ١٤١٣ (ه.ق.)، الطبعة الأولى.
٧٨. ينابيع المعاجز، السيّد هاشم البحراني، المتوفى: ١١٠٧ (ه.ق.).

لیست بعضی از کتابهای مرجع و مفید تألیف شده

در موضوع امام عصر (علیه السلام)

جهت مراجعه و مطالعه برای علاقه مندان به آن حضرت

کتابهای عربی:

إثبات الهداه، ج آخر شیخ خُرّ عاملی

إثبات الوصیّه، اواخر کتاب ابو الحسن مسعودی

أحادیث الغیبه، ۳ جلد مؤسسه معارف اسلامی

الإرشاد، اواخر کتاب شیخ مفید

أصول الکافی، اواخر ج ۱ شیخ کلینی

إعلام الوری، ج ۲ آخر فضل بن حسن طبرسی

الإمام المهدی فی القرآن والسنة سعید ابو معاش

إلزام الناصب، ۲ جلد شیخ علی یزدی حائری

الأنوار البهیّه، اواخر کتاب شیخ عباس قمی

الأنوار النعمانیّه، اوائل ج ۲

سید نعمت الله جزائری

بحار الأنوار، ج ۵۱ و ۵۲ و ۵۳ علامه مجلسی

بشاره الإسلام سید مصطفی کاظمی

بیان الأئمه، ۳ جلد محمّد مهدی زین العابدین

البيان فی أخبار صاحب الزمان ابو نعیم اصفهانی

جلاء العيون، اواخر ج ۳ سيّد عبد الله شُبّر

حقّ اليقين، اواخر جلد ۱ سيّد عبد الله شُبّر

حليه الأبرار، ج ۵ سيّد هاشم بحراني

الخرائج والجرائح، ج آخر قطب الدين راوندي

دلائل الإمامه، اواخر كتاب محمد بن جرير طبري

شرح الأخبار، اواخر ج ۳ قاضي نعمان مغربي

صحيفه الأبرار، آخر كتاب ميرزا محمد تقى (علامة مامقاني)

ظاهره الغيبه ودعوى السفاره ميرزا محسن آل عُصفور

عصر الظهور على كوراني

عقد الدرر يوسف بن يحيى شافعي

غايه المرام، ج ٧ سيد هاشم بحراني

الغيبه شيخ طوسي

الغيبه محمد بن ابراهيم نعماني

القطره، اواخر ج ١ و اواخر ج ٢ سيد احمد مُستنبت

كشف الأستار محدث نوري

كشف الغمّه، اواخر ج ٢ ابوالحسن اربلي

كفايه الأثر محمد بن علي خزاز قمّي

كلمه الإمام المهدي (عليه السلام) سيد حسن شيرازي

كمال الدين وتمام النعمه شيخ صدوق

المحجّه سيد هاشم بحراني

مدينه المعاجز، ج ٨ سيد هاشم بحراني

معجم أحاديث المهدي، ٣ جلد على كوراني

مكيال المكارم محمد تقى اصفهاني

الملاحم والفتن سيد بن طاوس

مناقب آل أبي طالب، ج آخر ابن شهر آشوب

منتخب الأثر لطف الله صافي گلپايگاني

منتخب أنوار المضيئه سيد بهاء الدين نجفى

المهدى الموعود المنتظر شيخ نجم الدين عسكرى

المهدى (عليه السلام) سيد صدر الدين صدر

هدايه الكبرى، آخر كتاب حسين بن حمدان خصيبى

ينابيع الموده سليمان بن ابراهيم قندوزى

يوم الخلاص كامل سليمان

کتابهای فارسی:

انوار صاحب الزمان (علیه السلام) سید حسن ابطحی

جلاء العیون علامه مجلسی

حدیقه الشیعه مقدّس اردبیلی

حق الیقین، اواخر ج ۱ علامه مجلسی

خورشید مغرب محمّد رضا حکیمی

دار السلام شیخ محمود عراقی

روزگار رهائی کامل سلیمان

فوز اکبر شیخ محمّد باقر فقیه ایمانی

کشف الحق (اربعین خاتون آبادی) میر محمّد صادق خاتون آبادی

کفایه الموحّدین، اواخر ج ۳ سید اسماعیل طبرسی

مصلح غیبی سید حسن ابطحی

ملاحم شیخ محمّد حسین همدانی

منتظر تاریخ سید علاء الدین مدرّس

منتهی الآمال، اواخر کتاب شیخ عبّاس قمی

مهدی منتظر شیخ جواد خراسانی

مهدی موعود، (ترجمه ج ۵۱ و ۵۲ و ۵۳ بحار) علی دوانی

نجم الثاقب محدّث نوری

نوائب الدهور سید حسن میرجهانی

بعلاوهی ترجمه‌ی تمامی کتابهای عربی ذکر شده.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

